

نقشه ها و نشانه ها دینه ها و گنج ها ملتها و تمدنها همگی کلماتی هستند که نیازمند هزاران کتاب برای توضیح مفاهیم شان می باشند ولی ما به اندکی اکتفا می کنیم و می پردازیم به آنچه که گذشتگان در مورد نقشه ها و نشانه ها برای ما بجای گذاشته اند آیا واقعیت دارند و حقیقت آنها چیست



آنچه که مسلم است نقشه ها و خط و نشانهایی که انسان را به سوی گنج ها و دینه های پنهان شده رهنمون می سازند واقعیهایی هستند غیر قابل انکار همه این نشانه ها و نقشه هایی که بر روی سنگها و فلزات و صخره ها و دیوارها کشیده شده اند و ساییلی بوده اند که قدیمیان از آنها برای حفاظت از اموال و داراییهای خویش در برابر جنگها و سرقتها بهره برده اند. آنان داراییهای خویش را دفن میکردند و علامتهایی را برای رسیدن به آنها در در و دیوار و صخره ها می کشیدند. بسیار می شد که این دینه ها صاحبانشان می مردند و آنان تا این زمان در در آن مکان مخفی شده قرار دارند.



با توجه به نوع فرهنگهای موجود در مناطق جغرافیایی مختلف و تفاوت فرهنگها و زبانها و تغییرات ایجاد شده در آنها چنین به نظر می رسد که این اشارات و نقشه ها به مرور زمان به گونه ای شده اند که جز قرار دهنده گان و ایجاد کننده گان آن نقشه ها ها کسان دیگر نمی توانند آن نقشه ها و رموز و اشارات را بخوانند ولی در این میان کسانی هستند که با تسلط بر فرهنگ و لغت خاصی این توانایی را در خود ایجاد می کنند و این توانایی یک توانایی اکتسابی است که شخص بواسطه مهارت خاص خویش آن را می آموزد

از این رو در این کتاب ما هر آنچه که در توان مان بوده است را بکار برده ایم تا مجموعه ای از تحقیقات و بررسیهایی را که ما را به درک و فهم کلی از علم اشارات و رموز می رساند را جمع کنیم ولی ناگفته پیداست که این کتاب شما را در پله نخست پلکان قرار می دهد تا از رموز و اشارات و نقشه ها رفع پیچیده گی کنید و آنها را درک نمایید

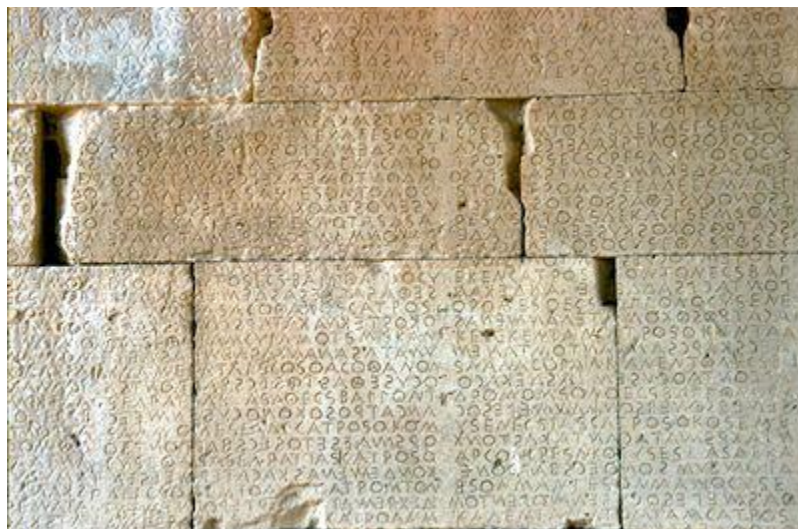
عزیز مطالعه کننده آگاه باش که در این جهان کسی نیست که بتواند هر رمزی و نقشه ای را بخواند و از آن رفع پیچیدگی نماید ولی کسانی هستند که بواسطه تفکر صحیح به دینه ها و گنجهایی دست یافته اند .

تعریف علم آثار و شناسایی مراحل آن:



تعیین تعریف برای علم باستان شناسی از جمله مسائلی است که دانشمندان زیادی بر روی آن تحقیقات گسترده ای را انجام داده اند که تاریخچه این تحقیقات به قرن ۱۷ برمیگردد زمانی که داشمند فرانسوی از لفظ آرکیولوژی archaeologia برای تعیین و تعریف علم باستان شناسی استفاده نمود. در آن زمان او این تعبیر را بر همه آنچه که از گذشتگان باقی مانده بود چه آنهایی که زیبا بودند و چه آنهایی که بشر برای زیبایی آن اهمیتی نداده بود بکار برد این لغت بعدها بر تمدن قدیمی درخشان و یا در هم بزرگ و یا ابتدایی ساده یا پیچیده مانده حفره ای که در آن مردگان خویش را دفن می کردند اگر در آن حفره اثری از یک فعالیت تاریخی و تمدن ساز یافت می شد این لغت در آنجا نیز بکار برده می شد.

خلاصه مطلب آنکه هر گونه فعالیتی در هر مرحله تاریخی شامل علم باستان شناسی می شود در واقع علم باستان شناسی بررسی هر آنچه را که از انسان گذشته باقی مانده چه اینکه این شی باقی مانده زیبا و یا زشت باشد را مورد کنکاش و بررسی قرار می دهد.



آثار باقی مانده از گذشتگان شامل دو نوع آثار می شود نخست آثار مادی ملموس و دوم آثار خطی و نوشتجات از این رو علم باستان شناسی در اصطلاح مورد بحث ما به آن علمی نیز شامل می شود که در حالی که آثار مادی از گذشتگان باقی اند را مورد بررسی قرار میدهم. نیم نگاهی هم به متون و نصوص و نوشته های باقی مانده از آنها دارد به اینگونه علم در اصطلاح فیلولوژی می گویند ، البته بررسی این دو موضوع بدون یکدیگر امری بیهوده خواهد بود ، چگونه می شود یک ساختمان و عمارت قدیمی را مورد بررسی قرار داد بدون مراجعه به کتاب باقی مانده از آن زمان که متعلق به دانشمند مشهور آن دوره فیترو فیاسی می باشد همچنین برای بررسی کنده کاریهای یونانی لازم است که نوشته های بلینی مورخ را بخوانیم تداخل بین علم لغت و علم باستان شناسی آشکار است در بسیاری از کارهای هنری و معماری که در آنها نوشته هایی نقش بسته است مانند آنچه که در معابد مصر و یا در سنگ قبرهایی که بر روی آنها بواسطه یک جوهر رنگین نوشته های نقش بسته است . این موضوع منحصر به این قسمت نیست بلکه کاغذهایی که بر روی آنها قوانین اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن دوره نقش بسته و یا نوشته جاتی که بر علمی همچون علم معماری و هنرهای دیگر نور می افشاند و آنها را توضیح می دهد و یا نوشته هایی که بر روی مقابر و معابد نصب شده اند مورد توجه کارشناسان علم باستان شناسی قرار گرفته اند.

علم بررسی نقوش شامل علم بررسی زبانها نیز می شود علم نقوش مسئولیت بررسی خط کشیده ها و نقشه ها و حروف هجا و بررسی سیر تحول این حروف را به عهده دارد و یک کارشناس امور باستان شناسی نمی تواند از این علم غفلت نماید.

آرکیولوژی را در قرن هفدهم دانشمند فرانسوی جاگ سبون بکار برد و این لفظ اصطلاحی شد در مورد بررسی موضوعات بجای مانده از گذشتگان البته این لفظ بعدا شاملیت پیدا کرد و شامل سیر تحولات انسانی و نقش تمدنها و دوره درخشان این تمدنها نیز شد.



پس علم باستان شناسی تنها کننده کاری نیست بلکه علم بررسی و تحقیق تاریخ یک اثر است. بررسی که پرده از قسمتهای تاریک یک اثر باستانی بر می دارد و مجموعه اطلاعات گرانبهایی را از یک اثر قدیم به مخاطب ارائه می دهد.

خلاصه کلام اینکه علم باستان شناسی یگانه علمی است که در حد و حدود خویش منحصر نشده و علی رغم اینکه لفظی مفرد است ولی در همین حال به قسمتهای مختلف تقسیم می شود:

- علم بررسی آثار قبل از تاریخ (Prehistoric Archaeology)
- علم بررسی آثار مصر باستان (Egyptology)

- علم بررسی آثار ایران (پارس) باستان (Ancient Persia)
- علم بررسی آثار کلاسیک (Classical Archaeology)
- علم بررسی آثار اسلامی Islamic Archaeology
- علم بررسی آثار هندی Indian Archaeology
- علم بررسی آثار شرق دور Near East Archaeology
- علم بررسی آثار مکزیک Mexican Archaeology

بررسی سایر آثار ساکنان سرزمینی که در مکانی سکنی گزیده اند و در آنجا تمدنی بنا کرده اند در حالی که امکاناتی ابتدائی و سطحی داشته اند و این تمدن اوج گرفته تا جایی که دوباره متلاشی گشته و به نقطه صفر برگشته است

نشر و گسترش زندگی انسانی در انحنای مختلف جهان و تلاش این انسان برای پیشرفت و بالا بردن سطح زندگی خویش و در جستجوی زندگی بهتر بودن در مراحل مختلف زمانی در حالی که در همین موقعیتهای زمانی انسانهایی دیگر در مناطق دیگر از جهان در قعر پس رفت و بربریت زندگی می کردند , نشان دهنده این موضوع است که نمی توان تصور نمود که بوجود آمدن تمدنی در یک منطقه جغرافیایی می تواند هم زمان باشد با ایجاد تمدن در یک منطقه دیگر باشد.

علم باستان شناسی تخصصی:

تقسیم تاریخی و مکانی میتواند علم باستان شناسی را محدود سازد , از این رو یک باستان شناس می بایست دارای اطلاعات و علوم مختلفی در زمینه های باستان شناسی و مشخصات تمدنهای مختلف و هنر و فنون هر دوره داشته باشد تا او را در درک و فهم یافته های باستانی کمک نماید , در بسیاری از زمانها تقسیمات زمانی بوجود آمدن تمدنی با تمدنی دیگر می تواند هم زمان باشد , ولی این ضروری نیست که بوجود آمدن ها با هم همزمان باشند باستان شناسی قبل از تاریخ تقسیم بندی مشترکی ما بین علوم باستان شناسی مختلف به شمار می رود , پس از آن زمان بندیهای

تاریخی که با شناسایی نوشتار آغاز می گردد که در بیشتر مواقع این علم نیز با زمان و مکان برای تعیین چارچوب این علم معین می گردد, مثلا در مورد باستان شناسی مصر این دوره شامل تمامی مراحل شکل گیری تمدن مصر باستان از زمان اسرات تا زمانی رومیهاست.

علم باستان شناسی ماقبل تاریخ: Prehistoric Archaeology



این مرحله به شناسایی باقی مانده های انسان قبل از بوجود آمدن نوشتار می پردازد از این رو در این علم توجهی به علوم زبانی نمی شود و از وسایل مخصوص خویش بهره میگیرد. اگر چه بوجود آمدن تمدنهای مختلف از لحاظ زمانی مختلف بوده است ولی از حیث بشری و مظاهر حیات و روشهای زندگی و وسایل زندگی متشابه می باشد از این رو هدف علم باستان شناسی ماقبل تاریخ, بررسی دوباره سیر تحولات تمدنهای قدیمی از ابتدا تا و از زمان بوجود آمدن انسان که به ماقبل تاریخ بر میگردد تا تا زمان تاریخی پیدایش نوشتار است.

بسیار سخت می باشد که بین زمان قبل از تاریخ از جهت تاریخی و مشخصات تفاوتی تمدنها و نیز تعیین زمان بوجود آمدن تمدنها, تمدنی خاص در آن دور را مشخص و معین نمود مثلا آغاز بوجود آمدن تمدنی در یک مکان با نوع مشابه خویش در مکانی دیگر تفاوت می کند, مثلا دوره تاریخی در مصر با دوره تاریخی در مناطق دیگر بیش از دو هزار سال تفاوت زمانی دارد, از این رو ضروری نیست که دوره های زمانی مشابه در بوجود آمدن تمدنی

با نوع مشابه آن در مکانی دیگر مشابه باشد, در هر حال این دوره ها در مورد دوره باستان شناسی قبل از تاریخ به انواع زیر تقسیم می شوند:

عصر حجر قدیم (سنگی قدیم) Paleolithic

عصر حجر میانه (سنگی میانه)

عصر حجر جدید (سنگی جدید)

عصر برنجی (مس)

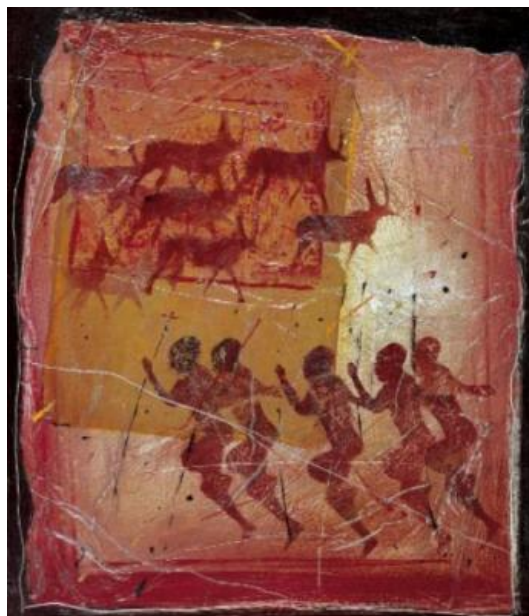
عصر برنزی

عصر آهن

در مورد آغاز و پایان این دوره ها هنوز در میان دانشمندان علم باستانشناسی اختلافاتی وجود دارد.

علم باستان شناسی ماقبل تاریخ از آنجاییکه همراه با اسناد نوشتاری نیست در تعیین نوع و حتی زمان ایجاد بسترهای تمدنی نیازمند توجه و دقت ویژه ای است و دستهای سفیدی را می خواهد تا پرده از این دوران مجهول برداشته و نسبت به کشف اطلاعات آن زمان همت گمارد با این همه ما توضیحات مختصری را در مورد دوره های علم باستان شناسی عرضه میکنیم

نخست عصر حجر قدیم:

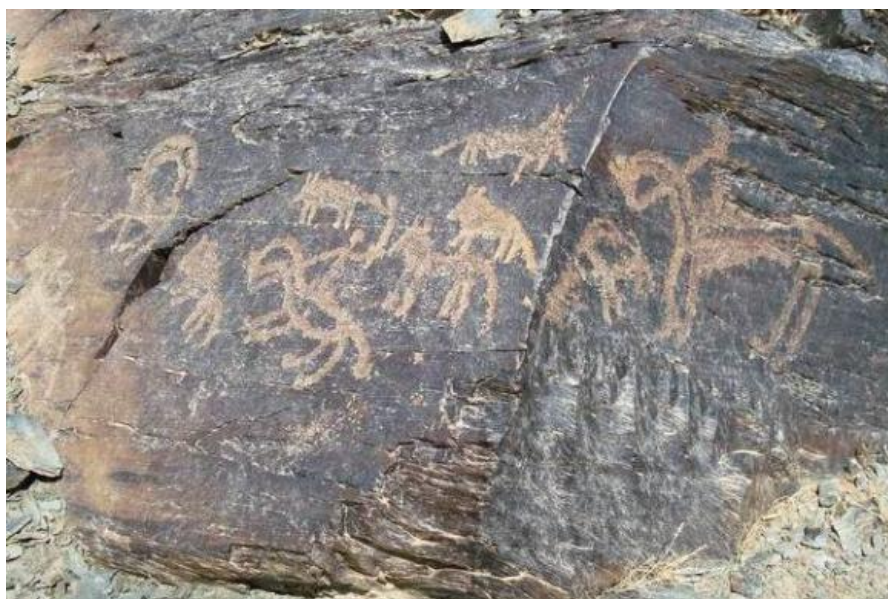


بررسی دوره باستان شناسی عصر حجر قدیم نیازمند تسلط به علوم جیولوژی و نیز انتر و بولوژیا می باشد چون از جهت جغرافیایی بیشتر بررسی این دوره در مورد انسانهای نخستینی که در غارها سکنی و مامن گزیده بودند قابل اجراست، از نمونه های این دوره می توان به غارهایی در لیبی و فرانسه و نقاط مختلف ایران مثل لرستان و خوزستان اشاره کرد که با بارش باران و نیز جاری شدن سیلها و عوارض جغرافیایی این غارها معمولا اسیر تلاطماتی می شدند که گاهی مواقع آثار زندگی در این مواقع کلا از دیده ها پنهان می گردید و گاهی کلا غار دچا تا کل یا به عللی که ذکر گردید از خاک پر می گردید.

از این رو باستانشناس این دوره باید در این میانه در دنبال ادوات و وسایلی باشد که انسان آن زمان از آنها بهره و استفاده می کرده است اینگونه ادوات معمولا در عمقهای زیاد پنهان می گردیده اند، بگونه ای که بخاطر همین عوامل جغرافیایی که قبلا ذکر شده از دیده پنهان میگردیدند از این رو باستان شناس و کنده کار اینگونه آثار می بایست اطلاعاتی دقیق از این دوره داشته باشد.

از جمله مشکلاتی که در بررسی این اماکنه مواجهیم روبرو شدن با یک راههای باریکه ای است که کمتر شباهتی با غار دارند و قابل سکونت نیستند و لی دلالتی بر وجود انسان در اینگونه اماکنه میکند همچون باریک راههای که در یکی از استان های بریتانیا در منطقه ویندی پیتس یافته شده است. معمولا وسایل استفاده شده در آن عصر در

مکانهای کشف شده بصورتی که به علل جغرافیایی ماهیت خود را از دست می دهند و تشخیص آنها نیازمند دقت فراوان است.



آنگونه که آب می تواند یکی از دلایل شکل گیری زندگی در آن دوره باشد همچنین آب باعث کشیده شدن آن وسایل به مناطق دیگر نیز باشد تا کل و از بین رفتن منجر به تجربه آن وسایل میگردیده است، از وسایلی که از آن عصر میتواند بیشتر باقی بماند میتوان به ، سر نیزه های سنگی و یا نقاشی های زیبا که بر روی سنگها و غارها کشیده شده اشاره کرد از جمله آن نقاشی ها میتوان به یافته هایی در لیبی و غارهای آهکی ایران اشاره نمود.

عصر حجر میانه:



از وسایل باقی مانده از این دوره میتوان به خصوصیت کم حجم بودن آنها اشاره نمود دیگر خبری از سرنیزه های بزرگ سنگی نیست بلکه سرنیزه ها و کلاهها و کمد های ساخته شده با خیزران در اینگونه وسایل باقی مانده خودنمایی می کند از تمدن یافت شده در محل ماجلی موز در دانمارک و نمونه های کشف شده در مراغه که دارای طبیعتی ساحلی است می توان به عنوان نمونه از آن عصر یاد نمود، البته رویکر وجود برخی اقامتگاههای در اینگونه مراکز مانند محلی بنام فیر آنتاردانو در فرانسه که وابستگی عمیق بین وقوع چنین تمدنی و وجود آب و خورشید تابان وجود داشته است.

عصر حجری جدید:



از مشخصات این دوره باستانی میتوان به وجود آمدن وسایل جدید که نشان از دست یافتن انسان به زراعت و نیز اهلی کردن حیوانات است اشاره نمود این وسایل کم حجم و لی به دقت صیقل داده شده اند عمارت هایشان بواسطه اختلاف جغرافیایی دارای تفاوت هایی است.

علم باستان شناسی مصری: Egyptology

باستانشناسی مصری بررسی آثار باقیمانده از مصر باستان را به عهده دارد از حصه زمانی بررسی این دوره از آغاز ماقبل تاریخ تا زمان فتح مصر امتداد دارد ولی از جهت جغرافیایی حدود جغرافیایی آن عبارت است از از شمال به دریایی متوسط از شرق به دریایی سرخ از جنوب به سرزمینهای دولت بزرگ و از غرب به صحرای لیبی.



علی رغم اینکه تعیین حدود و مرزهای جغرافیایی باستانشناسی مصری آسان است ولی باید توجه نمود که ما با تمدنی استوار مواجهیم که کیان و شخصیت متمایزی برخوردار است و حتی میوه خویش را در قالب تمدن مصر زمان فرعون و حتی در دو زمان یونانی و رومانی داده است و اگر از جهت جغرافیایی هدف ما همان مصر مکانی است از جهت زمانی منظورمان آغاز پیدایش تمدن در این سرزمین از ماقبل تاریخ تا به زمان عهد یونانی و انتهای عهد رومانی است.

میتوان از جهت مساحت تاریخی مصر قدیم را به دوره های ذیل تقسیم کرد:

دوره بالیوبولیتی ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد

دوره نیو بولیتی از ۱۰۰۰۰ سال قبل میلاد تا ۶۰۰۰ قبل میلاد یا ۵۰۰۰ قبل میلاد

زمان مس ۶۰۰۰ قبل میلاد یا ۵۰۰۰ و ۳۰۰۰ قبل میلاد

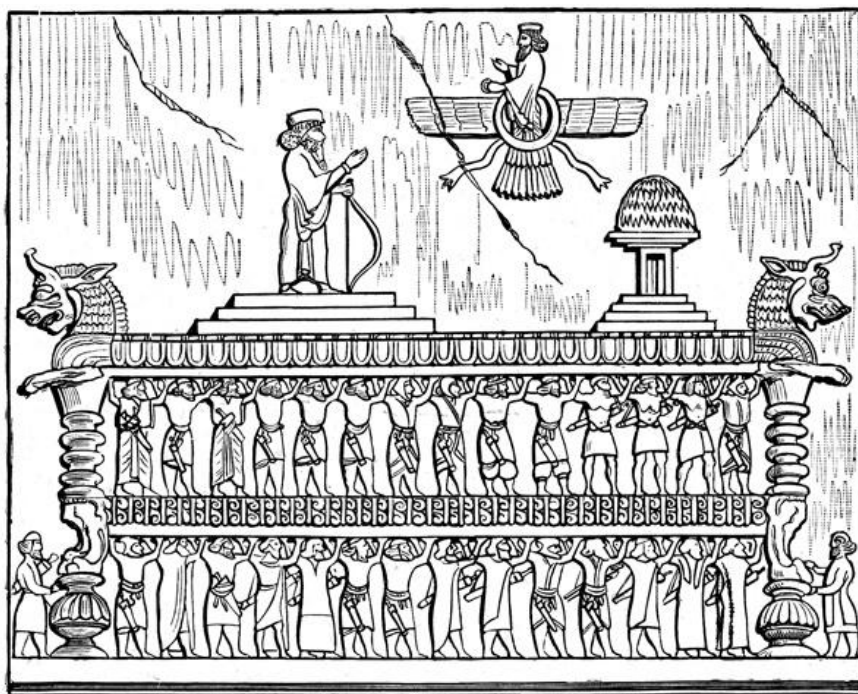
عصر فرعونى ۳۳۲ سال قبل ميلاد

عصر يونانى ۳۱ سال قبل ميلاد

عصر روماني ۶۴۲ ميلادی

تمدن مصر باستان از هزار چهارم قبل ميلاد تا زمان حمله فارسها (ايرانيان) نمود پيدا مى كند در سال ۵۲۵ كه سلسله زمانه‌اي است كه هم شاهد صعود و هم شاهل سقوط و افول بوده كه هم درخشان و هم تاريخى مى باشد.

باستان شناسى ايران باستان: Persia Archaeology:



ايران كهن يكي از كهن ترين و تمدنى ترين كشور و تمدن در بين تمامى تمدن هاى دنياست. از آنجاى كه تمدن ايران بسيار وسيع بوده و كتبى وسيع مى خواهد ما در اينجا فقط به بخش مهم تر تمدن كهن عزيزمان ايران رجوع مى كنيم و در فصول آتى اين مجموعه توضيحات بيشترى ارائه خواهيم داد.

هنگامی که سخن از تاریخ ایران می‌رود، باید به این نکته توجه داشت که آیا منظور تاریخ اقوام و مردمانی است که از آغاز تاریخ تا کنون در مرزهای سیاسی ایران امروزی زیسته‌اند یا تاریخ اقوام و مردمانی است که خود را به نحوی از انحاء ایرانی می‌خوانده‌اند و در جغرافیایی که دربرگیرندهٔ ایران امروز و سرزمین‌هایی که از دیدگاه تاریخی بخشی از ایران بزرگ (ایران‌شهر) بوده‌است زیسته‌اند. گاه تاریخ ایران را از ورود آریایی‌ها (که نام ایران نیز از ایشان گرفته شده‌است) به فلات ایران آغاز می‌کنند. ولی این به این معنی نیست که فلات ایران تا پیش از ورود ایشان خالی از سکنه یا تمدن بوده‌است. پیش از ورود آریاییان به فلات ایران تمدنهای بسیار کهنی در این محل شکفته و پژمرده شده بودند و تعدادی نیز هنوز شکوفا بودند. برای نمونه تمدن شهر سوخته (در سیستان)، تمدن عیلام (در شمال خوزستان)، تمدن جیرفت (در کرمان)، تمدن ساکنان تپه سیلک (در کاشان)، تمدن اورارتو (در آذربایجان)، تپه گیان (در نهاوند) و تمدن مانناییان در کردستان و آذربایجان. کاسی‌ها در (لرستان امروز) ذکر می‌شود.



آجر مونومنت ایزیرتو در موزه شرق توکیو مربوط به تمدن مانناییان، Glazed brick from Bukan depicting
Orient Museum Tokyo, Japan Tanabe 1983 a winged goat from the Ancient

نکتهٔ مهم دیگر شناخت وضع مناطق داخلی ایران در زمان شکل‌گیری و رواج تمدن‌های کهن است. یعنی فهم اینکه در زمان تمدن‌ها و دولت‌های باستانی چون سومر، کلده، اور، بابل، آشور، اورارتو و نظائر آن، وضع این مناطق داخلی فلات ایران، که مجزا از منطقه مستقیم تحت حاکمیت این تمدن‌ها و دولت‌ها بوده‌است، به چه نحوی جریان داشته‌است؟

ایران پیش از آریاییان



دیوارنگاری غار دوشه، خرم آباد لرستان، حدود هزاره هشتم پیش از میلاد



شماره ۱: ظرف سفالین کشف شده در تل باکون فارس حدود ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد
شماره ۲: جام یا گلدان سفالین کشف شده در شوش، خوزستان کنونی. حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد



ظروف متعلق به تمدن جیرفت، هزاره سوم پیش از میلاد



در طول تاریخ «ایران» یکی از رایج ترین نام های سرزمین و جغرافیای **نامهای ایران** بوده است. واژه **ایران** (به

[illegible]

واژه «آریا» در زبان‌های اوستایی، پارسی باستان و سانسکریت به ترتیب به شکل‌های «آئیریّه»، «آریهو» (آریه) به کار رفته‌است. همچنین در زبان سنسکریت «آریه» به معنی سرور و مهتر و «آریکه» به معنی مرد شایسته‌هیزرگداشت و حرمت است و آریایی به زبان اوستایی «آئیرین» و به زبان پهلوی و پارسی دری «ایر» خوانده می‌شود و ایرج به زبان آریایی‌است. ایر در واژه به معنی «آزاده» و جمع آن «ایران» به معنی «آزادگان» است.

«ایران» در واژه به معنی «سرزمین آریاییان» است و مدت‌ها پیش از اسلام نیز نام بومی آن ایران، اِران، یا ایران‌شهر بود. ایران در عرصه جهانی تا سال ۱۹۳۵ رسماً «پرشیا» نامیده می‌شد. در آن سال رضا شاه دستور داد تا نام جهانی کشور نیز مانند نام بومی آن، «ایران» بشود. این تصمیم مورد اعتراض گروهی از سیاستمداران و پژوهشگران قرار گرفت که معتقد بودند این کار موجب ایجاد شکاف بین پیشینه تاریخی کشور با ایران امروز می‌شود. در نهایت محمدرضا پهلوی در سال ۱۹۵۹ اعلام کرد که هر دو نام قابل استفاده است.

تاریخ

به دلیل غنی بودن تاریخ ایران، در این بخش فقط خلاصه‌ای از هر دوره قرار داده شده‌است. تاریخ ایران در این جا به چهار بخش اصلی تقسیم شده‌است. با توجه به اینکه هر چه به تاریخ امروز (معاصر) نزدیک می‌شویم، بر اهمیت تاریخ افزوده می‌شود، در اینجا تلاش شده‌است که بیشتر به تاریخ نزدیک پرداخته شود، یعنی طبق یک سیر صعودی، هر چه گفتگو به تاریخ امروز نزدیک تر می‌شود، بیشتر به آن مبحث پرداخته شود.

پیش از تاریخ



دیوارنگاری غار دوشه، خرم آباد لرستان، حدود هزاره هشتم پیش از میلاد

دوره پیش از تاریخ خود به سه دوره تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- دیرینه‌سنگی. ۲- میان‌سنگی. ۳- نوسنگی. دوران پارینه‌سنگی ایران به سه دوره پارینه‌سنگی آغازین، میانی، پایانی و یک دوره کوتاه بنام نوسنگی تقسیم می‌شود.

دیرینه‌سنگی

فرهنگ‌های مرتبط با دیرینه‌سنگی ایران شامل فرهنگ ساطور ابزار الدوان و فرهنگ تبر دستی آشولی هستند. کهن‌ترین شواهد این دوره که مربوط به فرهنگ الدوان است در اطراف رودخانه کشف رود در خاور مشهد یافت شده‌است. این شواهد شامل شماری ابزار سنگی ساخته شده از کوارتز است که شامل تراشه و ساطور ابزار هستند. بنا به نظر کاشفین این مجموعه دست کم ۸۰۰ هزار سال پیشینه دارد. از فرهنگ آشولی نیز مدارک بیشتری در شمال غرب و غرب کشور بدست آمده‌است. برخی از مکانهای مهم شامل گنج پر در رستم آباد گیلان، شیوه تو در نزدیکی مهاباد، پل باریک در هلیلان لرستان هستند.

میان‌سنگی

از دوران میان‌سنگی که فرهنگ ابزار سازی آن موستری گفته می‌شود، شواهد بیشتری در غارها و پناهگاه‌ها یافت شده‌است که بیشتر مربوط به زاگرس مرکزی هستند. این دوره از حدود ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال پیش آغاز شده و تا حدود ۴۰ هزار سال پیش ادامه داشته‌است. انسان‌های نئاندرتال در این دوره در ایران می‌زیستند که بقایای اسکلت آن‌ها در غار بیستون یافت شده‌است. مکان‌های مهم این دوره غارهای بیستون، ورواسی، قبه و دو اشکفت در شمال کرمانشاه، غار قمری و گرا رجنه در اطراف خرم‌آباد، کیارام در نزدیکی گرگان، نیاسر و کفتار خون در نزدیکی کاشان، قلعه بزی در نزدیکی اصفهان و میرک در نزدیکی سمنان است.

نوسنگی

دوران نوسنگی ایران از حدود ۴۰ هزار سال پیش آغاز و تا حدود ۱۸ هزار سال پیش ادامه یافته که برابر با کوچ انسان هوشمند به ایران است. آثار این دوره در اطراف کرمانشاه، خرم‌آباد، مرودشت و کاشان یافت شده‌است. فرهنگ ابزار سازی این دوره تیغه و ریز تیغه برادوستی است. آثار دوره بعدی فراپارینه سنگی در غرب زاگرس و شمال البرز بدست آمده که فرهنگ زرزی خوانده می‌شود.

پیش از مادها (به شکل تمدن)

به دلیل تعدد تمدن‌ها، در این بخش فقط به بررسی برخی از تمدن‌های مهم و قابل توجه پرداخته شده‌است.

تمدن شهر سوخته



نمایی از جنوب شهر سوخته

شهر سوخته نام بقایای شهری باستانی است که در فاصله شهرهای زابل و زاهدان در استان سیستان و بلوچستان کنونی واقع شده است. این شهر در ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد پایه گذاری شده و مردم این شهر در چهار دوره بین سال های ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ پیش از میلاد در آن سکونت داشته اند.

به باور برخی باستان شناسان این شهر را باید کهن ترین شهر جهان دانست چرا که محدود شهرهای پیش از آن، از نظر امکانات و اصول شهرنشینی با آن قابل مقایسه نیستند

تمدن عیلام:

عیلامی ها یا ایلامیان یکی از اقوام سرزمین کنونی ایران بودند که از ۳۲۰۰ تا ۶۴۰ پیش از میلاد، بر بخش بزرگی از مناطق جنوب غربی فلات کنونی ایران فرمانروایی می کردند. تمدن عیلام یکی از کهن ترین و نخستین تمدن های جهان است. بر اساس بخش بندی جغرافیایی امروز، عیلام باستان سرزمین های خوزستان، فارس، ایلام و بخش هایی از استان های بوشهر، کرمان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه و در دوران هایی تا جنوب دریاچه ارومیه را شامل می شد.

تمدن جیرفت:

تمدن جیرفت یا شهرنشینی جیرفت نام یافته های باستانشناسی تازه ای است که در استان کرمان ایران در نزدیکی جیرفت و هلیل رود. این تمدن مربوط به ۷۰۰۰ [۱۹][۲۰][۲۱][۲۲][۲۳][۲۴] سال پیش (پیش از تمدن بین النهرین) است. و به این روش به عنوان کهن ترین تمدن خاور شناخته می شود که در دشت خوش آب و هوا و حاصلخیز هلیل رود سکنی داشته اند. در این محل چند لوح گلی یافت شده و به خطی هندسی روی آن مطالبی نوشته شده که هنوز رمز گشایی نشده ولی در کل روایت گر آنست که این مردم سازنده خط و زبان بوده اند نه سومریان. پیش از این پنداشته می شد نخستین مخترعین خط، در آغاز سومریان (۳۶۰۰ پ. م.) و سپس ساکنان نواحی جنوبی میان رودان و تمدن ایلام در خوزستان باشند.

سایر تمدن ها:

- تپه سیلک
- تمدن اورارتو

- [کاسی‌ها](#)
- تمدن تپه گیان

پس از مادها (تا پیش از اسلام)

ماد نام قومی [هندواروپایی](#) مرتبط با [پارسی‌ها](#) بود که در سده ۱۷ پیش از میلاد در سرزمینی که بعدها به نام ماد شناخته شد نشیمن گزید. بر پایه برخی منابع مادها میان سده‌های ۹ تا ۷ پیش از میلاد حکومتی یکپارچه برای سرزمین‌های مادی تشکیل ندادند همچنین آن‌چه از متون آشوری - که اسنادی معاصر با دوران مادها هستند - برمی‌آید، آن است که مادها از سده نهم تا هفتم پ.م. نتوانسته بودند چنان پیش‌رفتی بیابند که سبب هم‌گرایی و یک پارچگی و سازمان‌یافتگی قبایل و طوایف پراکندهٔ ماد بر محور یک رهبر و فرمان‌روای برتر و یگانه - که بتوان وی را پادشاه کل سرزمین‌های مادنشین نامید؛ آن‌گونه که هردوت «دیوکس» را چنین می‌نماید - شده باشد.

پس از مادها، هخامنشیان بودند.



پهناوری پادشاهی [هخامنشیان](#) (۵۵۹-۳۳۰ پیش از میلاد)

هخامنشیان (۳۳۰-۵۵۰ قبل از میلاد) نام دودمانی پادشاهی در ایران پیش از [اسلام](#) است. پادشاهان این دودمان از پارسیان بودند و تبار خود را به «[هخامنش](#)» می‌رساندند که سرکرده طایفه [پاسارگاد](#) از طایفه‌های پارسیان بوده‌است. هخامنشیان نخست پادشاهان بومی [پارس](#) و سپس [انشان](#) بودند ولی با شکستی که [کوروش بزرگ](#) بر [ایشیویگو](#) واپسین پادشاه [ماد](#) وارد ساخت و سپس گشایش [لیدی](#) و [بابل](#) پادشاهی هخامنشیان تبدیل به شاهنشاهی بزرگی شد. از این رو [کوروش بزرگ](#) را بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشی می‌دانند. به قدرت رسیدن پارسی‌ها و سلسله هخامنشی یکی از

رویدادهای مهم تاریخ گذشته است. اینان دولتی بنیان نهادند که جهان گذشته را به استثنای دو سوم یونان تحت تسلط خود در آوردند. شاهنشاهی هخامنشی را نخستین امپراتوری تاریخ جهان می‌دانند. هخامنشیان ۲۲۰ سال (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۳۳۰ پیش از میلاد) بر بخش بزرگی از جهان شناخته شده آن روز از رود سند تا دانوب در اروپا و از آسیای میانه تا شمال شرقی آفریقا فرمان راندند. شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر مقدونی برافتاد. پس از مرگ اسکندر (۳۲۳ پیش از میلاد) فتوحاتش میان سردارانش تقسیم شد و بیشتر متصرفات آسیایی او که ایران هسته آن بود به سلوکوس اول رسید. به این ترتیب ایران تحت حکومت سلوکیان در آمد. سلوکیان یا اسالکه نام دولتی بود که در میان سال‌های ۳۱۲ تا ۶۴ پیش از میلاد بر آسیای غربی فرمان می‌راند. پس از مدتی پارتها نفوذ خود را گسترش دادند و سرانجام توانستند عاملی برای نابودی سلوکیان شوند.

اشکانیان:

اشکانیان (۲۵۰ پ. م تا ۲۲۴ م.) که از تیره ایرانی پرنی و شاخه‌ای از طوایف وابسته به اتحادیه داهه از عشایر سکاهای حدود باختر بودند، از ایالت پارت که مشتمل بر خراسان امروزی بود برخاستند. نام سرزمین پارت در کتیبه‌های داریوش پَرثَوَه آمده است که به زبان پارتی پهلوی می‌شود. چون پارتیان از اهل ایالت پَهَلَه بودند، از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را پهلوی نیز می‌توان خواند. قبایل پارتی در آغاز با قوم داهه که در خاور دریای مازندران در آمل می‌زیستند در یک جا سکونت داشتند و سپس از آنان جدا شده در ناحیه خراسان مسکن گزیدند.

این امپراتوری در دوره اقتدارش از رود فرات تا هندوکش و از کوه‌های قفقاز تا خلیج فارس گسترش یافت. در دوران اشکانی جنگ‌های ایران و روم آغاز شد. حاصل عمده فرمانروایی اشکانیان، رهائی کشور ایران از سلطه همه جانبه یونانی که هدف نابودی ایران گرائی رادر سر می‌پروراند و پاسداشت تمدن ایران از یورشهای ویرانگر طوایف مرزهای شرقی و نیز، پاسداشت تمامیت ایران در برابر تجاوز خزنده روم به سوی خاور بود. در هر سه مورد، مساعی آنان اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای تاریخ ایران داشت. جنگهای فرساینده با روم عامل عمده‌ای در ایجاد ناخرسندی‌هایی شد که میان طبقات جامعه حاصل می‌شد.

ساسانیان:

پیش از آریاییان تمدن‌های شهر سوخته (در سیستان)، تمدن ایلام (در شمال خوزستان)، تمدن جیرفت (در کرمان)،
تمدن ساکنان تپه سیلک (در کاشان)، تمدن اورارتو (در آذربایجان)، تپه گیان (در نهاوند) و تمدن کاسی‌ها (در
کرمانشاه و لرستان) و تپورها در تبرستان (مازندران) در سرزمین ایران بودند.

ایلامیان یا عیلامی‌ها از هزاره چهارم پ. م. تا هزاره نخست پ. م.، بر بخش بزرگی از مناطق جنوب غربی پشته ایران
فرمانروایی کردند. به قدرت رسیدن حکومت ایلامیان و قدرت یافتن سلسله عیلامی پادشاهی اوان در شمال دشت
خوزستان مهم‌ترین رویداد سیاسی ایران در هزاره سوم پ. م. است. تا پیش از ورود مادها و پارسی‌ها، تاریخ سرزمین
ایران منحصر به تاریخ عیلام است.

دانش پژوهشی‌های نوین نشان می‌دهد که عنصر ایرانی زبان همواره در میان تیره‌های به اصطلاح آسیانیک دخیل
بوده‌اند.

ایران و آریاییان

نظریه‌ای که امروز بیش از هر نظریه دیگری در میان صاحب‌نظران مقبول است اینست که قبایلی که خود را آریایی
(آریایی در زبان ایشان به معنی شریف یا نجیب بود) می‌خواندند در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد (در این تاریخ
اختلاف بسیار است) به فلات ایران سرازیر شدند. از بررسی اساطیر و زبان ایشان برمی‌آید که ایشان خویشاوندی
نزدیک با هندیان داشتند و گویا پیش از آمدن آنان به ایران و مهاجرت دسته‌ی دیگر به هند با هم می‌زیستند. به هر
حال آنچه مسلم است اینست که هر دو دسته خود را آریایی می‌خواندند.

بخش‌بندی تاریخ ایران

نکته دیگر آنکه معمولاً تاریخ ایران را به دو دوره کلی تاریخ ایران پیش از اسلام و تاریخ ایران پس از اسلام تقسیم
می‌کنند.

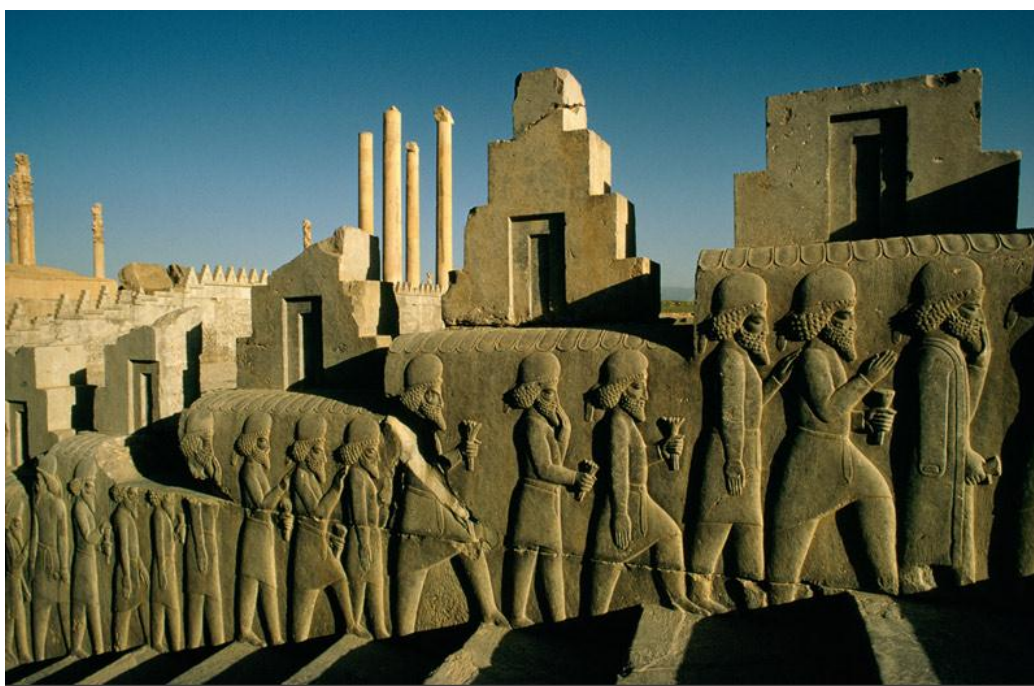
دو روایت مختلف از تاریخ ایران پیش از اسلام وجود دارد: یکی روایت سنتی که مبتنی بر تواریخ سنتی است (شامل
شاهنامه) و از نخستین پادشاه کیومرث (که پادشاه جهان و نه فقط ایران است) آغاز می‌شود و شامل سلسله‌های

پادشاهی پیشدادیان، کیانیان، ملوک الطوائفی (اشکانیان) و ساسانیان است. این روایت سنتی به یک معنی روایتی اسطوره‌ای از تاریخ ایران است و شامل اطلاعات ذی‌قیمت مردم‌شناسانه و اسطوره‌شناسانه است.

روایت دیگر روایت مبتنی بر تواریخ خارجی (شامل تواریخ یونانی، ارمنی، رومی) و مدارک و یافته‌های باستانشناسی (شامل کتیبه‌ها و سکه‌ها) و به طور کلی روایتی مدرن و علمی است. در این روایت خاندان‌های پادشاهی در ایران پیش از اسلام از قرار زیرند: ماده‌ها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان.

شاید بسیاری باور نمایند که از سال سی‌ام هجری که سال مرگ یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است تا سال ۱۳۴۴ هـ ق (= ۱۳۰۴ هـ خ) که تاریخ برافتادن قاجاریان می‌باشد در درون حدود طبیعی ایران بیش از یکصد و پنجاه خاندان به استقلال یا نیمه استقلال پادشاهی کرده‌اند و از میان ایشان تنها چهار خاندان سلجوقیان و مغولان و صفویان و نادر شاه را می‌توان گفت که بر سراسر ایران حکمروا بودند. از دیگران طاهریان، سامانیان، صفاریان، غزنویان، بویه‌یان، خوارزمشاهیان، قره‌قویونلویان، آق‌قویونلویان، زندیان، قاجاریان اگر چه پادشاهان بزرگ و بنام بودند هیچ کدام سراسر ایران را زیر فرمان نداشتند. آن دیگران هم جز خاندان‌های کوچکی نبودند که هر کدام بر یک یا دو ولایت فرمانروا بودند

در زمینه دودمان‌ها باید این را به اشاره یادآوری کرد که در یک دوره که آل جلایر نیز بر بخش‌هایی از ایرانزمین فرمان می‌راندند، حدود بیست دودمان بر ایران فرمانروا بودند.



دودمان‌های دوران پیش از اسلام

- ماد (آغاز قرن هشتم ق. م. - ۵۵۰ ق. م.) بنیان‌گذار (دیاکو) (هوخستره)
- هخامنشی (۵۵۹ ق. م. - ۳۳۰ ق. م.) بنیان‌گذار کوروش بزرگ شهریار معروف داریوش بزرگ
- سلوکیان (۳۳۰ ق. م. - ۱۲۹ ق. م.) بنیان‌گذار سلوکوس یکم
- اشکانیان (۲۵۶ ق. م. - ۲۲۴ م.) بنیان‌گذار اشک یکم شهریاران بزرگ مهرداد یکم ارد یا اشک سیزدهم
- ساسانیان (۲۲۴ م. - ۶۵۲ م.) بنیان‌گذار (اردشیر بابکان) شهریاران بزرگ شاپور یکم، شاپور دوم و انوشیروان دادگر.

دودمان‌های پس از اسلام

- طاهریان (۸۲۰ - ۸۷۳ م. / ۲۰۵ - ۲۵۹ ه. ق. / ۱۹۹ - ۲۵۲ خ.) بنیان‌گذار طاهر ذوالیمینین
- صفاریان (۸۷۵ - ۹۰۰ م. / ۲۶۱ - ۲۸۷ ه. ق. / ۲۵۴ - ۲۷۹ خ.) بنیان‌گذار یعقوب لیث
- سامانیان (۸۷۵ - ۹۹۹ م. / ۲۶۱ - ۳۸۹ ه. ق. / ۲۵۴ - ۳۷۸ خ.) بنیان‌گذار نصر اول شهریاران بزرگ اسماعیل بن احمد و نصر بن احمد

- زیاریان (۹۲۸ - ۱۰۷۰ م. / ۳۱۵ - ۴۶۲ ه. ق. / ۳۰۶ - ۴۴۹ خ.) بنیان گذار مرداویج پسر زیار شهریار معروف قابوس بن وشمگیر
- بوییان (۹۳۲ - ۱۰۴۹ م. / ۳۲۰ - ۴۴۰ ه. ق. / ۳۱۱ - ۴۲۸ خ.) بنیان گذار عمادالدوله علی شهریار بزرگ عضدالدوله
- غزنویان (۹۹۸ - ۱۱۶۰ م. / ۳۸۸ - ۵۵۵ ه. ق. / ۳۷۷ - ۵۳۹ خ.) بنیان گذار سلطان محمود غزنوی
- سلجوقیان (۱۰۳۸ - ۱۱۹۴ م. / ۴۲۹ - ۵۹۰ ه. ق. / ۴۱۷ - ۵۷۳ خ.) بنیان گذار طغرل بیک شهریاران بزرگ ملکشاه و سلطان سنجر
- خوارزمشاهیان (۱۰۷۸ - ۱۲۲۰ م. / ۴۷۰ - ۶۱۷ ه. ق. / ۴۵۶ - ۵۹۹ خ.) بنیان گذار (انوشکین غرجه) شهریاران معروف: محمد خوارزمشاه
- ایلخانان مغول (۱۲۵۶ - ۱۳۳۶ م. / ۶۵۴ - ۷۳۶ ه. ق. / ۶۳۵ - ۷۱۴ خ.) بنیان گذار هولاکو خان
- تیموریان (۱۳۷۰ - ۱۴۹۸ م. / ۷۷۱ - ۹۰۳ ه. ق. / ۷۴۸ - ۸۷۷ خ.) بنیان گذار تیمور گورکانی
- صفویان (۱۵۰۱ - ۱۷۲۳ م. / ۹۰۶ - ۱۱۳۵ ه. ق. / ۸۷۹ - ۱۱۰۲ خ.) بنیان گذار شاه اسماعیل اول شهریار بزرگ شاه عباس
- افشار (۱۷۳۵ - ۱۷۴۸ م. / ۱۱۴۸ - ۱۱۶۱ ه. ق. / ۱۱۱۴ - ۱۱۲۷ خ.) بنیان گذار نادرشاه
- زند (۱۷۵۰ - ۱۷۹۵ م. / ۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ ه. ق. / ۱۱۲۹ - ۱۱۷۳ خ.) بنیان گذار کریم خان زند
- قاجار (۱۷۹۵ - ۱۹۲۷ م. / ۱۲۰۹ - ۱۳۴۵ ه. ق. / ۱۱۷۳ - ۱۳۰۵ خ.) بنیان گذار آغا محمد خان شهریار بزرگ ناصرالدین شاه
- سلسله پهلوی (۱۹۲۶ - ۱۹۷۹ م. / ۱۳۴۴ - ۱۳۹۹ ه. ق. / ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ خ.) بنیان گذار رضا شاه
- جمهوری اسلامی (آغاز ۱۹۷۹ م. / ۱۳۹۹ ه. ق. / ۱۳۵۷ خ.) بنیان گذار روح الله خمینی



باستان‌شناسی کلاسیک به بررسی دو تمدن یونان و روم می‌پردازد. با توجه به وجود تشابهات در میان این دو تمدن و مشکلاتی که در بررسی‌های انجام شده بر روی آنها بوجود آمده ضرورت دارد این نوع باستان‌شناسی را به دو قسمت باستان‌شناسی اغرینقی و نیز باستان‌شناسی رومی تقسیم کنیم که در این صورت و با بوجود آمدن فرع‌های دیگر تأثیرات این دو تمدن بر یکدیگر و نقاط اشتراک و افتراق آنها بخوبی مشخص و معین می‌گردد، خصوصاً اخیراً که با سیطره تمدن روم این تمدن بر بسیاری از مراکز اصلی تمدن یونان نیز سایه افکنده است.

نخست باستان‌شناسی اغریق: Graeco Archaeology



توجه زود هنگام به این نوع باستان‌شناسی موجبات پیشرفت علمی و تخصصی آن شده مساحت زمانی و مکانی آن در سه بخش قابل تقسیم است:

۱- تمدن میناوی که مرکز آن کریت و مساحت زمانی آن به بیش از ۳۰۰۰ سال تا ۱۲۰۰ سال قبل میلاد می‌گردد

۲- تمدن هلنی که مرکز آن یونان و منسوب به هیلالیس hellas اسم قدیمی آن است

۳- تمدن سیکلادی cycladic که منسوب به جزایری در یونان که شامل مناطقی چون دیلوس و اندروس و زیا و ناکسوس و باروس می‌گردد

زمانی که تمدنی فرعونى در اوج بود در ناحیه دریای ایجه اولین تمدنهای میناوی در کریت بوجود آمد و از مراکز مهم آن شهرهای کلوس و فایستوس و هاجیا تریادا و مالیا بود بعد از آن تمدن هومیروس در مورد آن با ما سخن گفته است بوجود آمد تمدن مینوس minos که در افسانه اغریقیه از آنها نام برده شده است و تیکودیس به عنوان سرور دریاها از آن یاد کرده آنها دریانوردان بودند و به علت نوع قرار گرفتن آن منطقه آنجا به یک مرکز مهم تجاری و دریایی تبدیل شده بود



تمدن میناوی به اوج درخشندگی خود در هزاره دوم در حالی که خانواده دوازدهم بر مصر حکومت میکرد دست یافت این درخشنده گی در عهد بعدی نیز تکرار شد زمانی که خانواده ۱۸ بر مصر حکمرانی میکرد این درخشانی تمدن ۶ قرن به طول انجامید.

برخی یافته های باستان شناسی نشان دهنده اوج عظمت تمدن میناوی از جهت فرهنگ و درخشانی و پیشرفت است این یافته ها در کاخهای شاهنشاهی زیبا و پر آرایش نمود پیدا کرده است ، دیواره های این کاخها دارای نقاشیهای رنگارنگ و نیز برخی برجسته نگاریهای شگفت انگیزی از طلا و نقره و برنز می باشد این برجستگی ها مزین به مرغوب ترین ابریشمهاست که بصورت هنرمندانه ای که نشان دهنده اوج مهارت سازنده گان آنهاست نصب گردیده اند تعداداتاقها و طبقات و مهندسی زیبا و چشمگیر این این کاخها نیز از علائم دیگر تمدن میناوی است.



کریتیون اولین ملت اروپایی است که نوشتن را یاد گرفتند چون برخی نوشته های خطی و نیز هیرو گلیفی یافت شده است و انتظار می رود با خوانده شدن این خطوط جزئیات زیادی از تاریخ تمدنهای موسوم به تمدن دریای متوسط را روشن سازد ، زیرا که این تمدنها در سواحل برخی شهرهای کریت قرار گرفته بودند . از این رو کسی که در بیابانها و خرابه ها و قله ها اقدام به کنده کاری می کند می بایست متوجه باشد که آثار این تمدن در بالای زمین و نه زیر خاک آشکار است این شهر ها دیوار نداشتند و نقشه آن عبارت بود از یک کاخ بزرگ برای شاه و ادارات دولتی و برخی ساختمانهای در ارتباط با آن است.

تمدن هلینی:



اطلاعات دقیقی از نوع زندگی مردم یونان در هزار سال اول در دست نیست ، بجز اینکه هللینی از خارج از چارچوب جغرافیایی یونان در طول سالهای ۸ قبل میلاد شروع شد و تا مرزهای دریای سیاه و ساحل شما افريقا و جنوب ایتالیا کشیده شده ایتالیایی جنوبی در نزد اغریقها بنام هیلاس ماجنا شناخته می شد. وضعیت جغرافیایی یونان مختص بخودش بود از سه طرف به دریا راه داشت و در میان ساحل جنوبی گرم و ساحل شمالی سرد محاصره شده بود ، دارای طبیعتی کوهستانی بود و همچنین بسیاری از یونانیان بخاطر همین طبیعت دریا سالار و دریا نورد بودند.

بخاطر این تشکیلات جغرافیایی و وجود کمیات زیادی از گردنه های رخام در یونان خصوصا در باروس و ناکوس و بخاطر نوع امتیازات این ماده یونانیان از آن در کنده کاریهای خویش و و نیز ساختن عمارت های خویش بهره میگرفتند و در واقع رخام ماده اساسی در ساختن و تحکیم بناهای دینی و مذهبی در یونان بود.



از اوایل قرن هشتم ساختار دولت در یونان از استقراتی به مدنی تغییر یافت در این نوع ساختار درواقع قوانین و آیین نامه های جدید تدوین شدند و و یونان بدون اینکه دولتی واحد باشد بلکه در میان مناطق نوعی رابطه مشترک بر اساس زبان و ریشه های فرهنگی بوجود آمد.

اشتباه خواهد بود که تصور کنیم که تمدن یونان منتسب به سرزمین یونان باستان است چون به فرض مثال برخی مناطق از جمله ساحل آسیای صغیر که جزئی از تمدن دیونان به حساب می آید ولی متعلق به سرزمین یونان نیست.

دوم علم باستان شناسی روم (رومانیه): Roman Archaeology



این علم در واقع قسمت دوم علم باستان شناسی کلاسیک می باشد که در دوره شکل گیری تمدن اروپایی ایجاد شد این علم به بسیاری از تمدنهای که در شبه جزیره ایتالیا شکل گرفته می پردازد و آنها را مورد بررسی قرار میدهد در مقدمه این تمدنها تمدن ارتروکسی سپس تمدن شهرهای یونان و فنیقیه قرار دارد اگرچه تاثیر گذاری تمدن ارتروکسی بر همه این تمدنهای این دوره چیزی غیر قابل انکار است.

اما مرحله دوم شامل تمامی مناطقی است که ارتشهای روم بر آنها تسلط پیدا کردند و بر آنها تمدن روم را منتقل نمودند که شامل مناطقی در شمال افریقا می شود، لازم به یادآوری است که آن مناطق در واقع نوعی هنر و فن مختلطی از آثار و هنرهای محلی و مخصوص آن مناطق با عناصر تمدن ساز روم همچون صنعت ساختمان و فنون هنری و معماری ایجاد نمودند.

اما آخرین مرحله این تمدن شامل تمدن بیزنطی می شود که نسبت آن به منطقه بیزنط پایتخت امپراطوری شرقی بعد از تقسیمات امپراطوری روم می باشد، این علم بررسی نتایج و ثمرات تمدن مردمان آن مناطق را که شامل امپراطوری بیزنطی (بیزانسی) می شود در طول دوره حیات آن امپراطوری و همچنین دوره ای که به فتح عربی برای آن مناطق منتهی میشود را بررسی می کند.

خلاصه کلام آنکه علم باستان شناسی کلاسیک فقط شامل مناطق یونان نمی شود بلکه شامل مساحتی گسترده از دریای متوسط که زمانی دریاچه ای از تمدن کلاسیک بوده و در آن مناطق تمدنهای استوار قدیمی با تمدنهای جدید هنری در آمیخته می شود.

علم باستان شناسی اسلامی:

علم باستان شناسی اسلامی علی رغم اینکه از شرق (هند) تا غرب (مغرب) را شامل می شود و از جهت جغرافیایی اکثریت این مناطق را پوشش می دهد ولی کمتر از علم باستان شناسی کلاسیک مورد توجه قرار گرفته است از نشانه این نوع باستان شناسی اهمیت ویژه آرایه ها و زینتهای هنری در آن است.



از لحاظ زمانی این نوع باستان شناسی از تاریخ شروع فتح مناطق مجاور در منطقه بعثت محمدی که از شهر و مکانی به مکانی دیگر در انتقال بود شروع میشود مثلاً در مصر از تاریخ ۶۴۲ میلادی شروع میشود و در اینجا باید اشاره نمود که علم باستان شناسی عربی در حالت بررسی علم باستان شناسی عربی قبل از ظهور اسلام مورد بررسی قرار میگیرد. این نوع باستان شناسی در بر میگیرد مساحت مکانی که شامل شبه جزیره عربستان. علی رغم اینکه علم باستان شناسی اسلامی نیز از لحاظ مساحتی از این مکان شروع می شود و اسلام از این مکان شروع شد اگرچه مرزها را در نوردید و همه مرزهای علم را از جمله مرزهای باستان شناسی عربی ر پشت سر گذاشت.

مراحل و دوره های اسلامی عبارتند از:

دوره ولایه

دوره طولونیه

دوره دولت اخشیدیه

دوره دولت فاطمیون

دوره دولت ایوبیه

دوره دولت مملوکیه

دوره دولت عثمانیه

علم باستان شناسی شرق دور:



علم باستان شناسی شرق دور به بررسی تمدنهای موجود در سرزمین شرق دور آسیایی می پردازد این علم از علوم پیچیده ای است چون بین اجزای آن توأصل و ارتباط زمانی مشاهده نمی شود علاوه بر اینکه از جهت وسعت نیز مناطق وسیعی را در بر میگیرد

این علم اخیر پیشرفتهایی هم داشته است و تقسیماتی در آن رخ داده که بهترین تقسیمات را دانشمند آلمانی ف اندریا در مورد این علم انجام داده است:

دوره ماقبل زنجیره ها

دوره اروک که با ساختمانها و کاخها و درخشانی دوره امرا شناخته میشود ۳۵۰۰ ق م - ۳۱۰۰ ق م

دوره هنر ۳۱۰۰ ق م - ۱۷۰۰ ق م

دوره جودیا و جاش که بعد از سال ۲۳۰۰ ق م بوجود آمد

دوره سلسله اول در بابل (حمرابی ۲۰۰۰-۱۷۰۰) ق م

دوره ملتها (کاشیون و آشوریها حیتیها و فارس ها و سلاقیها و بارتیهها ۱۹۰۰-۳۰۰ ق م

ملاحظه می شود که در این تقسیم بندی از فلسطین و فینیقی ها غفلت شده است. باید توجه نمود که منطقه جغرافیایی این نوع علم باستانشناسی شامل منطقه غربی که آسیاست شامل ایران از شرق و دریای متوسط از غرب و رشته کوههای قفقاز از شمال و خلیج فارس از جنوب می باشد این تمدنها در یک نقطه با هم تلاقی پیدا میکنند.

خلاصه:

علم اشاره ها از علمی است قدیمی که در همه تمدنها بوده است موارد استفاده آن زیاد می باشد و از جمله استفاده های آن زمانهایی بوده که گنجها و اموالی مخفی میشده اند و در پشت سر آنها اشاراتی قرار داده می شده تا آینده گان بتوانند بواسطه ای اشارات به آن دفینه ها دسترسی پیدا کنند البته باید توجه داشت که این علمی است که در آن اجتهاداتی وجود دارد و بسته به تجربه و تلاش و شایستگی شخص میتواند اشارات و نقشه ها را تفسیر نموده و به هدف برسد ولی این موضوعی صد در صد نیست هر اشاره ای اگرچه بیهوده نیست ولی باید گفت هر اشاره و نقشه ای هم لاجرم منتج به یک دفینه نمی شود

وجود اشاره و نقشه در منطقه ای دلیل بر وجود چیزی می باشد و کسی که دنبال جواهرات و گنج میگردد می بایست این اشارات و نقشه ها را مطالعه نماید و اهمیت آن را بیان کند تا به آن چیزی که نقشه به آن رهنمون است هدایت شود در واقع اشاره یک انگیزه و راهنما برای تحرک و حرکت بسوی هدف است.

رمز و نقشه و اشاره برای دفینه ها و گنجها موضوعی غیر قابل انکار است در گذشته ای نه چندان دور افراد از ترس سرقت و جنگ داراییهای خویش را در مناطقی مخفی میکردند و سپس نقشه و علامتها و اشاراتی می گذاشتند تا بعد از آن بتوانند دوباره به آن مخفی شده ها دست یابند و چه بسا شده است که اموال مخفی و صاحبان آن مرده اند

نشانه های دفینه و گنج چیست

چگونه رمزها کشف می شوند آیا آن علم ممنوع است ایا استنباط است و چه کسی دارای این علم است؟

اشارات و علامتهای دفینه و گنجها:



آنها علامت هایی هستند که توسط کسانی که مالی را پنهان نموده اند بصورت منظم بر روی سنگهای قرار داده شده اند تا به آن پنهان شده ها دلیل و راهنما باشند, اگر این علامتها بصورت منظم قرار داده شده باشند به مکان آن دفینه با دقت زیادی رهنمون می شود , ولی اگر بصورت غیر منظم قرار داده شده باشد تنها بوجود یک چیز در یک مکان دلالت می کند که دست یافتن به آن شی در آن مکان می بایست همراه با شرایط و در نظر گرفتن برخی مسائل باشد موضوع, شباهت زیادی به فهرست یک کتاب دارد گاهی این فهرست شامل عنوان و شماره صفحه می شود ولی گاهی این فهرست فقط شامل عنوان صفحه میشود و شما برای اینکه آن عنوان را پیدا کنید می بایست صفحات را ورق بزنید در اینجا در نوع دوم شما برای اینکه بتوانید آن دفینه را پیدا کنید باید خاک را اینطرف و آن طرف نمایید که مستلزم خستگی و هدر رفتن مال و زمان می شود این اشارات برای صاحب آن دفینه ها قرار داده شده است تا با مشاهده آن به دفینه خویش رهنمون شود و البته بصورت یک کتاب و نوشته باز و آسان که همه بتوانند از آن استفاده نمایند نیست.

شاید یکی از شما پرسیده است که چه کسی رمز اشارات را باز کرده است؟

چه کسی این نوشته ها را که شما میخوانید وضع و قرار داده است؟

این نوشته ها چگونه رمز گشایند ؟

آنها چگونه به این شناخت رسیده اند با قیاس یا شناخت و یا دلیل و رمز گشایی از ابهامات؟

آیا کسی که این علم را دارد میتواند ادعای مالکیت معنوی کند؟

چرا دانشگاهی ها اصلا به علم اشارات به عنوان یک علم نگاه نمی کنند؟

چرا میزان مقالات و کتابها در این زمینه کم است؟

چرا برخی کارشناسان در مورد علم اشارات به تردید و تشکیک افتاده اند؟



می دانید که هیچ علمی مکتوم نمانده است مگر اینکه در صحیفه هایی ثبت و درج شده است بخاطر اینکه دچار

فراموشی و مبتلا به آفات نگردد مثلا ارسطو در مورد این علم یعنی علم علائم ها نوشته ای دارد که به شاگردان

خواص خویش و یاران نزدیک خود آن را داده و تعلیم کرده است و کتاب فلاحت نبطیه در این زمینه ها برخی از

رمزهای آن را می گشاید از آنجاییکه این کتابها کتابهایی مهم و سری بوده اند و در واقع گنجهای گرانبها به نظر می

رسیده اند و چون گشاینده رمزهایی هستند که مارا به گنج و دینه ها رهنمون می سازد شاید شما پرسید آیا اتفاق افتاده است که قومی دینه ای را پیدا کنند و در آن دینه کتاب کلید اسرار را بیابند؟ می گویم آری



ایا میتواند بگوید کتاب مال فلان و فلانی از کلدانی و یونانی است؟

آیا میتواند مصدر کتاب را مخفی و خود را نویسنده آن بنامد؟

آیا ترجمه مساوی تملک است؟

آیا تحقیق همان اصل کتاب میشود؟

آیا نوشتن تحقیق جدید برای کتابی که قبلا در باره آن تحقیقی راضی کننده نوشته نشده ممنوع است.

ما باید بواسطه تفکر دلیل محور عقلهای خویش را در راستای نگاهی دوباره به این کتابها و ترجمه ها بکار اندازیم و سخن آن دانشمند را که گفت بسیاری از این کتابها و اشارات و دلالتها نیازمند توجه و ترجمه است را جدی بگیریم و بدانیم که این کتابها و ترجمه های آنها در واقع کتابهای مقدس خدشه نا پذیر نیستند.

مقایسه و جداسازی و تحقیق می تواند رمزهای علائم ها را گشوده و ما را به نتایج بهتری برساند.

می رسیم به مرحله جدیدی از مراحل کشف اشارات در این مرحله ما از مرحله کمین به مرحله ظهور منتقل می شویم و می خواهیم بدانیم حالا که کتیبه ای غیر منظم از زیر خاک در آورده شده علت این غیر منظم بودن آن عجله داشتن در زمان بیرون آوردن بوده و یا اینکه شخص عجله داشته و گو اینکه می خواسته در یک کنفرانس خبری فوری شرکت کند؟

و یا اینکه حرفه ای نبوده است و یا اینکه و مهمتر از همه یک اشارات و نقشه در ست در دست نداشته است تا به آن کتیبه برسد و آن را سالم بیرون بیاورد؟

قواعد و مبحث دفاین:



اول: همانا علائم ها از نوع خود و نفس شکل می باشند و برای آن خصایص و ویژگی هایی از حیث مقایسه بکار می بردند و جنس مورد نظر با شکل دقیقاً مربوط بودند , سواء اینکه کنده کاری یا برجسته باشد لکن اختلاف در اختلاف دفن می باشد و شامل موارد زیر است:

الف) علائم های برجسته (نمایان روی صخره ها و سنگها): اینک دینه اغلب در صخره ها و یا اطراف آن قسمت ها خواهد بود بوده و بر شکل جوغن ها می باشد , علاوه بر اینکه عمق دینه عمیق نیست

ب) علائم های کنده کاری (نمایان یا مخفی در صخره ها و سنگ ها): هدف غنی در خاک و یا تپه های خاکی است و از اشکال برجسته عمیق تر است.

برای مثال قیاس علامت شتر در حالت کنده کاری اوصاف آن کامل خواهد بود و به حالت کنده کاری نیز دیده شده است فقط تفاوت آنها در نوع دفن است یا در صخره یا در تل های خاکی خواهد بود.

دوم: متعدد بودن انواع علائم ها می باشد و برای هر علامتی نسبت به محلی که در آن زندگی می کند قرار می گیرد.

برای جوینده گنج در علم علائم شناسی دور از انتظار خواهد بود که ماهی را در منطقه خشک و بی آب و صحرا ببیند باید مکانی را که گاو در آن زندگی می کند باید ببیند زیرا گاو در منطقه آب دار و سرسبز زندگی میکند و وجود دارد و وجود او به زندگی آن بستگی دارد و از غیر ممکن ها خواهد بود که گاو در سقح کوه باشد.

سوم: علائم ها برای آنها دلیل هایی برای صاحب دفینه می باشد برای مثال الثدی آن رمز دفینه علامت زن می باشد و تاج آن رمزش و اشاره دفینه پادشاه می باشد.

چهارم: همانا دلیل مصداقی علامت همان دراز بودن اتقاء آن است چه آنکه علامت بر روی صخره باشد یا زمانی که بصورت شکل منظم هندسی همراه جوغن باشد بصورت منتظم یا دیگری و آن بی دلیل گذارده نشده و بر دفینه یا شیئی گران قیمتی دلالت می کند. برای مثال یک شیار همراه جوغن-ماهی و جوغن و...

پنجم: قطعا علامت ها و اشاره ها به اشکال مختلفی بر صخره ها یا سنگ ها قرار می گیرند که رو به جانب و مایل به صخره قرار می گرفتند و آنهایی که در سطح سنگ ها و صخره ها و در سقف غارها و یا دیواره های داخلی آنها قرار می گرفتند و جانب اشاره های دیگری در حد و مرز دفینه ها و طریقه دفن و قیاس استفاده می شدند و آنها اکثرا رو به علائم مادر یا علامت رئیس قرار می گرفت. برای مثال جوغن داخل علامت دیگر با علامی که جوغن بیرون آن قرار دارد متفاوت می باشد .

ششم: نسبت ادوات و واحد مقیاس های ریاضی را در نظر می گرفتند پس در زمان های کهن از ادوات ریاضی مانند متر و سانتی متر استفاده می کردند.

پس در علائم شناسی مقیاس های دقیق برای دلالت بر مسافت بعد از دفن کردن از اشاره ها و وسیله های واحدی دقیق استفاده می کردند و آن مقیاس سانتیمتر و متر است پس هر سانتی متر معادل یک متر است.

ادله های قوی وجود گنج های مخفی:

کنز کلمه ای است که اگر معنایی داشته باشد معنایش معلوم است پنهان کردن ثروتی بزرگ به دور از چشم دیگران در محلی مناسب است , البته کنز معنایی عامتر از امانت و خبیه و دفین دارد ,اولین کنز کنز لعبه است یا قوتی گران بها که آدم در کعبه پنهان نمود ,کنز بزرگ و کنز کوچک کعبه که بعدها در مورد آنها سخن خواهیم گفت.



کنز مربوط می شود به برخی امور روانی و دینی و تاریخی و سیاسی. از جهت دینی بسیاری معتقدند که بسیاری برای نزدیکی به خدایان اقدام تکنیز می کردند , برخی به همراه مردگان خویش ثروتی را پنهان می نمودند تا ارزش و احترام آن شخص را نشان دهند. اما از جهت سیاسی دلیل عمده دفن و پنهان کردن ثروت و طلا در این موضوع بوده است که مردم از ترس و جنگ اقدام به اینکار می کردند, البته ذکر این مسئله ضروری است که پنهان کردن این ثروت می توانست بعدها به عنوان ذخیره نیز باشد.

از جهت روانی نیز پنهان کردن این ثروت دلیلش این بوده که پنهان کننده به نوعی اطمینان و اعتماد به نفس می رسیده است , می ترسیده که ثروت خود را آشکار سازد از ترس صادره و جنگ و غارت و سرقت . از جهت تاریخی این نیز به عادات بانکی و نوع ذخیره کردن پول نزد پیشینیان مربوط می شود



عادات و آداب پنهان کردن ثروت (تکنیز):

کسی که می خواهد ثروتی را پنهان کند اولین چیزی که به ذهنش می رسد ، تعیین یک مکان است و نیز تاکید بر این مسئله که کسی او را در این زمان نبیند شاید او با خود خانواده و یا دوست و یا برده خویش را ببرد ولی نهایتان مرگ در انتظار آنها خواهد بود و جنازه ها و جمجمه های از هم پاشیده که بیشتر بر روی چنین دفینه هایی پیدا می شود ،دلیلی بر این ادعاست از آداب تکنیز میتوان به تهیه یک زمینه مناسب برای پنهان کردن مال و ثروت اشاره نمود .

خاک مختلف از سرخ و سفید و دریایی و صدفها طین سبز بخاطر زود حل شدن با خاک و از عادات تکنیز(پنهان کردن گنج) می توان به آوردن قربانی و خواندن ورد های نگهدارنده که در بخش رصدها در این زمینه سخن خواهیم گفت ، از وسایل تکنیز می توان به یک کشنده سفالی که نقشی نگهدارنده و محافظت کننده از دفین را دارد اشاره کرد ، همچنین صندوقهایی که ضعیف ترین آنها صندوقهای معدنی که بیشتر برای ذخیره کردن ثروتهایی که زودتر مورد مراجعه قرار می گیرند و نیز صندوقهای سنگی و گاو صندوقهای غول پیکر و قوی که نشان از عظمت و کمیت ثروت و مال مورد ذخیره می کند

البته وسایل دیگری هم ملتها و قبائل بکار می برده اند که که مهمترین آنها پوست حیوانات مانند گاو و گردن شتر می باشد.

تکنیز و فرهنگ ترمیز:

آنکس که ثروتی را می اندوزد و پنهان می کند هدفش آن است که این ثروت بدست دیگران نیافتد زود پیدا نشود خصوصا از روی تصادف و غیر عمد در معرض و دید و پیدا شدن نباشد همچون آن ثروتی که در زمینی زراعتی پنهان می شود ، از این رو فرهنگی به نام فرهنگ ترمیز خلق و ایجاد شده است.

فرهنگ ترمیز عبارت از آن است که در هر جامعه عده ای افراد بوده اند و این افراد می توانسته اند از شخصیتهای سیاسی و دینی و تاریخی و فرهنگی آن جامعه باشند این افراد افراد پاک دست و امین و مومن و رمز دار و کلید دار بوده اند از این افراد و فرهنگ محتاط به این افراد که وظیفه ای در این راستا دارند به نام سیمونولوجی ساین یاد می شود.

روشهای تکنیز در بین ملتهای مختلف:

مردم دارای فرهنگها و عقاید و مرام های یکسانی نیستند و دارای تمایزات فرهنگی و عقیدتی هستند. این تمایز در بین شرق و غرب در لباس و زبان و فکر مشهود است.



در موضوع مورد نظر برخی مال و ثروت خویش را در قبرها پنهان میکردند ، لذا موضوع حرام بودن هتک حرمت قبور مطرح شد ولی سارقانی بودند که به این موضوع که این حرمت را پاس نداشتند، از این رو راههای دیگری ایجاد

شد برای پنهان کردن گنج و جواهرات و ثروت. این راهها در ایجاد ممانعت سحر آمیز برای قبور و خلق کردن داستانهای رعب انگیز از این رو تفکر تکنیز بعدی فرهنگی و دینی و راز آلودی پیدا کرد.

فرق بین پنهان کردن و دفن کردن (کنز و دفن):

کنز مال زیادی است که در جایی از زمین پنهان می گردد و صاحب آن برای اینکه دیگران به آن نرسند و توانایی دسترسی به آن را نداشته باشند انواع اقسام موانع ایجاد می کنند که از این موانع میتوان به موانع مکانیکی و روحی و عوارض غیر طبیعی و شیمیایی و حتی فلکی اشاره نمود که خطرناکترین آن موانع , سحر و طلسم است که آن را باز نمی کند مگر ساحر. اشاراتی که به این نوع پنهان شده ها رهنمون می شوند اشاراتی حقیقی هستند و می توانند رهنمون به آن پنهان شده ها شوند و راز و اسرار آنها را بگشایند ولی دفینه اینگونه نیست دفینه شامل مال و یا شی نفیس یا تصویر و یا کتابی متعلق به شخصی معین است که در محلی مشخص و جایگاهی که از آن استفاده میکرده پنهان و دفن می کند یا در کوزه ای قرار می دهد و محکم آن را می بندد و یا در رانی قرار می دهد و علامتی برای رسیدن به آن قرار می دهد و این علامت اشتباه نمی کند این دفینه ها مرصود و محافظت شده نیستند و اگر پیدا شوند باز کردنشان زیاد وقت نمی گیرد.

نشانه ها و علائم از توهم تا واقعیت:

خوانندگان عزیز دقت کنید که همه علامت ها به دفینه رهنمون نمی شوند ، این توهم است که عده ای تصور می کنند با استفاده از هر اشاره ای به دفینه ای و بدون زحمت و مشقت به ثروت می رسند.

سنگ های کاسه همیشه دلالت به دفینه نمی کند ، شاید دلالت بر آبراه و یا یک قبر و... باشد اینگونه نیست که کسی بیاید و طلاهایش را در جایی مخفی کند و یکی بیاید در عرض یک ربع تمامی آن طلاها را پیدا کند.



کشورهای غربی و نمایندگی های آنها با سیستمها و تجهیزات برای جستجوی منطقه می آیند و تو می خواهی در عرض ربع ساعت به نتیجه برسی.

امور بدیهی در علم اشارات و علامت ها:

۱- اشاره می بایست بر روی سنگ و یا صخره و یا کوه و یا دیوار بصورت ثابت حک شده باشد چون اشاره یک مقایس می باشد و اگر در حرکت باشد این مقیاسها و اندازه ها نامعتبر میشوند

۲- نباید در مورد دلالت این اشاره اختلافی بین افراد وجود داشته باشد

۳- باید توجه داشت که هر اشاره ای به همراه خود یک نشانه جهت دهی هم دارد که قابل توجه می باشد مثلاً اگر دیدی شتری به عنوان نشانه قرار داده شده و گوش آن به طرف چپ می باشد بدان که آن نشانه است.

۴- برخی اشارات در واقع رساننده انسان به یک نشانه دیگر می باشند و آن نشانه نیز شاید نشانه یک نشانه باشد که در نهایت منجر به هدف می شود.

معانی علامت های مختلف:

۱- نشانه راه

۲- نشانه چاه و ابراه و یا جایکه در آنجا آب وجود دارد

۳- نشانه ای که دلالت میکند به معبد زرتشتی و یا یهودیان , با توجه به مخفی بودن معبد یهودیان در زمان رومیان و در این معبدها طلاها و جواهراتی وجود دارد.

۴- نشانه هایی که رهنمون می سازد به یک کنیسه که در زمان دوران ابتدایی دینیت مسیحت مخفی بودن کنیسه یهودیان می باشد.

۵- نشانه برای رسیدن به قبر یک انسان عادی

۶- نشانه هایی که رهنمون می سازند به قبور شاهان و وزیران و تاجران ..و که این قبرها مملو از طلا و جواهرات هستند.

۷- نشانه هایی که رهنمون به یک سرداب مخفی برای فرار است.

۸- نشانه هایی که رهنمون به یک صندوق پر از طلا و جواهرات و مخطوطات (نسخ خطی) و سلاح و هدایاست که اینها هم کم است.

۹- نشانه های برای اتاق ها و غارهای زرتشتیان, یهودی و یا مسیحیان (گبریان)

۱۰- نشانه های تعیین مرز بین قبائل و عشائر

۱۱- نشانه هایی که رهنمون به سرداب مسکونی و یا سردابی برای ذخیره غذا و اسلحه باشد.

۱۲- نشانه های دیگر

۱۳- نشانه های گمراه کننده

۱۴- نشانه های فلکی یا نجومی

۱۵- نشانه های مقیاس و طول دهنده و عمق دهنده

آیا همه نشانه ها ارزشمند هستند؟ طبیعتا خیر اما چرا؟ چون چیزی که الان ارزشمند است زمانی ارزشمند نبوده و برعکس مانند آب

آب یکی از ارزشمند ترین نعمات در زمان گذشته بوده است هر جا که آب بوده تمدنی در آنجا شکل گرفته چه تمدنهای بزرگ و چه تمدن های کوچک. چه آب جاری و چه آب مخزنی و قناتی و برکه ای . آب یکی از نشانه های رسیدن به گنج و طلاست هر جا که آب باشد به معنای آن است که در آن منطقه تمدنی بوده است و شما میتوانید در آن منطقه کنده کاری و جستجو کنید.

برخی کاسه ها دلالت بر آب میکنند یا ذاب روان و یا آب داخل چاه

در برخی مکانها که آب از آنجا جاری است میتوانید کاسه ای را بصورت دایره ای و یا مستطیلی بیابید که نشانه رسیدن به آب است.

کاسه مخروطی دلالت بر یک چاه آب می کند.



آب بخاطر نایابی در گذشته بسیار ارزشمند بوده و آنان از آب برای سیراب کردن حیوانات و خود و زراعتشان بکار می برده اند.

کشور پترا آب را از یک منبع نزدیک تهیه می نمود بواسطه قنات آن را به مناطق مسکونی خود می آورد بعد از حمله رومیها اب از آنها قطع شد و آنها بواسطه قناتهایی که از زمین فاصله داشتند این آب را یک منبع دیگر تهیه نمودند که یک خائن این موضوع را به رومیان گفت و آنها اب را قطع کردند و در نتیجه مجبور به تسلیم شدند.

چرا نشانه ها معمولا بر روی سنگ و صخره ها گذاشته می شوند



کمی در این مورد سخن می گوئیم!!

خوانندگان عزیز علامت ها معمولا به دلایل زیر قرار داده می شوند:

نشانه خترات معمولا برای نشان دادن یک راه تجاری یا کاروانسراها قرار داده شده که اکثر این نشانه ها در راه های تاجران مثل مرز جاده ابریشم می باشد البته اکثرا علائم نزدیک کاروانسراها دفینه دارند.

بسیاری از نقاشیها بر روی صخره ها قرار دارد که به آن نشانه روائی گفته می شود , این نشانه ها در راههایی که قافله های تجاری از آنجا رد می شدند قرار داده می شد , این نشانه ها همچون نشان یک شتری که بار دارد و مردمی که او را می برند دلالت بر یک کاروان و یا یک راه تجاری می نماید که از آنجا رد می شود که این علائم در راه های کاروانسراهای اکثر مناطق ایران بصورت شتر حکاکی شده به چشم می خورد.

همچنین نشانه هایی برای دلالت برای برخی اماکنه قدیمی وجود دارد , همانگونه که می دانیم از دو هزار سال پیش شاخص هایی برای راهنمایی به برخی امکنه وجود نداشته اند , در اینجا یک راهنما که نشانی از وجود یک تمدن معین و مشخص در یک منطقه دور دست می باشد.



نشانه همچنین برای راهنمایی به محل وجود آب قرار داده می شوند , زیرا آب از گرانبها ترین موجودات سطح زمین به شمار می رود , برای اینکه نشان داده شود منبع آب در نزدیکی قرار دارد نشانه ای در نزدیکی آنجا قرار داده میشود.

از جمله این نشانه ها میتوان به موارد ذیل اشاره نمود

کاسه ها با اشکال مختلف آن که بر اساس نوع تمدنها شکل آن متفاوت می باشد.



طاق که نشانه ای وجود گنبدها و سردابها و معبدهایی برای نیایش یا برای اهداف شخصی از جمله محل نگهداری ذخیره و اسلحه و مهمات است , این سردابها گاهی به عنوان پناهگاه نیز استفاده می شده اند و برای وارد شدن به آنجا از پله هایی ۷ تا ۸ پله ای استفاده می نمودند که این نیز بر اساس اختلاف فرهنگها مختلف بوده است.



مربع: زمانی شخصی کشته می شد و یا می مرد و او را دفن میکردند با او وسایل شخصیش از جمله سلاح و شیشه های خمر و ابریشم ... را نیز دفن می نمودند که این مربع علامتی برای راهنمایی بسوی چنین مقبره هایی بوده است و همچنین نشان دهنده قبر سنگی نیز می باشد.



اشارات همچنین برای مکانهایی که به عنوان محل مخفی کردن جواهرات و اشیای قیمتی در زیر زمین بوده نیز بکار برده میشود همانگونه که میدانیم در آن زمان گاو صندوقی نبوده از اینرو مردم از ترس سرقت و نیز شیخون اشیای قیمتی خود را در زیر زمین پنهان می نمودند تا در امان باشند و بعد مراجعه میکردند و انها را بر میداشتند که این علامتها برای پیدا کردن آنها قرار داده شده است که این علامتها ساده نبوده اند زیرا اگر ساده بودند سرعت تشخیص داده شده و اموال سرقت می شدند از این علامتها میتوان به شیر و روباه و شتر و میمون و انگور اشاره نمود.

انواع و محل‌های قرار دادن نشانه‌ها:

از جهت ساختار

علامت‌های برجسته:



عبارت است از اینکه همه صخره کنده شود تا علامت مورد نظر نمود پیدا کند , این نوع علامت ها آشکار هستند و به هیچ وجه دلالت آنها قابل مناقشه نیست , مثلا زن برای زن و شیر برای شیر و پرنده برای پرنده. بدان که اشارات بیهوده قرار داده نمی شوند خصوصا اشارات جمعی , ولی با این حال عده ای می کنند و می کنند و خندقی درست می کنند و در آخر چیزی پیدا نمی کنند و می گویند دروغ است.

علم تحلیل نیاز است و تجهیزات اینگونه نیست که سوار شوی راه بیافتی!!

آن کسی که طلا را مخفی کرده حریص است که کسی آن را ندزدد بسیاری از این دفینه ها گرفتار سرقت شده اند. سارقان تنها در این زمان نبوده اند در گذشته نیز وجود داشته اند

علامات برجسته علامت‌های قطعی هستند و از اینرو بین آن علامتها و دفینه ۵۰ متر فاصله وجود دارد (البته در بعضی مکانها و تمدنها این عدد متفاوت است) در دفینه شاید کوزه شکسته ای و یا کوزه ای که در آن یک دفینه کوچک قرار داده شده و آن به عنوان طعمه است و دفینه اصلی زیر آن قرار دارد.



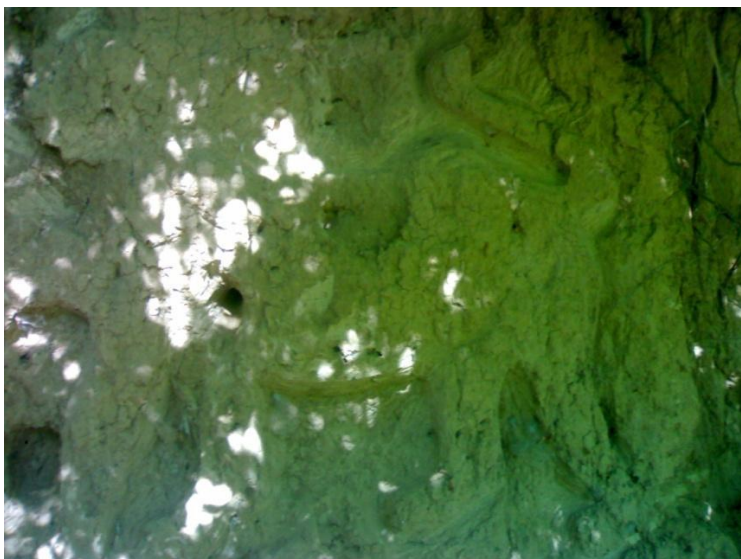
این نشانه های کنده کاری شده اگرچه اشاره هستند ولی نوع اشکار بودن انها به اندازه اشارات جمعی نیست.

مثلا ترکها اشارات خود را در عمق نصف سم حفر می نمودند

شاید این نشانه ها و علامات در زمان خودشان مورد دستبرد قرار گرفته شده باشند شاید دو دفینه در کنار هم یکی ترکی و دیگر رومی دفن شده باشند و دفینه ترکی بالای دفینه رومی باشد.

البته بسیاری از نشانه ها اینگونه ای از بین رفته اند و بواسطه دخالت نیروهای مخرب که در مسیرشان قرار گرفته اند تخریب شده اند.

برخی از این راهنماییها بصورت یک علامت نیز بکار برده میشوند مثلا یک اشاره قرار داده شده بعد از بررسی یک حفره به اندازه ۷۵ سم حفر می شود یک صندوق پیدا می شود که خالی است این علامت آن است صندوق واقعی به اندازه ۱۲۵ سم زیر این صندوق قرار دارد.



در یک قبر شخصی را پیدا می کنید که یک گلوله به سرش قرار دارد قبر را می کنید و استخوان و یک جمجمه از هم پاشیده در اثر شلیک گلوله پیدا می کنید , این علامت آن است که این جنازه به علت اینکه آگاه به مکان دفن دفینه بوده توسط افسر یا افراد حکومتی دربار مربوطه کشته شده و بالای دفینه دفن شده است و در واقع دفینه اصلی زیر این جنازه قرار دارد.

اشارات متتابع:

گاهی مواقع اتفاق می افتد که دفینه ای در یک منطقه ای دفن شده است ولی به علت زیاد بودن صخره ها و تاثیر زمان و حتی وضعیت جغرافیایی بر منطقه و تغییر آن به مرور زمان نشانه هایی برای رسیدن به آن دفینه قرار داده شده است ولی این نشانه ها به نشانه های دیگری رهنمون می شوند و آن نشانه دومی به دفینه اصلی رهنمون می سازد بسیاری از جویندگان طلا بواسطه این نشانه اصلی به جواهرات مورد نظر رهنمون می شوند ولی بسیار اتفاق می افتد که نشانه ای به نشانه ای دیگر و حتی نشانه سوم رهنمون می شود و آن جواهرات در جایی است که این نشانی سوم آن را نشان داده است.

مانند پرنده و یا تیر کمان که نشان دهنده نشانه های دور هستند و منجر به نشانه های دیگر می شوند و اگر یکی از این نشانه ها را دیدی دfine را در اطراف آن مکان جستجو نکن , خصوصا اگر تیر شکسته شده باشد که در این صورت برای یافتن دfine و یا نشانه دومی می بایست بین دو کوه را بیمایی.

اشارات متجمع:

اشاراتی هستند که رهنمون به برخی دfine های بزرگ و اساسی همچون قصر می کند ولی این دfine ها احتمالا محافظت شده و یا مرصود هستند و می بایست با احتیاط این نشانه ها را دنبال کرد

انواع نشانه ها

نشانه ها به هفت نوع تقسیم میشوند

- نشانه های نامنظم
- نشانه های ارشادی
- نشانه های گمراه کننده
- نشانه های نقشه ای
- نشانه های توجیهی
- نشانه های تکمیلی
- نشانه های تثبیتی

نشانه های نامنظم بیشتر برای اهداف شخصی بر روی برخی صخره ها قرار داده میشود و بسیاری از تمدنهای گذشته رایج بوده است این نشانه های منجر به دfine نمی شود و بیشتر برای اهداف شخصی قرار داده میشود

نشانه های ارشادی هم بیشتر بصورت راهنماییهای جهت دار که بیشتر منجر به نشانه های دیگر میشود قرار داده میشوند معمولا حجم بزرگی دارند و نشان دهنده آن است که نشانه های دیگری نیز در این اطراف وجود دارد

نشانه های گمراه کننده هم یکی از خطرناکترین نشانه ها به شمار می روند و موجب گمراه کردن شخص جستجو گر میشوند و مانع رسیدن او به هدف میشوند برخی از این نشانه ها در لحظه ای که چند سانتیمتر هنوز به محل دفینه باقی مانده است جای دیگری را نشان می دهند که باید دقت شود تمدنهایی که بیشتر از کاربرد سحر و جادو در حفاظت از دفینه های خویش استفاده نمی کرده اند از این روشها برای محافظت استفاده می نموده اند

نشانه های توجیهی: مسافت و طول هدف تا اشاره با دلایل معین مشخص شده که میتوان به این اسامی اشاره کرد مانند: عقرب , پای حیوانات و انسان و یک جوغن (منظور از جوغن مربع دایره مستطیل و غیره می باشد) , مارمولک , پرندگان و شتر

نشانه های تکمیلی: این اشاره به نوعی وابسته به اشاره های توجیهی هستند و در واقع بعد از مشخص کردن مسافت و متر از نشانه های توجیهیم می شود و به نشانه های تکمیلی می رسد که برای رفتن به طرف هدف نداشته باشد و در اینجا باید از تجربه و مهارت مشخصی استفاده نمود و اشاره های تکمیلی می توان به این موارد اشاره کرد: جوغن شامل مربع , دایره و غیره , شیار , کله و یا سر , زبان مار , دم عقرب , صلیب و عقرب , یک حرف الفبا در کنار یک عقرب , پای اسب , عکس گوش روی صخره , لاک پشت و مربع های آن

نشانه های تثبیتی: این اشاره ها بر روی صخره نقش بسته می شوند و هدف زیر یا در یکی از کناره های اشاره قرار می گیرند و کلاً از سه متر مربع بیشتر دور نیست و معمولاً در زیر خاک بصورت اتاق قرار می گیرند و در بعضی اوقات یک سنگ کوچک دیگر بر روی این صخره وجود دارد که از هر طرف به آن نگاه کنید بصورت دایره دیده می شود. از اشاره های تثبیتی می توان به موارد زیر اشاره کرد: مار بدون چشم , حرف ال بر روی صخره عقرب و یک نشانه و یک حرف الفبا , جوغن و یک صورت انسان , صلیب کوچک که ضلع های آن مساوی باشد , سنگ یا صخره روشن تقریباً به قرمز کم رنگ , عکس آهو که سرش رو به پایین است , مرغ همراه با تخم هایش , پا همراه انگشتان بصورت مساوی , جوغن برعکس , شتر پارک شده یا نشسته که سر آن انحنا دارد , زن حامله , شیاری عمیق که طول آن بیشتر از ۷۰ سانت باشد , جوغن هایی که شکل خاصی دارند.

اما آثار و علائم ؛ آثار و علائم روی سنگهای خاص که در منطقه غریب هم هستند تعبیه میکردند سنگهای دارای علائم باید خاص باشند نشانگر آن علائم باشند قابل جابجایی نباشند و بیشتر در محل گذر گاههای قدیمی میشه اونها رو پیدا کرد سنگ دارا علامت برای اهل فنش وقتی از دور هم بینش توی چشم میزنه چند نوع علامت داریم

علامت عمیق کنده شده و علامت برجسته و علامت مجسمه ای و علامت رنگ مخصوصی که اول کمی سنگ رو حجاری میکردن و این رنگ مخصوص رو روش میکشیدن حالا این چه رنگیه که طی هزاران سال هم از بین نمیره الله اعلم

معمولا علائم حجاری شده دارای علامت دوم هستند و بیشتر از موارد دیگه بار و اموال دارند

قسمت بعدی اشاره های یهودی و اشاره های بیزانسی هستند:

اشاره های یهودی شامل: مار - ستاره - شمعدان - هلال ماه شعله آتش - شمشیر و خنجر - مثلث - دایره - شیار قوس دار

اشاره های روم و بیزانس بیشتر از رموز حیات استفاده می کردند حیوانات شامل: لاک پشت - مامولک - قورباغه - عنکبوت - سوسمار - شتر - شیر - گوسفند

انواع مارها پرندگان شامل: جغد - شاهین - گنجشک و قناری - بط - کبوتر

اعضا حیوانات - سر شیر - سرگوسفند - سر شتر - نعل اسب - پنجه پرندگان - اعضای انسان - صورت دست - چشم - پا - اعضا تناسلی

رموز دینی - خورشید - صلیب - تاج - خنجر و غلاف - مثلث - دایره - شیار - شیار قوس دار

این روشها برای محافظت استفاده می نموده اند

اندازه ها:

تغییر و تفسیر اندازه های مورد محاسبه در کل دنیا به مشکلی برای جستجو کنندگان گنج بدل شده است. برای مثال؛ وارا (۸۳-۳۳ سانتیمتر) ، براز (پنج فوت ، ۷ اینچ تا ۱۷۰ سانتی متر) ، استاد و (۵ فوت و ۷ اینچ تا ۱۷۰ سانتی متر) ، پاسس (قدم) لیگو (۳/۱۸ - ۳/۲۷ مایل دریایی / ۲/۱۲ - ۲-۱۸ مایل زمینی) و ... اینها شبیه اصطلاحات ساده ای است که در زندگی روزمره از آنها استفاده می کنیم . معلومات ذیل، نشان دهنده این تغییرات تاریخی می باشد. « وارا : قبلا بین ۳۵/۹ - ۳۰ تغییر می کرد، این تفاوت در اندازه کشف امانت را دشوار می کرد. با توجه به اندازه مورد استفاده میان سربازان اسپانولی، « وارا » تقریبا ۳۳ بوده است. این اندازه در دوره های بعدی به عنوان ۳۳ پذیرفته شد. هر علامت تا علامت بعد از خود، مسافت محاسبه شده را نشان می دهد. هر علامت با توجه به فاصله شان با هدف از جاهای خالی همچون ۱۰ و ۵۰ و ۱۰۰ مورد استفاده قرار می گیرد.



« استادو : کم عمق ترین اندازه برای دفن مواد مهم است. برای اسپانیایی ها ، کاتولیک ها و مومنان به عیسی نیز این واحد اندازه گیری معتبر است. این اندازه در ۵ فوت و ۷ اینچ محاسبه شده است. این علامت شبیه علامت « وارا » می باشد. لکن بر عکس مسافت، عمق را نشان می دهد.

برازا هم مثل همان ۵ فوت و ۷ اینچ تعیین شده است. اکثرا دزدان دریایی و دریانوردان اندازه نقشه های خود را بر اساس آن ترسیم می کنند. روی نقشه واحدهای قدم و « وارا » استفاده شده اند.

دو نوع لیگو وجود دارد. زمینی و دریایی . اندازه زمینی آن بین ۲/۱۲ - ۲/۱۸ متغیر است.

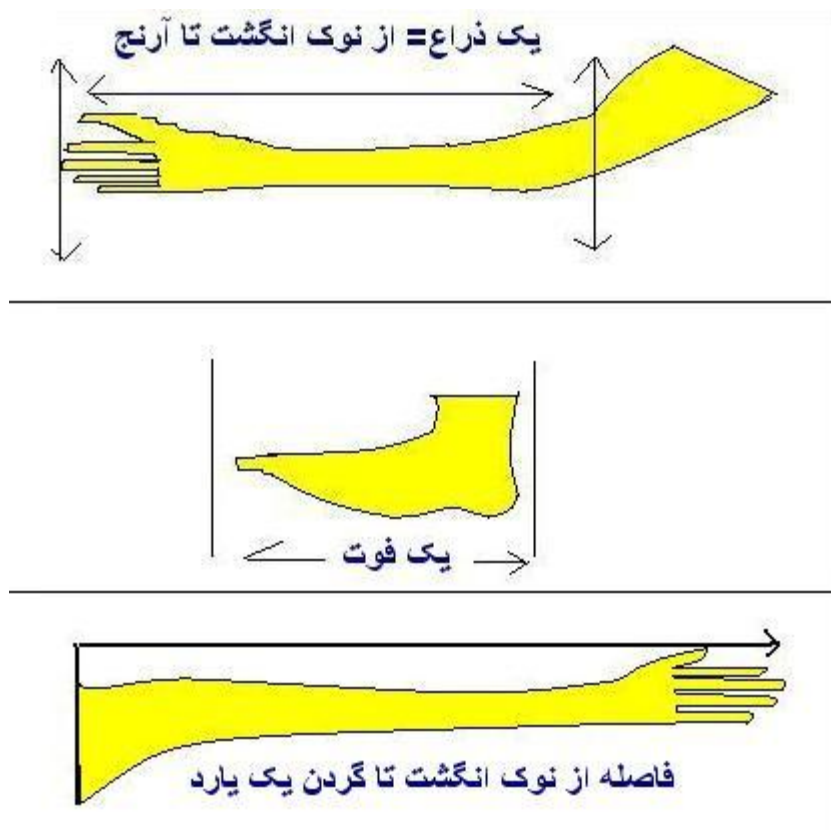
واحد دریایی آن بین ۳/۱۸ و ۳/۲۷ متغیر می باشد. اگر در مورد مسافت ها با تردید مواجه شدید، در بین این اندازه به دنبال آن بگردید.

در بین گنج یاب های ایران یک سیستم اندازه گیری معتبر وجود دارد که بسیار رایج است. طول هر نوع علامت و سمبلی را اندازه گیری کرده و هر اندازه که بوده باشد به همان اندازه قدم یا متر محاسبه کرده و در آن جهت پیشروی کنید.

اگر جهت یک فلش و یا خط بوده باشد در آن جهت و در صورتی که شکل یک موجود زنده باشد، مسیر نگاه آن خواهد بود.

همچنانکه مسیر حرکت بر اساس نگاه و خط در اکثر واقع درست از آب در می آید: همیشه محاسبه کردن بر اساس قدم و متر به نتیجه صحیح منتهی نمی شود. واحدهای اندازه گیری طول و وزن مورد استفاده از طرف تمدن های باستانی و افراد دفن کننده گنجینه ها با واحدهای اندازه گیری امروزی بسیار متفاوت می باشد.

واحدهای اندازه گیری طول:



هر اشکوب = یک طبقه

(یک زراع = شش مشت بدون شست کنار هم یعنی از نوک انگشت تا آرنج)

(هر گز = ۲۴ انگشت که معادل یک متر است)

(هر ۱۰ رش - ۷متر) (۱۵ رش = ۱۰.۵ متر)

(۱۰۰ شاه رش = ۱۴۰متر)

(تیر پرتاب = اندازه ای که یک تیر می پیمود و آشکار نیست که برابر با چند متر است)

(هر فرسنگ = ۵.۵ کیلومتر)

(هر من = ۳ کلیو گرم)

(یا من کوچک = ۸۱۰ گرم و من ((پارسی)) برابر ۴۹۷ گرم بود)

(چغا زنبیل = تپه روی هم چیده شده)

هر "ارس" یا "ارش":هرگاه یک دست از پهلوی به بدن بچسبد و سپس از آرنج خم شود و به بالا جمع شود و دست دیگر از بدن باز شود و با بدن زاویه ۹۰ درجه ایجاد کند،فاصله بین انگشت میانی از دست بسته شده تا انگشت میانی دست باز شده یک ارس یا یک ارش نامیده میشود
هر گام شتر: برابر با یک متر و نیم بصورت فرض *

زای الراشیه : این مقیاس توسط عرب ها و هندی ها نیز استفاده می شده است و در زمان صفویان توسط افراد غیر مسلمانان نیز استفاده می شد و مقدار آن ۵۰-۹۲ سانتی متر است.

واحدهای وزن:

g۳/۲ ۱ درهم

kg۱/۲۸۲ ۱ عقه

kg۵۶/۴۰۸ ۱ کانتار

kg۷/۶۹۲ ۱ بانهان

متر مربع است. و S.K.M و S.T.M واحدی است که برای اندازه گیری سطح اجسام به کار میرود. واحد سطح در دستگاه. آن مربعی است که ابعاد آن یک متر باشد. رجوع به متر مربع شود. اضعاف آن که در عمل به عنوان واحد سطح به کار میروند (که برابر با ۱۰۰ متر مربع است. به دکامتر مربع و متر مربع رجوع mad با نشانه های بین المللی آنها عبارتند از: دکامتر مربع (۲) (برابر mk) که برابر ۱۰۰۰۰ متر مربع است. رجوع به هکتومتر مربع شود. کیلومتر مربع (۲mh) شود. هکتومتر مربع (۲) ۱۰۰۰۰۰۰ (یک میلیون) متر مربع است. رجوع به کیلومتر مربع شود. اجزای متر مربع که در عمل به عنوان واحدهای جداگانه (که برابر با ۱۱۰۰ متر مربع است. رجوع به imd ای به کار میروند با نشانه های بین المللی آنها عبارتند از: دسیمتر مربع (۲) دسیمتر مربع شود.

(که برابر است mm) که برابر است با ۱۱۰۰۰۰ متر مربع. رجوع به سانتیمتر مربع شود. میلیمتر مربع (۲mc) سانتیمتر مربع (۲) با ۱۱۰۰۰۰۰۰ متر مربع. رجوع به میلیمتر مربع شود.

که برابر است با صد آر. رجوع به هکتار و آر شود. ah واحدهای سطح مربوط به زمین و نشانه های آنها عبارتند از: هکتار (که برابر است با ۱۱۰۰ آر یا یک متر مربع. رجوع به آر و ac) که برابر است با صدمتر مربع رجوع به آر شود. سانتی آر (a آر) است. رجوع به سطح و سانتیمتر و سانتیمتر مربع شود. واحد mc سانتیمتر مربع (۲S.G.C) متر مربع شود. واحد سطح در دستگاه. سطح اکنون در ایران همان واحدهای سطح سلسله متری است.

واحد سطح در ایران قدیم پای مربع و ارش از واحدهای سطح در عصر ساسانی گریب بوده که بعد بدل به جریب شده و برای اندازه گیری زمین های زراعتی به کار میرفته است و آن را ۲۴۰۰ متر مربع نوشته اند. رجوع به ایران در زمان ساسانیان کریستنسن ص ۴۹۰ و ایران باستان تالیف پیرنیا ص ۲۰۶ شود. واحد اصلی اندازه گیری سطح در حکومت های اسلامی جریب بوده است. رجوع به جریب شود. اجزای جریب یکی قفیز است که با قفیزی که جزء پیمانها است تفاوت داشته و برابر ۱۱۰ جریب بوده است. (تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی. از انتشارات دانشسرای عالی ص ۳۹). رجوع به قفیز شود. دیگر از اجزای جریب عشیر بوده که ۱۱۰ قفیز بوده است. (تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی ص ۴۰).

واحدهای سطح در انگلستان عبارتند از:

۱- اینچ مربع که برابر است با ۶/۴۵ سانتیمتر مربع. رجوع به اینچ شود. ۲- پای مربع که برابر است با ۹/۲۹ دسیمتر مربع. ۳- یارد مربع که برابر است با ۰/۸۳۶ متر مربع. رجوع به یارد شود. ۴- آکر که برابر است با ۴۰۴۶/۸ متر مربع. ۵- میل مربع، رجوع به میل شود. واحدهای سطح در امریکا همان واحدهای انگلیسی هستند و عبارتند از اینچ مربع، پای مربع، یارد مربع و آکر.

واحدهای سطح در ترکیه عبارتند از:

۱- واحدهای سطح سلسله متری . ۲- پیک آرشین مربع که برابر است با ۰/۷۵۷۷ متر مربع.

واحدهای سطح در چین عبارتند از:

۱- واحدهای سطح سلسله متری . ۲- پو که برابر است با ۱/۶۷ متر مربع. ۳- فون که برابر است با ۴۰ متر مربع. ۴- کن که برابر است با ۶/۷۶ هکتار واحدهای سطح در حبشه همان واحدهای دستگاه متری (سلسله متری) است .

واحدهای سطح در روسیه عبارتند از:

۱- واحدهای سطح سلسله متری . ۲- خط مربع که برابر است با ۴/۴۵ مترمربع. ۳- بند شست مربع که برابر است با ۶/۴۵ سانتیمترمربع. ۴- پای مربع روسی که برابر است با ۰/۰۹۲۹ متر مربع. ۵- آرشین مربع که برابر است با ۰/۵۰۵۸ متر مربع. ۶- ورست مربع که برابر است با ۱/۱۳۸۰۶ کیلومتر مربع.

واحدهای سطح در ژاپن عبارتند از:

۱- واحدهای سلسله متری . ۲- بو یا تسوبو که برابر است با ۳/۳۰۶ متر مربع. ۳- ری مربع که برابر است با ۱۵/۴۲ کیلومتر مربع.

واحدهای سطح در روم قدیم عبارتند از:

۱- پای مربع که برابر است با ۰/۰۸ متر مربع. ۲- اسکریبولوم که برابر است با ۸/۷۴ متر مربع. ۳- آکتوس مینموس که برابر است با ۴۱/۹۷ متر مربع. ۴- کلیما که برابر است با ۳۱۴/۷۸ متر مربع. و رجوع به کلیما شود. ۵- آکتوس کوادراتوس که برابر است با ۱۲۵۹/۱۱ متر مربع. ۶- ژوژرم که برابر است با ۲۵۱۸/۲۱ متر مربع. ۷- سانتوریا که برابر است با ۵۰ هکتار و ۳۶ آر و ۴۲ متر مربع. ۸- سالتوس که برابر است با ۲۰۱ هکتار و ۴۵ آر و ۷۰ متر مربع.

واحدهای سطح در فرانسه قدیم عبارتند از:

۱- خط مربع که برابر است با ۰/۰۵۰۹ سانتیمتر مربع. ۲- بند شست مربع که برابر است با ۷/۳۷۲ سانتیمتر مربع. ۳- پای مربع که برابر است با ۰/۱۰۵۵۲۱ متر مربع. ۴- تواز مربع که برابر است با ۳/۷۹۸۷۴۴ متر مربع. ۵- آرپان پاریزی که برابر است با ۳۴/۱۹ آر. ۶- آرپان معمولی که برابر است با ۴۲/۲۱ آر. ۷- آرپان دریاها و جنگلها که برابر است با ۵۱/۰۷ آر.

واحدهای سطح در کلد و آشور عبارت بوده اند از:

۱- پای مربع که برابر است با $0/0105$ متر مربع. رجوع به پا شود. ۲- ارش مربع که برابر است با $0/292$ متر مربع. ۳- پلتر مربع برابر است با $10/50$ آر است. ۴- استاد مربع که برابر است با $3/78$ هکتار. ۵- پرش گاگار که برابر است با $136/08$ هکتار. و رجوع به واحد طول در آشور و کلدان شود.

واحد سطح در مصر قدیم پالم مربع و انگشت و ارش شاهی بوده است. رجوع به پالم و انگشت و ارش شاهی در ذیل واحد طول مصر قدیم شود.

واحدهای سطح در یونان قدیم عبارتند از:

۱- پای مربع که برابر است با $0/0876$ متر مربع. ۲- آسن که برابر است با $8/76$ متر مربع. ۳- پلتر مربع یا آرپان که برابر است با 876 متر مربع. رجوع به واحد طول در یونان قدیم شود.

واحد سطح یهود در قدیم تسماد است که برابر است با سطح میدانی که یک جفت گاو در یک روز میتوانند شخم بزنند.

جریب، از واحدهای بسیار کهن برای اندازه گیری سطح و گاهی حجم و وزن. در باره اصل واژه جریب آرای متفاوت و گاه متضادی وجود دارد. این واژه چند بار در متون فارسی میانه (از جمله ایاتکار ژاماسپیک، ص ۷۲؛ بیلی، ص ۵۸۳؛ نیز به کار رفته است (نیز رجوع کنید به gryw سنگنوشته شاپور اول در کعبه زردشت: ژینیو، ص ۵۱؛ بک، ص ۳۶۷) به صورت دانسته شده است (هوبشمان، ص ۱۸۱). griba مکنزی، ذیل واژه). بر این اساس، ریشه مفروض آن واژه ایرانی باستان (باتوجه به صورت مستعمل این واژه در چند نوشته aypnol^{۱۲} همچنین سیمز - ویلیامز (ج ۱، اصطلاح نامه، ص ۱۷۷، ذیل " (به معنای «گردن») بازسازی نموده که در این صورت با واژه گریو griuua بلخی، با قید احتمال، اوستایی آن را به صورت در فارسی میانه (به معنای گردن) مرتبط است (نیز رجوع کنید به مکنزی، همانجا). از دیگر سو، بنا به نظر برخی از زبان شناسان، جریب از واژه سریانی گریبا (رجوع کنید به فرانکل، ص ۱۳۰؛ مشکور، ج ۱، ص ۱۳۵)، که خود باقی مانده می باشد (بروکلان، ص ۱۳۰)، مشتق شده است. kirubu^{۱۳} صورت اکدی

در متون متقدم فارسی، جریب به همین صورت بسیار به کار رفته است (مثلاً رجوع کنید به محمدبن ایوب طبری، ص ۱۸۳). به صورت گری نیز نمونه هایی از کاربرد آن وجود دارد (رجوع کنید به همان، ص ۱۸۴). باتوجه به وسعت و سابقه کاربرد واژه جریب در زبان فارسی، واژگان دیگری نیز از آن ساخته شده است، از جمله «جریبانه»، به معنای مقدار مالیات معینی که از هر جریب زمین باید گرفته شود؛ «جریب کش»، کسی که عهده دار تقسیم زمینهای مزروعی به تعداد معینی جریب است؛ و «جریب کشی»، عملیات تقسیم زمین به قطعات مساوی (رجوع کنید به فولرس، ج ۱، ص ۵۱۴، ذیل «جریب»). به نوشته بیهقی (ص ۸۱۰)، در حوالی نیشابور و شادیاخ، جریب «جفت وار» نیز نامیده می شده است.

لغت‌شناسان متقدم عرب در مورد عربی بودن این واژه تردید داشته‌اند، از جمله جَوَالیقی (ص ۱۵۹) به نقل از ابن دُرید، جریب را معرّب ذکر کرده است. با این حال، در عربی واژه جریب به صورتهای اَجْرِبَه و جُرْبَان جمع بسته شده است (رجوع کنید به ابن درید، ج ۱، ص ۲۶۶؛ ازهری، ج ۱۱، ص ۵۰؛ ابن سیده، ج ۷، ص ۴۰۱؛ ابن منظور، ج ۲، ص ۲۲۸؛ فیومی، ج ۱، ص ۹۵).

در سرزمینهای اسلامی، از جمله در ایران، جریب علاوه بر اینکه عمدتاً واحدی از واحدهای سطح بوده، واحد حجم یا وزن هم بوده است. بر اساس اشاره‌هایی به واژه جریب در متون ایرانی پیش از اسلام (رجوع کنید به ایاتکار ژاماسپیک؛ بیلی، همانجاها) و نیز نوشته‌های مورخان اسلامی، این واحد در ایران پیش از اسلام برای تعیین مساحت اراضی به کار می‌رفته است (رجوع کنید به آلتهایم و اشتیل، ص ۴۲). به نظر می‌رسد که ایرانیان این واحد را از آرامیهای ساکن عراق گرفته بودند (امام شوشتری، ص ۳۷). به نوشته مسعودی (ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰) و محمدبن جریر طبری (سلسله ۱، ص ۹۶۲)، خسرو انوشیروان ساسانی (حک: ۵۷۹-۵۳۱ میلادی) برای هر جریب زمین در منطقه عراق و بسته به نوع محصول آن، مالیاتی وضع کرده بود.

از نخستین سالهای دوره اسلامی، گزارشهایی از استفاده از جریب به عنوان واحد سطح دیده شده است، از جمله به نوشته بسیاری از مورخان و نویسندگان اسلامی (از جمله بَحْشَل، ص ۳۴؛ ماوردی، ص ۲۶۵)، در زمان خلافت عمر (۱۳-۲۳) و به دستور او منطقه سواد (دشت آبرفتی و بسیار کهن منطقه دجله و فرات) اندازه‌گیری شد و مساحت این منطقه ۷۵ میلیون جریب تعیین گردید (یاقوت حموی، ج ۳، ص ۱۷۴-۱۷۵). در اوایل دوره اسلامی نیز از زمینهای کشاورزی بر اساس هر جریب و باتوجه به نوع محصول، مالیات می‌گرفتند (ماوردی، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ یاقوت حموی، همانجا). بر این اساس، یکی از شروط جاری شدن خراج بر هر زمین، دانستن مساحت آن به جریب بود (ماوردی، ص ۲۷۱؛ ابن فراء، ص ۱۷۹).

استفاده از جریب، هم به عنوان واحد وزن هم به عنوان واحد سطح، تقسیم آن به واحدهای کوچک‌تر در مناطق گوناگون و نیز منطبق نبودن اندازه این اجزا باهم، موضوع برابرسازی دو یا چند مقدار اندازه‌گیری شده با این واحد را مسئله‌ای بغرنج کرده بود. یکسان‌سازی این واحد در یک سرزمین یا تبدیل آن به واحدهای دیگر، با هدف از بین بردن این مسئله و رفع ابهام در استفاده از این واحد، موضوع اصلاحاتی بوده که در سرزمینهای اسلامی به دفعات رخ داده است. به نوشته لمتون (ص ۶۹۸)، ارتباط مفهوم جریب با مقدار معینی از وزن محصول به دست آمده از اندازه معینی زمین، و ارتباط همین محصول با انواع کاشت آبی و دیم، که خود باعث به دست آمدن مقدار متفاوتی محصول می‌گردد، باعث بروز تشتت در مقدار جریب در مناطق گوناگون می‌شده است. یک جریب گاه به ده قَفِیز (درمورد واحد سطح؛ قمی، ص ۱۰۹) و گاه به هفت قَفِیز (درمورد واحد وزن؛ ابویوسف قاضی، ص ۴۷) تقسیم می‌شده است. عموماً هر جریب ۶۰۰، ۳ ذراع * بوده است (ابن فراء، ص ۱۸۰). جریب، بر اساس نوع استفاده از آن در اندازه‌گیری مساحتها یا بزرگ یا کوچک یا استفاده از آن در زمینهای بایر و دایر، به انواعی چون جریب صغیر و کبیر (هر جریب کبیر ۳۲۳ برابر جریب صغیر بوده است؛ ابن حوقل، ص ۳۰۲) و جریب عامر و

غامر (آباد و ویران؛ ذهبی، ج ۲، ص ۳۲۱) تقسیم می‌شده است. زکریای قزوینی (ص ۳۹۹) نیز از جریب هاشمی یاد کرده است. با اینکه گزارشهای متعددی از اندازه جریب وجود دارد (از جمله ابن حوقل، همانجا؛ مقدسی، ص ۴۵۱؛ خوارزمی، ص ۶۶)، تقریباً می‌توان به این نتیجه رسید که اندازه جریب در قرون اولیه اسلامی حدود ۶۰۰، ۱ مترمربع بوده است. خوارزمی (همانجا) اندازه جریب را برابر ضرب «أشَل» در «أشَل» ذکر کرده است. این أَشَل برابر شصت ذراع هاشمی بوده (هینتس، ص ۸۸) و بنابراین، نوشته خوارزمی با نوشته ابن حوقل (همانجا)، که جریب را برابر حاصل ضرب شصت ذراع در شصت ذراع دانسته است، تضادی ندارد و در تمامی این موارد، اندازه جریب تقریباً ۶۰۰، ۱ مترمربع محاسبه می‌شده است.

از قرن یازدهم به بعد، به سببی ناشناخته، اندازه جریب به حدود ۹۵۰ مترمربع تنزل پیدا کرد (هینتس، ص ۱۰۶-۱۰۷)؛ اما، در بعضی مناطق، همان ۶۰۰، ۱ مترمربع اندازه یک جریب بود (برای آگاهی بیشتر در باره جریب و اندازه آن به عنوان واحد سطح رجوع کنید به سوور، <مجله آسیایی>، ج ۸، ص ۴۸۵-۴۸۸؛ هینتس، همانجا؛ خاروف، ص ۴۹۱-۴۹۸؛ دیانت، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۶۱). با تبدیل آنچه شاردن (ج ۴، ص ۱۷۶-۱۷۷) در باره اندازه جریب در ایران دوره صفوی (ح ۹۰۶-۱۱۳۵) نوشته به مقادیر امروزی، اندازه هر جریب در آن زمان ۹۵۶ مترمربع بوده است. در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴) نیز هر جریب تقریباً یک هزار مترمربع (لمتون، ص ۶۹۸) یا اندکی بیشتر از آن (تقریباً ۱۰۸، ۱ مترمربع) محاسبه می‌شده است (جمال‌زاده، ص ۱۹۵).

تشت ناشی از رواج چند نوع جریب در ایران و نیز آشنایی ایرانیان با واحدهای یکسان شده اروپایی، موجب تلاشهایی برای یکسان‌سازی مفاهیم سنتی مقیاسها با واحدهای اروپایی شد. در ۱۳۰۲، محمدحسن خان صنیع‌الدوله پیشنهاد نمود اوزان و مقیاسهای سنتی ایران، از جمله جریب، با مقادیر متناسب آنها در نظامهای بین‌المللی برابر شود؛ بنابراین، هر جریب معادل یک هکتار تعیین شد (اعتمادالسلطنه، گ ۴۴ پ). مقایسه نشان می‌دهد که در ۱۳۰۲ ش و در دوره پنجم قانونگذاری مجلس شورای ملی، یکسان‌سازیهایی که برای مقیاسهای سنتی ایران با مقادیر اروپایی آنها صورت گرفت، عملاً بسط تجربه صنیع‌الدوله بود و برابر این قانون، نیز یک جریب معادل یک هکتار شد (برای آگاهی از مواد این قانون رجوع کنید به ایران. قوانین و احکام، مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری، ص ۲۱۵-۲۱۸). این قانون در ۱۳۱۱ ش نسخ و رجوع کنید به همو، مجموعه قوانین [؟] اوزان و مقیاسهای رسمی کشور به نظام متری بدل شد (برای آگاهی از متن قانون ناسخ موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانونگذاری، ص ۲۰۶-۲۰۷)، اما عملاً استفاده از این مقادیر سنتی در نقاط گوناگون ایران ادامه یافت و همچنان از جریب، به عنوان واحد سطح، اما با اندازه‌های متفاوت در نقاط مختلف، استفاده می‌شد (برای آگاهی از اندازه جریب در بعضی نواحی ایران در نیم‌قرن گذشته رجوع کنید به جدول).

در قلمرو عثمانی نیز جریب به عنوان واحد سطح بسیار کاربرد داشته است. در این قلمرو نیز این اندیشه به وجود آمد که مقیاسهای محلی با مقیاسهای اروپایی یکسان‌سازی شوند. بر این اساس، طی قانونی که در ۱۲۹۸ در زمان حکومت سلطان عبدالحمید دوم اعلام شد، مساحت هر جریب برابر یک هکتار تعیین گردید (گونرگون، ص ۳۰۹؛ برای بحث بیشتر در باره چگونگی ایجاد مقیاسهای جدید در این قلمرو رجوع کنید به همان، ص ۲۹۷-۳۱۶).

در دوره بابرین (۸۹۹-۱۲۷۴) نیز مقیاسهای رایج در سرزمینهای اسلامی، از جمله جریب، با اندازه‌هایی کمابیش متفاوت با اندازه‌های رایج در دیگر سرزمینها، در هند رواج یافت. مثلاً، در زمان اکبر شاه (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴)، نوعی جریب برابر با ۵ ر ۱۲ «گز الهی» (مقیاس دیگری که در زمان اکبر شاه وضع شده بود) ابداع شد. دیگر پادشاهان بابرین نیز مقیاسهایی مانند این وضع نمودند (برای آگاهی از این مقیاسها و از جمله جریبهایی که در این زمانها وضع شد رجوع کنید به د. اسلام، چاپ دوم Misaha.2. ذیل ").

تشت در بررسی مفهوم جریب در مقیاس سطح، کمابیش در برداشت افراد از این واحد در مقیاس حجم و وزن نیز وجود داشت. به‌نوشته خوارزمی (ص ۶۷)، مقدار جریب (در مفهوم واحد حجم و وزن آن) در هر سرزمینی متفاوت بود. در قرون اولیه اسلامی، جریب به اجزای کوچک‌تری شامل هفت (ابویوسف قاضی، ص ۴۷) یا چهار (ازهری؛ ابن‌سیده؛ فیومی، همانجاها) قفیز تقسیم می‌شد و بر این اساس، مقدار آن از ۷۵ کیلوگرم (دیانت، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۵) تا ۲۲۷ کیلوگرم (هینتس، ص ۶۱) در نوسان بود. به‌نوشته شاد (ذیل واژه)، هر جریب شامل دوازده «صاع» و به‌نوشته هینتس (همانجا)، هر صاع ۴۲ لیتر یا ۳۲ کیلوگرم بود و بنابراین، هر جریب حدود ۳۸۴ کیلوگرم محاسبه می‌شد. به‌نوشته ابن‌حوقل (ص ۳۰۱)، هر جریب در شیراز به ده قفیز و هر قفیز نیز به شانزده رطل تقسیم می‌شد، ولی جریب و قفیز در اصطخر نصف جریب و قفیز در شیراز بود. این نوشته ابن‌حوقل، تشتت حاکم بر این

جدول اندازه جریب در بعضی نواحی ایران در نیم قرن گذشته، بر اساس برابری آن با یک هکتار

شهر روستا/منطقه برابری با یک هکتار

تهران کن ۰٫۲۴ جریب

کرج ساوجبلاغ ۰٫۱۲

کرج علیشاه عوض ۰٫۲۴

محلات خوره ۰٫۱

محلات مشهد اَرَدَہال ۰۲ر

قم رَوَانَج ۰۱ر

لاہیجان آستانہ ۱

رودسر املش ۱

بابل بندی ۱

نوشہر کُلوَدپی ۱

تنکابن کَلار آباد ۰۱ر

تنکابن لَنکارود ۰۲ر

گرگان استر آباد رُستاق ۰۲۵ر

نور ناتِل رُستاق ۱

کرمانشاہ کنگاور ۰۸ر

مشہد چناران ۰۳۶ر

تربت جام بالاجام ۰۳۳۳ر

گناباد بَجستان ۰۱۸ر

تربت حیدریہ سنگان ۰۲ر

کاشمر بالا ولایت ۰۸ر

کاشمر کوه سرخ ۰۳۳ر

سبزوار بیراکوه ۰۲۵ر

طہس اِصفَہک ۰۱۶۶ر

فردوس اصفناک ۰٫۱۶۶ر

فردوس حومه ۰٫۱۷۵ر

اصفهان قُهاب ۰٫۱ر

اصفهان ماربین ۰٫۰۷۶ر

اردستان علیا ۰٫۲۲۵ر

نجف آباد تیران ۰٫۱ر

گلپایگان جلگه ۰٫۱ر

نطنز بادرود ۰٫۱۴ر

همدان حسام آباد ۰٫۰۸۳۳ر

ملایر حومه ۰٫۱ر

تویسرکان خرم رود ۰٫۱ر

بروجن پشت کوه ۰٫۱ر

الیگودرز دلفی ۰٫۴ر

بروجرد اُشترینان ۰٫۱ر

سمنان سرخه ۰٫۱۲۵ر

سمنان شهمیرزاد ۰٫۰۸ر

دامغان تویه دروار ۰٫۵ر

معیارها و مقیاسها در ایران را به خوبی نشان می دهد. بر اساس نوشته ابن حوقل و باتوجه به اینکه در فارس هر رطل برابر ۱۳۰ درهم بوده (سور، <مجله آسیایی >، ج ۷، ص ۱۵۸-۱۵۹)، یک جریب در محدوده فارس مقادیر متعددی داشته است، از چهارده کیلوگرم در کامفیروز (همان، ج ۷، ص ۱۵۹، پانویس ۳) تا ۱۰۸۳ کیلوگرم در کازرون (هینتس، ص ۶۲). غازان خان

(حک : ۶۹۴-۷۰۳)، پادشاه ایلخانی ایران، برای پایان دادن به این تشتها، دستور داد اوزان و اندازه‌های جدیدی وضع شود و استفاده از اوزان قدیم، از جمله جریب، را ممنوع کرد (برای آگاهی از متن فرمان او رجوع کنید به رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ۱۴۶۵-۱۴۶۶). به نظر مبارک، به طور کلی بیشترین مقداری که برای یک جریب از نظر حجم در نظر گرفته شده، ۲۶۴ لیتر است (مبارک، ص ۱۳۶؛ برای آگاهی بیشتر در باره مقدار جریب در مفهوم واحد حجم و وزن رجوع کنید به هینتس، ص ۶۱-۶۲؛ خاروف، ص ۳۶۱-۳۶۹؛ دیانت، همانجا).

با توجه به کاربرد دیرپای واژه جریب در ایران و سرزمینهای اطراف آن، این واژه از زمانهای دور وارد ادبیات این سرزمینها شده و مثلاً و عبارتهای متعددی با استفاده از آن ساخته شده است، از جمله نفرین «رَفَعَالَلُّ جَرِيبِك» به معنای کنای «خدا با مرگ تو روزیت را بُرَد»

واحدهای اندازه گیری ترکی :

واحد طول : آرشین = ۱۱۵ سانتی متر / یاریم آرشین = ۵۷.۵ سانتی متر / چیرک = ۲۹ سانتی متر / سییه = ۱۴.۵ سانتی متر / پونزا = ۷.۲ سانتی متر.

واحدهای اندازه گیری طول مسافت درمقیاس بزرگتر آغاج بوده است : آغاج = ۶ کیلو متر / منزل = ۶ آغاج . حد فاصل هر آغاج قهوه خانه‌ای جهت استراحت وجود داشت معمولاً یک فرد معمولی روزانه دو آغاج راه می‌رفت یک مسافر تنبل یک آغاج راه می‌رفت و آدم‌های خیلی تنبل طوری مسافرت می‌کردند که اگر مسافت ۱۰ روز را جمع می‌کردی از ۹ آغاج هم کمتر می‌شد. این موضوع برای اینکه میزان تنبلی شخصی را مشخص کنند می‌گفتند فلانی خیلی زرننگ است ماشاله " اوَن گونه دوققوز آغاج یول گندیر " (در ۱۰ روز ۹ آغاج راه می‌رود).

واحدهای پول: قیران = ۱۰۰ دینار = بیست شاهی / ده شاهی = ۵۰ دینار / چهار شاهی = یک عباسی. یک منات = ۳.۵ قیران / یک پنبات = ۵۰ دینار / اوچ پنبات = ۱.۵ قیران / قارا پول = سکه کم ارزشتر از برنز و یا روی = پیشیز

«تومان» واحد پولی ۸۰۰ ساله در فرهنگ و ادب و تاریخ ما ترکان نیز همواره به جای عدد ده هزار استفاده شده است. این واحد پولی را بخاطر برابری آن با ۱۰۰۰۰ دینار چنین نامی را نهاده‌اند. «سکه صد دینار» یا همان «صنار» را سلطان محمود غزنوی ضرب کرد و بعدها به «محمودی» معروف شد. دینار واحد پول روم و برگرفته از نام امپراتور روم دیناریوس بوده است. همزمان شاهان سامانی ماوراءالنهر سکه‌های نقره‌ای معروف به «شاهی» را ضرب کردند که ارزش آن نصف محمودی بود. بعداً ۱۰۰۰ دینار را «قران» و ۱۰۰۰۰ دینار را «تومان» گفتند. در اواخر دوره قاجار سکه‌های ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ دیناری ضرب شد که به یک «قران» و «دو قران» یا دوهزار (اصطلاحاً دوزار و دو قرون) معروف شدند.

واحدهای وزن : درم = ۱۰ مثقال = ۱۵.۵ دانگ / یک چتوهر = ۲۲ مثقال / چئت = ۱۱ مثقال. / یک مثقال = ۲۴ نخود = ۴.۶۸ گرم / باتمان = ۵ کیلو (در بازار تبریز ۴.۴۴۰ کیلو گرم / در خراسان ۳.۳۳۰ کیلو گرم). یک نخود = چهار گندم / یک کیلو = ۱۰۰۰ گرم / نیم کیلو = ۵۰۰ گرم / یک پونز = ۲۵۰ گرم / هفدرم = ۱۲۵ گرم / سیر = ۸۰ گرم = ۱۶ مثقال

واحد اندازه گیری محصولات کشاورزی در میان اقوام ترک و کسانی که با ترکها داد و ستد داشته اند باتمان بوده است. مقدار باتمان در مناطق مختلف و نیز بر حسب جنسی که توزین می شد متغیر بود. در ترکیه هر باتمان ۶ اقه (اقیه) است که هر اقه ۴۰۰ درهم یا ۱۲۸۳ گرم و بنابراین هر باتمان معادل ۷۶۹۸ کیلوگرم است .

واحد اندازه گیری زمین های کشاورزی "دنوم" بوده است و دنوگ ، دنوگه ، دنورگه و دنوم بمعنای "محل دور زدن" می باشد و برای قطعه زمین بکار میرفته است. یک دنوم به اندازه ۹۰۰ مترمربع است. هر دنوم به واحدهای کوچک تر تقسیم می شود . مثل: دورد دنوگه (چهار دانگ) ، آلتی دنوگه (شش دانگ) ، اوچ دنوگ (سه دانگ).

Olçülər اولچولر /

طول - دراز uzunluq-boy / اوزونلوق / بوی }

عرض En ائن /

ارتفاع hündürlük / حوندورلوک /

مسافت / فاصله Ara آرا /

نیم من Yarım batman / یاریم باتمان /

پنج کیلومتر beş ağac / بشش آغاج /

یک لیتر Bir girvanka / بیر گیروانکا /

کسر Kəsir / کسیر /

یک چهارم Bir çərək / بیر چرک /

ده قدم On ardim / اون آردیم /

یک وجب Bir qarış / بیر قاریش /

یک گونی Bir çuval بیر چووال /

دو گونی İki təlīs اِیکی تلیس /

یک مشت Bir avuc بیر آووچئ /

یک دامن Bir ətək بیر اَتک /

به اندازه دنیا Dünyalarca دونیالار جا /

به اندازه کافی Yetərinca یِترینجه /

صدها Yüzlərcə یوزلرجه /

بی شمار Saysız ساییسیر /

باقیمانده Qalıq قالیق /

یکی یکی Bir-bir بیر-بیر /

مساحت Sahə ساحه /

گرم Qıram قیرام /

شش کیلومتر Ağac آغاج /

وجب Qariş قاریش /

ایاق: پا(واحد اندازه گیری طول و عرض فرش در قدیم)

دگر = ارزش، قسمت

پای = قسمت غذا

پای: سهم (عربی)!

چکی = وزن

اؤلچو = اندازه

اؤلچمک = اندازه گرفتن

باتمان (چکی ده) = (در وزن) در تبریز ۵ کیلو در شهر های مختلف متفاوت مثلا مرند ۱۰ کیلو

باتمان (اؤلچوده) = (در اندازه) در تبریز ۱۵۷.۵ متر

پونزا = ۲۵۰ گرم

لای = یک دور کامل در فرش بافتن

جوتلوق = به اندازه شخم زدن دو گاو در یک روز

یوک = به اندازه باری که یک انسان بتواند بردارد

دگیرمان = آبی که بتواند یک آسیاب را بگرداند (باغداری)

سورو: گله

بؤلوک (عربی) = یک قسمت (مالدارلیقدا سورودن آیریلان لار) اورنک: بیر بؤلوک قوزو

بؤلوک: قسمت (عربی) (در انگلیسی تبدیل به "بلوک" شده است)

آدام: نفر (واحد شمارش انسان و شتر)

پیش از آن که دستگاه متری در جهان و بعد در ایران رایج شود ، واحد های اندازه گیری از نقطه ای به نقطه ی دیگر تغییر می کرد و به همین مناسبت ، رابطه ی بین ملت ها دشوار بود .

نخستین واحدها به وزن چیزهای مختلف مربوط بود و تعیین اندازه ی مسافت ها و بشتر اندازه ها با نمونه برداری از بدن انسان انجام می گرفت . برای اندازه گیری فاصله ها ، آن ها را با گام های خود می شمردند . هنوز هم ، وقتی نیاز به دقت نباشد ، از گام ها برای اندازه ی فاصله های کم استفاده می شود . مردم قدیم ، دو هزار گام را که شامل هزار گام دوتایی بود ، یک میل می نامیدند . وقتی فاصله زیاد بود آن را به ((محل های استراحت)) یا ((روزها)) تقسیم می کردند ، مانند پنج منزل راه ، ده روز فاصله . اگر به اندازه های کوچک و دقت بیشتر نیاز بود ، آن را با ((کف دست)) اندازه می گرفتند که در ایران به آن ((وجب)) گفته می شد . برای فاصله های کم ، اندازه ی کف پا را معیار می گرفتند . واژه ی انگلیسی ((فوت)) (یعنی پا) از

همین جا آمده است. برای اندازه های کوچک تر، از عرض انگشت استفاده می کردند. بسیاری از ملت های کهن، از واحد ((آرنج)) استفاده می کردند. (مانند مصر و بابل) ((آرش)) در زبان فارسی، همین واحد ((آرنج)) است. یک ((آرش)) یا ((آرنج))، به طور طبیعی عبارت است از نوک انگشت میانه تا آرنج. در بین بابلی ها هر آرنج برابر با ۳۰ عرض انگشت بود. در هند رایج ترین وسیله ی طول ((قد یک انسان متوسط)) بود. در روسیه از فاصله ی بین دو انتهای دست های باز استفاده می کردند.

د سده ی دوازدهم میلادی، فرمان هانری اول، در انگلستان، برای واحد ((یارد)) رسم شد. درباره ی سرچشمه ی این واحد دو روایت وجود دارد. بنا به واین اول، ((یارد)) عبارن بود از انتهای بینی هانری اول تا انتهای انگشت میانه ی او، به شرطی که دستش را به طرف جلو دراز کرده باشد و بنا به وایت دوم، ((یارد)) را به اندازه ی طول شمشیر شاهی انتخاب کرده بودند. در ایران، واحد طول، ((گز)) یا ((ذرع)) بود که به تقریب برابر ۱/۰۴ متر است. گره ذرع و ((بهر)) گره بود. برای فاصله های بزرگ از ((فرسنگ)) یا ((فرسخ)) استفاده می کردند که به تقریب برابر ۶ کیلومتر بود.

ملت های مختلف، واحدهای متفاوتی برای طول داشتند که اغلب بستگی به چیزهایی داشت که با آن ها سرو کار داشتند. از جمله در سیبری، ساکنان ساحل آمور، برای محاسبه ی طول واحدی به نام ((ابوکا)) داشتند که به معنای فاصله ای بود که از آن جا می شد شاخ گاو را تشخیص داد. هنوز هم چنین واحدهایی وجود دارد: یک خروس خوان راه، یعنی فاصله ای که از آن جا، به زحمت صدای خروس شنیده می شود. روستائیان آلمان، واحدی دارند که به معنای اندازه ی است که کان می تواند یک تیر به آن جا رها کند.

(بود. ((پید)) pied) که شش برابر ((پید)) toise در پاریس، واحد طول پیش از دستگاه متری، عبارت بود از ((تواز)) (و واحدهای سه برابر ((پید)) و هفت برابر ((پوس)) هم وجود داشت. این نمونه ها دشواری و pouce برابر با ۱۲ ((پوس)) (پیچیدگی دستگاه قدیمی را نشان می دهد که بجز آن، با اختلاف بین واحدهای کشورهای گوناگون را هم به این دشواری اضافه کرد.

جهت های مورد استفاده برای مخفی کردن دفینه:

یهودیان=شمال شرقی و جنوب شرقی

غیر یهودیان = شمال غرب و جنوب غرب

اما در جهت های دیگر نیز استفاده می شده مثلا شمال , جنوب , شرق , غرب و عمدتا بر این منوال بوده :منازل ,عبادتگاه , سد , چاه , حدود بین قبایل و...

کلک: به جایی اطلاق می شود که سنگ جمع شده باشد یا محل تجمع سنگ ها را گویند

مکانهای قرار دادن نشانه ها :



بر روی صخره ها و دیوارها و بر روی سنگها و اهنها و چوبها و پوسته ها و برگها . اشاره واقعی آن است که نشانگر خود باشد بدون شک و شبهه و نزدیک به حقیقت باشد و همچنین همراه این اشاره چیزی به نام تثبیت نیز که ثابت کننده نوع دفینه مورد اشاره است نیز وجود داشته باشد مانند کاسه و کوزه

تله گذاری:

این تله ها معمولا در مکانهایی همچون داخل سردابهایی که دفینه در آنجا دفن شده است قرار داده می شود و زمانی که شما وارد سرداب می شوید بدون آنکه شکی کنید و آن چیزی را که میخواهی دفینه را از آن بیرون بیاورید می کشی سنگی می افتد از این رو باید مواظب باشید.

همچنین برخی از این تله ها تله های چاه ماندی هستند که روی آنها بواسطه چیز های هم رنگ زمین اطراف پوشیده شده و زمانی که تو از آنجا رد می شوی بر حسب نوع وزن تو آن تله فعال میشود و داخل گودالی در حدود ۲۰ متر می افتید.

برخی تله ها تلهای سمی هستند و زمانی که دفینه باز میشود ان تله و نوع ماده قرار داده شده در آنجا که به هوا حساس است شروع به فعالیت میکند و ماده سمی در فضا منتشر می شود.

اما در جهت های دیگر نیز استفاده می شده مثلا شمال , جنوب , شرق , غرب و عمدتا بر این منوال بوده :منازل ,عبادتگاه , سد , چاه , حدود بین قبایل و...

کلک: به جایی اطلاق می شود که سنگ جمع شده باشد یا محل تجمع سنگ ها را گویند

مکانهای قرار دادن نشانه ها :



بر روی صخره ها و دیوارها و بر روی سنگها و اهنها و چوبها و پوسته ها و برگها . اشاره واقعی آن است که نشانگر خود باشد بدون شک و شبهه و نزدیک به حقیقت باشد و همچنین همراه این اشاره چیزی به نام تثبیت نیز که ثابت کننده نوع دفینه مورد اشاره است نیز وجود داشته باشد مانند کاسه و کوزه

تله گذاری:

این تله ها معمولا در مکانهایی همچون داخل سردابهایی که دفینه در آنجا دفن شده است قرار داده می شود و زمانی که شما وارد سرداب می شوید بدون آنکه شکی کنید و آن چیزی را که میخواهی دفینه را از آن بیرون بیاورید می کشی سنگی می افتد از این رو باید مواظب باشید.

همچنین برخی از این تله ها تله های چاه ماندی هستند که روی آنها بواسطه چیز های هم رنگ زمین اطراف پوشیده شده و زمانی که تو از آنجا رد می شوی بر حسب نوع وزن تو آن تله فعال میشود و داخل گودالی در حدود ۲۰ متر می افتید.

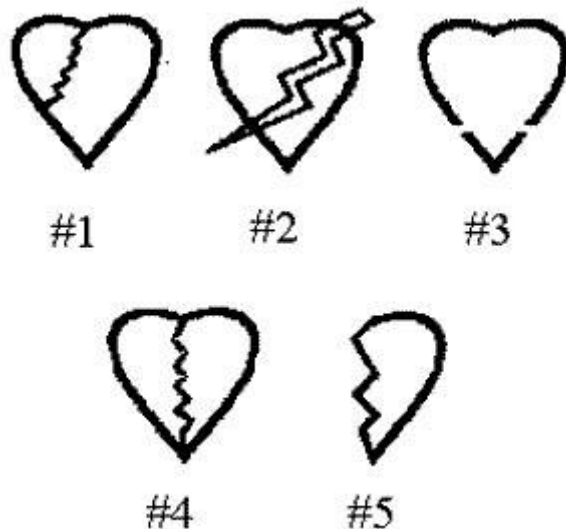
برخی تله ها تلهای سمی هستند و زمانی که دفینه باز میشود ان تله و نوع ماده قرار داده شده در آنجا که به هوا حساس است شروع به فعالیت میکند و ماده سمی در فضا منتشر می شود.

باید توجه شود که هر قبری داخل آن اشیای قیمتی وجود ندارد شاید داخل یک قبر کوزه ای هم پیدا بشود و آن کوزه پر از جو و گندم باشد این بدان معناست که آنان اعتقاد داشتند حیات دیگری بعد از مرگ وجود دارد و آنان میتوانند از این گندمها در آن دنیا استفاده نمایند

یکی از وظایف کارشناس شناسایی تله قبل از عمل کردن می باشد. نوع دوم تله که در این نوع تونلها به کار برده می شود تله شیمیایی هست که خاک تونل را توسط برخی قارچها و گیاهان سمی مسموم می کردند که خطرناکترین نمونه سم بکاررفته در این نوع تله ها، گازی تولید می کند که نه رنگ و نه بو دارد و به این صورت می باشد که حفار به محض استشمام این گاز از قسمت کف پاشروع به حالتی بحالت مور مور شدن می کند که این حالت با استشمام گاز بیشتر ادامه پیدا می کند تا به حد کمر برسد. افرادی که بدن ضعیفی دارند در همان مرحله اول دچار سکت شده و می میرند .



در ابتدا یکی از سمبل های خطر که از گذشتگان به ما ارث مانده و در آن پدران ما خطر ها را به ما گوش زد کرده اند در اینجا می آوریم.



قلب یا دل سمبل دل در بعضی از تعبیر به معنای طلا آمده قلب به صورت کامل و یا به صورت مختلف شکسته آمده است که در زیرانواع شکل و تعبیر آن آمده است.

دلی که کوشه ای از آن ترک برداشته می تواند برای ما پیغام های مختلفی داشته باشد یکی از آن ها به معنی مرگ آمده که اگر به آن توجه نشود می تواند برای ما مخاطره انگیز باشد.

قلبی که شکل رعد بر روی آن باشد در سمتی که رعد اشاره می کند برای ما خطر وجود دارد و در هنگام کار در آن نقطه باید مواظب باشیم.

قلبی که قسمت پایین آن جدا شده . مفهوم آن این است که سمتی که نوک قلب برای ما نشان می دهد خطری وجود دارد که این خطر برای ما به شکل محسوس و قابل دیدن است.



قلبی که از وسط نصف شده . وجود خطر در فاصله ی نزدیک را برای ما نشان می دهد فقط مسیر آن را مشخص نمی کند..در مجموع این خطرات می تواند افتادن از جای بلند - افتادن سنگ و صخره بر روی شما - سمی بودن هوا و آب - مار و عقرب .سمی - و پاشیدن زهر بر روی زیر خاکی می تواند باشد

تصویر اول(درپایین) که در ورودی تونل ها زده می شود ومعمولا در ورودی این مدل تونل ها سمبل های خطر نیز دیده می شود این مدل تله ها به در ورودی بسته شده و در هنگام ورود به آن سنگ هایی که در بالای قرار دارد کار کلید را انجام می دهند از جای خود تکان می خورند وپشت سر آن سنگ بالایی و شنی که در بالای آن قرار دارد بر ورودی تونل می ریزد و قلب نماد بار دزدان و تله میباشد..راه را سد می کند



این قلب ها در آن واحد می توانند روی نقشه ها نشان داده شوند , هنگام نزدیک شدن به آن به آن , به فردی که نقشه را می خواند , تله هایی که منتظر آنهاست را نشان می دهد.تله ها در دایره ایی به اندازه ۲۰۰ قدمی اطراف ورودی پنهان شده می تواند پیدا شود. قلب: شکلی است که از گذشته های خیلی دور به امروز رسیده است. در هر جامعه ای نشان محبت و احترام میباشد. در مسیحیت روی سنگ قبرها مشاهده میشود. از نظر بعضی تعبیر دینه یابی به معنی طلا میباشد. و در اشکال متفاوت معنی تله را میدهد. اما معنی و مفهوم این تصویر به این صورت است که: یک قدم در سمت راست و البته کمی پایین تر ورودی یک قبر مهم میباشد. توجه داشته باشید به احتمال زیاد تله دارد. در بیشتر دوره های تاریخی از علامت قلب استفاده شده است . در یکی از نمونه های کشف شده در قسمت ورودی یک قبر به همراه ۳ عدد سکه طلا (ساسانی) وجود داشته است.



قلبی که در بالا مشاهده می کنید در بالای ورودی غار نصب شده است که نوع تله را برای ما مشخص کرده است.



در مسیرهای منتهی به خزانه بزرگ ترین تهدیدها و تله ها است. گنجینه های بزرگ بسیاری زمانی که به ۱۵ متر می رسد بسیار بیشتر است و تجربه تله گذاری وجود دارد. تونل ها به دور است. این تونل به عنوان تله ساخته شده است. به عنوان مثال، سنگ ممکن است سنگ از سقف کند ، راه پله مارپیچی اتفاق می افتد، شما ضربه دخمه عمیق سقوط به زمین است.

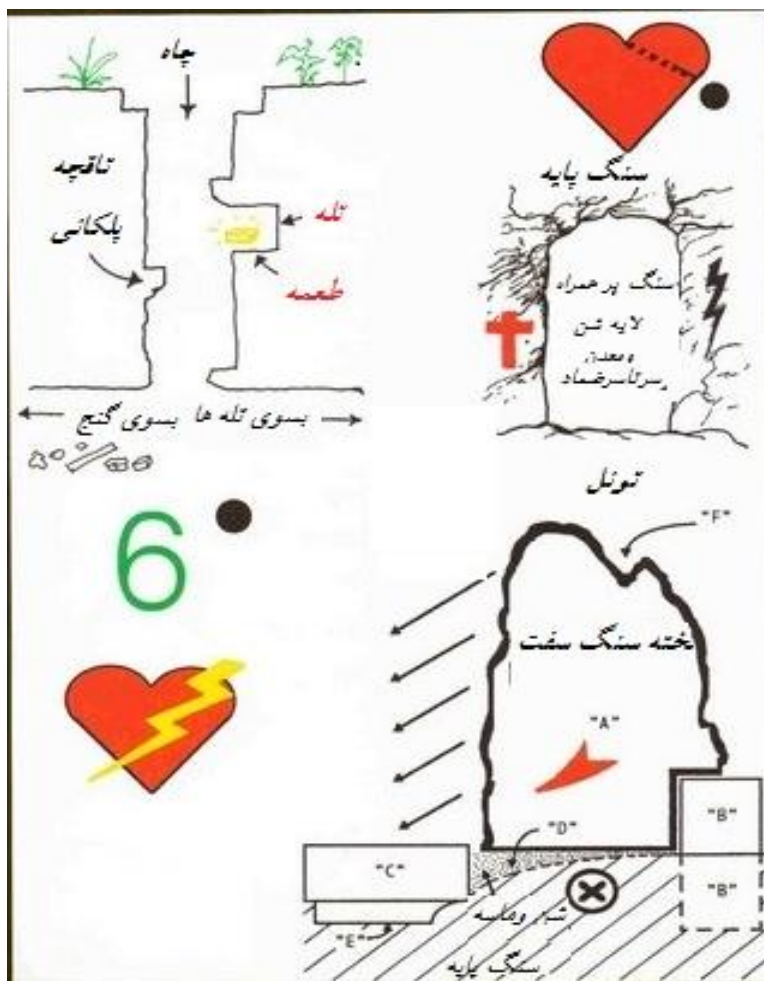


خطرناک ترین تله فلش ویا نیزه است . بدون اینکه از تونل عبور کنید تاریک، فشار بر آن بیفتد در راه و فعال شود. این نیزه ها شاید مدت ۱۰۰۰، شاید ۱۵۰۰ سال پیش، با روغن و روغن خوک کاری شده باشند که بسیار سمی است. خوک اثر روغن کاری خود را از دست نمی دهد. این سم سریعاً وارد جریان خون شده و تمامی مردم را در کمتر از نیم ساعت می کشد.

یکی دیگر از خطر ها گاز هیدروژن پراکسید در غارها است. این گاز کشنده است. گاهی اوقات سموم پاشیده شده بر طلا باشد و باید در برابر آن بسیار مراقب باشید.



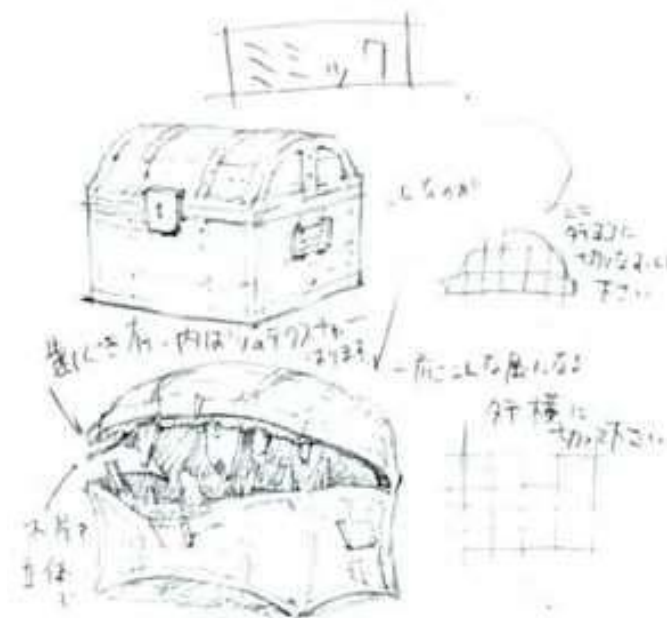
موضوع دیگری در مورد تله مرگ، به هیچ وجه اطلاعاتی را که از تله های یافت شده به دست آورده اید، پنهان نکنید. با تمام جزییاتش با دوستان خود در میان بگذارید. انتقال نظرات درست در مورد تله و جزییات آن مهم می باشد. باید به تمام دوستانتان یاد بدهید که چگونه می شود آنها را پیدا کرده و غیرفعال کرد.



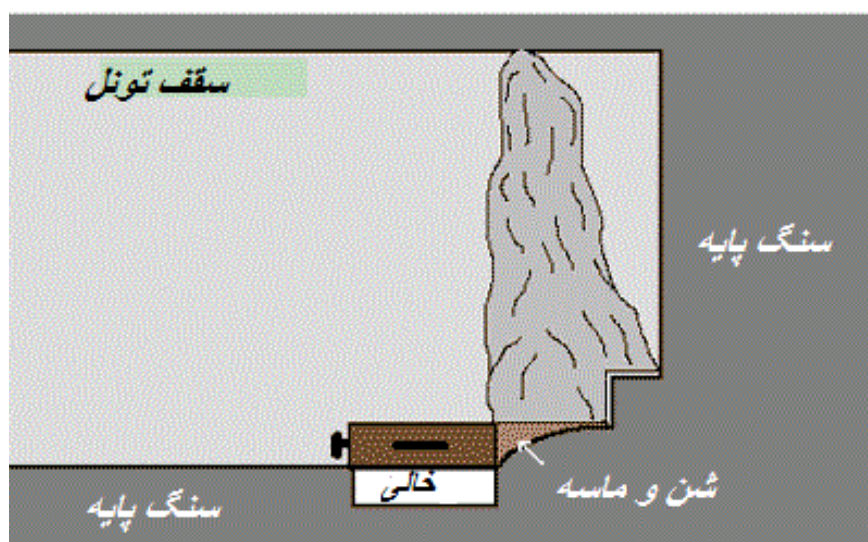
تله شن و ماسه:

این تله با فشرده شدن شن و ماسه در زیر صخره ای ایستاده ی بلند صورت می گیرد. این مدل تله ها در صورت ظاهر به تله شباهت ندارد و در دید نخست صخره ای ایستاده است که در جلو آن یک در و یا صندوقی گذاشته شده است هر موقع دسته ی این صندوق برگردانده شود شن و ماسه ی که در پشت صندوق فشرده شده شروع به ریزش به داخل و یا فضای خالی ایجاد شده در پشت صندوق می کند و زیر صخره بزرگ خالی می شود و می ریزد. حال این سوال پیش می آید اگر شما به این مدل صندوق در موقع جستجو کردن برخورد کردید آن را جستجو می کنید و یا بی خیال می شوید و از کنار آن می گذرید.

در اکثر مواقع در اثر هیجان مستقیمی به طرف صندوق رفته و شروع به جستجوی آن می کنند. و به تله بودن آن بی تفاوت می شوند



باید اولین کاری که کنید از خود بپرسید که آیا برای جستجوی داخل صندوق باید در آن را باز کرد؟ آن کسانی که این دغینه را می خواستند مخفی کنند آیا آن را در زیر این صخره در یک صندوق به راحتی ول می کردند؟ آیا تله ی که پیدا کرده ایم به صورت دست نخورده رها کنیم؟ تا یکی که فرد دیگری که به این تله ها وارد نیست در آن گرفتار شود؟

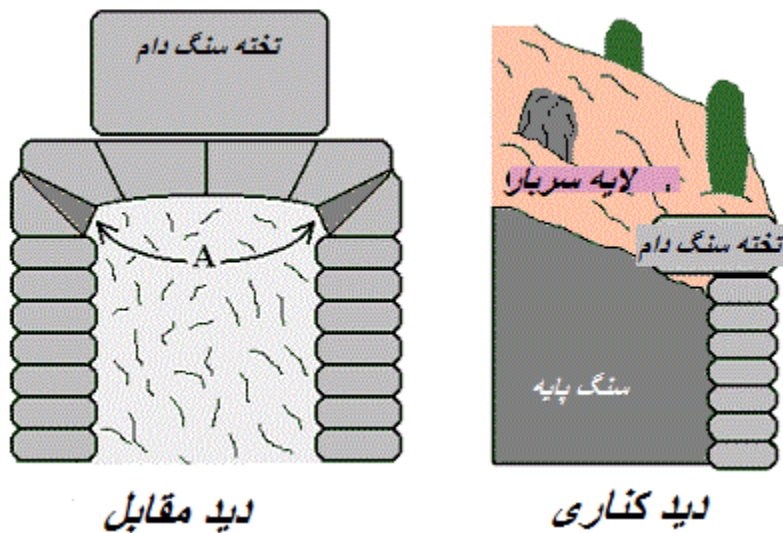




تله های زمینی

چگونگی کار کردن این تله بسیار ساده است و با فشار بر یک طرف تله ی زمینی تعادل آن به هم می خورد و می ریزد معمولا این تله با وزن بالای ۴۵ کیلوپی به کار می افتد. معمولا سمبل های که دلیل بر وجود این تله است در روی دیوار می توان پیدا کرد و این سمبل ها در نزدیکی تله دیده می شود. تله های زمینی جوری مستور می شوند که قابل دیدن نباشند و شیارهای بینایی فقط در صورتی آشکار می شود که با دقت به آن نگاه شود. این مدل تله ها در تمام دنیا دیده شده است.



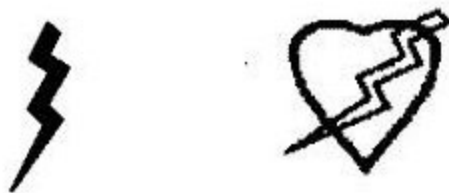


ورودی اینچنین تونلها از نمادهایی که توضیح دادیم می باشد . معمولا تله مستقیما به در وصل می شود. هنگامی که در شکسته می شود وصله هایی که وظیفه کلید کناری را دارند از جایش در آمده و همانطور که در تصویر می بینید تخته سنگی متعلق به غار می باشد.



پس از آن شن انباشته ورودی تونل و همچنین شما را زیر می گیرد.

علامت رعد و برق:



رعد و برق گنج را نشان می دهد اطلاعات با ارزشی را در اختیار ما قرار می دهد و نشانه طلا، نقره ذخیره شده است یک نشانه است که بسیاری از گنجینه های دیگر را نشان می دهد. دام مرگ در مواجهه با خطرات در طول راه را نشان می دهد. یکی از نمادهای خانم به دام این تضمین گرفتار شده است.

نمادی از تله مرگ داده شده بر روی صخره ها، است. شما دائما مراقب باشید. اگر شما نمی دانید چه پس از آن رخ خواهد داد که هر چیز و مکان لمس را تغییر می دهند. آنها توسط افرادی که می دانند این کار آماده شده است، انجا می شود

بیشتر مواقع روی سنگ ها به عنوان نماد تله مرگ آمده است. برای این نیز باشد که دفینه یاب را از محل دفینه دور کرده و نظرش ره به جای دیگر جلب کند. شما باید همیشه مواظب باشید و اگر نمی دانید که متعاقبا چه اتفاقی خواهد افتاد و نباید به چیزی دست یابید و جایش را نباید تغییر بدهید. اینها از طرف افرادی که کار بلد بوده اند آمده است و آنها می دانسته اند که جستجوگران ممکن است بی دقت باشند، ولی دفینه یابانی که از فکر خود استفاده کرده اند و با افکار زیر کانه خود می توانند تله های آنها را غیرفعال کنند. با توجه به تفکرات آنها خواسته آن را از بین می برند

اولین کار که نسبت به این تله ها باید انجام دهیم این است که باید ابعاد این تله را با توجه به نشانه ها با دوستان خود مورد بررسی قرار دهند تله های بزرگ در ورودی های مخفی غار و در دایره ای به قطر ۲۰۰ فوت مشاهده می شوند، این تله ها معمولاً در شیب تپه ها جاگذاری شده است. **یکی از علامتهای نادر بوده و به معنی وجود تله مرگبار می باشد**

تخته سنگی ۳۰ الی ۴۰ تنی می باشد که با یک طرح و نقشه خاصی حرکت می کند. این بر روی تخته سنگها مستقیماً بصورت نماد قلب شکافته شده و یا تکه ای که از قلب جدا شده می تواند باشد

این تله ممکن است گمراه کننده باشد. خیلی ها به شکل قلب و روی آن دفت نکرده و با فکر اینکه طلا می باشد، اطراف و یا زیر تخته سنگ را حفر کرده و این کار می تواند باعث حرکت تخته سنگ شده و بر رویمان معلق شود. حتی اگر این تخته سنگ را نشکند باعث می شود که شما دیگر قادر به ادامه دادن جستجوهایتان نباشید

یکی دیگر از هشدارهای ساده رعد و برق، تله مرگ موجود در ورودی تونل و بر روی دیوار می باشد. (نشان به هیچ وجه در بالای ورودی نمی باشد) نشانه در ۱،۲ و یا ۲ جا کنار ورودی حکاکی و یا حفر و یا بریده شده می باشد. اینگونه ورودی ها بسته شده اند. ورودی متناسب با مکانش درست شده و با بلوک یا تخته سنگ بسته شده است



قبل از هر چیز، اگر رعد به چپ نگاه کند تله در سمت چپ می باشد. اما فقط به شرط اینکه ورودی واقعی باشد، نشان تله ایی که در ورودی های دیگر ساخته شده است در هر طرف نشان تله می تواند باشد. یعنی در دنبال کردن نشان تله اشتباهی کرده اید به همین دلیل، دنبال کردن نشان ها مهم می باشد. اگر گذرگاه اصلی طولانی باشد، در سمت راست گذرگاه حرکت کنید. اگر گذرگاه به شکل از هم جدا شود، باید در طرف راست حرکت کنید. حتی اگر در سمت چپ قوطی و یا هر چیز جالب توجه دیگری دیدید تا به امروز راه درست همواره سمت راست بوده است

آن چیزی که توجه شما را جلب کرده ممکن است تله باشد. اگر بر روی دیواره سمت راست، علامت صلیبی کشیده شده باشد، حرکت از گذرگاه کنار صلیب، دارای امنیت بالاتری می باشد.

دومی: به جهت نوک رعد نگاه کنید

۱- اگر به پایین جهت داشته باشد، بلافاصله بعد از ورودی، در کف زمین، یک تله پیدا خواهید کرد

۲- اگر جهت به طرف ورودی اصلی باشد، تله روی خود ورودی می باشد. هنگام شکستن ورودی، تله فعال خواهد شد و یا ممکن است دری که شکسته می شود، یک خاکریز را فعال کند و یا تخته سنگهای بالای سرتان، مستقیماً بر رویتان

بریزد. ممکن است خطرناک به نظر نرسد. ولی خیلی از دینه یابان به این تله ها دچار شده , از خیلی از آنها بر اثر این تله ها مرده اند

۳- اگر جهتی که رعد نشان می دهد , به سمت بالا باشد , تله بلافاصله بعد از ورودی در بالای سرتان می تواند باشد, به خود ورودی متعلق نمی باشد

۴- اگر یک قلبی ببینید که از وسط نصف شده باشد و یک طرفش کنده شده باشد, در این صورت نیز باید مواظب باشید مکان تله های مربوط به این گونه نمادها مشخص نمی شد. یعنی ممکن است تله از پایین , راست , چپ , یا مستقیماً از روبرو بیاید

۵- یکی دیگر از هشدارهای تله , سه صلیب می باشد. دو تا کنارهم, یک صلیب بزرگ در زیر هر دو می باشد. این پیام سه صلیب حضرت عیسی یعنی به چهار میخ کشیده شدنش را نماد می کند. اگر زیر یک صلیب بزرگ , دو کله خشکیده (اسکلت سر) باشد به ما می گوید که در مسیر وسطی و مستقیم باید حرکت کرد. اگر کله های خشک , در سمت چپ و راست صلیب بشد نباید از تونل های کناری استفاده کنید

۶- نسبت به نشانه هایی که یادآور مرگ هستند که در بالا به آنها اشاره شد , قت داشته باشید اینگونه نشانه ها مربوط به مرگ هستند. با اینکه فهم برخی از آنها سخت می باشد ولی بیشتر آنها قابل درک هستند . در گذشته نامه هایی وجود داشتند که پادشاهان قوانین و اوامری را تعیین می کردند و پادشاهان می خواستند که دینه هایشان را با توجه به قوانین مشخصی و با نشانه های خاصی پنهان شوند. اشخاصی که هم دینه را پنهان می کردند , به این قوانین و نمادها مطلع بودند. هر نشانه به تنهایی مهم نبوده و به نشانه های دیگر دینه نیز مربوط می شوند. دینه "نقشه + نشانه ها + کاوش دقیق, البته هشدارها را نیز باید جدی گرفت. اولین موردی که جستجوها باید به آن دقت کرد شن و ماسه انباشته در روی تله است

تله ترقوه ای :



تصویر بالا تخته سنگ باقی مانده از تله مرگ متشکل از دو قسمت است. تخته سنگ دیگری در حال حاضر پایین است. دام (تله) بالاتر از یک برش در یک سمت کوه درست جایی که در آن یک تونل کوچک بود، راه اندازی شده است. تخته سنگ دیگر (که قطر آن در حدود ۴ متر است)، در حال حاضر بریده شده و پایین افتاده بود و از گوه خود بریده شده است



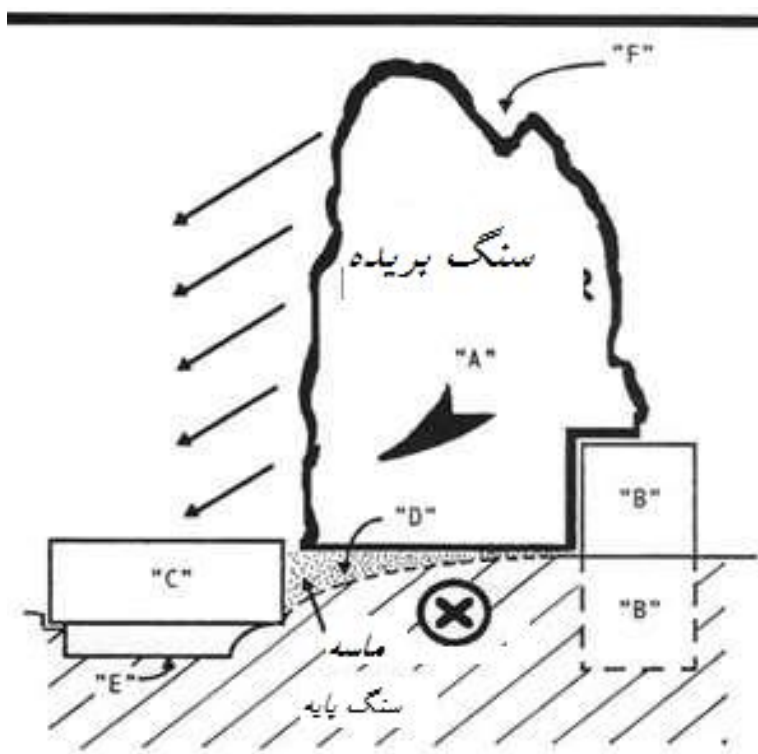
این تخته سنگ در راه ورودی تونل پنهان شده است. بنده اعتقاد دارم که مقداری از چوب ها بودند که برش داده شده بود که از مکانیسم لغزش خود چوب ها استفاده می شود (هر چند برای برخی از موارد نمی توان گفت)



بعد از وارد شدن به غار ، به سقف غار و یا دیوارها و تیره، روشن، و برش سنگ آنها باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. برش از طریق سنگ برداشته شده از غار نشان می دهد که چیزی ممکن است. با این حال، لازم است به بررسی یک تله خوب انجام دهید این غار به احتمال زیاد با سنگ زیاد پر شود. با این حال، در نظر داشته باشید که نسبت بسیار بالایی از خطر وجود دارد. دنباله ، نشانه ها و نمادها باید وجود داشته باشد.



حالا می رویم پیش خود دفینه یعنی هنگامی که شما همه موانع را رد کردید و وارد اتاق پراز جنس شدید در خیلی از دفینه ها یکی از مجسمه ها که از جنس طلا بوده و خیلی هم جلب توجه می کند تله هست و به محض برداشتن باعث ریزش سقف روی سر شما می شود که شناسایی و خنثی کردن این نوع تله هم از وظایف کارشناس می باشد.

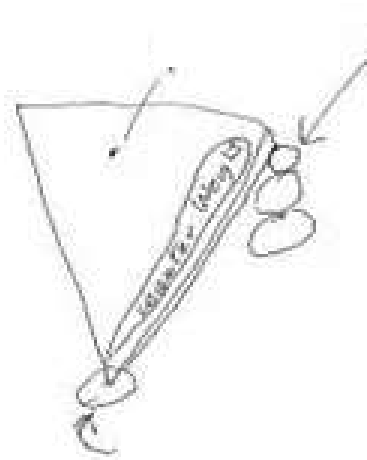


چند مورد از این مجسمه ها را برایتان مثال می زنیم: مجسمه اسکلت انسان، مجسمه مرد اسب سوار در حالی که دو پای جلوی اسب بالا بوده و انگار سوار دارد می افتد، مجسمه مردی که چهارزانو نشسته و سرش را در گریبانش کرده است.

تله سنگ:



یکی از انواع تله ها که در غارها استفاده می شود تله سنگ است. سنگ بزرگی که تراشیده شده و به صورت گرد در آورده و در بالای راه رو قرار می گرفت و اهرمی را هم در این مسیر یا در کنار دری که در امتداد این مسیر قرار داشت می گذاشتند .



وقتی کسی در مسیر حرکت کرد این اهرم به حرکت در آید و ضامنی که باعث می شود سنگ در بالا به صورت ثابت باشد را کنار زده و سنگ از جای خود حرکت کرده و مسیر دالان را که شخص در آن است را ببندد و فرد در آنجا زنده به گور گردد یا این اهرم را در پشت در قرار می دادند تا وقتی در باز شد این اهرم حرکت کند .

تله های گودالی:

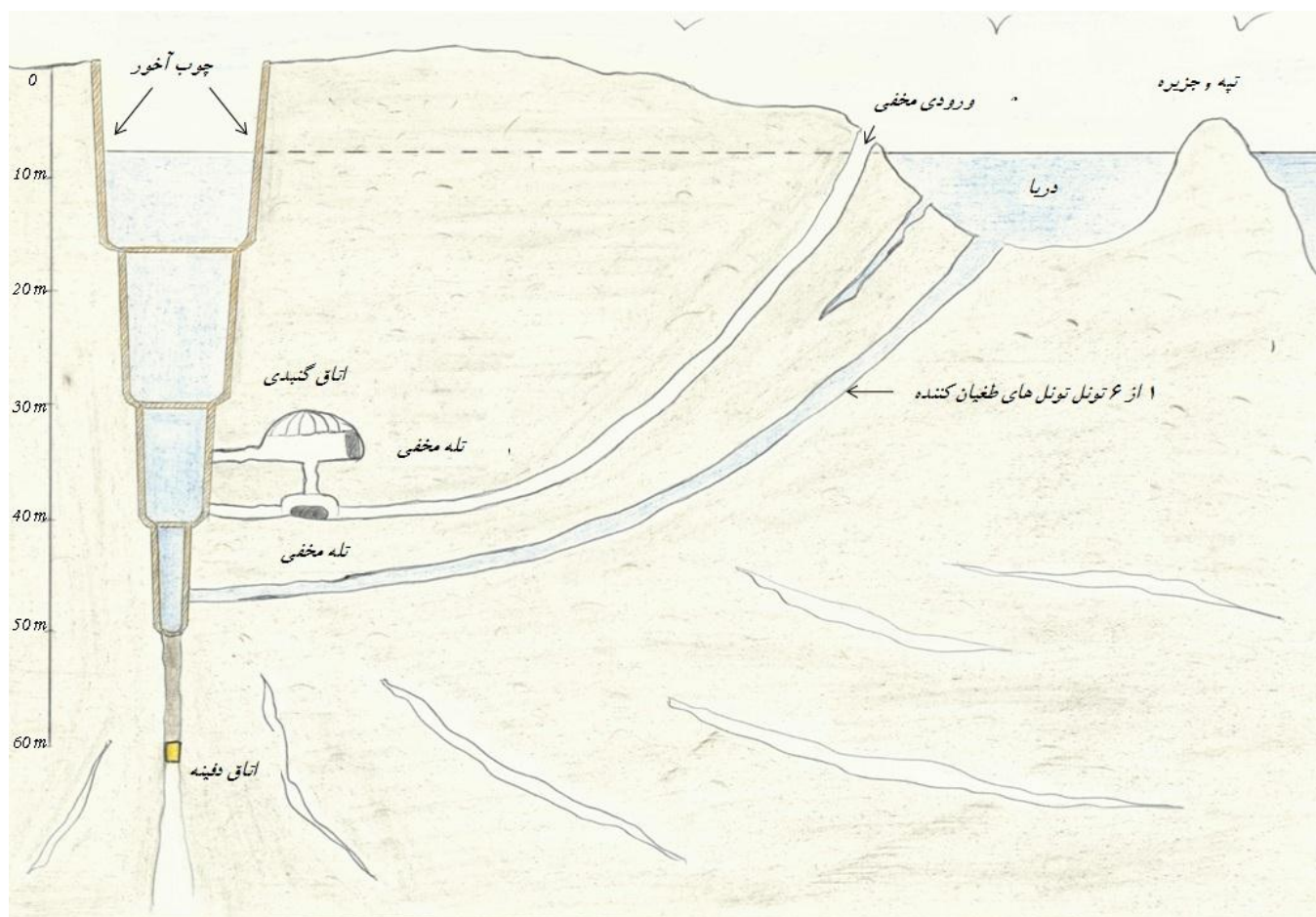
آن سنگ های تله با کمی شیب به سمت وسط گودال هستند و زیر آن سنگ گرد و بزرگ چند عدد سنگ شبيه سرنيزه مانند جك زیر آن می گذاشتند و آن سنگهای بیضی مانند که در تصویر اشاره شده است زیرشان ماسه بوده و آن سنگ زرده اشاره شده در تصویر در واقع سنگ نشانه است که به وسط و زیر سنگها ادم را راهنمایی میکند.



کمی که زیر سنگها خالی بشود هر سه عدد آن سنگها می لغزند و به وسط حرکت کرده و به همدیگر می چسبند , وزن سنگ گرد و بزرگ تقریباً ۵۰۰ کیلو و سنگهای بیضی شکل هم تقریباً ۲۰۰ کیلویی می شوند.

مفهوم نشانه ها			
مفاهیم مجرد	عشر	جهت	حرکت
	زیر علامت را بشوید		است
	است		خارج
	منحرف		داخل
هشدار و راهنمایی	تله	اطلاعات مفید	مکان امن است
	عشر		محل مناسب برای انباری
	جهیزات ایمنی داشته باشید		
	مکان نامناسب		

تله آب یا تله مخفی تونل:



قبرهای فقیران نشانه هایشان کاسه است و اما قبرها انسانهای غنی نشانه های جدا گانه ای دارند

طاووس نشان از قبر شاهان عقاب نشان از قبر شاه داخل یک بارگاه صلیب نشان از قبر یک کاهن و وجود کنیسه ای در آن منطقه و لاک پشت نشان از قبر شاهان و خانواده آن که در یک ساختمان سه طبقه قرار گرفته در آن منطقه و فرج که نشان از وجود قبر یک زن و شوهرش که داخل یک اتاق داخل زمین می باشد

سرداب ها:

برای ورود به سردابه ها توصیه می شود از یک ماشین کنترل از راه دور و نیز و بیل و دوربین استفاده نماید.

در تمدنهای قدیم سردابها به طرف مشرق ساخته می شدند و معتقد بودند که آن طرف طرف زندگی و آغاز زندگی است.

البته قبرها از جهت غربی، یعنی طرف غروب خورشید ساخته می شدند و معتقد بودن که آن طرف طرفی است که می شود زندگی را در آنجا به امانت گذاشت

روش صحیح حفاری قبر:



در گذشته ما گورستانهای دسته جمعی نیز داریم که متعلق به افراد مریض است. در جاهائی که وبا یا طاعون میآمده جنازه افراد را به صورت دسته جمعی دفن میکردند. در همینجا یک مطلب بسیار مهم را برایتان بگویم و آن اینکه کسانی که قبری را میشکافند خیلی باید مواظب باشند و بفهمند که جنازه مریض هست یا نیست و حتماً باید استخوان شناس باشند و یا بتوانند استخوان اشخاص مریض را از استخوان افراد سالم تشخیص دهند تا با مشکلی مواجه نشوند

همیشه وقتی میخواهید قبری را باز کنید حتماً از دستکش و ماسک حسابی استفاده کنید

جنازه هایی که در غارها و ذاغها میباشد و جنازه هایی که در صحرا میباشد و جنازه هایی که در کوهستانها میباشد از نظر ماهیت کاملاً با هم متفاوت است

هر قبرستان و هر کوری دارای اموال نمیشد. چون بسیاری از مردم فقیر بوده اند و بدون اموال دفن میشدند

در هر قبرستان تعدادی قبر سلطانی وجود دارد که دارای اموال میباشند که باید نتوانید آنها را تشخیص دهید و از روی بعضی شواهد تشخیص آنها امکان پذیر است

اکثر گورستانها در سینه کشی ها و کنار رودخانه ها میباشد. در بسیاری از قبرستانها یک چهارطاقی نیز میباشد که نشان میدهد در میان آن چهار طاقی شخص مهمی فوت کرده است و اکثراً دارای اموال میباشند

در حین حفاری قبرستان، معمولاً با توجه به نقطه ثابت حفاری ممکن است چشم انداز بالاترین قبر را جدیدتر و یا پایین ترین را قدیمی تر فرض کنیم، این مساله بسیار گمراه کننده است، چرا که ممکن است قبرستان در زمان حیات خود بصورت یک

برجستگی تپه مانند بوده و قبور در دامنه ها یا شیب های متفاوت از هم کنده شده و جدید ترین قبرها ممکن است در بالاترین نقطه آن کنده شده ، که در زمان حفاری بر اثر فرسایش خاک و پرشد اطراف تپه ، به حالت هم سطح در آمده باشد

در برخی از قبرستانها که از قدمت زیادی برخوردارند، برخا بعضی قبور در بالای قبور دیگر کنده شده و حکایت از قدیمی بودن قبور تحتانی و گذشت زمان نسبتا طولانی دارد. هرچند این مساله کمتر اتفاق می افتد

هر داده ای که از قبر پایینی بدست بیاید ،نسبت به قبور بالتر قدیمی تر است و بایستی اشیای داخل قبور و ساختار قبور و ویژگی های تدفینی بطور دقیق ثبت و گونه شناسی شود

در حفاری دقیق و هوشمند قبرستان می توان داده های باستان شناسی پراکنده و هم سطح با لبه قبرها و بعضا کمی بالاتر را مشاهده نمود که شامل بیشتر قطعات سفالین و بعضا ظروف سالم نیز است.چنسن لایه های استقرار می تواند بهترین موقعیت فرصت برای شناخت گاهنگاری قبرستان باشد چرا که با کمی دقت ، تغییرات سفال در بیرون قبور را بیشتر از داخل قبور خواهید یافت و چنین تغییراتی بدلیل قدمت زیاد قبرستان از بخشی به بخش دیگر نیز متفاوت خواهد بود

در شماغرب ایران در عصر آهن نیز قبور دارای سازه های خشتی ،سنگی و ساده هستند ویا بعضا تدفین در داخل خمره بصورت خاکستران مردگان است.از طرف دیگر بایستی هنگام طبقه بندی قبور، محتویات داخل آن را با توجه به سازه آن نیزمورد توجه قرار داد

برای اینکه مورفولوژی اویه تپه قبرستان های چند دوره ای و یا سایت های شهر ما رادچار مشکل نسازد و بالا وپایین بودن قبور :و لایه های استقرار احتمالی آنها را تجزیه و تحلیل کنیم به دونکته بیشتر توجه کنیم

اولا لایه های طبیعی قبرستان را به کمک متخصصین باستان زمین شناس در سرسر محوطه پیگیری و در یک برش عمودی این لایه ها وارتباط آن با لایه های فرهنگی را تعریف نماییم

ثانیا ارتفاع قبور را در تمام طول کاوش از نقطه ثابت اندازه گیری کرده و در پایان هر فصل توپوگرافی نقشه محوطه را با ذکر ارتفاع ترسیم نماییم

در هنگام حفاری هیچوقت حوزه حفاری داخل قبر را بحالت بسته درنیاورید ، به این صورت که بعلت هیجان خاص ایجاد شده ،مستقیم زیر آثار یا اسکلت را بحالت گودالی خالی ننمایید ، بلکه با حفظ تراز خود در سطح کل ترانشه ، به محض

آشکار شدن اولین شی یا عضو حدود سانتی متر از آن فاصله گرفت و در لایه ای به عمق حدود ۲ یا ۳ سانی متری بطرف شی نزدیک شوید در اینصورت اشیا دیگر آشکار خواهد شد

مهم ترین و ساده ترین اعضای تعیین جنسیت در اسکلت های باغ در صورت سالم بودن ، جمجمه لگن خاصرا تسا بطور کلی لگن حاصره زنان پهن تر از مردان است ، فرم استخوانبندی لگن بصورت یوی انگلیسی و مردان بصورت وی انگلیسی دیده می شود

همیشه خاک داخل قبور را الک کنید در اینصورت بقایای بسیار ریزتری را شاهد خواهید بود بخصوص مهره ها و سایر تزئینات ریز می تواند بدین صورت بدست آید

در دوره نوسنگی قبل از سفال لوانت ، جمجمه را برداشته و آن را با گچ پر نموده و مقدس می شمارند

در داخل گور وجود رنگهای متفاوت یا توده های سفید و غیره ممکن است از بقایای مواد آلی مثل لیا س یا مو و یا هر عنصرزود فاسد شدنی باشد بایستی با رعایت اصول آزمایشگاهی نمونه برداری شود

هیچ وقت به اسم قبرستان ، برش عمودی را از دست ندهید.دربرش عمودی لایه های استقرار دائمی ، گذارا وجود قبر بالای یکدیگر وقفه های لایه نگاری و ارتباط لایه های فرهنگی و طبیعی در ارتباط با قبور را خواهید دانشت

با عنایت به اینکه در زمان گشودن قبر ها برخی میکروبها در فضا منتشر میشود لذا ضروری است که مسائل ذیل مورد رعایت قرار گیرد.

- در زمان گشوده شدن قبر فوراً از آنجا بدون اینکه نفس بکشید دور شوید
- یک و یا دو ساعت بگذارید تهویه قبر انجام گیرد
- با آن دستی که قبر گشوده شده اصلاً غذا را لمس نکن
- از وسایل شیشه ای شکستنی جدا پرهیز کنید که زود می شکنند

بارگاهها خطرناکتر از قبر هستند چون میکروبها در آنجا به شدت انتشار یافته اند بهتر است ۴ ساعت جهت تهویه آن مکان زمان صرف شود از آتش افروزی داخل آنجا پرهیز شود چون احتمال دارد داخل آنجا مواد کبریتی وجود داشته باشد و به محض آتش زدن موجب انفجار مکان گردد

وسایل حفاری:



۱- برای کندن و حتی پیدا کردن دفینه ها برخی وسایل وجود دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۲- دوربین دیجیتالی به همراه باطریهای جدید

۳- دفتر و قلم و مداد

۴- دوشاخه برای تعیین جهت

۵- مجموعه از طی ها با سر کوچک و بزرگ

۶- کیسه های نایلون کوچک و بزرگ

۷-دهان گیر

۸-دستکش نایلونی یا پلاستیکی

۹-خط کش

۱۰-بطری حاوی بنزین و آب برای پیدا کردن خاک حکمت

۱۱-چکش و انبر

۱۲-پنس آهنی

۱۳-در صورتیکه مورد یافت شده مربوط به قبر بارگاه و عبادتکده باشد در این صورت این وسایل مورد نیازند:

۱-سیخ آهنی ۱۲ مم و یا ۱۰ مم دارای دهانه محکم بطول دو نیم متر برای پیدا کردن قبر در زمین خاکی و شنی

۲-عتله که نجارهای بتنی در باز کردن چوب از آن بهره می گیرند، این شما را برای باز کردن سنگهای کوچک و متوسط خصوصا در مکانهایی که تنگ هستند کمک می کند.

۳-اهرم برای بلند کردن سنگها و وزنه های بزرگ

۴-سطل و طناب که شما را در آبراهها و سردابها و اماکن تنگ کمک می کند.

۵-آب و چراغ قوه و کلاه قرمز نشان دار

طینت حکمت (خاک یا گل حکمت) و سنگ قبر:



خاک حکمت از موادی تشکیل شده شبیه سیمان و بتون که برای محافظت از دفینه ها ساخته می شدند و در دفینه ها را در قالب اتاقک ها یا ران و یا جوغن ها بواسطه آن محکم می کردند.

برای اینکه بدانیم خاک حکمت کجاست بهتر است یک لوله پلاستیکی دو لیتری درست کرده و داخل آن نصف آب و نصف بنزین بریزیم و بعد از مخلوط کردن بر درب اتاقک بریزیم و یا در صخره ای که به نظر می رسد داخل آنها کوزه هایی قرار دارد پاشیده میشود، اگر رنگ غیر طبیعی دیده شد معلوم می شود که درب بواسطه خاک حکمت بسته شده است ، از این رو برای باز کردن آن درب می بایست با آتش و هیزم آن درب گشوده شود و آتش تنها راه گشودن آن می باشد ، زمانی که آتش روشن شد از آن فاصله بگیر و زمانی که صدای انفجار شنیدید متوجه باشید که درب باز شده است بعد از باز شدن در بواسطه علمک های اهنی درب را تکان بده و حدود دو ساعت آنجا را ترک کنید تا تهویه هوا صورت پذیرد.

کیفیت باز کردن جوغن های پلمپ شده:



کاسه های درب بسته: که به اندازه حجم دفين موجود در داخل آن جمع آن نیز متفاوت است و در داخل یک صخره قرار داده شده است. برای پیدا کردن منفذ ورودی و باز کردن درب این کاسه سر بسته که بواسطه خاک حکمت محافظت می شود، می توانید آب را بروی آن کاسه بریزید، اگر دیدید نقطه سرعت خشک شد بدان که ورودی آن کاسه آن نقطه است و آنجا را بواسطه یک میله ای باز کن بدان که در داخل این کاسه ها موجود زنده قرار می دادند قبل از بستن دربشان تا هوا را مصرف کند و داخل آنجا بدون هوا باشد، از این رو نمی توان بدون پیدا کردن آن نقطه درب این کاسه ها را باز کرد.

ران: نیز یک محفور در صخره است که بواسطه نوع دفينه پنهان شده در آن حجم آن نیز متفاوت است. ران با کاسه از چه شکل تفاوت دارد؟ ران معمولاً بصورت مربع و یا مستطیل می باشد و حجم آن بزرگ است در حالی که کاسه بصورت دایره ای و حجم دفينه موجود در آن کوچک است، در داخل هر کدام از کاسه و ران هوا وجود ندارد بخاطر آنکه موجود زنده در داخل آنها قرار داده شده اند و این نقطه تشابه آنهاست.

گشودن ران:



برای باز کردن ران می توانید آتش بزنید انرا تا سرخ شود و سپس در این حالت آب بریزید تا ران شکسته شود به اذن خداوند بزرگ پلمپ شوده می شود.

سنگ قبرها:



سنگ قبر همان چیزی است که بر روی آن یک مایعی روغن مانند ریخته می شود و درخشندگی خاصی دارد , سنگ معدنی بازلت نوعی خصوصیت دارد که هر چه از زمانش می گذرد بر اساس مرور زمان درخشندگی ان نیز افزایش می یابد, رومیان ساختن این سنگ را می دانستند و کسی که در این زمینه ها پژوهشگر است می بایست دقت زیادی در شناخت این سنگها بعمل آورد زیر این شناخت می تواند سنگ قبر را تشخیص دهد و در نتیجه قبر را بشناسد و در

پی آن دفینه موجود در آن قبر را نیز دست یابد و نیز باید توجه داشت که برخی دفینه ها در داخل صخره ها قرار گرفته اند که بر روی این صخره ها نیز روغنی ریخته شده که درخشندگی خاصی حتی بعد از سالها به آن می دهد.

البته پیدا کردن اشاراتی که ما را به دفینه ها رهنمون سازد، نیازمند فراست و تجربه شخص جستجو گر است اما باید توجه داشت وجود پارچه های چرمین و نیز سنگهای درخشانده بهترین دلیل وجود برخی دفینه ها در آن اطراف باشد.



کافی است از اهالی محل باشید و سنگ قبر را از سنگهای دیگر تشخیص دهید.

سنگی که داخل آن دفینه ای پنهان باشد رنگش متمایل به سرخی است. البته نوعی درخشندگی نیز در این سنگها قابل مشاهده است، این سنگها شبیه حیوانهای از هم پاشیده است و مهمترین چیز در این زمینه این است که عقاید قومی که در آن منطقه بوده اند را بشناسیم و اگر نشانه ای پیدا کردیم ببینیم این نشانه به کدامین دوره تاریخی بر میگردد و در میان آنان این نشان چه معنایی داشته است.

علم حروف:



علم حرف در واقع علمی است که توسط آن تشخیص داده می شود که منظور اصلی جمله ای که متشکل از این حروف شده چیست.

این جملات طلسم و یا اسمایی نامفهوم نیستند بلکه عباراتی هستند که باید از آنها حروف ضعیفه کسر و حروف قویه معنی و استبدال گردد تا معنای جمله مشخص گردد.

مثلا این جمله که میگوید العقل فی راس

حروف ضعیفه این جمله اگر کسر گردد حروف قوی این جمله س ف ق می باشد و حروف ضعیف این جمله نیز ال غ ل ی ال را می باشد اگر حروف ضعیفه کسر گردد و حروف قویه این جمله با هم ترکیب شود مشخص می شود که کلمه "سقف" ایجاد میگردد.

که نشان دهنده آن است که جواهر و طلای مد نظر در سقف بارگاه قرار داده شده است

چگونه نشانه ها را تحلیل کنیم:



همانگونه که قبلا نیز گفتیم اشارات بیهوده قرار داده نمی شوند معنا و مدلولی دارند , از جهت اعتقادی و یا فرهنگی و یا جغرافیایی دارای دلیلی هستند برخی از آنها مارا به نوع زمانی که اشاره به دلالت دارد رهنمون می سازد این نوع اشارات تقریبا از جهت دلالت صد در صد می باشند مثلا الهه فینوس که از قبرها محافظت میکرد در عقیده بیش از ۶۰ درصد یونانیها دلالت بر قبر میکند ولی قیاس و مترائ مشخصی دال براینکه این اشاره در چند متری و یا سانتیمتری این مدفن قرار دارد وجود ندارد یا برخی از سنگ های کاسه بسیار شکیل و زیبا که نشان دهنده قبر یک شخص بلند مرتبه اجتماعی طبقاتی می باشد.

برخی اشارات بر اساس واقع شدن آنها در مکانهای مختلف بر اشیا مختلفی دلالت می کنند مثلا افعی اگر در بالای کوه باشد اشاره به چیزی دارد , اگر در کنار رودخانه باشد اشاره به چیز دیگر و اگر در کوه پایه باشد اشاره به چیزهای دیگر , از این رو باید دقت ویژه ای در این زمینه مبذول گردد برای تحلیل این نشانه سر افعی و دم افعی مورد بررسی قرار می گیرد , اگر افعی کور باشد دلالت بر صخره تو خالی دارد و اگر چشم و زبان داشته باشد دلالت بر دفینه ای دارد که در سطح زمین دفن شده و در این زمان می بایست به نوع فرهنگ و تمدنی که ان اشاره به آن زمان دلالت دارد دقت گردد , شاید مثلا آن تمدن دهه ها و سده هایی داشته مثلا تمدن یونانی که حدود هفت قسمت بوده باید بدانیم که این اشاره مربوط به کدام قسمت از آن تمدن است و یا اگر نشانه , نشانه ای یونانی و یا یهودی باشد

موضوع متفاوت می شود مثلا اگر ان نشانه مار افعی مربوط به یهودیان باشد حتما دلالت بر طلا و جواهرات نمی کند، چون یهودیان سکه های نقدی طلا نداشته اند.

نشانه هایی به شکل کاسه البته دارای ابهاماتی هستند بخاطر اینکه این اشارات در میان یونانیان و رومیان و یهودیان مشترک بوده است و بخاطر نوع مرور زمان و تغییر شکل آن نمی توان بدرستی زمانی را که این اشاره به آن دلالت دارد را معین نمود.

برای فهمیدن نشانه ها باید به مسائل ذیل دقت نمود:

۱- تمدنی که نشانه به آن بر می گردد

۲- صاحبان آن تمدن چه عقایدی داشته اند

۳- هدف شما که در جستجوی آن هستید چیست؟

۴- نوع نشانه (کنده کاری یا برجسته)

۵- وضعیت نشانه و جهت آن

۶- نشانه هایی که به نشانه ها و علامت های اصلی رهنمون می سازند

۷- شکل زمین و سنگ و صخره ها

۸- نظریه جهت یابی

۹- نظریه اندازه گیری

۱- تمدنی که نشانه به آن بر می گردد:



پژوهشگر عزیز شما می بایست توجه کنید که این اشاره موجود در این منطقه به کدام تمدن بر می گردد تمدن رومی یا عثمانی یا گبری یا اغریقی و یا..

۲- صاحبان آن تمدن چه عقایدی داشته اند:



هر تمدنی دین و اعتقادات خاص خود را دارد به همین شما با فهمیدن نوع اعتقادات آن تمدن می توانید به آسانی آن اشاره را تحلیل کنید.

مثلا نوک عقرب در اعتقادات رومیان به معنای حفاظت شاهانشان بوده است.

سربازان رومی از این نشانه برای حفاظت از شاهانشان استفاده می کرده اند شما اگر از این عقیده اطلاع داشته باشید می توانید به راحتی آنرا تحلیل کنید

۳-هدف شما که در جستجوی آن هستید چیست؟



شما با فهمیدن نوع نشانه و اعتقادات فرهنگ و تمدن آن زمان و هدفی که این اشاره به آن دلالت دارد به راحتی می توانید آنرا تحلیل کنید مثلاً اگر اشاره صلیب را دیدید و آن اشاره می کند به قبر و بارگاه در حای که شما دنبال شیشه و صندوق و... هستید

۴-نوع نشانه (کنده کاری یا برجسته):



تقریباً شکی نیست که نشانه های غیر کنده شده یا برجسته دلالت بر همان اشاره می کند مثلاً عقاب به عقاب اشاره دارد ولی نشانه های کنده کاری شده نیازمند , کنده کاری و جستجو در صخره هاست و شاید می بایست کل صخره کنده شود تا شما بتوانید نشانه مورد نظر را پیدا کنید.

۵-وضعیت نشانه و جهت آن:



وقتی شما میدانید دنبال چه هستید باید با دقت در یافته های خود تیز هوشی کنید

مثلاً ببینید که چشمها و بالها به کدام سوی اشاره دارد البته اگر بخواهیم این موضوع را شرح دهیم یکصد صفحه باید مطلب نوشت شما باید ۵۰ متر حول و حوش اشاره مورد نظر را جستجو کنید اگر دقت کافی انجام دهید به بند ۶ رهنمون می شوید.

۶- نشانه هایی که به نشانه ها و علامت های اصلی رهنمون می سازند:



اگر بقیه نشانه ها را پیدا کردید و مطلع بودید که این اشاره در فرهنگ آنان چه معنایی داشته است اگر خبره و کارشناس باشید خواهی فهمید که آیا این اشاره اشاره واحد است و یا اینکه این اشاره در واقع شمارا راهنمایی میکند به اشارات و راهنماهای دیگر در این صورت در کمتر از نصف ساعت میتوانید با تحلیل ان اشاره مقصد مورد نظر را پیدا کنید.

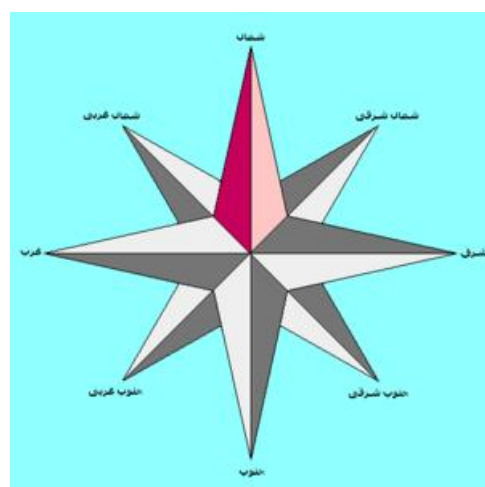
۷- شکل زمین و صخره ها:



بعد از اینکه بقیه نشانه ها را پیدا کردی می بایست در شکل صخره ها دقت کنی و نیز خاک آن محل باید ببینی همه صخره ها و نیز خاکها هم رنگ و مشابه هم هستند ایا تفاوتی از جهت شکل و ظاهر در میان صخره ها که ما به شک می اندازد که این نشانه است وجود دارد یا نه آیا چاهی در اطراف وجود دارد یا نه

با یاد گرفتن این آموزشها شما خواهید توانست بخوبی به محل دفینه دست پیدا کنید البته می بایست در این راه تلاش بکنید زیرا این روزی برای شما نوشته نمی شود مگر باذن خداوند

۸- نظریه جهت یابی:



این نظریه می گوید هر نشانه ای که پیدا میشود می بایست به یکی از جهت های ذیل اشارت داشته باشد

شمال شرق و جنوب شرق در اشارات یهودی

شمال غرب و جنوب غرب در اشارات غیر یهودی

هر جهتی بجز جهت های ذکر شده (جنوب و شمال و غرب و شرق نیستند مگر دلیلی بر تمدن یا معبدی یا خانه ای یا سدی و یا چاهی و یا مرز بین قبائل است)

مثلا در کاسه می توانیم این موضوع را اجرا کنیم که بواسطه نوع جهت گیری آن میتوان به زمانی که این کاسه تعلق دارد را مشخص کرد

البته نا گفته نماند که در تمامی ابنیه قدیمی برخی نشانه ها وجود دارند که یا به عنوان زینت و یا به عنوان دلیلی بر طبیعت مکان کاربرد دارند.

۹-نظریه اندازه گیری:



برخی تجارب اثبات کرده اند که حساب فاصله اهداف بر اساس یک آرشین که معادل ۶۸ سانتی متر می باشد و انگشت رومیان که معادل ۱۸.۵۲۵ میلیمتر می باشد محاسبه می شود که در این حالت یک قدم رومی مساوی است با ۰.۷۴۱ متر که همان یک قدم انسان بالغ میشود

اما در اشارات یهودی این یک قدم تبدیل به یک قدم بزرگ میشود یعنی حدود ۹۰ سانتیمتر

اما متر طبیعی کاربردی در این امور ندارد.

راههای استخراج و بیرون آوردن دفینه ها:

اصولا دو راه برای استخراج و بیرون آوردن دفینه ها وجود دارد یکی راههای شرعی و دیگری راههای غیر شرعی که ما در اینجا راههای شرعی بیرون آوردن دفینه ها را بیان خواهیم کرد

این راههای مشروع به چند قسمت تقسیم می شوند که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:



۱- نخست از طریق نقشه این نقشه ها شاید بر روی کتاب یا پوست و یا ورق و چوب و سنگ کشیده شده باشند این نوع نقشه ها در میان رومیان و عثمانیها و ایرانیان رایج بوده است عثمانیها دو نوع نقشه داشتند نخست نقشه های رسمی امضا دار که توسط شاهان و یا وزیران عثمانی کشیده میشده و امضایی داشته و یا نقشه های عادی که مثلا سرباز عثمانی برای مقاصد خود اقدام به کشیدن نقشه میکرد و اندکی از آنها امضا داشته اند البته اسکندر مقدونی نیز برای دفینه های ان تمدن نقشه های کشیده و رسم کرده بود. در دفینه های ایرانی نوع درباری و شاهی مرسوم بوده که نسخه های شاهی مورد اعتمادتر و وثوق تر از نسخه شاهی هستند و نسخه بعد از مکتوب شدن به مهر دربار ممهور می شد... البته نسخه های سنگی نیز مشهوریت فراوانی نسبت به نسخه های پوستی داشتند که اکثرا در زیر زمین و در حین حفاری ما با آنها مواجه می شویم که ما را به دفینه اصلی رهنمون می سازند.

۲- دوم برای رسیدن به دفینه ها از طریق علائم و نشانه ها می باشد نشانه ها دو نوع هستند که نشانه های کنده شده و نشانه های برجسته نشانه های کنده کاری شده , معمولا بر روی سنگ و سقف و آهن و خیره حفر می شود , ولی

نشانه های برجسته، همان نشانه های آشکاری هستند که بر سطح صخره ها و دیواره و بارگاهها نمایان می باشند، نشانه ها از جهت نوع دلالت نیز به دو قسم تقسیم میشود نشانه هایی که دلالت بر وجود دفینه میکنند این نوع نشانه ها معمولا متعلق به تمدن هخامنشی و ساسانی و اسکندر مقدونی هستند و بسیاری از اروپاییان برای پیدا کردن علامتهای ماهی و میمون و زن و تمساح به عنوان علامت برجسته به کشورهای ما مسافرت می کنند این علامتها بر وجود دفینه ها دلالت دارند.



دوم نشانه ها و علامتهای که دلالت بر وجود دفینه های یهودی دارند مانند عقرب و یا بز و آلت مردیه و زنانه یا سر آهو یا میمون و یا مار که از علامتهایی بر وجود دفینه های یهودی هستند

اشاره ها و نشانه های عثمانی یکی از سخت ترین نشانه ها به شمار می روند، چون این نشانه ها اگر فردی باشند و توسط سربازی طراحی شده باشد که بعدا مراجعه کند و به دفینه مورد نظر خود راهنمایی گردد از این رو پیدا کردن آنها و تحلیل آنها کار سختی است این نشانه ها اکثرا نشانه های کنده کاری شده هستند و بر روی دیوار و سنگ و آهن قرار داده میشوند مانند هلال و ستاره و تیر و شمشیر

نشانه های مشترک بین رومیان و عثمانیها که دفینه عثمانی در کنار و یادر جایگاه دفین رومی دفن شده است

نشانه ها و راهنما های دفینه های فارسی یا ایرانی که در فصول آتی به طور کامل توضیح داده خواهد شد مانند خوشه انگور که بر مکان وجود جواهر دلالت دارد نه طلا

اینها مجموعه ای از اشاره ها و نشانه هایی هستند که دلالت دارند وجود دفینه و شما اگر نشانه ای را پیدا کردید نابود نکنید یا آنها نشکنید، زیرا افرادی وجود دارند که میتوانند این نشانه ها را از تو بگیرند البته نوع این معامله شرعیه را بیان خواهم کرد زیرا افرادی وجود دارند که علم نشانه ها را چه در دانشگاه و چه بصورت تجربی آموخته اند و میتوانند از این نشانه ها استفاده نمایند.

تا اینجا توجه داشته باشید که راههای رسیدن به دفینه ها در راه شرعی آن تاکنون به دو راه اشاره کرده ایم نخست نقشه و دوم نشانه ها

۳- راه سوم برای رسیدن به دفینه به کار بردن تجهیزات قدیمی و جدید است



از وسایل جدید میتوان به دستگاه های اشاره نمود که میتواند از زیر زمین فیلم برداری کند البته کاربرد این دستگاه سخت می باشد و مخصوص کسی است که می تواند از این دستگاه استفاده کند، اما دستگاه دیگری است که بر اساس نظریه اندرسون کار میکند، در هنگام کار کردن با آن باید از مناطق صخره ای دور باشی چون در این حالت سنگهای سیاه را به عنوان دفینه به تو نشان میدهد البته دستگاه دیگری هم وجود دارد که بر اساس نظریه اندرسون کار میکند ولی مکانیکی است که بهترین دستگاه میباشد. دستگاه های فلزیابی مورد بحث ما است.

۴- راه چهارم برای رسیدن به دفینه خوابهای صادقه است که البته بسیار نادر است چون بسیاری از خوابها از این قسم معمولاً خوابهای شیطانی هستند و ما البته این را به عنوان یکی از راهها بیان کردیم



اما روایت کلامی نیز میتواند یکی از راههای رهنمون شدن به دفینه باشد مثلاً کسی از روی نقشه و یا اشاره و یا از طریق رویت بداند که دفینه کجاست و انرا به یکی دیگر بگوید و یا از طریق یک سیستم بیان نماید البته این در مورد دفینه های عثمانی زیاد اتفاق می افتد.

پس راههای شرعی برای پیدا کردن دفینه عبارت شدند از:

۱- نقشه خوانی

۲- پیروی از اشارات

۳- از طریق وسایل و تجهیزات فلزیابی

۴- از طریق رویای صادقه

اینها راه های شرعی هستند البته راههای غیر شرعی هم وجود دارند که چون حرام هستند ما اینجا ذکر نمی کنیم.

انواع نشانه ها:

نشانه ها دو گونه هستند: نشانه های کنده شده و نشانه های برجسته

نشانه های کنده شده نشانه های پوشیده شده هستند ولی نشانه های برجسته نشانه ای هستند که گویا بر روی صخره ای و سنگی کنده شده تا باقی بماند

الان در مورد کل اشارات بصورت ابتدایی توضیحاتی ارائه میدهم

- نشانه های خزندگان
- نشانه های پرندگان
- نشانه های جمادات
- نشانه های حیوانات و اجزای آنها
- نشانه های انسان و اجزای بدن انسان

نشانه های خزندگان:



خزندگان معمولاً به کاسه و یا کوزه دلالت می کنند در تحلیل با هم مشابه هستند

مانند مار مولک , مار , عقرب و لاک پشت و عنکبوت

البته باید توجه داشت که جهت گیری در اینگونه نشانه ها مهم است

نشانه های پرندگان:



نشانه پرندگان گاهی به محل دفینه است گاهی در خشکی و گاهی در داخل یک بارگاه قابل مشاهده است از پرنده گان میتوان به عقابی که بجایی نگاه میکند , عقابی که بالهایش را گشوده و یا عقابی که با چنگال و یا دهانش از چیزی گرفته. کبوتری که در زمین است و یا در آستانه پرواز و یا در زمانی که چیزی را به دهان گرفته است , جوجه با تخم و یا یا اردک هر کدام نشانه هایی هستند قابل توجه , جمادات البته زیاد هستند و باید در مورد آنها زیاد صحبت شود با این همه حق مطلب ادا نشود.

نشانه های جامدات:



شمشیر و خنجر , تیر , کاسه , خورشید و ستاره , مثلث و مربع و کوزه و برگ و صندل و تاج و کلید در اینجا تحلیل این نشانه ها سخت است , با این همه می بایست در مورد وضعیت جغرافیایی منطقه و نیز احساس شخص جستجوگر

نقش اساسی را بازی میکنند باید توجه داشت که این نشانه ها میتوانند نشانه های توجیهی و منجر به تشابه های دیگر باشند.

حیوانات و اجزای آنها:



حیوانات البته بیشتر هستند و از جهت دلالت هر کدام معنای خاصی دارند مثلاً شیر نشانه شاه و سگ نشانه مرد نزدیک به شاه و شاید وزیر باشد از اینجا باید دلالت نشانه را فهمید سپس احساس را در اینجا بکار برد.

شیر و پلنگ، روباه، سگ و آهو و میمون و گاو و...

در اینجا باید توجه داشت که سر حیوان به کدام طرف است و یا حیوان به کدام طرف می نگرد

انسان و اجزای بدن انسان :



نیز نشانه هایی است که باید مورد اهمیت قرار گیرد تصویر انسان و نقش انسان در طول تاریخ مراحل را گذرانده تا اینکه به عنوان یک نشانه و یا نشانه هایی از وجود دینه ها مطرح شده است مردی که ایستاده و بسویی می نگرد زنی که با دستان خود چیزی را حمل میکند زن حامله و یا زن عریان مردی که تاج دارد و در دستش عصاست مرد صلیب بدست

البته اجزای بدن انسان را نباید بیهوده شمرد دست و پا و آلت ذکوری و اناثیه پا با ساق دست با قدم و دست و کیسه و...

نشانه های عثمانی:

نشانه های ترکی و یا عثمانی به سه گروه تقسیم می شوند:

بخش اول (نمادهای مجسم):

۱-دایره

۲-مثلث

۳-مستطیل

۴-جعبه

۵-کلید

۶- کلاه

۷- باروده

۸- هفت تیر

۹- قطب نما

۱۰- ساعت

۱۱- هلال

۱۲- ستاره

۱۳- گلوله

۱۴- حروف (t-w-s-h-r-f-m-b-c-e-k-v-g-p-l)

۱۵- نشانه های (X-+ -!! - %w)

۱۶- ادریس

۱۷- کالسکه

۱۸- خورشید

۱۹- محراب

۲۰- عکس درخت

۲۱- ضربه تبر

۲۲- صلیب

۲۳-جعبه باز

۲۴-کوزه

۲۵-تاج

۲۶-نقاله

۲۷-خنجر

۲۸-شمشیر

۲۹-قبضه شمشیر

۳۰-درب

۳۱-نعل اسب

۳۲-شمعدان

۳۳-شماره های (111-112-170-180-1918-1916-11-10-50-55-66-69-181-161-171-17-99)

00-1-2-3-4-5-6-7-8-9...در زبان عربی و انگلیسی

بخش دوم (نشانه های متحرک و زنده):

۱-برج عقرب

۲-مار

۳-روباه

۴- شتر

۵- الاغ

۶- سرباز ایستاده

۷- سرباز خوابیده

۸- سرباز تکیه داده به زانو

۹- سگ

۱۰- سر سرباز فقط

۱۱- (اسب)

۱۲- بره

۱۳- پا (پدال)

۱۴- (کف دست (انگشتان دست و یا یکی انگشت)

۱۵- چشم

۱۶- لاک پشت

۱۷- کبوتر و غیره

قسم سوم نمادهای اسمی (رمزهای اسمی):

۱- الله - لله - أله - هو - له

۲-محمد - محمود - أحمد - حمد

۳-علی - حسن - حسین - عثمان - عمر

جمعه - رمضان - رجب - شعبان - جبر - کوم - طاش

۴-عبر - سفر - فارس - نامس - هون - نسر - عسیر - صابر

۵-المغفور له - المرحوم - قبر - مطبخ - درب - باب - آدم

۶-أنا عسكر - معسكر - رایه - خیم - ساحه - مصلی - قبله

۷-مکه - شام شریف - حجاز - سکه - مرمر

۸-(آیه الكرسي) - سورة الأخلاص بدون بسمله

۹-یک بیت و یا یک قصیدهالخ

خورشید در بین ملل و مذاهب:

مقدمه ای برای هر آنکس که میخواهد جستجو گر آثار باستانی باشد

اگر وارد معبدی شدی از منفذ آن از درب ورودی آن یا از مخرج آن یا از چشم غربی آن تو باید قسمت مشرق این معبد را اهمیت دهی زیرا در سر این معبد میتوانی طلا و کنز و جواهر پیدا کنی از شرق خورشید بلند میشود زندگی را به جهانیان هدیه میدهد



مقبره ها و مدفن‌ها خورشیدی معمولاً از شرق به غرب کشیده می‌شده اند یعنی از سر به دو پا این موضوع از سومریان تا فینقی‌ها تا بلاد اغریق و روم و تا دوره های اسلامی رایج بوده است حمورابی ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ از اولین پایه گذاران خورشید پرستی بوده اند اولبرایت داشمند باستان ناس میگوید در دوره هلوکوس در سال ۱۷۲۸ و ۱۵۵۰ ق م خورشید را خدای خود قلمداد کردند و حضرت ابراهیم نیز در آن زمان می زیسته است اخناتون در سال ۱۳۷۰ ق م با ملکه اسطوره ای نفر تینی از دواج کرد ملکه ای که این خدا بودن را لغو نمود و مردم را به یکتا پرستی فراخواند آتون و آمون این حقیقت را در نوشته ای مکتوب در تابوت چوبی که بصورت مطلا نوشته شده و در سال ۲۰۰۲ از آلمان به مصر برگردانده شد این حقیقت را نوشته است در بلاد فارس نیز عبادت مظاهر طبیعی لغو و به عبادت اهورا مزدا دعوت گردید خورشید در میان زرتشتیان بواسطه آتشش یکی نیروهای و مظاهر قدرت خداوندی مطرح گردید

خورشید در مشرق زمین سومریها آنرا اتو و نشانه آن یو و اکادیون آن را خورشید و نشانه آنرا دابیلیو و عبریها همچنین بود و نشانه آن وی



اهل اوغاريت یعنی مردم اهل لاذقیه سوریه آنرا شبش می نامیدند مردم جنوب خورشید را ماده و لی سومریها و اکادیونیها آنرا مذکر می دانستند

اگر رمز به افرادی که خورشید را مرد و ذکر میداند برگردد می بایست کندن را از جنوب آغاز کنیم

ولی اگر علامت به گروهی برگردد که خورشید را مونث می دانند در این صورت کندن می بایست از قسمت شما آغاز گردد

خورشید در میان مردمان شبه جزیره عربی و یمن

خورشید در این سرزمینها به عنوان بت منطقه حجاز معروف شده بود (الالت) حتی یونانیان نیز اتون را از عربها به عاریه گرفته اند

عزی الهه خورشید در میان قبایل شبه جزیره عربستان است

قوم بلقیس در یمن خورشید را می پرستیدند زیرا معتقد بودند این عبادت می تواند سد مارب را حفظ کند چیزی که ایه ۲۲ سوره نمل آنرا تایید می کند

خورشید در میان اهل بلاد رافدین (بغداد):

مجسمه ای که در شهر سیبار شهر الله خورشید از نارام سن نوه سرجون یکتا پرست منطقه شام و عراق نصب شده در سال ۲۱۹۰ ق م در ماه تشرین یعنی ماه هفتم از سال اکادی و دهم از تقویم فعلی این ماه به

ماه‌های اله شمس نسبت داده میشود اما بابل از ماه دوم یعنی ایار در میان بابلیان تا ماه‌تشرین دوم یا همان ماه هشتم تقویم بابلیان در گرمایی سوزان که حتی در جه رطوبت را نیز تحت تاثی ر قرار میدهد قرار میگیرد خورشید در میان آنان باعث مرگ و ویرانی و عذاب برای انسان و حیوان است و در واقع خورشید را بدان خاطر عبادت میکنند که از عذابش در امان باشند حمورابی اولین قانون و شریعت را براساس خورشید پرستی بر روی سنگی نگاشت در سال ۳۷۵ ق م

خورشید در میان فنیقیین:

اله مرگ ابن بعل به عنوان تمثال خورشید و برادرش علیان به عنوان تمثال گل شناخته میشد برای تقدیس این الهه فنیقیین مرده گان خویش را در قبرستان های خورشیدی و رو به مشرق دفن میکردند و آنها را در کشنده های سفالین در حالی که سر کشنده بطرف مشرق بود خاک میکردند

خورشید در میان فارسها:



در قرن ششم قبل از میلاد عبادت ماده در میان فارسها از بین رفت و به عبادت روحانی تبدیل شد در میان این قوم خورشید و آتش و نور که آنرا میترا می نامیدند و رومیان و یونانیان این را از آنان گرفته اند و خدایشان را زیوس و جوبیتر نامیده اند و بر روی صخره ها و یا بر روی دیوارها از این الهه او را با پای ایستاده بر پشت گاو همان حیوان مقدس

نور خورشید در میان این قوم به اهورا مزدا یعنی حکیم بزرگ نامیده شده است

در میان هندیان:

در میان هندیان آسمان فارونا و زمین بریتیفی و زندگیشان از خورشید گرفته میشد حتی آتش یا همان اتمنی بزرگترین الله در هند بود

خورشید در میان فرعونیان:

اتنیات در میان همه ملتها در اولین مرحله باهم متفرقند ولی در نهایت با هم به توحید میرسند این توحید در حول یک اله بر اساس میل پادشاه یعنی فرعون می باشد اخناتون برای اولین بار عبادت بتها را که در آمون مجسم شده بود لغو کرد و در زمان حضرت یوسف عبادت خدا را قانون نمود فارسها و هندیها همانگونه که بین خورشید و نوران و آتش ان تفاوت قائل شده اند فرعونیان نیز این تفاوت را بین نور خورشید یعنی آتون و بین خود خورشید و آن رع یا آمون رع قائل شده اند

قرص با اشکال مختلف خود در تالارها قرار داده میشد در تالارهای محاکمات و بارگاه فرعونیان بخاطر بیان این موضوع که حقیقت چون نوری است که بلخه خواهد درخشید دروغ نگو زیرا اتون تو را خواهد سوزاند و اما رع الله دنیا خالق و وجدان جهان است



اما در میان رومیان خورشید در میانه آنها به عنوان خداوند از طریق قوم فارس وارد شد و میترا نامیده شد و در میان یونانیان نیز این خداوندگار ابولون پسر رفس خداوندگار خورشید و موسیقی نیز به عنوان تیری خطا ناپذیر خورشید نامیده گردید

ابولون خداوندگار خورشید در میان اغریقیان بر روی صخره هاینگونه کشیده میشود

چشمانش همچون کاسه هایی در داغیره ای بزرگ زبان بصورت یک کاسه مستطیلی و اگر شما این نشانه ها را در جایی دیدی بدانید که سعادت درب شما را زده است و شما در استانه یکی از معبدهای اغریقیه و در آستانه یکی ثروتمندترین این معابد هستید

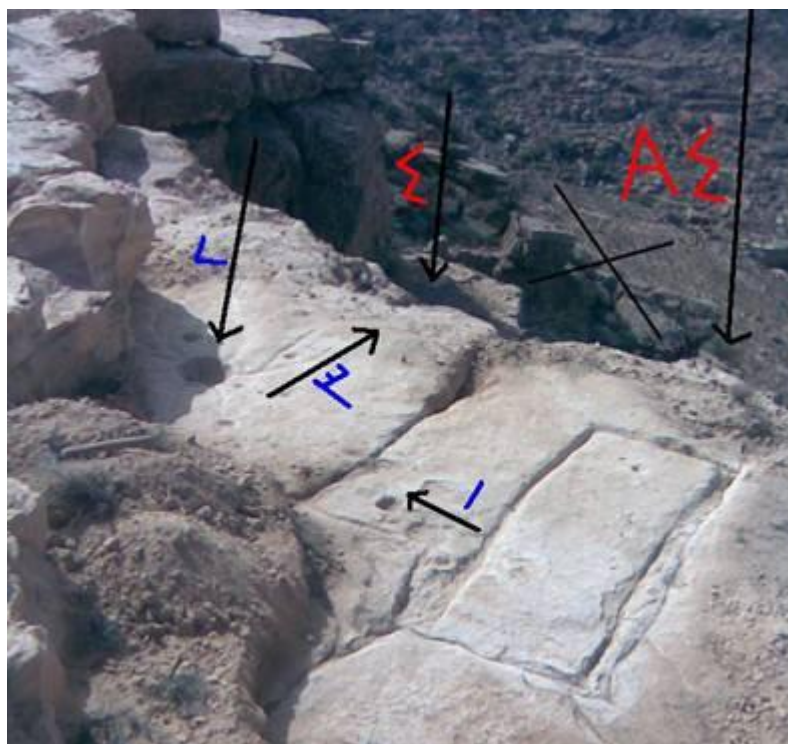
این قوم خسوف و کسوف را نشانه خشم خداوند برانان میدانند جلسات و معاملات خود را تا برطرف شدن کسوف و خسوف به تاخیر می اندازند تا غضب بر طرف شود

اما رومیان هدد را خداوندگار خورشید نامیدند گاهی برای زیوس و گاهی برای ژوپیتتر . رومیان شهر بعلبک لبنان را بنام هیلوبولیس یعنی شهر خورشید که روزگاری مرکز عبادت خورشید بود نامیده اند.

علامت مستطیل:

معمولا جوغنهایی که قطرشون بالاتر از ۳۵ سانت هستش و بعضی موقعه ها حتی ۲۵ سانت هدف یا زیریا از ۳ تا ۵ متر در اطرافشون قرار میگیره که ممکنه مستقیم به هدف برسید و یا وارد تونل بشوید.





این نوع از علامت ها بسیار تفسیر آسان داشته و این علامت به قبر مرسوم به صخره اشاره می کند و ۹۰٪ به قبر سنگی شباهت دارد و بین آنها تفاوت وجود دارد زیرا قبر سنگی با سنگ مجسمه کاری شده و از خود سنگ حک کاری و درست شده است اما شکل فوق فقط حدود قبر را مشخص کرده و ورودی از بالای صخره نیست بلکه از جانب صخره یا از طریق غار جانب صخره است و حفر حفره کوچک جانب صخره تمام می شود و مرده داخل آن قرار می گیرد و درست مثل پله ها مشخص شده و این نوع از دفن A4 همراه با تشدید دال کار می شود و راه ورودی آن در تصویر با شماره ۴ که با علامت همراهش وسایل مهمی دفن می شده است و برای عدم سرقت از این دفن از سلاح استفاده شده است.

سبب مرز بندی قبر از بالا بوده که ایضا برایش تعدادی اموال مهم است:

- ۱- برای شناخت مکان قبر و این سبب رسم قبر بر صخره خارجی می باشد.
- ۲- خط مرسوم بر روی صخره و آنکه قبر را تمثیل می کند و ندانسته داخل شدن به سیال مستطیل مرسوم بوده است و این به اعتقادات قدیمی برای ریختن شراب بر قبر برای رفاه و آسایش نعمت مرده بوده یا مانند قربانی الهه باتمدن است.
- تاکید از این شکل همان قبر موجود جوغن داخل مستطیل است و آن همراه سر مرده می آید و این اعتقاد برای این وقت موجود بوده و همانطوری که ما قبور را ملاحظه می کنیم همراهش با جوغنی می آید که با گذاشتن گل و آب همراه بوده

است.

مستطیل قبر بوده و در اینجا ما فقط برای رفتن به قبر از ضلعی که بر روی آن مستطیل است بوده و حضور سنگ در مسافت کمی که همانطور که در تصویر ملاحظه می کنید باید سنگ ها را کنار بزنیم تا صخره را دیده و محتویات قبر را ببینیم و برای اطلاع شما سنگ و صخره باید صاف باشد و شما را به محتویات قبر رهنمون کند و این قبر باز شده است.

این قبر باز شده است:



مستطیل روی سنگ:



این علامت بصورت حفر شده بر سنگها دیده می شود و بشکل مستطیل واضح می باشد و برایش دائما سیاليس خواهد بود. هدف مستطیل قبر بوده و قبر باید در طرف غرب علامتی که می باشد , باشد پس از این تجربه ها نتایج زیر استنتاج می شود:

سیالی که طولش بیش از ۳۰ سانتی متر باشد پس نوعی علامت توجیهی برای علامت دیگر بوده و تثبیتی نیست. سیال تثبیتی لازم نیست که طولش بیشتر از ۱۵ سانتی متر باشد. هنگامی که مستطیل و سیال کنار هم باشد در طرف سیال دیگری خواهیم یافت که طول آن بیشتر از ۱۵ سم نخواهد بود که این تثبیتی می باشد

سنگ حفره دار(اسکنه خورده):



بصورت حفر شده در صخره های محصور دیده می شود و آن از تعدادی از جوغن منظم تشکیل می شود و در آن جوغنی خارج از مجموعه نیز وجود خواهد داشت

علامت: آن قبور دسته جمعی بوده اما بحالت شمسیه بوده یا داخل مدافن قبورهای انفرادی و تراسهایی برای دفن است تفسیر و این قبور به طبقات فقیر جامعه برمیگرده و سبب آن برای اینکه مجسمه ها در این وقت سنگین بودند و توان آن را نداشتند که برای مجسمه های غیر مردم پولی بگیرند تا از طبقه غنی باشد و علامت برجسته از علامتهای مهم می باشد اما مانند همین علامت ها مانند علامتهای برجسته سنگین نیستند و طریق حل این اشاره بدین صورت است :

این جوغن تک یا منفرد از نوع توجیهی بوده و گفته می شود که قبر غنی در آن است ، این گفته از صحت و تجربه بدور بوده و اشتباه است و زمانیکه این جوغن منفرد را یافتید قطعا تپه ای خواهید یافت و نام آن تپه مدفنی می باشد و راه ورودی آن از طریق بئر (رودخانه و آب) می باشد که جدا از تپه می باشد.

قطعا برای این نوع علامت کنارش نیز اگر خط مستقیمی وجود داشت در نزدیکی همان جوغن ، قطعا جوغن و برایش سیالی را خواهید یافت که شما را به تپه راهنمایی می کند.

باشد , آن از قبور دارای اهمیت بیشتری صحبت می کند که جایی H از منقل ها آنچه در جانش بر روی خود صخره حرف برای گزافه گویی نیست

اگر حرف (نوشته) را جانب منقل یافتید پس جدا سخن خوبی از منقل ها به میان می آید پس در این حالت هدف جانب صخره ای که بر روی آن منقل بوده می باشد است و آن ورودی صخره ای بز شکل رودخانه یا مربع شکل است.

سنگ چهل تکه:



این سنگ ها به سنگ چهل تکه , ۱۴ تکه و یا هفت تکه و... معروف هستند. نوعی از آنها در زیر زمین یافت شده است و بعضی از آنها در کوه ها یا تپه ها این نوع سنگ نگاره ها که در ایران دیده شده است می خواهد چند معنا را به ما برساند , اولین مطلب این است که این نوع سنگ نگاره ها با چشم قابل مسلح , قابل رویت نیستند و کلید رمز گشایی آنها در حالت سه بعدی خلاصه شده است زیرا طراحی سیستم آنها به همان روال است. شما با در دست داشتن یک دوربین سه بعدی با کیفیت پیکسل بالا می توانید از هر جهت آن تصویر یا فیلم تهیه کرده و خواهید دید که تصاویر پنهان شده خود نمایی خواهند کرد و البته بهترین حالت آن تصویر زنده گرفتن از تصویر و چرخاندن سنگ نگاره در جهات مختلف می باشد. این نوع سنگ نگاره ها در مرحله و حالت اول کروکی منطقه متصل را به ما نشان می دهد برای مثال در یک نوع از این سنگ نگاره تصویر آدم , لاک پشت در حین شنا , سنجاب و.. دیده شده است همانطور که فهمیدید این علائم ها به هم مربوط بوده و به ما می خواهد برساند که این آدم در حال نگاه به تپه ای بزرگ اشاره می کند و آن لاک پشت در حین شنا به دریا یا دریاچه قدیمی و

ان محوطه ای آب خیز که در اطراف تپه وجود دارد اشاره می کند و سنجاب نیز که نماد درخت می باشد به یک درخت کهنسال در آن منطقه اشاره می کند که سربار آن دفینه اطراف آن درخت دفن شده است .



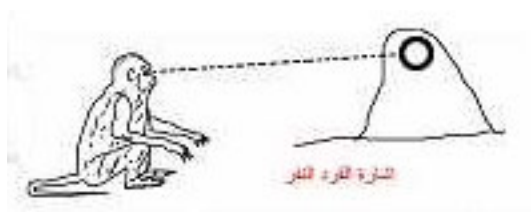
در حالت دوم این نوع سنگ ها به هر تعدادی که اشکال (یا تصاویر) داشته باشند به آن مقدار نیز به دفینه اشاره می کنند و نوع دفینه هر کدام متفاوت می باشد برای مثال دفینه شکل عقاب ظاهر شده در سنگ با دفینه انسان ظاهر شده در سنگ متفاوت خواهند بود. در حالت سوم این نوع سنگ ها اگر از زیر زمین استخراج شوند به مسیر و جهت اشاره می کنند که باید مسیر دید آن را بررسی کنیم هر چند که این سنگ ها می توانند ما را به مسیر منحرف راهنمایی کنند. در حالت چهارم این سنگ نگاره ها می توانند نیز نماد عقاید و اعتقادات آن قوم و قبیله بوده باشد و نشان دفینه نباشد و باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد و این امر را می توانید از کنکاش و جستجوی در منطقه اطراف این سنگ نگاره به دست بیاورید

میمون:



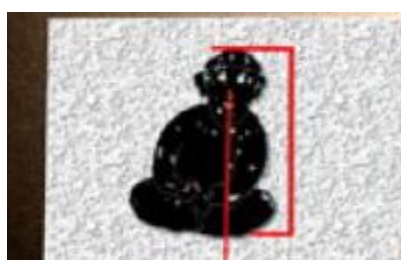
میمون حیوانی بازیگوش بوده و بسیار شلوغ می باشد . باید در دید مسیر این حیوان یک درخت بسیار کهنسال یا درخت موزی وجود داشته باشد. دفینه در اطراف آن است . با توجه به خصوصیات این حیوان می توانید آن را رمزگشایی کنید.

در علامت میمون که به یک صخره نگاه می کند یا آنجا را نشان می دهد باید بالا بروید و جای نشستن میمون را پیدا کنید و جنس در زیر نشستن آنهاست . اگر میمون نشسته باشد و به جلوییش نگاه کند باید زیر آن را بکاوید . اگر میمون تنها باشد و راس جانبی آن یک چشم باشد در اینصورت خط قیاس از چشم بسوی هدف خواهد بود.



اگر میمون بصورت سرتا پا باشد در اینصورت قیاس ما اندازه گیری از سر تا پا بوده و هر یک سانت را یک متر در نظر بگیرید و قیاس به اتجای دو چشم باشد هدف را می یابید.



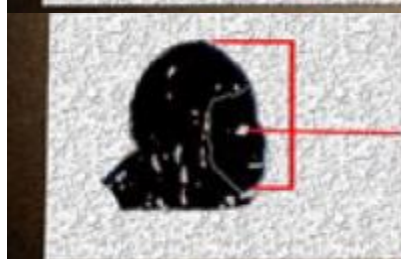


میمون نشسته و دارای دو چشم

میمون را بصورت کامل اندازه
گرفته و هدف در مسیر نگاه
میمون میباشد

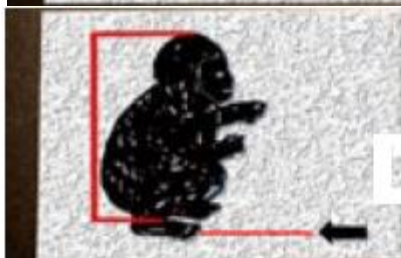


میمون را اندازه گرفته و در
مسیر نشانک جوغن حرکت شود



سر میمون

صورت میمون را اندازه گرفته
و هدف در مسیر نگاه میمون میباشد



میمون را اندازه گرفته و در
مسیر نوک فلش حرکت شود

علامت آلت زن و آلت مرد:



این دو مورد باید روبروی هم باشد و مکمل هم هستند. در این حالت سر مال دفینه اصلی آنها ۶۰-۶۰۰ کیلو سکه درست در آلت زنان و آلت مرد در دو نقطه معین پائین ۲ عدد الماس در قبر وجود دارد.

بر قبر مرد و زنش اشاره می کند که که اتاق سنگی بوده و دفینه داخل اتاق دفینه ارزشمندی است.

علامت زیر مورد نظر است:

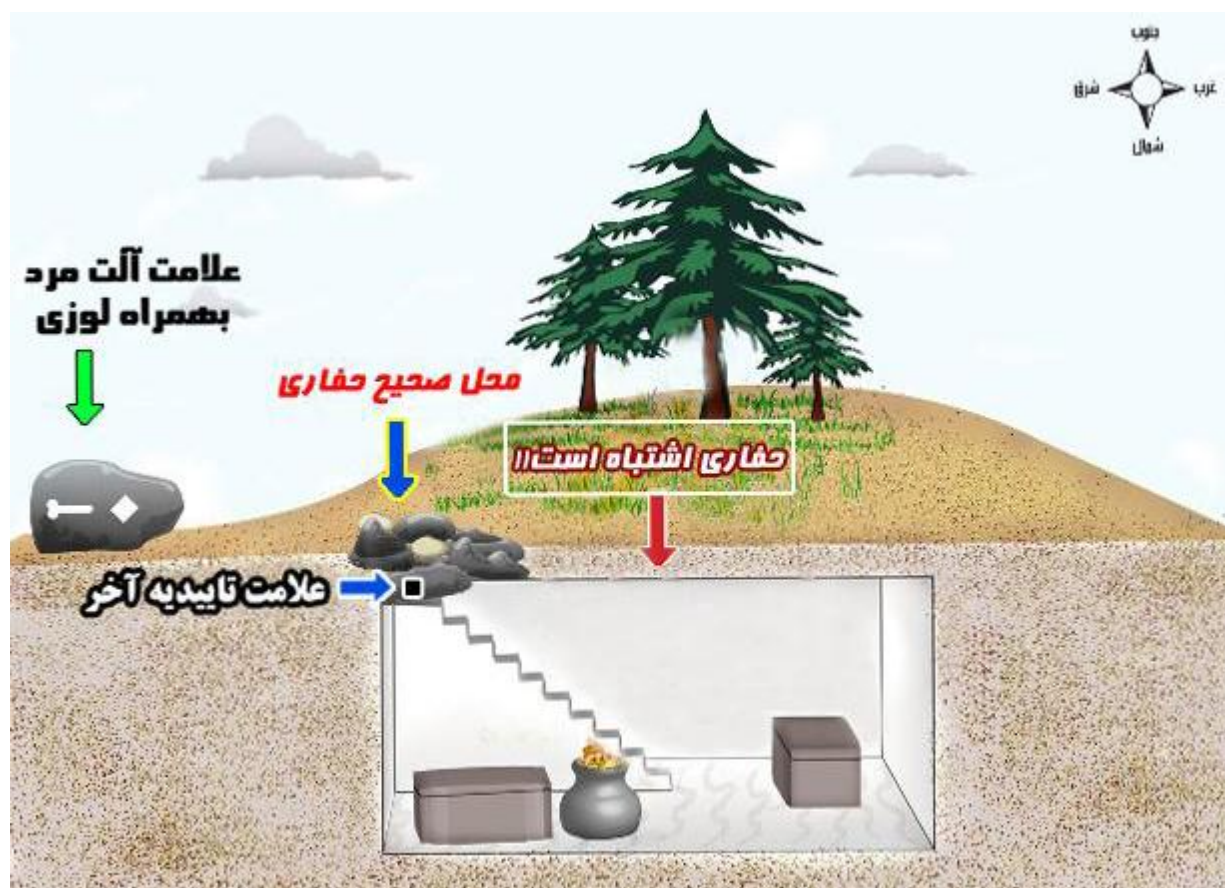


روش حل آن بدین صورت است:

باید طول آلت را اندازه گرفته و به طرف راس آن حرکت شود و بیضه چپ بزرگ نیاز نیست زیرا آن ممیز نبوده و همه می دانیم که مرد طبیعی بیضه چپش از راست آن بزرگ بوده پس این علامت دارای تمیز نیست. هنگام رفتن در مسیر سر آن به علامتی ثبیتی که یا جوغن یا مربع یا فرج زن باشد خواهیم رسید اگر بصورت حفر شده باشد باید به اندازه دو برابر قد انسان که معادل ۳-۴ متر باشد زیر آن را ادامه بدهید و اگر ذکر (آلت)

عمق حفر شدن آن عمیقتر باشد در اینصورت باید زیر آن را به اندازه عمق آلت حفر شده که ذکر شده بکاوید به اذن خدای تعالی به در پلمپ شده سرداب خواهید رسید.

نظر دیگر: نشانه قطعی دفینه نمی باشد. برای اینکه نشانه دفینه باشد باید داخل دره باشد. اگر داخل دره نباشد نشانه بار نیست. در داخل و وسط دره ایستاده می شود. باید به بلندترین نقطه آنجا برویم. دفینه آنجاست و در داخل سنگ گذاشته شده است



علامت و نماد ۷ در علوم باستانی:



قدیمی ترین قومی که به عدد هفت توجه کرد، قوم سومر بود. آنها همچنین نخستین قومی بودند که برای نخستین بار متوجه سیارات شدند و آنها را بصورت ارباب انواع و خدایان می پرستیدند. از همان دوران، سومری ها متوجه هفت تایی بودن بعضی عوامل طبیعی مانند سیاره های مکشوف جهان باستان، همچنین تعداد رنگ های اصلی شدند و آن را موید رجحان و جنبه ماوراءالطبیعی عدد هفت دانستند.

پس از آن نیز عدد هفت در مذاهب، تاریخ جهان و در تصوف و سنن و آداب اهمیت زیاد داشته و شماره بسیاری از امور و عوامل طبیعی «هفت» بوده است.

همچنین در میان اقوام هند و اروپایی تقدس عدد هفت آشکار است و در یونان باستان این عدد مخصوص آپولون، خداوند طبابت، شعر و صنعت است.

● نشانه های قداست عدد هفت در ایران

تاثیر این عدد به ویژه در فرهنگ ایران بسیار چشمگیر بوده است. قداست این عدد در آیین مهری سبب شده است که مدارج رسیدن به کمال در این آیین، همانند تصوف دوره اسلامی و مذهب اسماعیلی، هفت تا باشد. بالاترین درجه آنها «پیر» نامیده شده است. این هفت درجه در ادبیات فارسی نیز بازمانده و «پیر هفت خط» یا «پیر مغان» در دیر مغان بالاترین درجه را میان آنها داراست. در تاریخ ایران و بناهای بازمانده از دوره های تاریخی گوناگون، جا به جا توجه به عدد هفت مشهود است. دور تا دور قلعه همدان (هگمتانه) پایتخت مادها، دارای هفت دیوار بوده است که کنگره هایی به رنگ های مختلف داشته اند.

داریوش با شش تن دیگر از نجبای ایران هفت تنی را تشکیل دادند که دست به دست هم دادند و گئومات مغ که در زمان کمبوجیه پادشاه هخامنشی قیام و سه ماه بر مردم حکومت کرد را از تخت پادشاهی سرنگون کردند. هفت یار در بین راه هفت جفت کرکس دیدند و آنها را به فال نیک گرفتند. در دوره هخامنشی هفت قبیله معروف در فارس می زیستند. قبر کوروش در دشت مرغاب روی یک سکو قرار گرفته که دارای هفت پله است. در نقوش نقش رستم بالای گور داریوش در دو طرف، شش نفر وجود دارند که با خود مجسمه داریوش، هفت نقش را تشکیل داده اند. در دوره ساسانی نیز هفت طایفه از نجبای ایران مملکت داری را در اختیار داشتند.

همچنین در نوروز روی خوانچه ای، هفت شاخه از درخت های مقدس مثل زیتون، انار، بید و ... می گذاشته اند و در هفت پیاله سکه سفید و نو می انداختند. هفت سین در سفره نوروز بازمانده این رسم کهن است. هفت پیکر، که عبارت است از افسانه هفت زن بهرام گور، در فرهنگ ایران معروف بوده و نظامی آن را به رشته نظم در آورده است.

● راز آفرینی عدد هفت در ادیان دیگر

به نظر می رسد که بسیاری از فرهنگ ها و ادیان عدد هفت را کامل ترین عدد دانسته اند، به ویژه به دلیل ارتباط عدد هفت با آفرینش. بنابر روایت تورات، آفرینش عالم در شش روز یا شش مرحله تمام شد و روز هفتم را خداوند به آرامش گذراند. در بسیاری از فرهنگ های دیگر نیز عقایدی مشابه در مورد آفرینش ابراز شده است. همچنین هفت سیاره معروف که گذشتگان تاثیر آنها را بر چهار عنصر طبیعت (آب، باد، خاک، آتش) موجب پیدایش کل موجودات عالم می دانستند سبب شده است که این عدد در نظر بسیاری از اقوام و ملل تقدس یابد و در ابعاد زندگی مادی و معنوی آنها تاثیر بگذارد.

یکی از نمودهای زندگی جمعی، برگزاری جشن ها و آیین های گروهی است، گردهم آمدن هایی که به نیت نیایش و شکرگزاری و یا سرور و شادمانی شکل می گیرن. برهمن اساس جشن ها و آیین های جامعه ایران را هم می توان به سه گروه عمده تقسیم بندی کرد: جشن ها و مناسبت های دینی و مذهبی - جشن های ملی و قهرمانی و جشن های باستانی و اسطوره ای جامعه ایران در گذشته به شادی به عنوان عنصر نیرو دهنده به روان انسان، توجه ویژه ای داشتند. آنها براساس آیین زرتشتی خود چهار جشن بزرگ و ویژه تیرگان، مهرگان، سده و اسپندگان را همراه با شادی و سرور و نیایش برگزار می کردند.

هفت روز، هفت سین، هفت زمین و آسمان، خلقت هفت روزه زمین و خیلی از اعتقاداتی که ریشه در باستان و آئین های اجداد ما داشته اند که در اینجا بشرح عدد هفت خواهیم پرداخت.

همچنین اسناد تاریخی از برپایی سفره هفت سین به یاد هفت امشاسپندان خبر می دهند؛ طبق این اسناد، هفت امشاسپندان مقدس عبارت بودند از:

اهورامزدا (به معنی سرور دانا)، و هومن (اندیشه نیک)، اردیبهشت (پاکی و راستی)، شهریور (شهریاری آرزو شده با کشور)
(جاودانی)، سپندارمزد (عشق و پارسایی)، خرداد (رسایی و کمال) و امرداد (نگهبان گیاهان)

همچنین این اعتقادات در گنج پژوهی و علوم باستانی ریشه دوانیده و باعث شده است که اجداد و نیاکان ما از این عدد در محاسبات خود استفاده کنند: از هفت خانه در نگهبانی خزانه ها و دیده بانی استفاده می شد، ۷ قدم با خزانه بسمت طلوع خورشید قدم بردارید به دفینه می رسید، ۷ پله بعضی از مکانها به پایین می خوردند و در این پله هفتم تله ای جاسازی می کردند و ۷ ارش یا ۷۰۰ ارش بسمت نگاه علامت تپه ای وجود دارد، فاصله علائم دوم تا علامت نهایی ۷ قدم یا هفت ارش است، ۷ خانه در داخل غارها، هفت خزانه در استان غنی آذربایجان و ...

پس همانطور که ملاحظه کردید عدد هفت از تقدس و پاکی خاصی برخوردار بوده است که ریشه در اعتقادات و آئین های مذهبی و جشن های اسطوره ای ما ریشه دوانیده است که در زندگی و حیات ما و اجداد ما بنوعی نمود و ظاهر پیدا کرده اند.

در شماره ۷ دو حالت وجود دارد , نوک هفت یک قبر یا سنگ یا علامت را نشان می دهد. در حالت دوم وسط دو دره را نشان خواهد داد.

انگور:

این علامت در روی صخره ها بحالت برجسته بوده و بندرت بصورت حفر شده دیده می شود. قطعا خبره های این علم در تحلیل این علامت دارای اختلافند پس بعضی از آنها می گویند که بر جواهرات و سنگهای قیمتی داخل سنگ پلمپ شده دلالت دارد , پس زمانی که باشد به سنگ و جوغن پلمپ شده اشاره دارد و باید در جهت برگ آن ادامه بدهید و بعضی از آنها می گویند که بر تابوت سنگی دلالت می کند و بنده از خلال تجاربم تاکید می کنم که بر تابوت سنگی مهمی اشاره می کند و اما تحلیل اول را نیز نفی نمی کنم.

زیرا این علم , علم اجتهاد است و برای شخصی نفی معلومات شخص دیگری ممکن نیست.

پس زمانی که بشکل عمودی بر روی هر دیواری باشد پس هدف زیر همان علامت خواهد بود و اگر به شکل افقی باشد پس به سمت آسمان اشاره می کند. پس هدف زیر صخره یا حسب برگ آن خواهد بود و تحدید این شی بر حسب علامت طبیعی بوده است و هر کسی بر خوشه انگور تاکید کند بر تابوت دلالت می کند .

در بعضی از تابوت هایی که بنده کشف کردم آثار خوشه انگور بر روی تابوت های سنگی نمایان بود و داخل قصرها رمزی برای خوشه های انگور دیوارها است و در اینصورت هدف زیر جهت خوشه ها می باشد.





پس انگور به وقتش مانند دری می باشد که ادم از خوردن آن سیر نمی شود.

ملک بالدار یا فرشته:



فرشته نماد کلیسا یا نماد آیین های متالوژی یا متافیزیکی بوده است. به گنج و دفینه هیچ ارتباطی ندارد. البته یک تبصره هایی هم دارد بدین حالت که چنین مجسمه هایی اغلب در قبرستان ها بود اند. زیر مجسمه بیشتر از یک خمره وجود دارد و عمق آن بیشتر از دو ارش می باشد. در اینجا اسامی چندی از ملک ها را برایتان می آوریم: آنافیل - آزبوکا - باراکیل - سامائیل - جبرئیل - میکائیل - رازیل و... برای مثال تزد کیئل الهه و ملک عدالت است.

بز کوهی:



ک سنگ نگاره های ایران نشان از تاریخی دور و دراز در این سرزمین دارند. نشان هایی از حیوانات ، انسان ها ، گیاهان و زندگی . همه و همه را می توان بر روی سنگ نگاره ها یافت و می توان ساعت ها بر روی آن ها مطالعه کرد و از طرق گوناگون به بررسی آن ها پرداخت. اما شاید نماد شناسی سنگ نگاره ها یکی از بهترین راه ها برای یافتن زبانی مشترک بین ما و کسانی که این نگاره ها را بر روی سنگ ها آفریده اند باشد. با نگاهی اجمالی بر نگاره ها می توان به سرعت یافت که نقش بز بیشترین نقش موجود بر روی این نگاره هاست. در مورد چرایی نقش بستن بز بر روی این سنگ نگاره ها تاکنون به صورت خلاصه به مواردی اشاره کرده اند ، مهم ترین و معروف ترین آن ها اشاره ای است به داستان آفرینش انسان ، داستان رویدن گیاهی با دو برگ (احتمالا ریواس) از نطفه ی کیومرث و هنگامی به صورت انسانی در دو جنس (مشیه و مشیانه) در آمد. بز کوهی در این داستان حیوانی است که از مشیه و مشیانه محافظت می کند و آن دو از شیر آن می نوشند. به همین دلیل فرض شده است که بز نشان باروری و رویش است .

نکته ی جالب اینجاست ، نقوش بز کوهی همواره در کنار سرچشمه های آب پیدا می شوند. فرقی نمی کند در کجای ایران به دنبال سنگ نگاره ها بگردید. در هر حال سرچشمه ی رود ها بهترین یاری دهنده برای پیدا کردن نگاره هاست ۱. آب نیز خود شروع رویش و باروری است ، آب زهدان همه ی عالم است ، بی دلیل نیست که الهه ی آب آناهید است . دوشیزه ای برومند ، زیبا و ...

پس نقوش بز مسلما به آب و سرچشمه های آن و باروری مرتبط بوده اند. با کمی مطالعه ی سنگ نگاره ها می توان به این امر رسید که عموما سنگ نگاره های اولیه و قدیمی تر تنها به نقش بز محدود می شده اند و در مناطقی که بعدا و در دوره های متاخر تر طرح هایی بر روی سنگ نگاره ها اضافه شده (به مانند تیمره ی خمین) نقوش دیگر مانند انسان و شتر و حتی نوشته هایی به زبان عربی نیز می توان پیدا کرد. ۳ با توجه به حروف شبه عیلامی که در بسیاری مناطق بر روی سنگ نگاره دیده میشود قدمت نگاره ها به دوران قبل از آریایی شدن ایران باز میگردد. بسیار پیش تر از زمانی که اسطوره ی آفرینش کیومرث

توسط اورمزد بیان شود. ناگفته پیداست که اسطوره های آفرینش توسط اورمزد بیشتر در دوره ی ساسانیان بسط داده شده و رواج یافته (هرچند که بسیار قدیمی تر می نمایند) و در دوره های قبل تر از جمله هخامنشیان نشانی از اسطوره هایی که به گونه ای به دین زرتشت منتهی شوند یافت نمی شود. (به عنوان مثال در هیچ نوشته ی هخامنشی نامی از زرتشت نیامده است) در قبل از ساسانیان به راحتی می توان نشان میترا یسم را پیدا کرد. هرچند با فرض این که کسانی که نگاره ها را خلق کرده اند از اسطوره ی کیومرث و ماجرای مشیه و مشیانه هم آگاهی داشته باشند ، چرا بایستی نقش بز را به عنوان نماد سرچشمه های آب در همه جا رسم کنند ؟ شاید رسم کردن نقش گاوی که به همراه کیومرث بوده محتمل تر بوده است!



نکته ی جالب تر نقش زاینده گی آب است ، آب همواره نشان زاینده گی بوده است. سرچشمه ی زاینده گی نیز مادینه است ، مادینه ای مقدس ، همواره در بسیاری از دین ها و اسطوره ها سرچشمه ی زندگی و باروری به صورت موجودی مادینه تصور می شده است. به ویژه در جوامع کشاورزی و مادر سالار که ارتباط بسیار نزدیک به طبیعت داشته اند. (و عموماً نوعی از ادیان طبیعت پرستی داشته اند = پگانیزم) به عنوان مثال آناهید که تحت عنوان خدای آب های نیرومند بی آرایش از او یاد می شود

اما در سنگ نگاره ها عموماً ما با طرح " بز کوهی نر " و " کل " و " اندرمیش " مواجهیم. چگونه بز نر می تواند نماد باوری و رویش باشد؟ بز های با شاخ هایی بلند و سرکش ، از روی نگاره ها میتوان دریافت که انگار برای کسانی که این نقوش را می آفریده اند بلندتر بودن شاخ بزها به نوعی برتری داشته و میل بیشتری بوده تا بزهایی با شاخ های بلند تر نقش شوند. آیا مشیه و مشیانه از شیر بز کوهی نر می نوشیده اند؟

رابطه این بزها به داستان مشیه و مشیانه بسیار غیر محتمل می نماید. اما به هر حال بزها در کنار سرچشمه های آب قرار دارند و این واقعیتی است عینی. پس به واقع چرا این سنگ نگاره ها حک شده اند؟

جواب به این سوال مسلماً دقیق و واضح نخواهد بود. هر چه گفته شود مجموعه ای از احتمالات است، که مسلماً هر چه اطلاعات جمع آوری شده بیشتر و دقیق تر باشد جواب نیز به واقعیت نزدیک تر است.

ابتدا از مشاهده ی نوع حکاکی ها شروع میکنیم. مسلماً بایستی سنگ نگاره ها در دوره های گوناگونی حک شده باشند. اما با کمی مشاهده می توان قدیمی تر بودن بعضی را تشخیص داد. اختلاف رنگ ها، و میزان هوازدگی با کمی دقت مشخص میشوند. و در مناطقی که سنگ نگاره ها عموماً بکرتر هستند و کمتر نقوش جدید در کنار آن ها حک شده است می توان به راحتی به آنچه می خواهیم برسیم.



اولین چیزی که به ذهن خطور میکند شبیه بودن بزهای رسم به شده به هم دیگر است. در مناطقی که فاصله ی بسیار از هم دارند بزها همواره شبیه به هم رسم شده اند. و حتی نوع حکاکی ها نیز غالباً شبیه به یکدیگر می باشد. و از همه مهم تر مناطقی که حکاکی ها انجام گرفته نیز یکسان می باشد؛ همواره در سرچشمه ی رودها؛ چیزی به ذهن آدم می رسد که آیا کسانی که این حکاکی ها را انجام داده اند آموزش دیده بودند؟ منظورم از آموزش دیدن، گروهی آموزش دیده و اعزامی از طرف یک دولت برای انجام حکاکی ها نیست، بیشتر منظورم نوعی از آموزش آیینی و مذهبی است. آموزشی مذهبی که مردم عادی دیده باشند و کار حکاکی ها آنقدر عمومی باشد که مردم به مانند فریضه ای عادی به آن پرداخته باشند. اما چرا در کنار سرچشمه های آب؟

ایران همواره سرزمین کم آبی بوده است ، و به علت کوهستانی بودن و شیب زیاد آبرفت رودخانه ها بسیار کم ته نشین میشده ، به همین خاطر زمین ها حاصلخیز نبوده است ، بر خلاف منطقه ی بین النهرین که زمین هایی هموار دارد و به همین خاطر آبرفت هایی بسیار حاصلخیز از ته نشین شدن گل و لای رودخانه ها در آنجا تشکیل شده است ۹. پس وجود بز ها در ایران عموماً به خاطر تشکر از آب نبوده است! و همین طور تشکر از بزی که به اجدادمان شیر داده است. بزها به خاطر ترس از خشکسالی و بی آبی آنجا قرار داشتند. به جای آناهید خدای مادینه ی زیبای آب های نیرومند ، بایستی به دنبال خدای خشکسالی رفت! در اینجا تیشتر قد علم میکند. ماجرای تیشتریه و دیو خشمگین خشکسالی! پوشه دیو خشکسالی است که به نبرد با پوشه می رود. آن دو در هم می (عامل تباه کنندگی زمین است و تیشتر (همان درخشان ترین ستاره ی آسمان ۱۰ تیشتر به نزد هورمزد می رود و علت ناکامی اش را کامل نبودن نیایش مردم و کافی نبودن . آمیزند و تیشتر شکست میخورد قربانی ها بیان می کند! اهوره مزدا خود شخصا برای تیشتر قربانی میکند. و از آن پس همه ی مردم برای این که تیشتر بتواند بر خشکسالی فایق آید برای او قربانی می کردند. و پس از قربانی کردن برای تیشتر است که آب میتواند بی مانع در میان مزارع و رودها جاری شود. بسیار محتمل می نماید که بزهای نری که در کنار سرچشمه ی آب های جاری نقش شده اند ، نشانی از قربانیان انسان ها برای تیشتر باشند. قربانیانی که از ترس از خشکسالی به تیشتر اهدا شده اند و سنگ نگاره ها نشانی از آن ها برای یادآوری کردن به تیشتر است که ما برایت قربانی کرده ایم ، تو نیز آب ها را در رودها جاری کن



احتمال دیگری نیز بسیار واضح به چشم میخورد : ما ایرانی ها معتقدیم که همه ی اسطوره ها و داستان ها دنیا از ما شروع می شود ؛ هرچند که زیاد هم بیراه نیست ، به عنوان مثال تمامی ادیان امروزی جهان حتی ادیان سامی کاملاً وابسته و شکل گرفته از میتراپیسم هستند ۱۲ ؛ اما در دنیایی که به راحتی اسطوره های ما به همه جا میرفته است بعید نیست که اسطوره های دیگران نیز به نزد ما آمده باشد. " کوروکوپیا " ۱۳ شاخ وفور نعمت بود ، بزی که با شکستن شاخ هایش به زیوس غذا می داد ، شاخ

های او مملو از میوه های جادویی بود ، داستانی شبیه به داستان مشیه و مشیانه با این تفاوت که شاخ های بلند بزهای نقش شده در این داستان توجیه پذیر ترند

نماد سگ:



سگ نشان از گنج حکومتی داره وسگ نماد نگهبان حکومتی هستش ومعمولا هم گنجینه ان در تقاطع رودخانه ها و یا تقاطع آبادی ها میباشد و همچنین نماد و سمبل یونانی ها نیز می باشد.بیشتر بر روی سنگ ها و صخره های روی زمین بصورت نقوش برجسته یا کنده کاری به چشم می خورد.

امادر مورد نمادی اگر سگ نگاهش رو به زمین ودم ان افتاده وبا دست در حال حفاری هستش به معنی اینه که شما باید همان جا رو حفاری کنید حالایا به نشان بعدی ویا به دفینه میرسید , اما اگر نگاهش رو به جلو ویا سمت دیگه ای هستش وبا در نظر گرفتن حالت دم سگ زیرا که در حیوانات برای مسیر یابی از دوخصیصه سر ودم بیشتر استفاده میکنند که دم میتونه بصورت افتاده ویا مستقیم رو به عقب ویا بصورت تاب ویا برگشته رو به بالا طوری که نوک ان رو به کمر قرار بگیردباشد ,



در کل بعد از پیدا نمودن جهت به دنبال نشان بعدی بگردید ممکنه نشان بعدی یا روی زمین و یا زیر زمین باشد.

اگر سگی بر روی زمین دراز کشیده باشد مزار در همانجا قرار دارد. تصویر سگی که در حالت آماده باش و نگهبانی به سر می برد نگهبان اشیای پنهانی است. احتمالا اشیای در زیر تصویر سگ یا در یک دو قدمی آن قرار دارد. اینگونه اشیا حتما در زیر خاک پنهان شده اند. در دیدگاهی دیگر دیده شده است که بار زیر عکس می باشد و بار آن سبک و کمتر از دو زرع بوده و بار در صندوق است. اگر سر سگی که از صخره ها تراشیده شده باشد و در بالای تپه ای باشد نشان از این می دهد که همانطور که وظیفه سگ نگهبانی و پاسبانی می باشد از این سمبل نیز در حفاظت استفاده می کردند. همچنین این علامت بعد از مرگ انسانهای پیر که مورد احترام و محبوب انسانها بودند استفاده می شده است.



در زیر این سنگ هفت اتاق صخره ای که بصورت بسیار زیبا تراشیده شده اند وجود خواهد داشت که توسط پله های بسیار زیبا راه ورود خواهد داشت .



در یکی از این اتاق ها باجه ای برای دیده بانی استفاده شده است. این دیده بانی مسیری برای حفاظت از خزانه ها و همچنین آبادی ها بوده است و به یک تپه ای اشاره می کند که دارای اهمیت قابل توجهی می باشد و دفرینه در آن دفن می شده است.



همچنین یکی از اتاق ها برای نگهداری ذخایر غذایی و نظامی می باشد و یکی از اتاق ها دارای جوغن داخل اتاقک می باشد که زیر آن یک چاهی می باشد و داخل چاه نیز یک اتاقک دیگر خواهد بود و دفینه داخل ان است.همچنن درب ورودی این اتاق ها با معماری بسیار زیبا و محکمی طراحی شده است که خیره کننده است.



در بالای این تپه یا کوه قلعه و دژ نظامی محکمی ساخته شده است که در برابر حملات دشمنان و معاندین که از موقعیت استراتژی بالایی برخوردار بود برای حفاظت مورد استفاده قرار می گرفته است.



نماد شمشیر و زره:



همانطور که می دانید افرادی در ایل ها و قوم ها بودند که در رشادت و شجاعت و پهلوانی معروف بوده اند و در طول حیات زندگیشان از ایل و قوم و تمامی ارضیتشان دفاع کرده و به خدای فداکاری و رشادت و جنگاوری در ایل و قوم و طایفه مشهور بودند. بعد از فوت و مرگ ایشان ایل و قومی برای اینکه یاد آن دلاور و جنگاور از یادشان نرود از تصاویر شمشیر و خنجر و زره در روی سنگ قبر این افراد دلیر استفاده می کردند. همراه این دلاور یا پلوان یا رزم آور وسایل و اشیا مانند خنجر- شمشیر - زره و تمامی اشیایی که یادآور رشادت و پهلوانی او بوده است در قبر همراهش دفن می شدند.

دفینه چاه ها:

این سنگ نشان دهنده کروکی غار است. این سنگ متفاوت که قابل مشاهده است در ۲ متری آن در یک زمان معین از آن بالا می رفت و دهانه ورودی اتاق از آنجا بود. در یک زمان دیگر در چاه ۱۳۰ سانتی متر در دیواره های آن یک سنگ متفاوت بود و آن سنگ متفاوت نشان دهنده ورودی اتاق بود.

در ۸ متری این چاه قسمت پایین آن یک اقلیمی وجود داشت ،انسانهایی که این نوع چاه ه را ساخته بودند از آن استفاده می کردند و آب این چاه هیچ زمانی خشک نخواهد شد و اتاق خشک خواهد ماند ،این تجربه ای بود که خودم به عینه دیده بودم...

نکته مهم: در چاه ها گازهای سمی متان وجود دارد،به شما همراه داشتن نکات ایمنی و ماسک ایمنی را پیشنهاد می کنیم ، لطفا جدی بگیرید.





درب ورودی تونل ها و دهلیزها:



درب های ورودی تونل ها و دفینه ها را از سطح زمین تا دهانه چاه ورود معمولاً ۲ الی ۴ متر سر چاه را با خاک پر می کردند و حتی بعضی از چاه ها داخلشان را هم با خاک دستی پر میکردند و دفینه ای که در این چاه ها مدفون است معمولاً خزانه است و بار زیادی در آنجا نهفته است.. راجع به درب این چاه ها باید عرض کنیم درب ورود این چاه ها وقتی که به کف چاه رسیدیم باید شروع کنیم دور آن را خالی کنیم که سنگی گرد همانند سنگ آسیاب نمایان میشود که باید آن را کنار زده و داخل آن شد بیشتر این چاه ها سربار هم دارند که در وسط چاه یا به صورت سنگی غریب یا ساروج نمایان است.

این تونل ها و دهلیزها دارای راه طولانی و دالانی و مارپیچ مانند دارد... نشان دهنده مدنیت و ملازمه حیات انسان در روزگاران قدیم بوده... یکی از مکانهای حیات در قدیم این مکانها بوده است برای دفاع از دشمنان و حفاظت خانواده ها، که گویای حیات بوده است. زمین اینها را چون در داخل خود حفظ کرده است که عقل و دیدو ما در نگاه اول آنها را نمی بینید



این ها ۳ الی ۳.۵ متر در صخره ها و سنگ ها عمق دارند. با یک سنگ بزرگ پلمپ شده هستند (که می تواند سنگ آسیاب ورودی آن باشد) در روی یا زیر این سنگ ها کروکی محل ترسیم می شده است (که رمز شغل دفينه گری است) نسبت به این کروکی باید حرکت شود.



- در ورودی یا ته چاه این تونل یا تونل ها قرار دارد که طول آنها ۱۹-۲۱ متر تخمین می شود. عرض آن ۵۵-۸۰ سانتی متر یوکسگلیکی آن ۱۵۰ سانتی متر می باشد. باید به موارد زیر دقت کنید:
- ۱- در زمین تونل و دهلیز یک سنگ متفاوت وجود داشته باشد
 - ۲- در دیواره تونل و یا دهلیز یک شیئی متفاوت یا سنگهای فیگور شده باشد.





کلیسا:

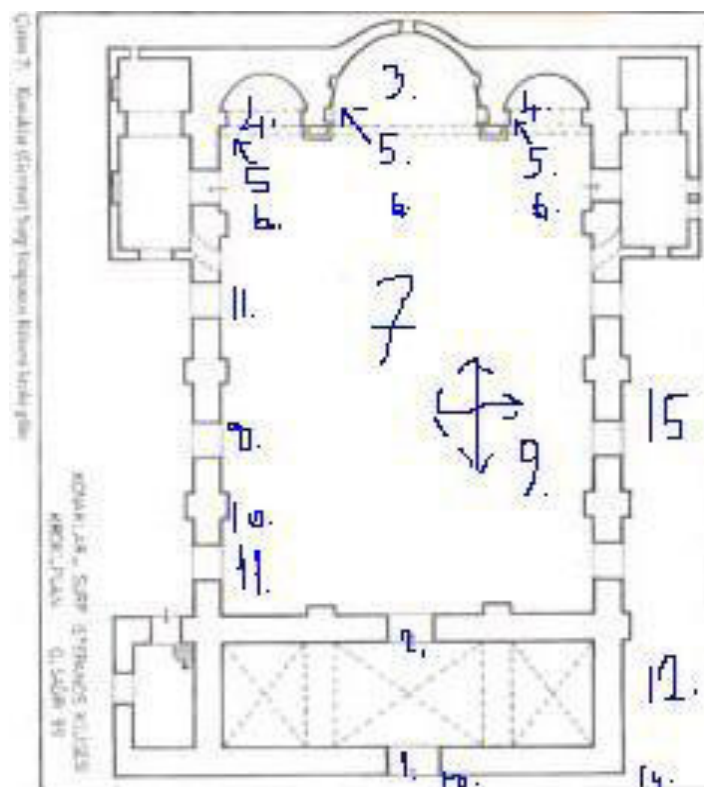


۱- بعد از وارد شدن در طرف سمت چپ ورودی یک سنگ علامتی وجود دارد آن را خیس کنید تا معلوم شود و مال آنجاست.

۲- درب ورودی سه عدد است , ورودی درب وسط را به طرف بالا و پایین آن را چک کنید .. و به زمین آنجا نگاه کنید در آنجا فلز وجود دارد اگر باشد دفينه انجاست.

۳- یک الی ۱.۵ متر از زمین و دیوارهای محراب ها را کنترل کنید.

۴- به منبر و محراب ها بدقت نگاه کنید . اشیاء حک شده باید در یک جای خوب دیده شود . اگر دایره یا یک حک شده باشد دفینه آنجاست



۵- با دقت داخل چهار گوشه محراب یا دیوار های محراب را پاک و تمیز کنید. در زمین یا دیوار آن چهار عدد سنگ وجود دارد که بعنوان ورودی پلمپ شده است .دفینه انجاست.

۶- چهار قدم بسمت عقب محراب ها قدم بردار در زمین سمت راست یک علامت وجود دارد آنجا یک جسد وجود دارد فریفته نشوید. در سمت چپ یک جسد وجود دارد . در آن را با دقت باز کنید و زیور آلات آن را جمع آوری کنید.

۷- به دیوار محراب نگاه کن حال به سمت چپ بالای دیوار محراب با دقت و ذره بین نگاه کنید زیرا که در آنجا نقشه محراب وجود دارد.

۸- صبح ها در ساعت ۸ صبح که خورشید طلوع می کند , اولین پرتوهای خود را در جنوب شرقی می زند، در آن ساعت آنجا باشید و نگاه کنید زیرا هرچه وجود دارد آنجاست.

۹- خارج از کلیساها از طول و عرض با دقت آنجا را دقت کنید هر چیزی که یکسان نباشد و متفاوت باشد آنجا را بررسی کنید.

۱۰- به محل دیوار یا زمین شرق کلیسا با دقت نگاه کنید، ببینید چه چیزی در آن وجود دارد، اشاره و علامتی است هر چه هست در آنجاست.



۱۱- پشت به دیوار داخلی بایست سپس به سمت راست انتهای شرقی صلیب داخل و خارج بصورت ضربداری نگاه کن به هر دو طرفش اما به بیرون برو آنجا به نهر دره نگاه کن ببیند که کدامین علامت وجود دارد و ببینید که آخرین محل آنجاست.

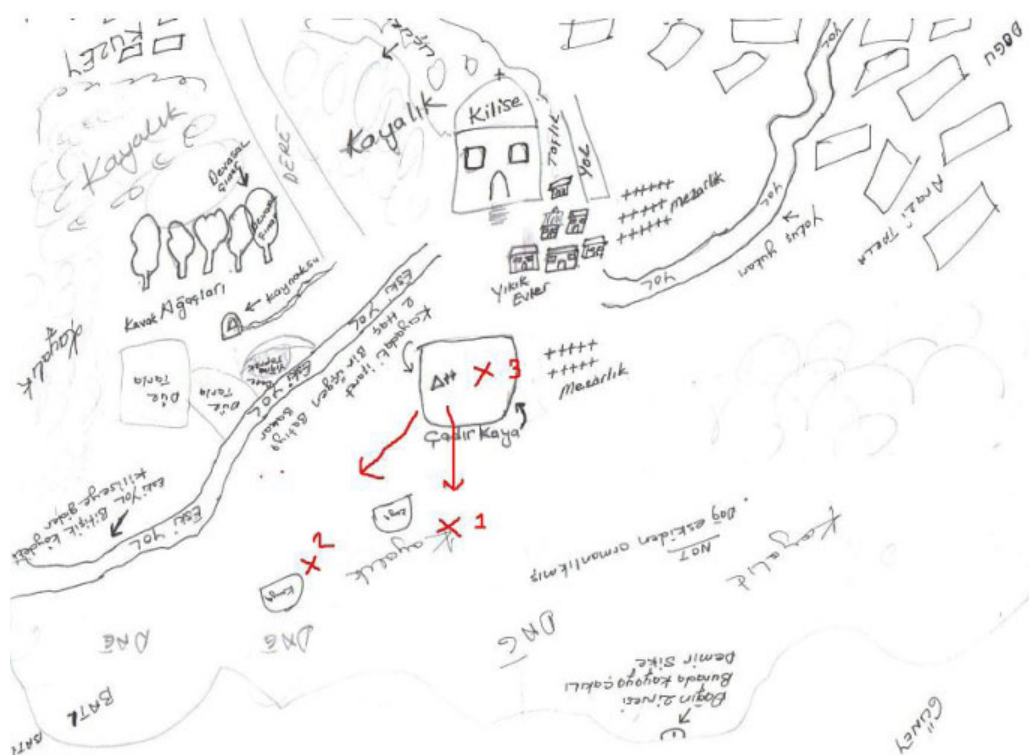
۱۲- شما ۳.. ۴ عدد سنگ خواهید دید ، سه عدد می باشد با دقت نگاه کن ، سه عدد درخت خواهید دید به طرف وسطی برو یک عدد سنگ خواهی دید در زیر این سنگ یک مشت سنگ گران قیمت وجود خواهد داشت.

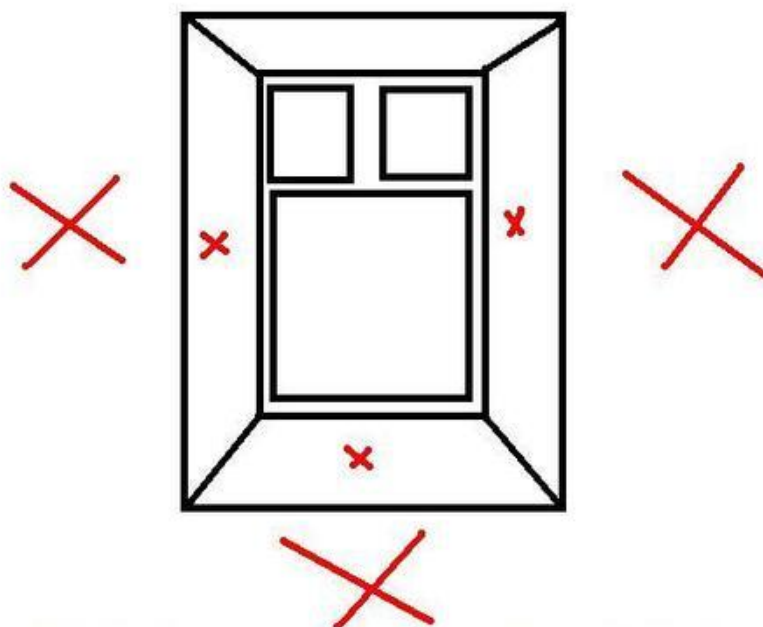
۱۳- محراب را بهتر مشاهده کنید برای بهترین در دیواره در خارج از درب نگاه کنید ۴.. ۵ عدد سنگ بعنوان زیارتی وجود دارد و در زیر آنها مال وجود دارد.

۱۴- در آنجا یک چشمه وجود دارد به سمت طلوع آفتاب نگاه کنید و به وسط و اطراف چشمه با دقت نیز نگاه کنید.

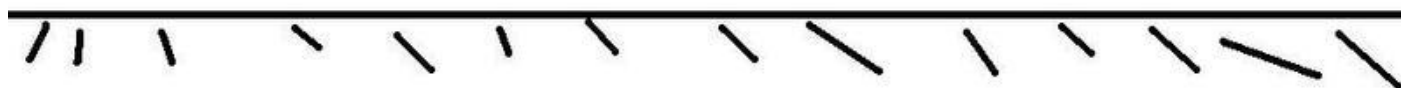
۱۵- تا ۲۵۰ متر دورتر از غرب کلیسا زمین هارمون و خرمنی وجود دارد. پیدا کردن وجود دارد ..

۱۶- اعداد و ارقام علامت و اشاره هستند، اما در ورودی سمت چپ و ورودی راست محراب در سمت راست ورودی کشیش وجود دارد اما بطور کلی قبر و مزار کشیش ها می باشد.





تصویر این پنجره ای که مشاهده میکنید دارای دفینه بوده وبا ضربه قرمزی مشخص شده است، ضربهای بزرگ اراضی دارای دفینه بزرگ را نشان می دهند



دفینه ها پل ها:



در ایران پل های بسیاری از نظر تاریخی وجود دارد و این هنر از دیر باز در ایران بوده است. مهم ترین دفینه در این قسمت بیان می شود که در کجا قرار داشت؟ باید عرض کنیم که این دفینه ها در پل ها و قوس های پایه های پل ذخیره می گردد. در بعضی قسمت ها باید تا ۱۰۰ متری پل بررسی گردد در پایه های پل یک سنگی یا آجری قرار می دادند که اگر آن را بیابید به گنج خوب رسیده اید البته این سنگ متمایز تر از دیگر سنگ ها بود که در پایین تصاویری از آن را مشاهده می کنید:



برای افراد دفن کننده گنج، پایه های پل ها نیز به اندازه مناطق اطراف آنها مناسب و مهم بودند. مخصوصا در مورد پل های سنگی علایم و نشانه هایی را می اییم که قسمت پایه آن را نشان می دهند. این علایم گاهی برای ما به منزله نشانه ها و خطوط تزئینی می باشند، لکن در اصل به مفهوم اشیای مخفی شده می باشند. هیچ موردی را نمی توان به همه تعمیم داد؛ ولی از آنجا که ادعاهایمان در اکثر جاها تصدیق شده، بنابراین از مطرح کردن آن نیز عبایی نداریم. در پایه چنین پل هایی علایمی نظیر صلیب، گل، دایره و خورشید مشاهده می وشدند. علایم کلی اینها هستند. البته استثنا نیز وجود دارد.

تمام پلهای ایران دارای دفینه نیستند و فقط پلهای مربوط به یک زمان خاص دارای دفینه هستند.



در زمان صفویه برای همه کاروان سراها و پلهای ساخته شده چند خمره سکه دفن می شد.



البته در این جاها حفاری بسیار شده است و خیلی از آنها از بین رفته است ولی این را گفتم که در پلهای دیگر و کاروان .
سراهای دیگر دنبال دفینه نگردید



ساخت این پل در زمان شاه عباس بوده البته در زمان قدیم هم در ایران از پل استفاده میکردند و درختان را قطع میکردند و پل میساختند ولی در زمان شاه عباس اوج ساخت و ساز و ایجاد پل های فراوان در سراسر کشور بود و مردم در آن زمان دیگه متحمل این نبودن به خاطر رفتن به آن سوی رود خانه های طویل مسیری طولانی را پیمایند.



چون در آن زمان دولتها آنقدر پیشرفت نداشتند که بتوانند اورگانی را مختص به راه سازی داشته باشند رو این حساب خرجی رو برای پل در نظر میگرفتند و آن را در پل جاساز میکردند تا در مواقع احتیاج آن را برای پل خرج کنند.



در پایه پل که معمولاً در پایه اول جاساز میکردند به اندازه دو متر از سطح زمین به سمت بالا و نیم متر داخل پایه در طاق پل زیر یک آجر که اگر دقت کنید قرار می دادند.



مطلبی که در این قسمت باید عنوان کنیم این است که باستان شناس باید دید باستانی و شمه آن را دارا باشد همانطور که در پل زیر می بینید تمامی سوراخ هایی که کار شده همه در یک امتداد بوده به غیر از یکی که دارای بی نظمی بوده و با فلش قرمز مشخص شده است که محل دفن خمره آن مکان بوده است. پس باید دارای شمه باستان شناسی نیز باشیم.

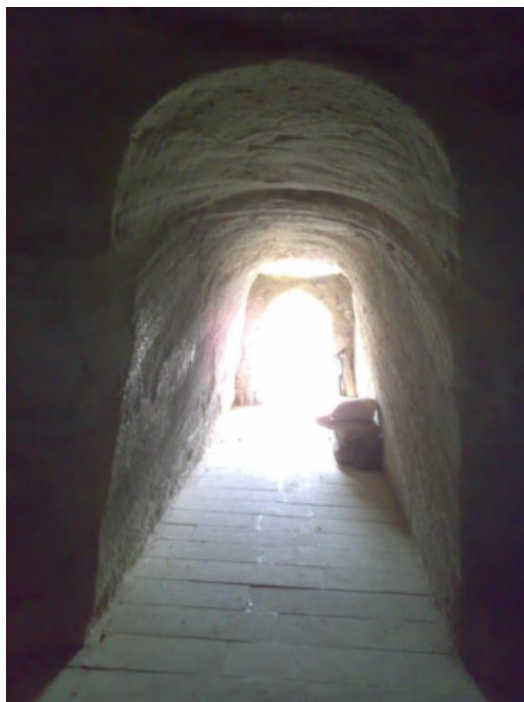


دفینه معابد:

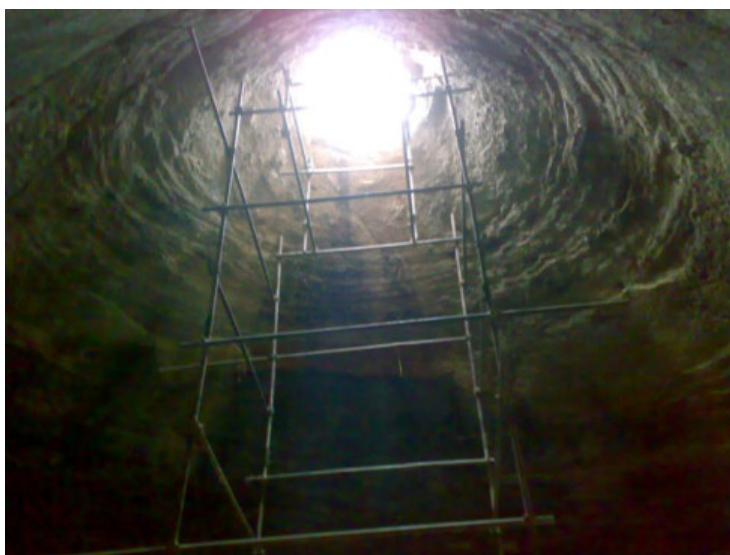
در زمانهای قدیم و گذشته اماکنی بعنوان آتشکده یا معابد در دل صخره ها که از سنگ تراشیده شده بودند وجود داشتند که برای پرستش گاه و اجرای آئین های مذهبی می ساختند. سر در ورودی این مکانها از گل های ۸، ۱۲ یا ۱۶ پر نیلوفر یا از تصاویر قهرمانان و پهلوانان استفاده می کردند یا از گلهای دیگر استفاده می شد. چون گل مظهر و نماد پاکی بوده است و مکان، مکانی مذهبی و پاکی بوده است بنابراین از سمبل و نماد گل استفاده می شده است.



با گذشت زمانهای قدیم از این مکانها در دوران قبل از اسلام بعنوان آتشکده، در دوران اسلام بعنوان امام زاده و اماکن نذر و نیاز و در دوران صفوی که اوج شکوفایی معماری اسلامی بوده مورد استفاده مردم قرار می گرفته است.



همانطور که در تصویر بالا مشاهده می کنید جنس سر در دیوارها ضخیم و کلفت و با طرح معماری بالایی کار شده است و از درب ورودی تا سالن اصلی تقریباً ۷ متر فاصله وجود داشت و معماری داخل سالن یا مکان اصلی بشکل گنبدی می باشد. خزان و دفینه های موجود در این اماکن زیر این اماکن در حدود ۷ متری در زمانهای آتشکده مورد استفاده و ذخیره قرار می گرفت.



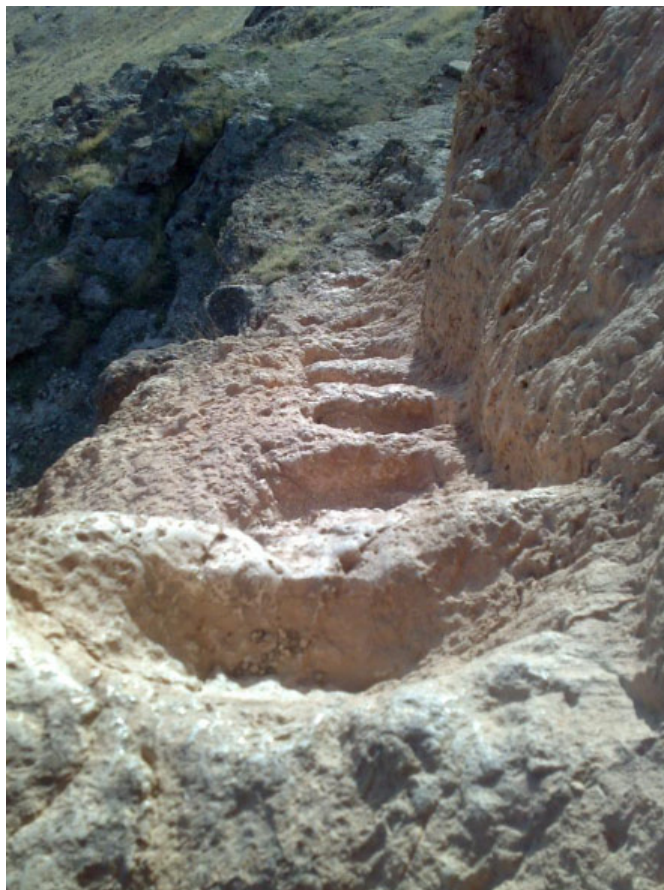
در این نوع مکان ها، در داخل مکان اصلی جایی کوچک برای قربانی کردن و آئین های مذهبی مورد استفاده قرار می گرفت که در زمان اسلام بعنوان محراب و در دوره قبل از اسلام بعنوان مکان قربانی و نذورات بوده است.



در زیر یک منطقه معبد زیر زمینی را زیر درخت مستقر شده است مشاهده می فرمایید:



بار موجود در پله ها:



پله ها بستگی دارد که به چه صورت و چند عدد و در چه محیطی باشند مثلاً در غار یا اتاقک و یا در سینه کوه و یا در دامنه کوه. این تصویر باید بصورت واضح مشخص بشود که دقیقاً در چه قسمتی از کوه و چند عدد و نوع ساختن آنها به صورتی است که آیا خود پله دارای دفرینه با نشان بعدی است یا اینکه شما را به خزانه و یا ارامگاه هدایت می کند و یا اینکه راهی برای رسیدن به در بعضی از موارد در زیر پله دوم یا دارای قلعه یا عبادتگاه و یا غیره می باشد. معمولاً راه پله هایی که در غار یا اتاقک هستند یک راهرو یا دارای دفرینه میباشد و راه پله هایی هم که در صحرای باز وجود دارند باز هم در بعضی از موارد در راه پله دوم یا بفهمید که راه پله شما را چگونه به طرف ارامگاه و یا دارای دفرینه و یا دارای نشان بعدی برای رسیدن به هدف می باشند و اینکه خزانه می برد دارای دیدگاه های جامعی است که توضیح داده ایم.



دیدگاه اول: شروع از پله ها به پایین به معنای گنج است. هر کدام از پله ها که کوچکتر یا متفاوت است، نیاز به یک تحقیق و بررسی خوب دارد.



دیدگاه دوم: ورود به سیستم مهم است. شکل نمادی از تغییر است. با توجه به شیب و بلندی و یا فراز زندگی تعبیر می شود در ارتباط با رقم های عجیب در نشانه ای از پله ها دیده می شود. بازتاب برخی از باورهای اساطیری در اعداد پله انعکاس پیدا کرده است. شماره های فرخنده در نظر گرفته عبارتند از (۳-۵-۷-۹-۱۱-۴۰-۷۰) به طور کلی، در معابد شماره عجیب و غریب از ارقام دیده می شود. با پای راست برای شروع برای ورود به معبد استفاده می شده است.

هنگامی که تشخیص داده، نشان ورود به سیستم به یک عنوان، نماد پله ها به سمت بالا نشان دهنده الوهیت است. مربوط به فضای یک فرد متوفی است. اگر شما یک اشاره را به سمت زمین دانسته و یا اگر اینکار را نکنید، نشان دهنده منادی رویدادی از ناشناخته ها و نقطه های پیشرفته است که بدان معنی است که چیزی مخفی و مهم وجود دارد. در این حالت زیر سنگ های محل شروع پلکان که به نام "آستانه" معروفند از نظر جستجوی گنج از ارزش زیادی برخوردارند.

راه پله رو هدفی برای رسیدن به متعالی و والا ترین کثرت است. نشانه های راه باید بسیار با دقت مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال، نشانه های کوچک قابل درک و هدایای کوچک قابل درک باشد و عکس این قضیه هم صدق می کند. آنها می توانند گمراه کننده باشند. موضوعی که غیر از موارد فوق ما را به تامل وادار می دارد، علامت گذاری یکی از پله ها از سمت بغل به وسیله اسکنه می باشد. این علامات اغلب بر روی پله های با شماره فرد و از کناره ها گذاشته می شود مثل ۱-۳-۵-۷

و...



دارای اهمیت است و از علامت ها دارای اعتبار است و بر آن مساله قیاس منطبق نیست به طوری که از آن درجه یا دو یا سه درجاتی را می بینیم که بر روی زمین ظاهر می شود و برایتان اینکه آنها را تکمیل کنی مساوی نیست.

زمانی که یکی از درجات آنها را همراه سنگ کاسه یافتید پس بدانید که به مدخل صخره ای دلالت می کند که مقابل این سنگ کاسه به مسافتی که از ۲۰ متر تجاوز نمی کند می باشد.

سنگ مربع که کنار آن سنگ کاسه باشد پس به مدخل سردابی سپس اتاقی اشاره می کند.

توجه: این سخن بر درج های عادی که در جانب مناطق مسکونی منطبق نمی باشد و اینکه در آنها سنگ کاسه نباشد...

چیزی که در این مقام با آن مواجه می شویم آن است که : هر چه قدر هم که بر روی پله های سوم و پنجم علامت گذاری شده باشد ، به همان اندازه فریبی است که برای انحراف از مقادیر زیادی گنج مخفی است.



سه مرحله از گنج دارای گفته شدن است. آستانه به اصطلاح از اولین رقم در نظر گرفته می شود. در پله های ۱-۳-۵ نشانه ای از نشانه ها به دقت بررسی شود. این ممکن است برای گمراهی باشد. همچنین یک مکان خارج از پله ممکن است دفینه داشته باشد. در این میان، لوازم جستجو در خانه و استفاده از فلزیاب ها مورد نیاز است. این نماد سه پله یک نمادی است که به قبر ۳ فرد اشاره می کند

دیدگاه سوم: این پله ها در روی بستر سنگ و صخره های اصلی معمولاً گورستان ها و محل معابد اصلی روی صخره ها دیده می شود. به ندرت، به قبرهایی که آن قبر در بالا بوده و غیر قابل دسترس بوده فرود می آید و تعداد آنها یا ۵ یا ۷ بود که بالای آرامگاه حک شده بود و یا باید به دنبال آن بوده باشید. با این حال، پله ها در همه زمان ها منتهی یا نشان دهنده مقبره نیست. هدف اصلی این است، به مقدار زیادی استفاده می شود.

دیدگاه چهارم: اگر یک راه پله روی سنگ حک شده باشد، بسیار ارزشمند است. تعداد ارقام، معمولاً فقط شماره مهم است. بعد از بالا رفتن از پله ها یک مکان مسطح خواهد بود که محل گورستان یا محل قربانی می باشد. بعد از بالا رفتن ممکن

است سنگ مسطحی باشد که مقبره یا آنجاست یا از طریق خروجی سنگ بستر از طریق این ستون سنگی ، آرامگاه دیده می شود.به ویژه آرامگاه یکی از سمت چپ ممکن است مهم باشد. عدد و رقم ۵ عددی مهم بوده و تعدادی از مکانهای باارزش باید این عدد را داشته باشند.

نماد پله یا بالا می رود یا پائین .برای مشخص کردن جهت بالا یا پائین در گوشه ای از نماد پله یک دایره کوچک یا شیار وجود دارد.نماد پله اشاره به دو نوع هدف یکی مقبره پادشاهی و دیگری خزانه دارد.

قبرهای گبری:

شناسایی قبرهای گبر که در اکثر نقاط کشور به شکل یکسان است مثال : نقاطی بلند که اکثرا رو به دره و طلوع خورشید به آنجا به صورت مستقیم می تابد یا در سینه کش ها



بینید این قبرها اصولا بار ندارند و آنهایی که دارند چند مورد هستند . مثلا قبرهای معمولی که اگر مرد باشد در یک طرف غذا و آب و طرف دیگر سلاح یا ابزار و زنه ا یکطرف آب و غذا (همون کوزه های خالی) و طرف دیگر زینت آلات قرا می دادند.

قبرهای انسانهای مرفع در بالای سر یک حفره درست میکردند و مجسمه و لوازمی که طرف بهش اعتقاد داشت را میگذاشتند و پلمپ میکردند . (پس یادتون نره بالای سرش هم دیوار رو چک کنید)

جریان سنگ
مستطیل ساخته
شده دور قبر

خاک

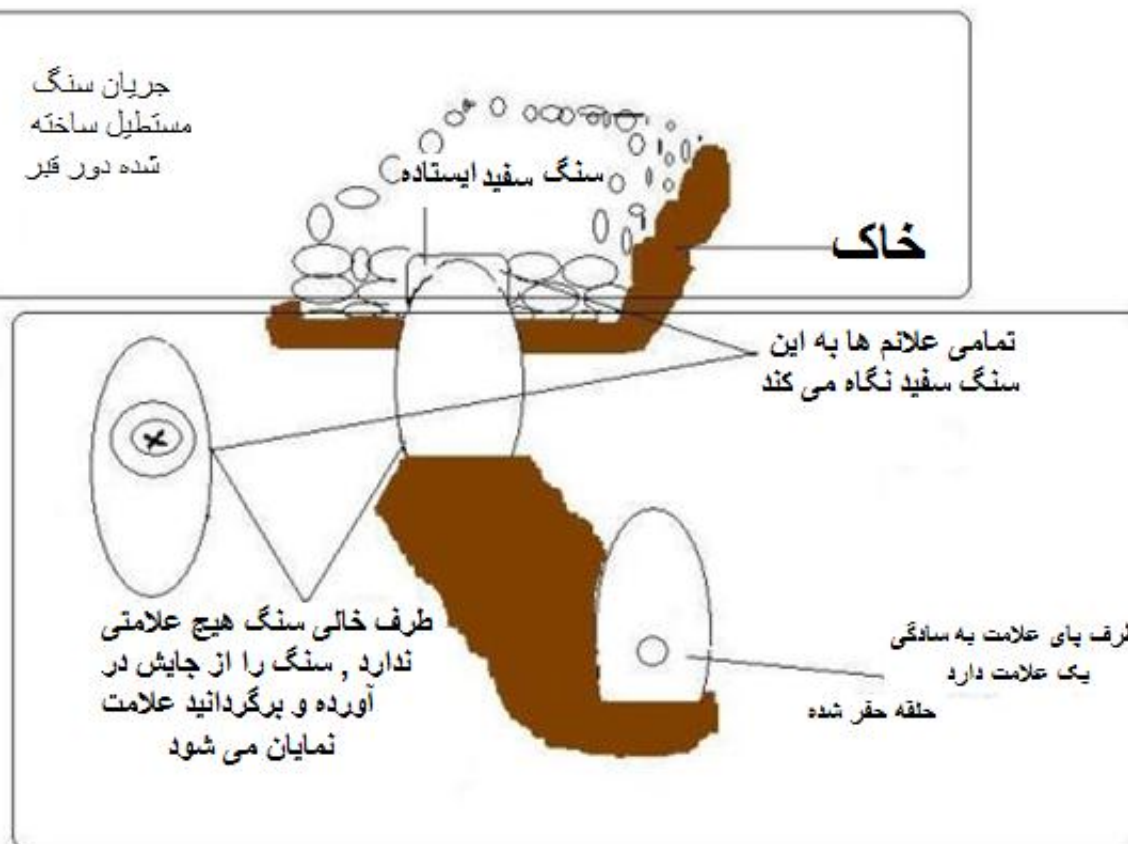
سنگ سفید ایستاده

تمامی علائم ها به این
سنگ سفید نگاه می کنند

طرف خالی سنگ هیچ علامتی
ندارد , سنگ را از جایش در
آورده و برگردانید علامت
نمایان می شود

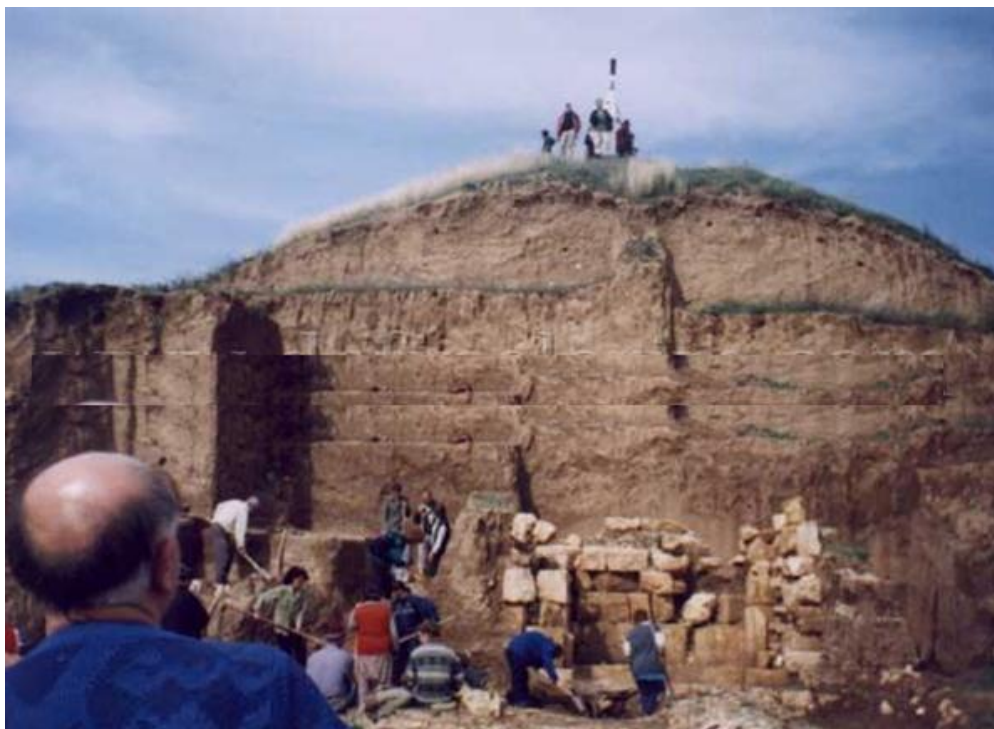
طرف پای علامت به سادگی
یک علامت دارد
حلقه حفر شده

مزار

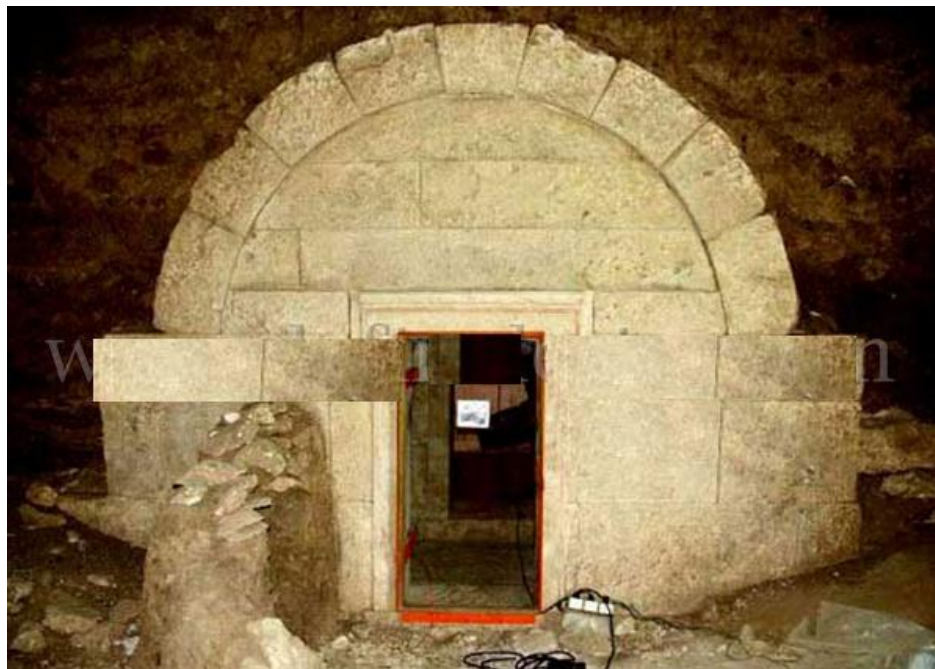


تومولوس (تپه های دست ساز):

در ذیل نمونه تومولوس با زشده را مشاهده می کنید.









نمادها و تصاویری که در دیوارها و ورودی ها اتاق های تومولس کار شده است بیانگر اعتقادات مذهبی آن دوره و زمان رایج بوده است ، بویژه در زمان مهر پرستی که اکثرا در غارها و اتاق های زیر زمینی مراسم ها ویژه مهر پرستی انجام می شد.







، یک اتاق بزرگ و یک کوچک با یک ورودی طاقی شکل به طول دو گور در tumuli آرامگاه، که از برش سنگ که بیش از ۹ متر (سالن ورودی) تشکیل شده است از ساخته شده است. dramos





برای کسب اطلاعات بیشتر از تومولوس ها صحبت می کنیم . تومولوس: مزارهای مربوط به کشیش مدیری که در بین مردم زندگی کرده و مزار متعلق به خانواده های آنان می باشد. با توجه به اعتقادشان , به دلیل اینکه مرده ها به همراه اشیایشان دفن می شدند.

بی جلوگیری از دستبرد این بنا را ساخته اند. این مزارها که دسترنج ماهها تلاش صدها انسان می باشد. باری جلوگیری از دستبرد و از لایه های زیادی تشکیل می شود. ساختارهای استاندارد ندارند. با توجه به ساختار منطقه متغیر می باشد. دارای یک و یا تعدادی اتاق مزار می باشد. در تومولوس هایی که بیشتر از یک عدد اتاق مزار دارند و تونل های ورودی وجود دارد. بعد از مرگ اعضای خانواده جسدش با استفاده از این تونل ها به مزار برده می شدند. ورودی این تونل ها در تپه های کوچک درون تومولوس بوده و برای جلوگیری از دستبرد تدبیرهایی در نظر گرفته شده است.



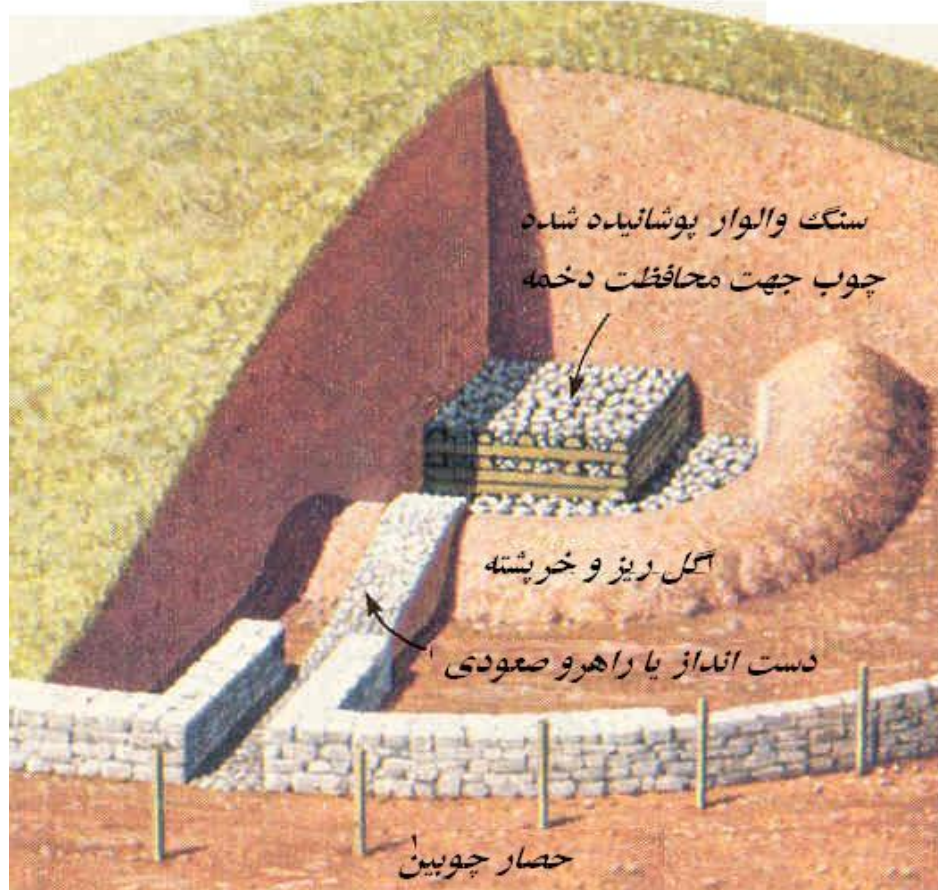
ورودی تونل های تومولوس های مربوط به مسیحیت در جهت غرب تومولوس ها می باشد. جهت شرق نیز مهم است. تومولوس ها اهرام های ایران هستند. مزارهای یادگاری و مقدس می باشند با حفاری های ناگهانی آنها را نابود نکنیم و چون نسل های بعدی روی این خاک زندگی خواهند کرد. بافت تاریخی را نابود نکنیم!

در ذیل به معرفی تومولوس ها و تل های دست ساز خواهیم پرداخت:



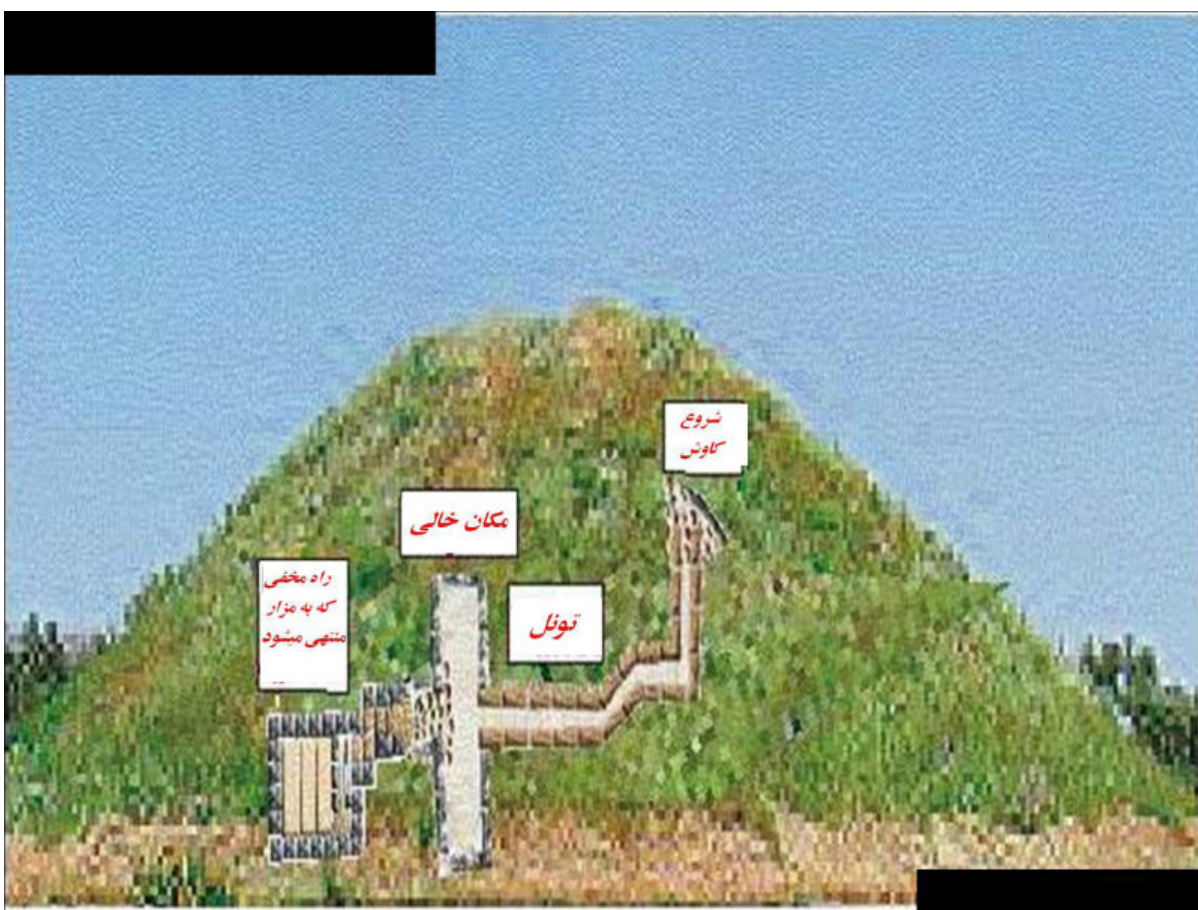
تصویر اول: در این تصویر همانطور که ملاحظه می کنیم ارتفاع این تومولوس ۸ متر است و این تومولوس یک راه ورودی دارد که بعد از گذر از یک دالان روبه بالا به گل ریز که بحالت خرپشته چیده شده میرسیم و بعد از طی این لایه به اتاق مقبره که بالای آن سنگ و الوار چوب برای حفاظت از آن بکار برده اند مواجه خواهیم شد

تومولوس با ارتفاع ۸ متر

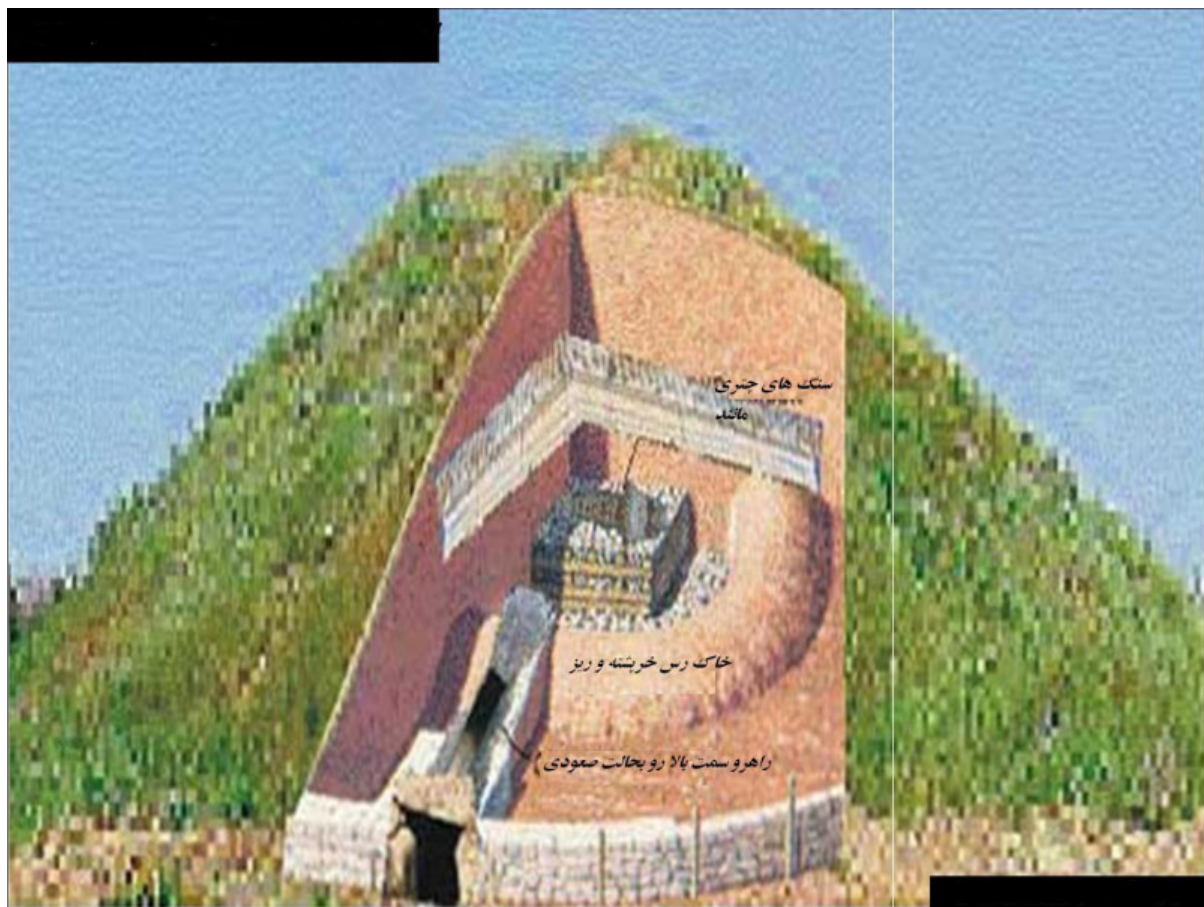


تصویر دوم یک تلی را مشاهده میفرمائین که راه اصلی مقبره را با سنگ چیدن کار کرده اند بعد از گذر از این لایه به اتاقک مزار می رسیم که جنس و بار نیز در کنار این مقبره یا جسد قرار دارد.

در این تصویر تومولوسی را می نگرید که دارای راهی اصلی به داخل است و به یک تونل می رسیم بعد از گذر و طی مسیر تونل به مکان خالی می رسیم که به حالت دراز کش قرار دارد و از آنجا نیز یک راه مخفی وجود خواهد داشت که با سنگ یا با ملات ساروج دهانه آن را کار کرده اند و بعد از رفع این مانع به هدف خود می رسیم.



همانطوری که ملاحظه می کنید این تومولوس مانند تومولوس تصویر اول می باشد با این تفاوت که بعد از گذر از راهرو صعود رو و خاک رس خرپشته و ریز به مقبره اصلی خواهیم رسید که بالای آن را با نوعی چیدمان بحالت چتری کار کرده اند که برای حفاظت بیشتر از مقبره بکار می رفت.



در این تومولوس اکثر لایه ها با سنگ چیدمان شده اند با این تفاوت که در میان این سنگها یک تونل مخفی بوده که مستقیماً به اتاقک مزار متصل است. باید بدقت بررسی کنید



در این نوع تل یا پشته مزار افرادی وجود خواهد داشت که مختص یک نفر نیست ۲ یا ۳ یا افراد بیشتری در این نوع مکانها بحالت دراز کش یا بحالت ایستاده دفن کرده اند و راه اصلی نیز با سنگ چیده شده است . توجه داشته باشید در این نوع قبور عمدتاً جنسی وجود نخواهد داشت.

تل یا پشته مزار عمداً رده شده



در این تل یک تومولوس خاکی را مشاهده می کنیم که در لایه اول خاک است در لایه دوم لایه ای از خاکستر وجود خواهد داشت که ضخامت آن نسبت به لایه اول بیشتر خواهد بود و از لایه یک لایه دیگری تا حدود مقبره شروع می شود که جنس آن با دیگر لایه ها متفاوت تر خواهد بود. در لایه سوم سنگ چین را مشاهده می کنیم که تقریباً ضخامت این لایه با

ضخامت لایه اول یکسان است بعد از این لایه به لایه چهارم که لایه اصلی ما می باشد خواهیم رسید . در این لایه اتاقک مقبره وجود خواهد داشت و زیر مقبره اجناس مقبره وجود دارد . توجه کنید که مقبره درست در وسط تل و در عمیق ترین کف تل یا تومولوس قرار دارد.



در زیر مکانیسم تپه قلوه سنگی را مشاهده می کنید.

جوامع ارمنی و راهزنان به خاطر اطلاع از ضعف مسلمانان در خصوص قبر و مزارها ، پول ها و اموال خود را در این محل ها دفن کرده و بعدا برای باز پس گیری مراجعت می نمودند. به همین خاطر این قبرها را به شکل های مختلف درست می کردند. همچنین بخاطر وجود فرهنگ بد و آبد در فرهنگ مردمان ما ؛ نام های افراد مقدس را بر روی مزارها نهاده به حفظ آنها کمک می کردند. در مورد این قبرها باید دقت کنید. امکان دارد قبر یک مسلمان به اشتباه تخریب گردد. بهترین کار این است که پس از تحقیقات لازم در خصوص قبر بودن یا نبودن آن و احتمال وجود خزانه در قبر قلابی اقدام نمایی. برای این کار محل باید مجوز داشته باشد. قبرهای قلابی معمولا دراز بوده با قبله ها هماهنگ نیستند. صندوق های ساخته شده برای قبرها با توجه به عظمت فرد آرمیده دراز ساخته شده اند. نباید این قبهای دراز با قبرهای قلابی دراز در اراضی اشتباه گرفته شود

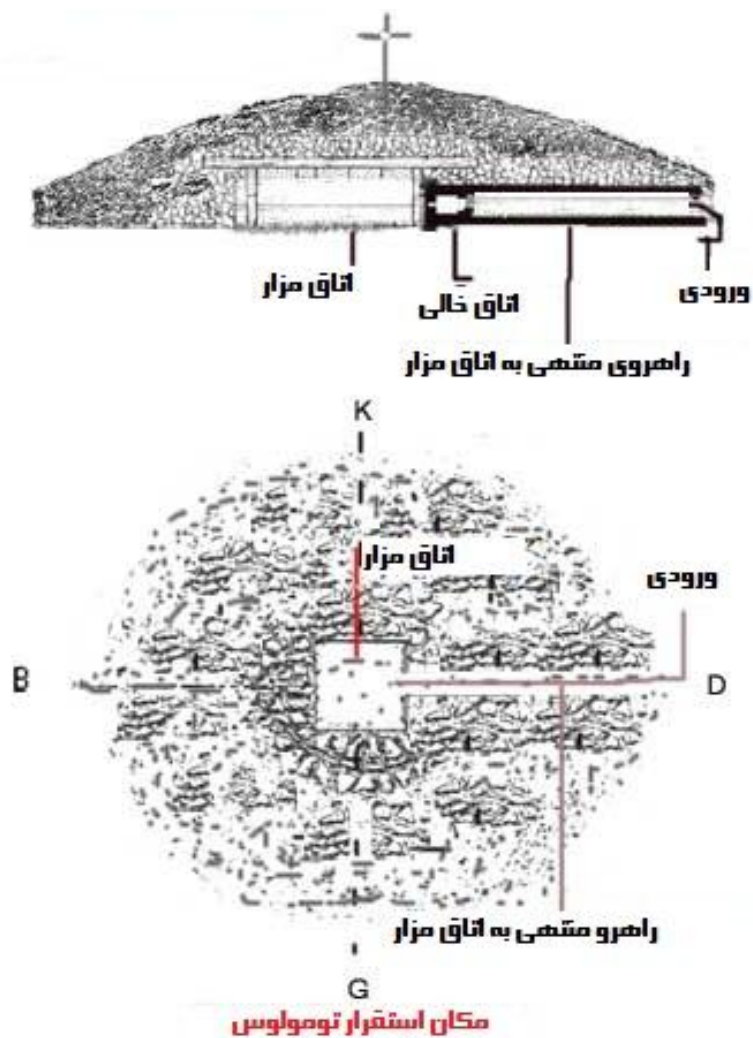
تپه قلوه سنگی و مکانیسم بار



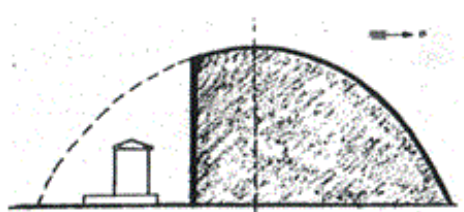
سازه زیر یکی از انواع تومولوس بوده که همانطور که میبینید از اتاق خالی (اتاق آیین) به اتاق مزار منتهی می شود و در بالای آن سمت ها و لایه های کاملاً دست ساز به ترتیب مشاهده می شود.



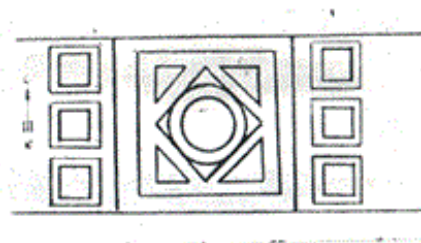
در تصویر زیر نوع سازه ای که قرار است طرح اصلی تومولوس باشد را مشاهده می کنید:



نمای یک تومولوس روی زمین مسطح یا روی یک تپه



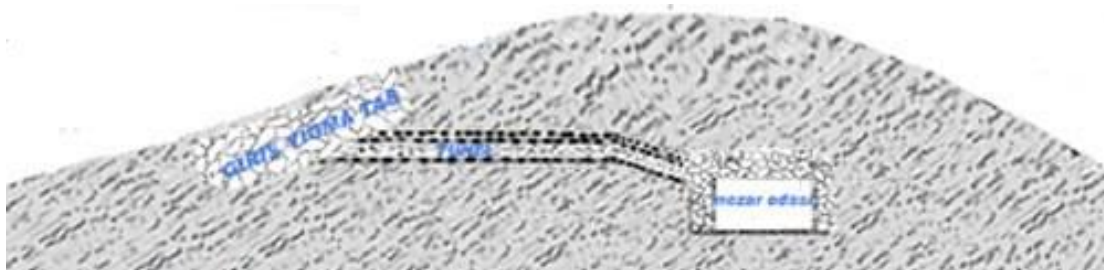
نمای اول



نمای دوم



نمای سوم



زاویه کوزی مزار



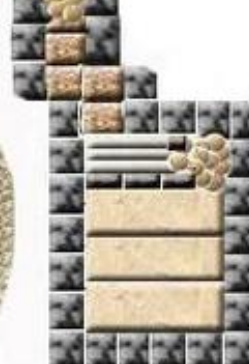
زاویه چپ مزار



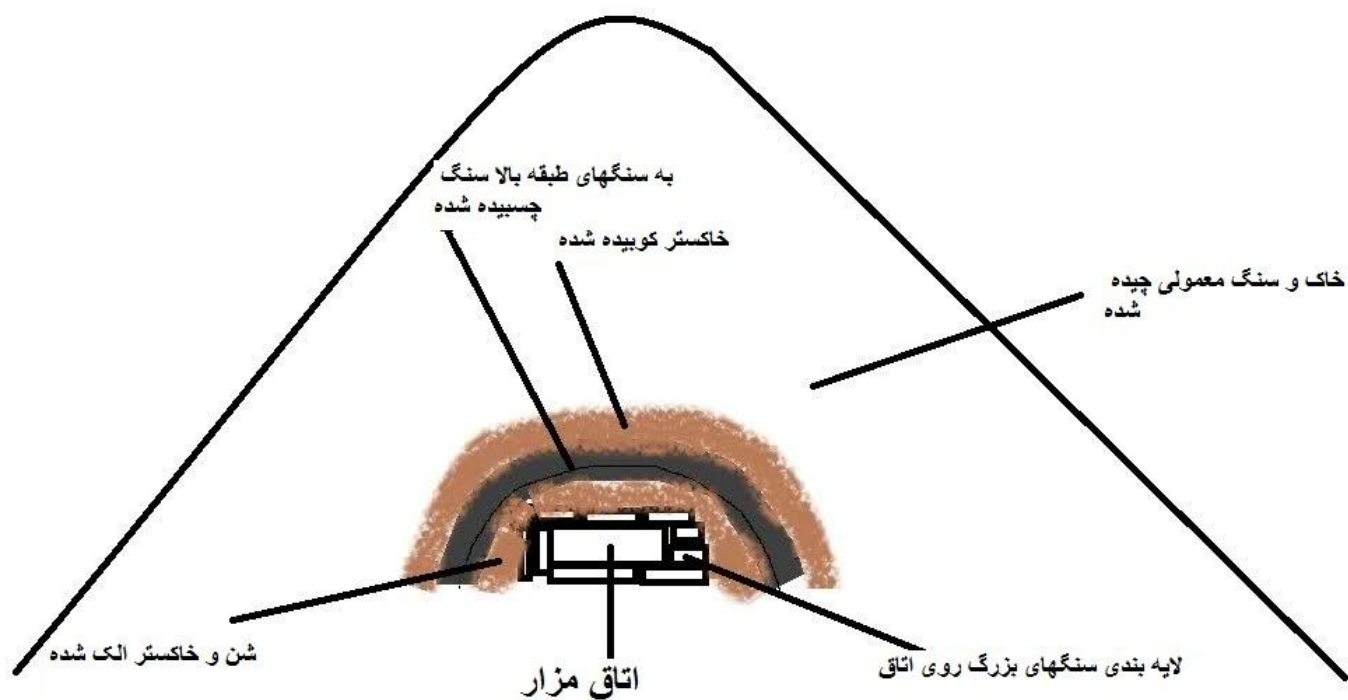
زاویه راست مزار



زاویه بالایی مزار



اتاق مزار و پلان تونل



پلان مزار تومولوس با قسمت خاک پاک و تمیز شده

در ساخت تومولوس هیچ
استانداردی همیشه وجود ندارد
جهت جنوب غربی در بسیاری
از مناطق ها برای ورودی
وجود دارد.



خاک و سنگ چیده شده داخل زمین تومولوس
مزار مشاهده می شود



دیوار ضلع غربی



دیوار ضلع شرقی



لایه بندی ترکیبی مزار



قسمت شرقی مزار



زاویه غربی مزار



قسمت غربی مزار

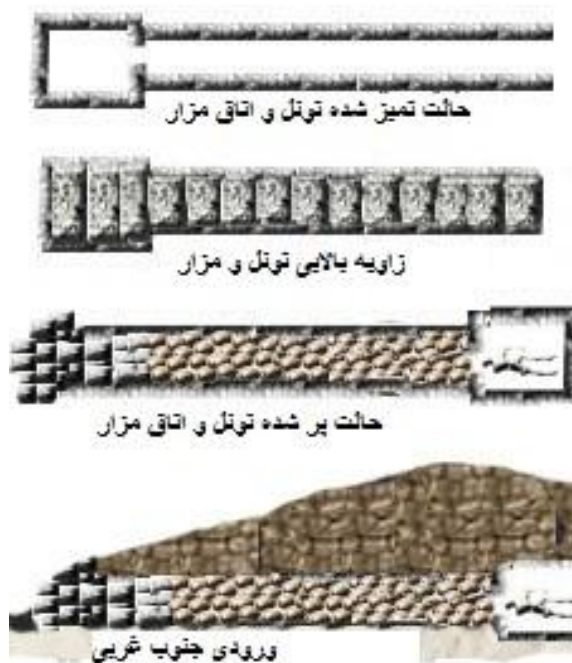


یلان سقف مزار و مقبره



ورودی

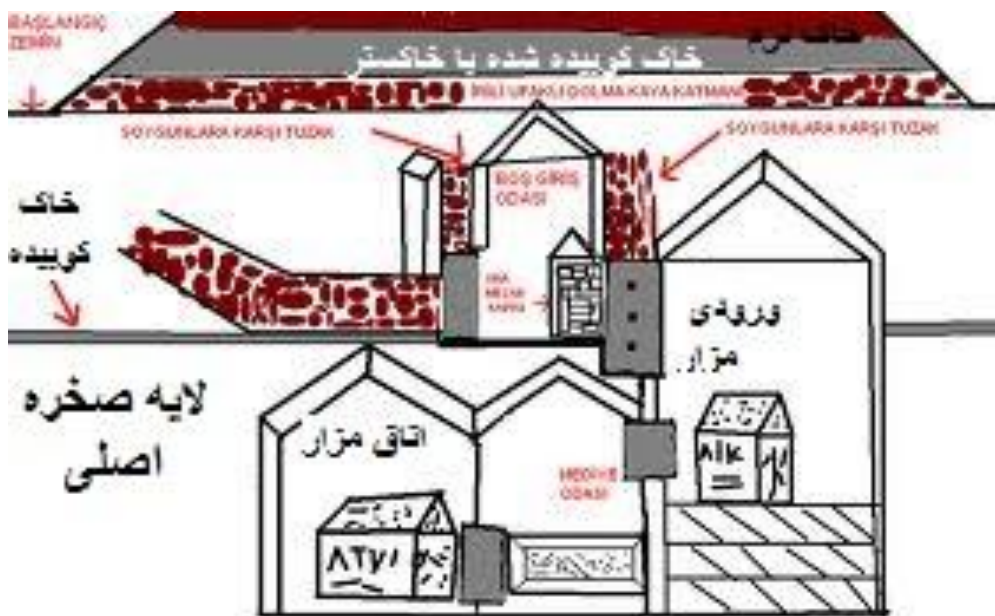
بعضی نومولوس ها 2 اتاق دارند که در یکی اتاق تدفین و در دیگری اتاق هدایای مرده قرار داده می شدند. ورودی منطقی از طرف جنوب غربی می باشد.



تۆمۈرلۈس لىدىيا

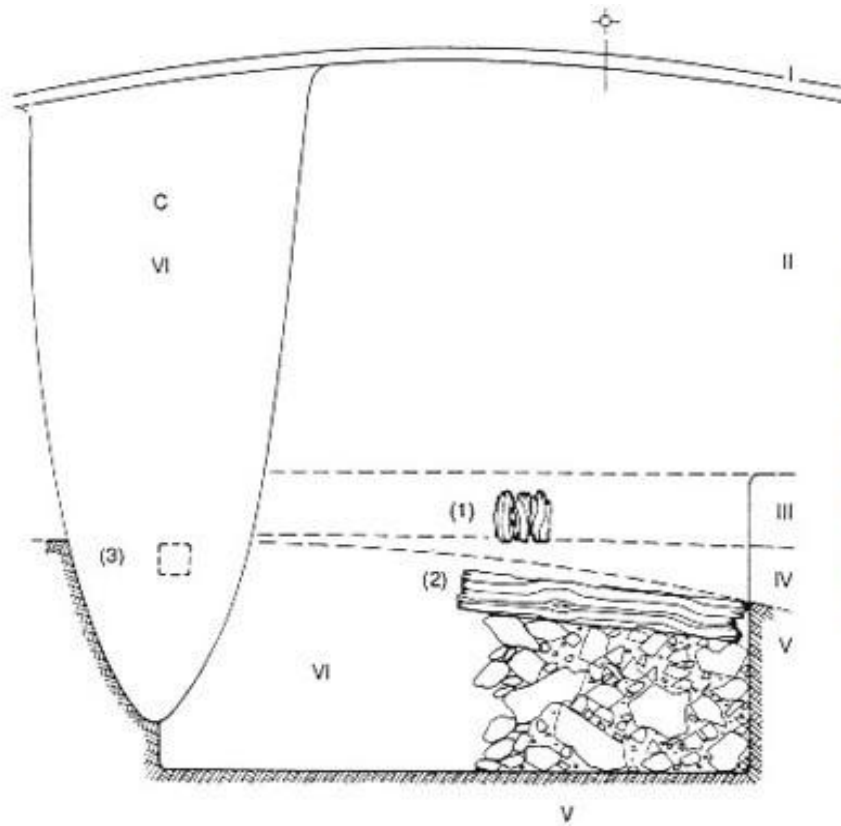
بعد از ساخته شدن تونل و مزار سنگ
صخره درست می شود سپس به بالای
تپه خاک

حمل می شود بعد از اینکه اتاق مزار ساخته می شود، ورودی از جای هموار یا سنگهای مولاس است، داخل تونل با سنگهای کوچک مولاس پر شده و ساخته می شود

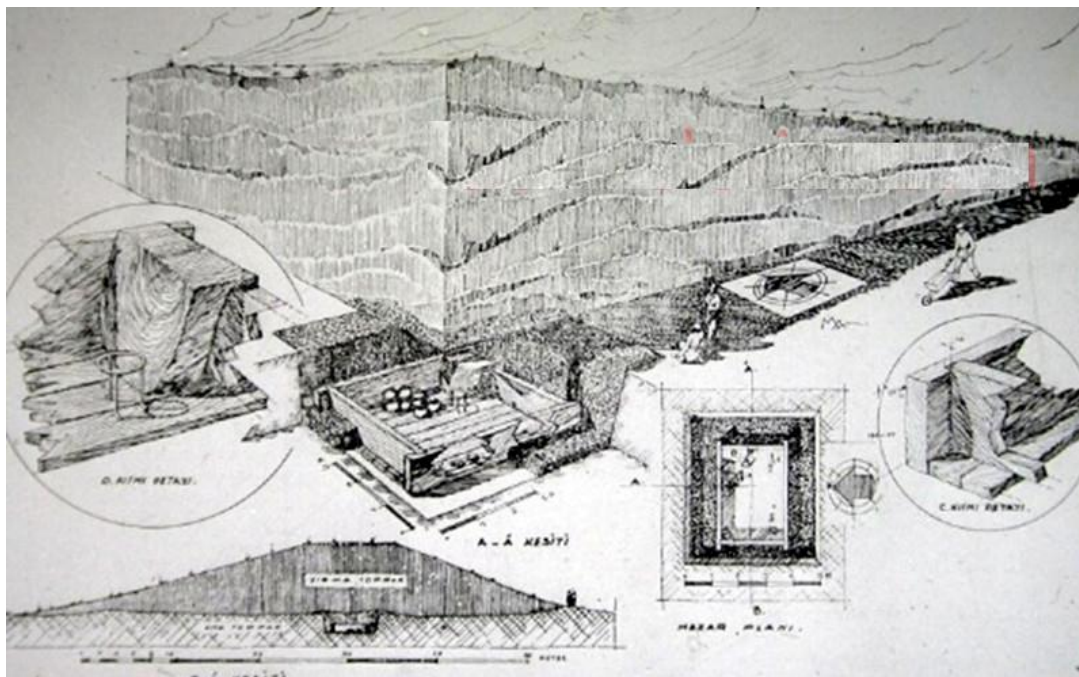


تومولوس های مزارهایی می باشد که برای خانواده پادشاه ، پادشاه ، آقایان منطقه و ثروتمندان ساخته شده است. تومولوس ها در نزدیکی مناطق مسکونی و روی تپه هایی که از مناطق مسکونی به راحتی قابل رویت باشد ساخته می شدند. اول در روی زمین اتاق قبر ساخته می شود ، گاهی نیز صخره زیر زمین کنده کاری شده و به شکل اتاق در می آید، جسد و اموالش را پس از آنکه در این اتاق ها گذلشته شدند، با ابزار مخفی رویش را می پوشانند.

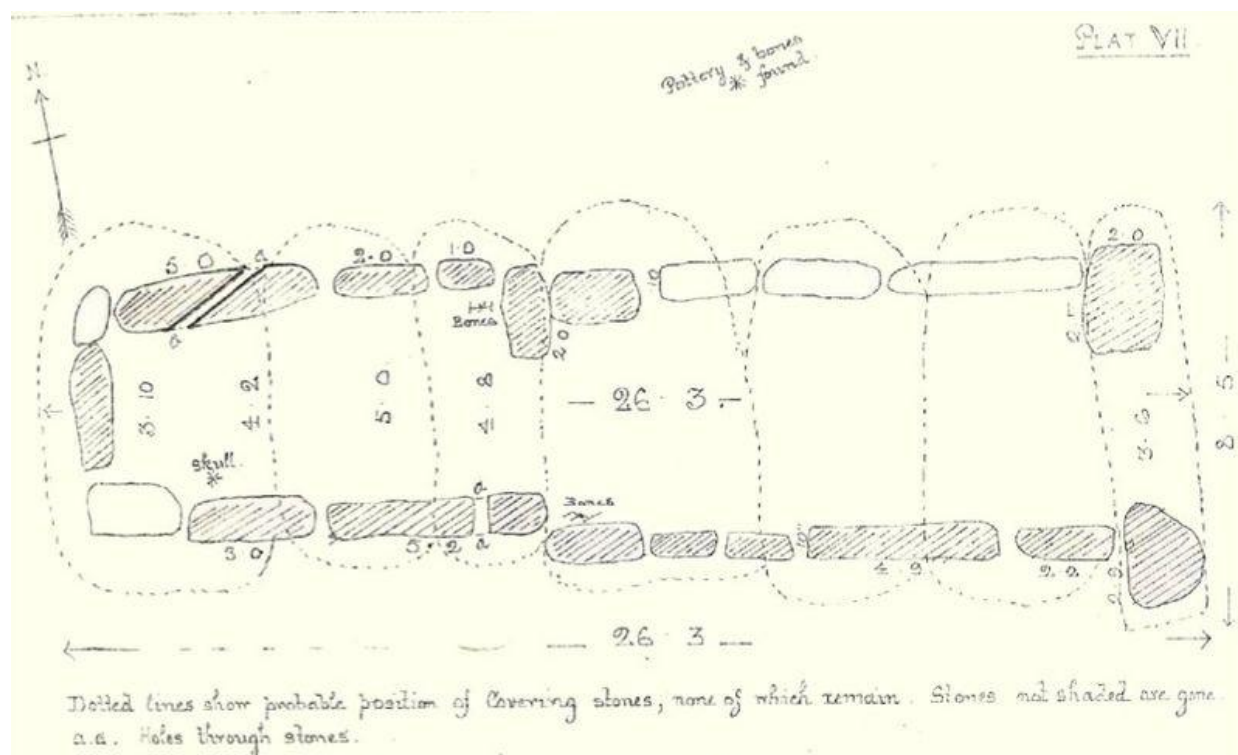
در تصویر و پلان زیر فونداسیون اصلی تومولوس را مشاهده می کنید:



- II طبقه نوک و قدرتی ریخته شده-1
 لایه حفاظتی پایینی 2-4-5
 لایه حفاظتی بالایی-3
 لایه درست شده برای حفاظت سرقت C-
 خاک موثر I-
 طبقه شن I-1
 لایه خاک موثر III-
 لایه شن و ماسه مختلف IV-
 لایه خاکستر مایل به سفید V
 شن برای محافظت از دستبرد و خاکستر VI
 ریخته شده سفیدقام (خطر تله)

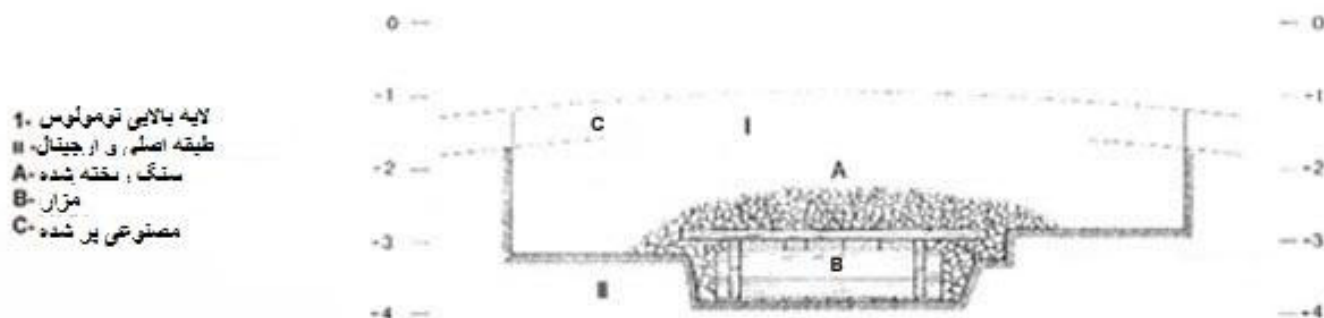


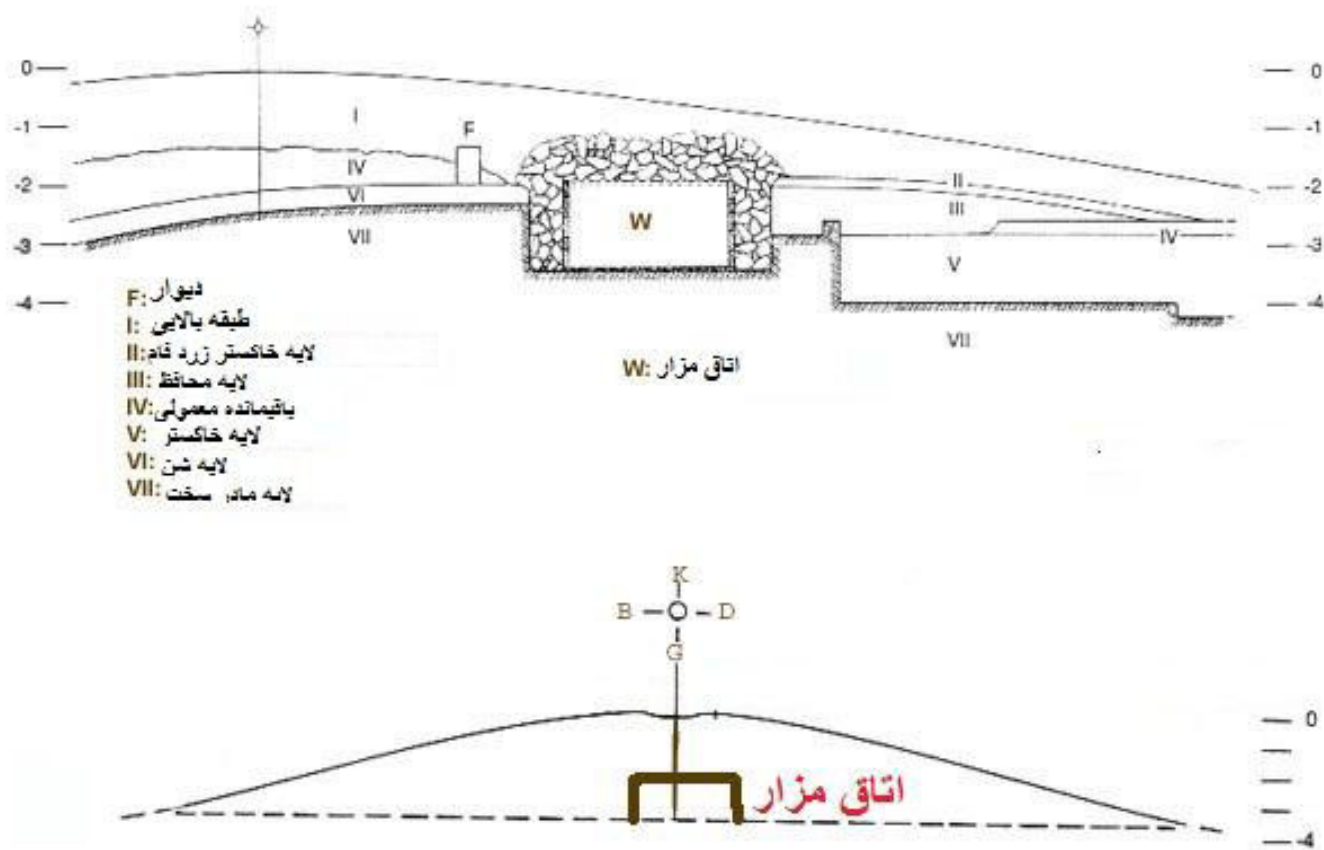
ساختار تومولوس ها , رتبه فرد مرده در بین مردم , وضعیت زمین شناسی تپه ایی که تومولوس بر روی آن ساخته می شود و هدیه های مزار , از فاکتورهای نشان دهنده تفاوت موجود در ساختار می باشد. به همین دلیل , استاندارد ی برای ساختارهای تومولوس وجود ندارد.



نمونه پلان یکی از تومولوس‌ها

در تعداد زیادی از حفاری های باستان شناسی مشاهده شده که تومولوس هایی وجود دارد که با ازبین رفتن مدنیت , مدنیت جدیدی به وجود آمده که آنها هم از آن تومولوس استفاده می کردند. نقاط مشترک در تومولوس ها به دو شکل مشاهده می شوند:





۱- مزارهای با اتاق زیاد: ما به این ها تومولوس های خانوادگی می گوئیم , ورودی داشته به اتاق های مزار توسط تونل های از قبل ساخته شده وارد می شدند و هر کدام از افراد خانواده که می مرند از این تونل ها وارد شده و مرده را در کنار جسدهای دیگر می گذاشتند.



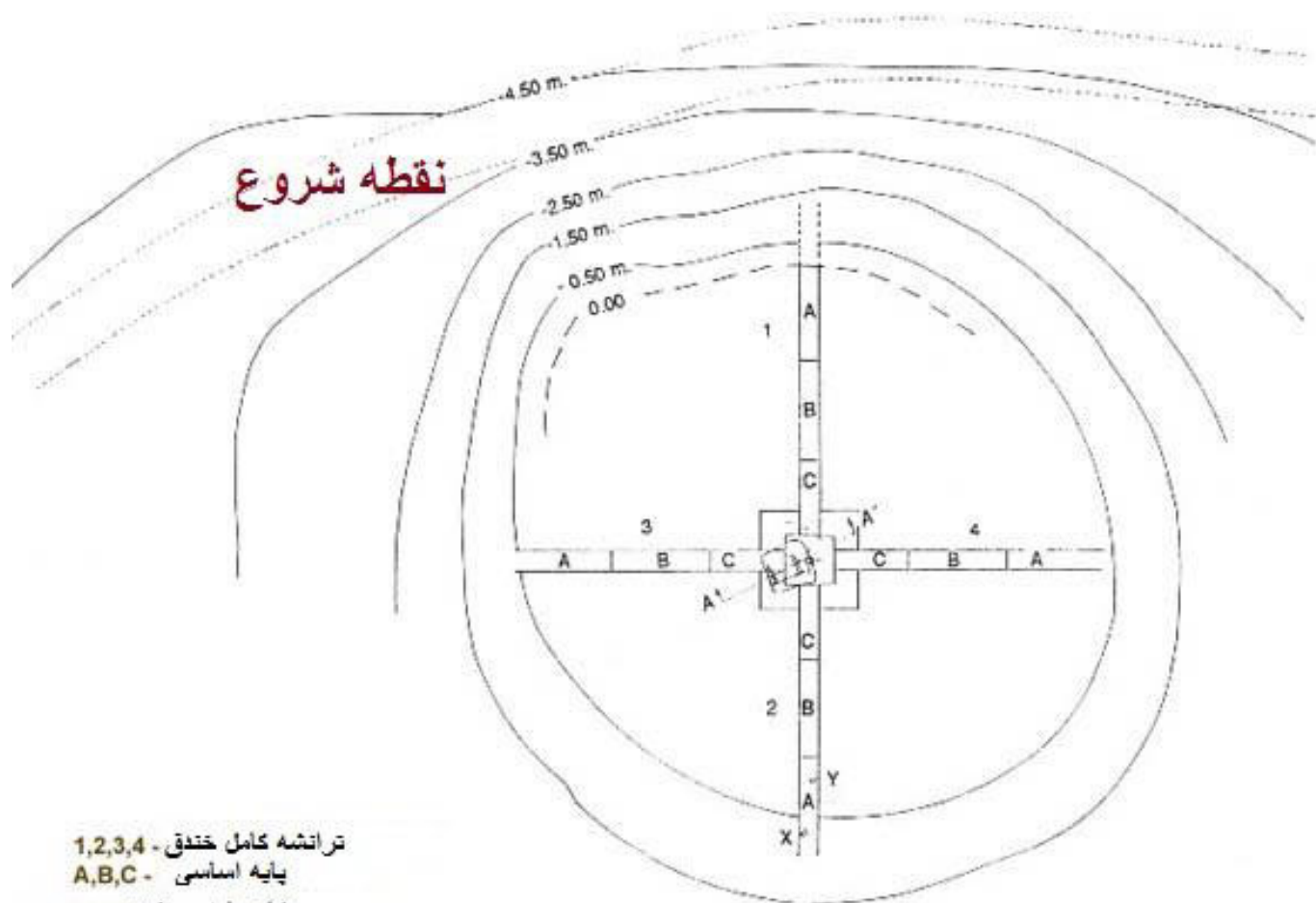
۲- تومولوس های تک اتاقه: در این گونه تومولوس ها ، تونل و یا ورودی وجود ندارد ارتفاع تومولوس ها و لایه های آن به ما نشان می دهد که تومولوس ورودی دارد یا نه ، در مورد ثروتمندی فرد به ما اطلاعات می دهد.

ورودی های تومولوس ها در جهت جنوب غربی و شمال شرقی بوده و اگر قرار است که این تومولوس ها با روش برش یک چهارم حفر شوند ، اول باید برش اطراف جنوب غربی انتخاب شود. اگر نتیجه ندهد، برش جهت شمال شرقی باید انتخاب شود.

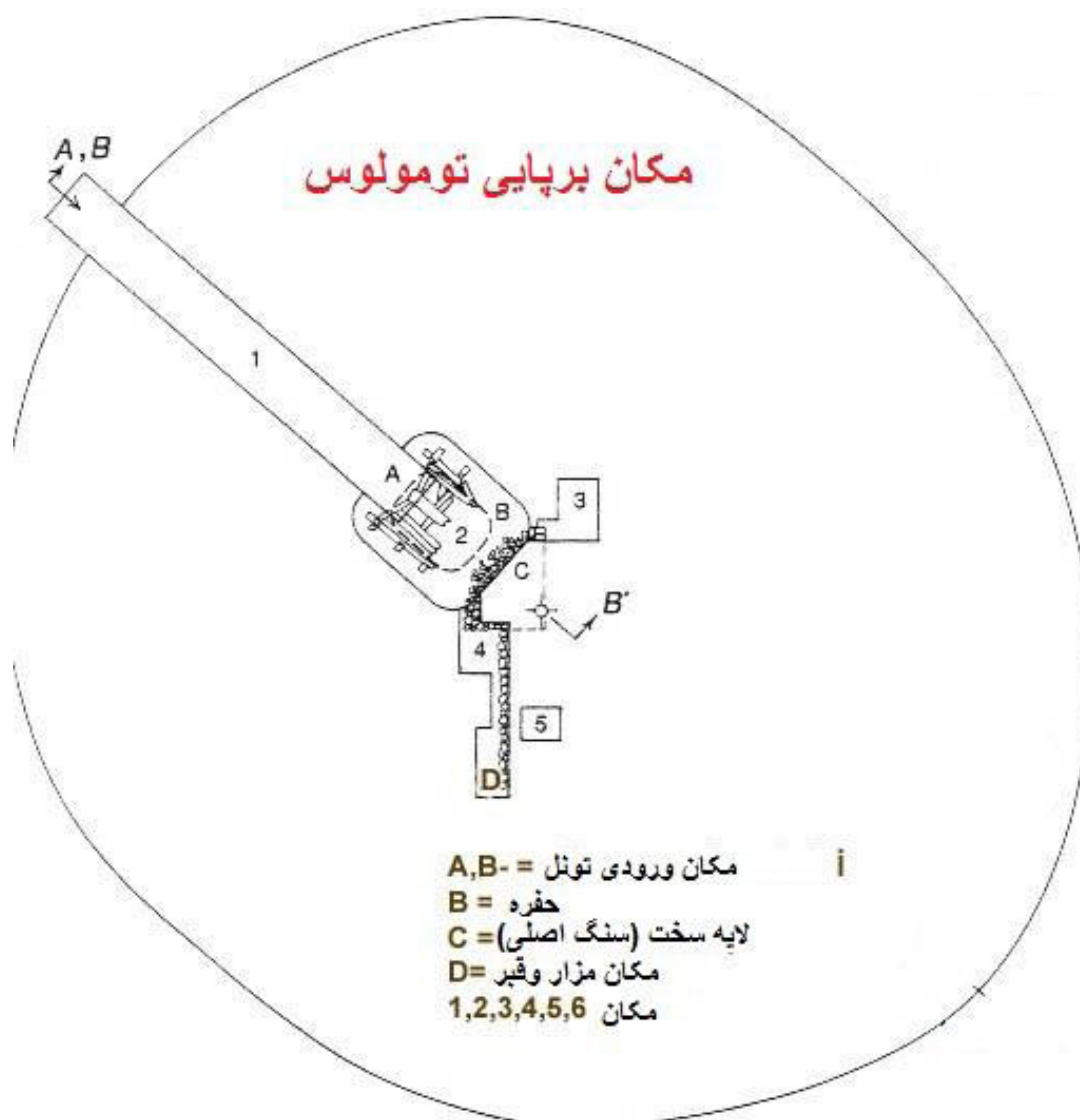
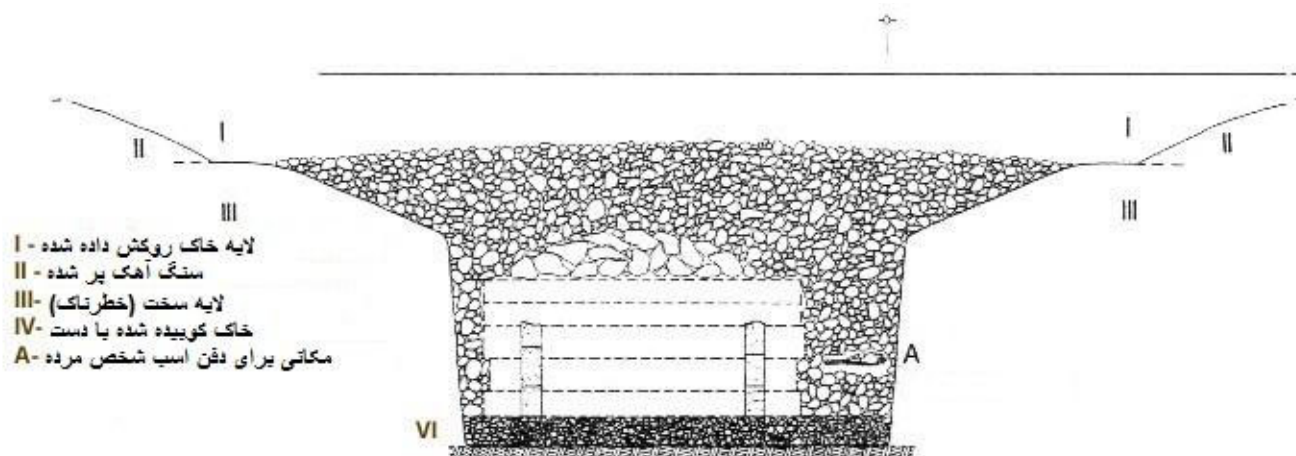


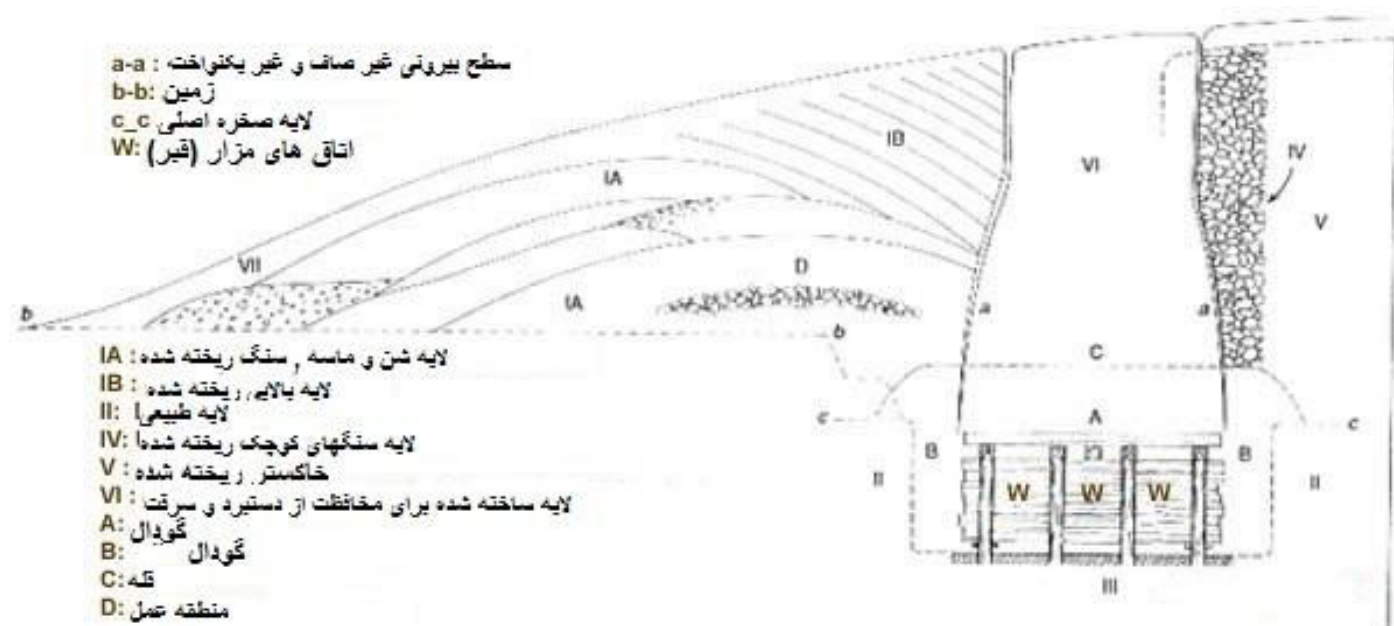
در بعضی تومولوس ها به جای اتاق قبر در زمین ، صندوق های قبر تابوتی پیدا می شود، در بعضی از آنها سیستم تله و یا گمراه کننده هایی قابل مشاهده می باشد. گمراه کننده ها: بر روی قبر اصلی یک اتاق خالی درست می کنند و تونل هایی که به اتاق های تقلبی راه دارند و در بعضی از آنها نیز هدیه ها در اتاق دیگری می باشد.

همانطور که در گوردخمه ها وجود دارد، در بسیاری از مزارهای تومولوس ها نیز در زمان خودشان غارت هایی صورت گرفته است. از تومولوس ها ، طلاهای درخشانی که دفینه یابان انتظارش را دارند پیدا نمی شود، از تومولوس ها اشیایی که شخص مرده در طول حیاتش از آنها استفاده می کرده پیدا می شود.



پلان کامل تومولوس





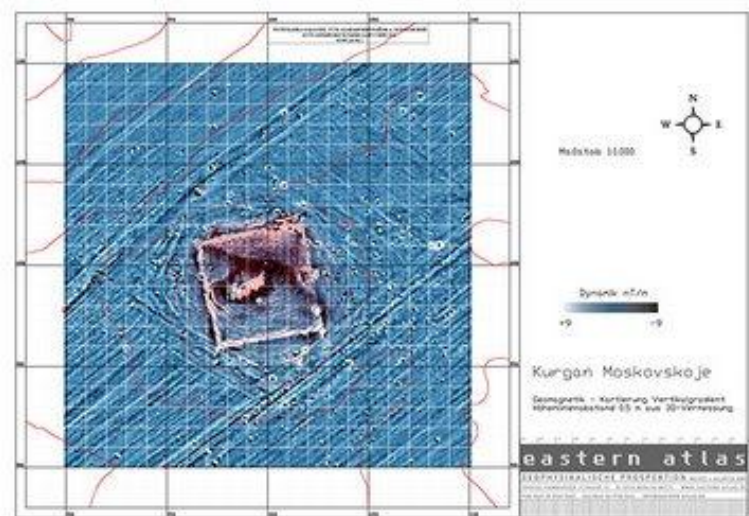
-لایه اصلی: فونداسیون، قربانگاه و اتاق مزار را دربر گرفته و لایه هایی برای حفاظت از دزدها وجود دارد. ما اینها را در بنای درونی توضیح داد.





اتاق تدفین را طی کاوشهای باستانی بدست آمده است در تصویر بالا مشاهده می کنید.

طرح باز کردن یک تومولوس:







تومولوس ها چگونه ساخته می شود:

طرح تمثیلی رسم یک اتاق مزار



مثال گرافیکی یک زمین مزار اتاق تومولوس را مشاهده می کنید. باید بدانید که هر تومولوس یک ورودی یا یک تونل خواهد داشت و در بعضی تونل وجود ندارد.



اتاق مزار تومولوس را خاک از قسمتی فرا گرفته است.





با گذشت زمان اتاق مزار با خاک ها پر می شده است که قسمت بالای آن اندازه گرفته می شد. این نوع تومولوس ها در اراضی ما قابل مشاهده است. در مابین آنها فضاهای خالی بعضی دیده می شود. اینها هم می تواند یک اتاق یا یک تونل و یا هم یک زمان را نشان دهد.



گازهای موجود در تومولوس در تصویر نشان داده شده است. این گاز آرکولوژی باعث آسیب دیدن آثار و هم آثار مخرب روی آثار انسانی نیز دارد.





طراحی داخلی تومولوس ها را مشاهده کنید:



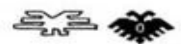




در مورد اتاقهای سنگی یک پارچه و یا اتاقهای کاملاً ساروجی بگویم بعضی مواقع درون این اتاقها یک درب مخفی و یا تونل مخفی وجود دارد که به هیچ عنوان قابل شناسایی نیست چون خود سنگ صاف و سیقلی هستش و ساروجی هم که برای اتاقها بکار میبرن داخل آنها معمولاً صاف و صیقلیه، خوب در چنین مکانی واقعاً چطور می شود راه ورودی رو تشخیص داد.

توی این اتاقها رو باید با دقت نگاه کرد و دید که کجای این اتاقها از همه جا صافتر و صیقلی تر هستش همونجا رو مد نظر بگیرید و با یک برس سیمی شروع به تراشیدن کنید کم کم اون شیاری که مربوط به چهار جوب درب هستش مشخص میشه و میتونید درب پلمپ شده رو ببینید

علائم های رایج علوم باستانی ایران:

	شتر (توانگری و موفقیت)		مرد (نمایشی از ساخت درخت)
	مرغ / خروس (ضد چشم زخم)		ازدها (قدرت)
	مار (محافظت و خرد)		پرند (اعتماد و باروری)
	عقاب (قدرت)		اردک و قو (بارور نکاح و جادو)
	طوطی (گریز از خطر و حفاظت)		طاووس (اهدیت)
	سگ (حفاظت و اعتماد و دفاع)		مرغ بهشت (سپهر)
	درخت زندگی (اشاره کننده به زمین یا بهشت)		سوسن (آزادی مذهبی)
	زنبق (پاکی و روحانیت)		لوتوس (تولد مجدد و اهدیت)
	گل (قدرت)		شکوفه (جوانی و بهار و تازه عروس)
	رز (سفیدی و پاکی و هوای نفسانی و رمز)		لاله (موفقیت)
	درخت سرو (آرامش و تولد مجدد)		شاخ و برگ (احیا بی حد)
	درخت انار / انار (حاصلخیزی و باروری)		سنبل (باز زایی و احیا)
	طلسم (ضد چشم شیطان)		پرت (شعله آتش و دنیا)
	کوزه / آفتابه (تطهیر)		شانه (پاکیزگی)
	صلیب (عقیده)		لوزی (زن و ازدواج مرد و زن)
	دست (قالیچه نماز)		هراتی (گلدان آب و ماهی)
	محراب (راهی برای بهشت)		شماره ها (نشان دهنده تاریخ و زمان)
	ستاره (معنویت و موفق بودن)		

32	••••	به طرف قبری که دفینه دارد
33	••••	قبر دور میباشد
34	≡	درب غار مدفون میباشد
35	⌒	قبر مردی که دفینه دارد
36	∪	قبر امیرانی که دفینه دارند
37	≡≡	قبر سربازی که دفینه دارد
38	≡≡≡	قبر امیرانی که دفینه دارند
39	∩	قبر بازاست
40	∞	دفینه به منطقه دیگر و مشابه منتقل شده
41	⋈	غاری که دفینه دارد در بش باز است



نشانه ثروت، همراه
طلای سفید، شروع/پایان
دنباله



چرخ چاه



طلا

در صندوق یا تابوت است برخوردگاه شیطان



طلای معدن،
مسیر کوتاه
دور افتاده



نوک قله
معدن
غار



در جای مناسب
محل M/T



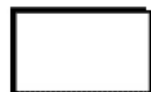
محافظ معدن زمین
چهار، خورشید
چرخ، کلیسا معلوم



سنگهای
صخره



صندوق، تابوت
طاقچه، دامنه کوه



گنج اینجاست 180° به پایین بچرخید



در زیر منطقه
معدن است



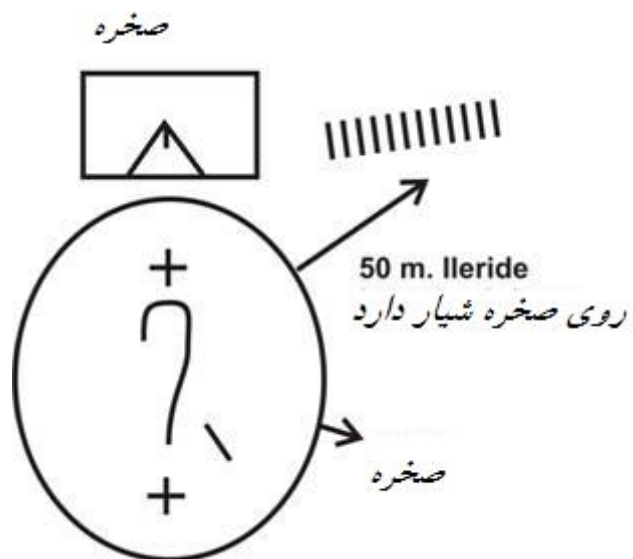
معدن در زیر
ناحیه است



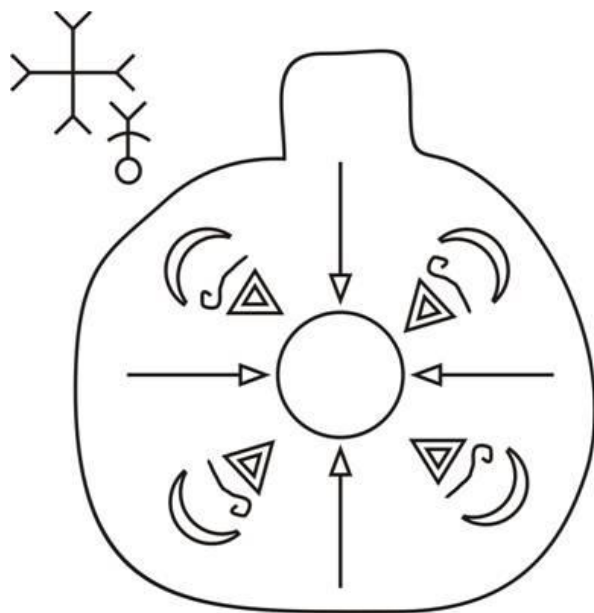
گودال، گنج
دفن شده



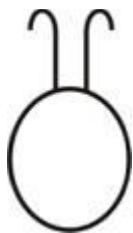
مکان معدن،
سنگهای گرانبهایی
غنی در پایین است



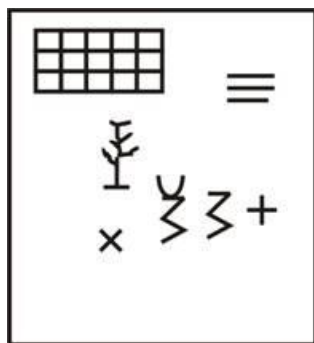
یک مزاربالای روی هم را مشاهده می کنید



این علامت ها روی یک سنگی که از زیر زمین خارج شده وجود دارد. به معنی راه حل بیشتر است.



علامت بهار و منبع



این علامت برای گمراه کردن استفاده شده است (یک رودخانه در کنار خزانة وجود خواهد داشت)

دیفنه در ۷ قدمی مقابل آن می باشد ○○○○○○



هدف در ۴ قدمی تپانچه می باشد.



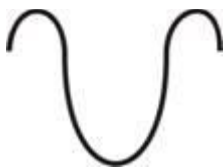
هدف در ۲۴ قدم مقابل می باشد.



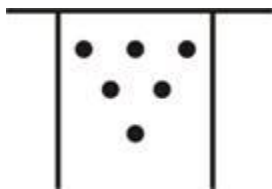
علامت پاییز و چشم



علامت بازار یکشنبه



علامت تابستان



علامت زمستان



علامت دوشنبه



علامت سه شنبه



علامت چهارشنبه



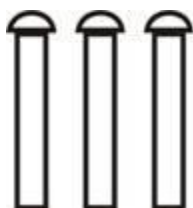
علامت پنج شنبه



علامت جمعه



علامت شنبه



خزانه داخل ۳ درخت است



به داخل تونل یا معدن نگاه کنید



خزانه در مقابل یا در داخل مقبره یا غار است. ۳ صندوق یا ۳ جنس است



دفینه در اطراف کوه است ، طرف دراز را تعقیب کنید ، دلتا



میخ و خزانہ در زیر است



اشارت در روی سنگ های است. فقط در قسمت ساق بمانید



علامت معدن در دار یا اتاق یا تونل

اتاق باز شونده صخره ای از ۴ طرف



نردبان , به تونل ها نگاه می کند و اتاق یا راهرو های معدن

رگ های معدن

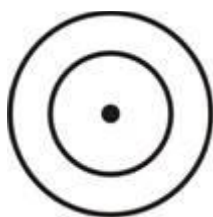
خنجر: دفینه در طرف پایین می باشد.



از نزدیک نگاه کن



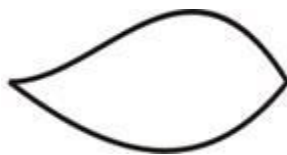
چشم بینا: دفینه در پایین آن نگه داری شده است , در جهت نگاه چشم تعقیب کنید



سمبل کلیسا: نماد اثرهای آنتیک و خزانه های کلسیا (داخل مزار یا داخل کمر است)



دهان: به زیر نگاه کنید و یا به سمت راست نگاه کنید



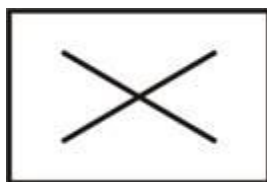
سکه ها یا خزانه است



مشتلوق داخل آن است و یا اینجا ۳ دفينه است



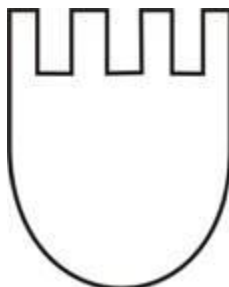
مکان: اینجاست و یا مسافت کوتاهی است



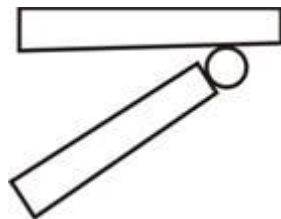
آب وجود دارد: چاه , منبه یا چشمه , در اطراف یا زیر آب معنی می بخشد



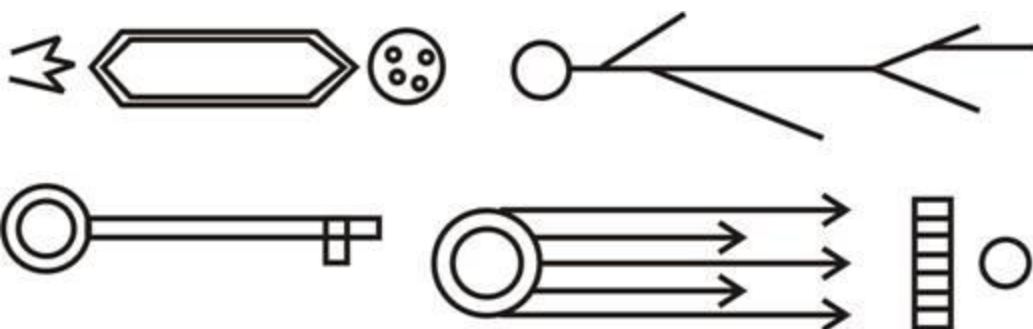
روی پا: علامت زیبایی است , روی آن را تعقیب کنید و به مقابل بروید



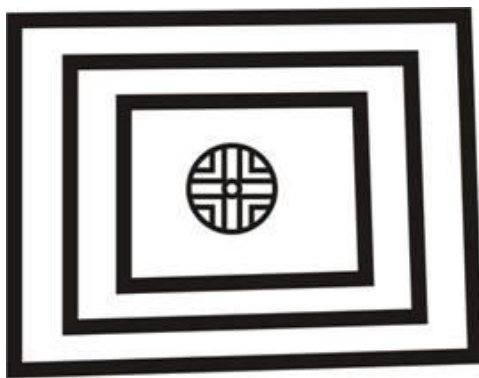
اینجا مکان نگهداری توپ ها یا مکان نقره ها و قلعه است



به مسیر ادامه بدهید



در داخل یک خانه بوده و در داخل باغچه می باشد. دو اشارت سمت راست به معنی دو چاه بوده و دو علامت سمت چپ به معنای دو عدد اتاق قیزی می باشد.



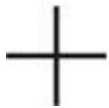
دایره های تو در تو به معنای مزارهای رو هم قرار گرفته شده است.



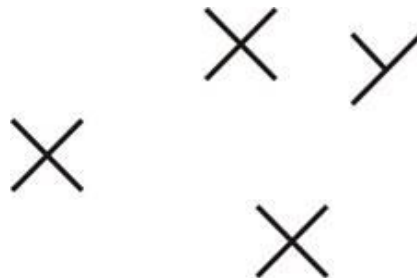
در مابین ستاره یک علامت یا صلیب وجود دارد. مالش در داخلش است.



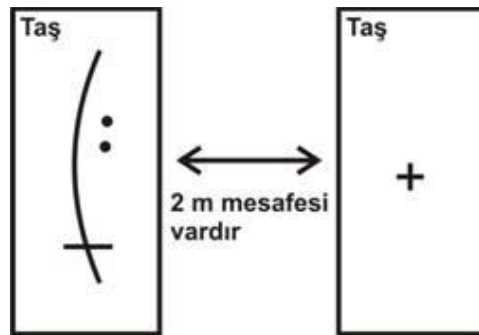
انسانی که نیمه تن پایینی ندارد و در دستش کتاب دارد. نصف دیگر آن را معنی بدان. اینجا طلسم شده است



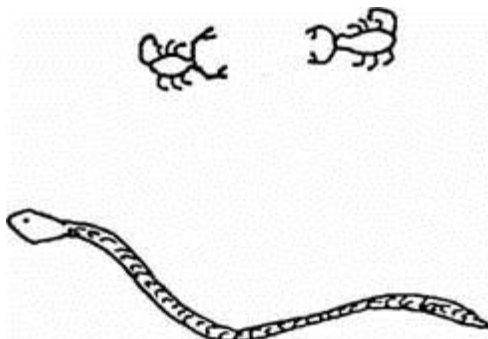
علامت مزار است. در مقابل تیر، طول تیر را اندازه بگیر و هر سانت را ۶۸ سانت بدان



این علامت به معنای دفینه نمی باشد. به معنای مزار می باشد



در جهت علامت صلیب زیر آن باید کاویده شود. ۲ مزار دیگر در سمت دیگر آن در زیر سنگ است.



این علامت در یک خانه قدیمی ارمنی دیده شده است. این علامت دینه نیست.



این یک مکان و سرزمین امنی نیست



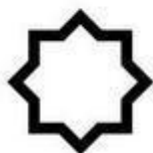
اینجا تله کار گذاشته شده , مکان امنیت ندارد و
ماتدن جایز نیست



اینجا مشفق یا یک آدم بزرگ در حال زندگی است



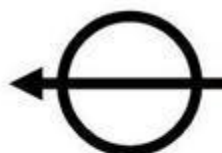
ستاره داوودی و یا ستاره صهیون می تواند باشد. با این وجود از اهمیت ویژه ای در ادیان شناخته شده و دین یهودی را معرفی می کند



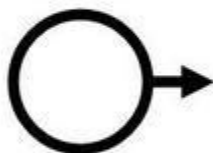
به ما هشت نکته را تداعی می کند



سبد، حیات و هدیه دهنده زنان و کودک می باشد. لازم به ذکر است برای مشخص شدن محدوده و محیط اطراف نیز استفاده می شده است.



از این طرف راهی وجود ندارد ، راه مسدود است

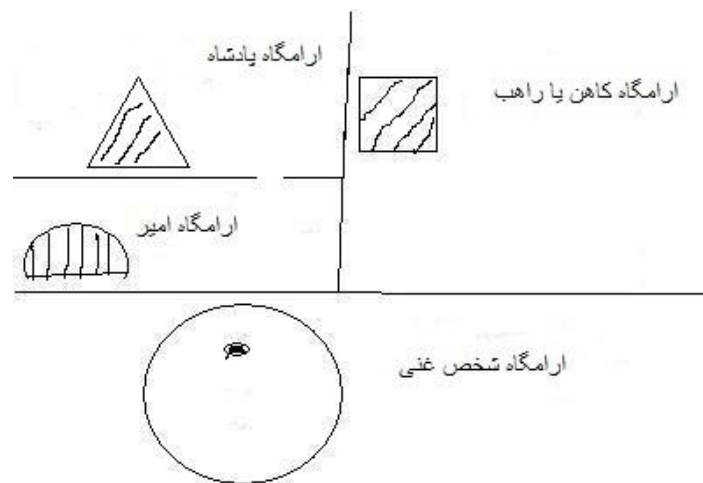


از این طرف بروید ، راه باز است

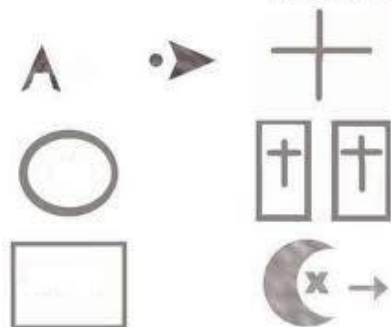


کار را برده اید ، به هدف نزدیک شده اید

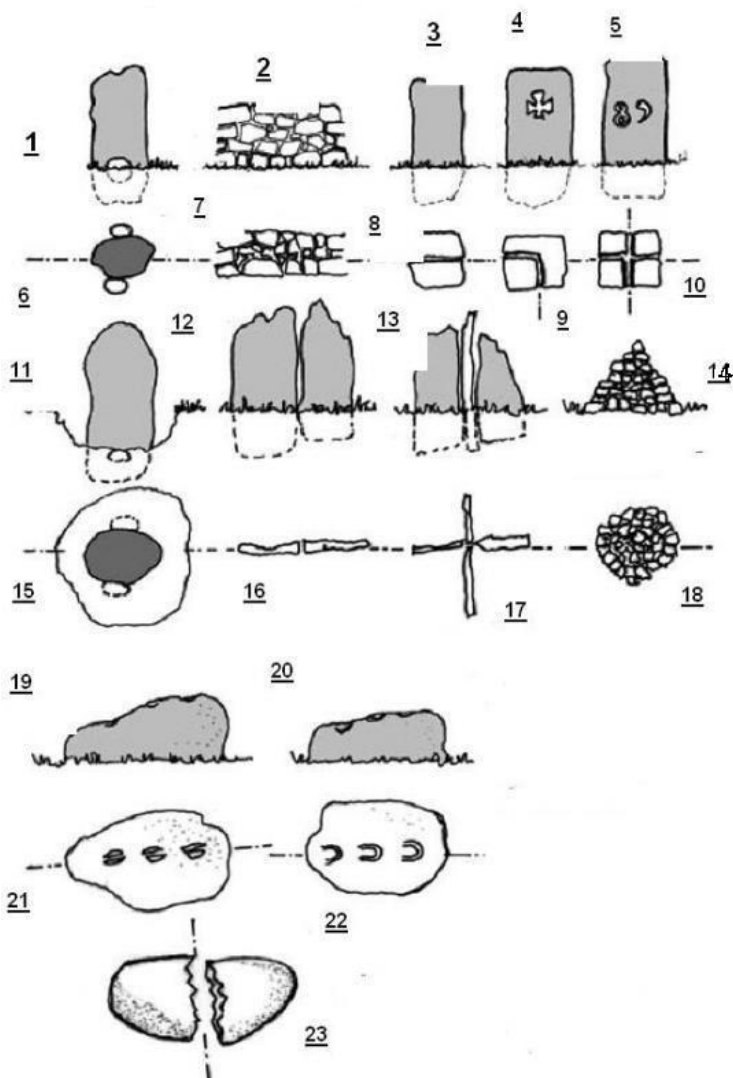
علامت و نشانه ها قبر:



اشارات مربوط به آرامگاه



علامتها و نشانه های قبرها



دائرة المعارف:

قبر:



حفره ای به عمق یک متر در زمین و سپس کندن یک محفظه ای کوچک به انداز بدن میت در داخل آن و سپس قرار دادن بدن در آن محفظه پوشاندن آن با اجر و خاک است. البته در هر تمدن و آیینی عمق و نوع قرار گیری ساختار قبر متفاوت می باشد.

قبر اولین منزلگاه انسان بعد از مرگ است ، جایی که از او سوال می شود و بعد از آن یا آتش سوزان و یا بهشت رضوان است.

قبور حرمت دارند نباید بر روی آنها نشست ، حضرت رسول ما را به زیارت قبور فراخواند البته از تعظیم کردن در برابر قبرها منع کرد.

از جهت تاریخی قبرها در گذشته بر روی صخره ها کنده می شدند و و در برخی تمدنهای دیگر قبرها را بالای زمین و در یک ارتفاع مشخص می کنند , مصریان اعتقاد داشتند روح میت بعد از مرگ به قبر سر می کشد از این رو آنها برای قبور مردگان خود اهرامهایی می ساختند.



برخی از این قبرها دارای وسایل شخصی میت هم می شد.

دانشمندان مطالب زیادی را از تاریخ گذشتگان در مورد این قبرها دانسته اند, یهودیان قبرهای خود را بر روی صخره ها می کنند ولی بسیاری از قبرهای یونانیان ساده بود بجز قبرهایی که در ناحیه آسیای صغیر پیدا شده اند که مشهور ترین آنها مقبره موسولوس در هالیکرناس در کارنا است

همچنان گورهای رومیان در مسیر جاده های ایوان واضح و آشکار است ولی نصارا های قدیم قبرهای خود را در اتاقی در زیر زمین مدفون می ساختند و به آن اتاق سرداب میگویند.

سرداب و یا زیر زمین:



سرداب اتاقی کوچک در زیر زمین است و مسیحیان در گذشته ها مردگان خود را قربانی درگیری های داخلی کلیسا می شدند، در داخل آن اتاق دفن می کردند حتی برخی از آنها اعتقاد داشتند که محرابشان باید بر روی اتاقی بنا گردد که روزی آن اتاق هدف او خواهد بود از معروفترین این سردابها میتوان به سرداب کنت در انگلستان و کلیسای جامع گلاسکو در اسکاتلند اشاره نمود

سنگ بنای تاریخی:



سنگ بناها توسط انسانهای ماقبل تاریخ از سنگهای بزرگ برای اهداف کندن قبر و تدفین و یا برای مقاصد مذهبی ساخته شده است.

وزن هر سنگ برای استفاده در این مبانی حدود ۲۳ . ۹۱ تن می باشد

مهمترین این سنگ بناها در اروپای غربی و در حدود ۴۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ماقبل تاریخ بنا شده اند

بسیاری از سنگ بناها به عنوان مقبره استفاده می شده اند.

در میانه برخی از این سنگ بناها راههای ورودی وجود داشته اند که به اتاقهایی ختم میشده اند و از این دست مقابر

در همه اروپا به تعداد زیادی کشف شده اند

تابوت:



تابوت برای دفن مرده احتمالاً اولین بار توسط مصریان یا ایرانیان باستان ساخته شده بود، به منظور دفن پادشاه یا یکی از نخبگان اهرام برای حفظ قبور سنگی پادشاهان مصر باستان ساخته شد.

برخی از این تابوتها بصورت بیضی و برخی دیگر مربعی و یا مستطیل شکل ساخته شده اند

سپس بر روی تابوت تصویری به شکل صورت کنده کاری می شد و یا کشیده می شد آنان اعتقاد داشتند این جنازه را از تعفن حفظ می کند.



استفاده از تابوت برای قرار دادن مردگان در آن البته در میان ایرانیان و دیگر اقوام نیز رایج بوده است از مشهور ترین تابوتهای سنگی می توان تابوت ناپلئون بناپارت در پاریس و تابوت داک و نجلتون در لندن اشاره نمود

محراب:



یک محلی مرتفع تقریباً برای استفاده به عنوان محل عبادت دینی در میان یهودیان و مسیحیان و برخی ادیان شرقی بکار برده می شد.

محرابها می توانند در فضای آزاد و یا در خانه و یا در ساختمانهایی که برای عبادت عموم قرار داده شده اند قرار داشته باشند.

یونانیان و رومیان و یهودیان از محراب برای بخور و قربانی کردن در برابر خداوند گارانشان استفاده میکردند.



نصارای برای اولین بار محراب را در قرن دوم میلادی ساختند ولی بعدها محراب به منطقه پشت دیوار در کلیسا منتقل گردید کشیش در کنار محراب و پشت به عبادت کننده گان قرار می گرفت که بعد ها کلیسای کاتولیک دستور داد دیوار برداشته شود تا کشیش بتوان عبادت کنندگان را ببیند.

البته در کلیسای ارتودوکس بجای دیوار از پرده استفاده میکنند

دخمه:



شبکه از گذر گاهها یا اتاقهای زیرزمینی برای مکان دفن مردگان مورد استفاده قرار می گرفت. معروف ترین این دخمه ها در حومه رم واقع شده است. دخمه یا دخنه دگرگون واژه دخ خنه (دژ خانه) می باشد که به مرور زمان بدین وجه درآمده و به معنای سرای پلیدی است و امروزه به مکان های ترسناک و نامناسب اطلاق می گردد . در زبان فارسی به دخمه استدان و دخمه دان هم می گویند

مسیحیان اولیه این دخمه ها را از سنگهای توفه و توخالی درست می کردند, شبکه ای بین راهروهای موجود در میان دخمه ها به وسعت ۲۴۰ هکتار وجود داشت .

این گورها برروی دیوار های اجری و سقف دفن می شدند و از سنگ مرمر بری حفاظت آنها استفاده می گردید و گاهی مواقع اتاقهای اضافی در زیر قبرها قرار داده می شد و ساخته می گردید دخمه یا **برج خاموشان** مکانیست بی در و پیکر که زرتشتیان [نسا](#) یا مردار آدمیان را که بنا بر عقاید آنها نجس و پاریار است در آن می گذاردند تا گوشت مردار توسط درندگان و پرندگان خورده شود آنگاه باقیمانده استخوان ها را درون چاه میانه دخمه انبار می کردند. بنا

بر عقاید زرتشتیان دفن مردار موجب آلودگی عنصر مقدس خاک می گردید و لازم به ذکر است که در دین زرتشتیان بیتابی از برای مرگ عزیزان شدیداً منع شده است.



مسیحیان از این دخمه ها برای دفن مرده و جاودانه کردن یاد آنها استفاده میکردند.

برخی لوحها بر روی دیواره های این دخمه ها نشان از هنر بالای مسیحیان اولیه دارد تصاویری از کاهن یهودی سوار بر شیر و یا تصویر موسی در حالی که سنگ را میزد دخمه ها خواه ساخته شده بدست انسان خواه برآمده از عوارض طبیعی بگونه ای آرایش میافتند تا دسترسی گوشتخواران به مردار را ساده میسر نمایند بدین منظور اکثر آنها فاقد سقف یا میان فضا و در خارج سکونتگاه شهری و روستایی و معمولاً بر فراز بلندی ها ساخته می شده اند. با گذر زمان و تغییرات دین زرتشت عملکرد دخمه ها پیچیده تر شد و وظیفه متلاشی کردن گوشت و نسج مردارها از درندگان به پرندگان (با تدابیری مانند مرتفع کردن دخمه و یا محدود کردن دسترسی درندگان) مانند دخمه [داریوش کبیر](#) در [نقش رستم](#) شیراز و از پرندگان به نور عوامل طبیعی (مانند [گنبد کاووس](#) در استان گلستان) تغییر یافت.

این تصاویر همچنین نشان مسخره ای دارد از تصویر مرده گانی که در بهشت در حال نمازند و شمشیر هایشان در کنارشان قرار دارد نسا یا مردار توسط فرد یا افرادی موسوم به **نساکش** از خانه به محل دخمه انتقال می یافت و در آنجا تحویل مسئول دخمه که **جاکش** نامیده می شد، می گردید و در آنجا باقی می ماند تا متلاشی می شد و سپس فردی که تمام عمر محکوم به خارج نشدن از دخمه بود و **کوسکش** (Kous-kesh) نامیده می شد بقایای استخوان و لوس باقی مانده را درون چاه وسط دخمه می ریخت. در ایران هنوز دخمه هایی یافت می شود اما زرتشتیان دیگر از آن

استفاده نمی کنند. از معروف ترین دخمه های ایران دخمه بندر [سیراف](#) است که بعد از اسلام به قبرستان مسلمانان تبدیل شد و نیز مقبره کوروش که تنها دخمه ساخته شده به شکل خانه است.

دخمه ها و آرامگاه های تاریخی مربوط به پیش از نفوذ اسلام در ایران که نوعی معماری صخره ای محسوب می شوند را [گوردخمه](#) می نامند.

محل و معماری دخمه ها



زرتشتیان در گذشته، دور از آبادی، شهر و مکان مسکونی انسان ها بر روی کوه های نه چندان مرتفع فضایی را جسته و با رعایت آداب و رسوم مخصوص دینی، شالوده آن را ریخته و حصارى به دور آن بالا می بردند. این حصار، دیوار مدور ضخیمی به شکل برج است که از مصالحی نسبتاً محکم و با دوام ساخته می شده و پلکانی زمین هموار را به درب دخمه ها متصل می کرده است. در ورودی بعضی دخمه ها تصویر خورشید بالدار و یا سربازان و پادشاه هخامنشی و اهورامزدا ممکن است دیده شود.

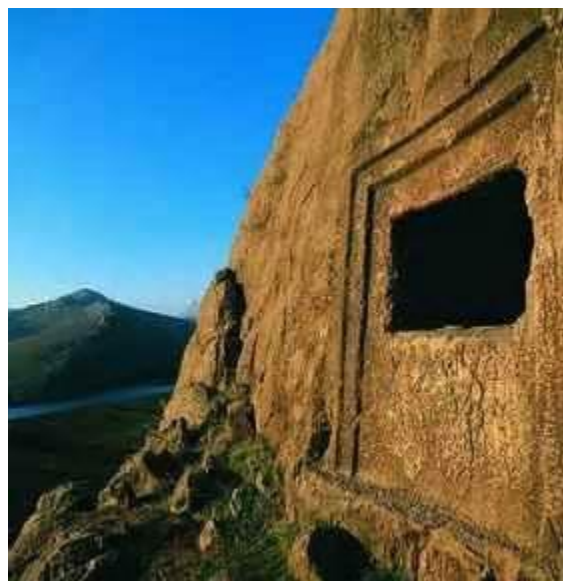
سطح داخلی دخمه به صورت پهنه گردی است که تمام آن با تخته سنگ های بزرگ مفروش شده و به قسمت های زیر تقسیم بندی می شود:

نوار دایره‌ی انتهایی متصل به دیوار پیرامون دخمه که مخصوص مردهاست.

نوار دایره‌ی میانی بعد از قسمت مردها که مخصوص زن‌هاست.

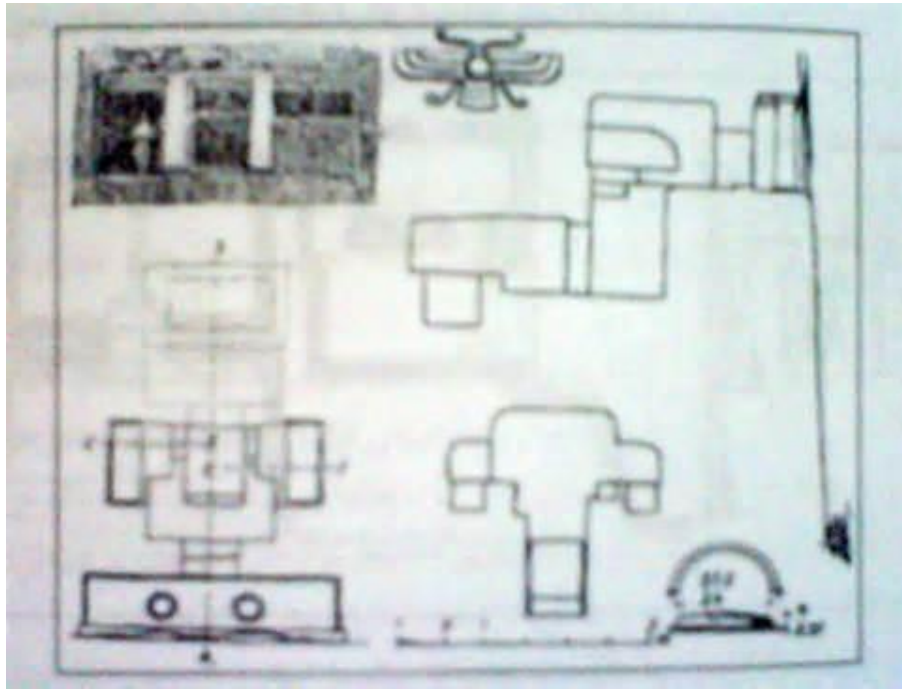
نوار دایره‌ی داخلی بعد از زن‌ها که مخصوص کودکان است.

نهایتاً در مرکز دایره چاه "استودان" یعنی "استخوان‌دان" است که سنگ متحرکی به نام "ارویس" در ته آن چاه وجود دارد. استودان یا وهنده عبارت است از چاهی در میان دخمه که با سنگ مفروش است و وقتی اجساد به وسیله‌ی مرغان لاشخور از گوشت و پوست تهی شده و تحت تاثیر آفتاب کاملاً خشک می‌شدند، استخوان‌ها را در آن چاه می‌ریختند تا تبدیل به خاک شوند و این‌جا بود که توانگر و درویش به گاه مرگ در ته این چاه یکسان می‌شدند.



دخمه‌ها را کلا یکسان می‌ساختند، در و دیوار و سطح دخمه مشخصات و اندازه‌های معینی نداشتند بلکه بر حسب نیاز و جمعیت شهرها و روستاهای زرتشتی‌نشین بنا می‌شدند.

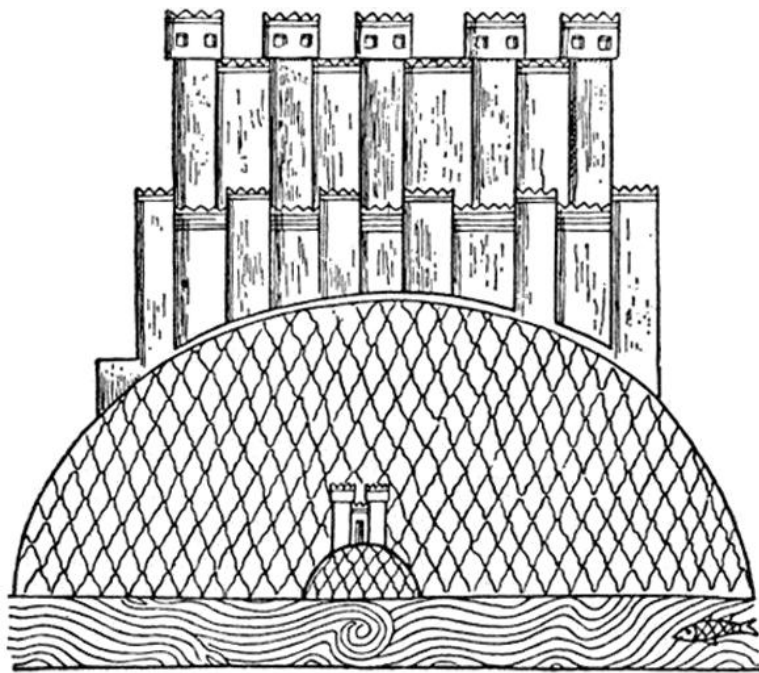
اصول ساختن دخمه‌ها :



دخمه‌ها را از خشت خام و گچ بنا می کردند تا مواد آلوده به زمین نرسد. در ساختن دخمه اصولی همچون کوبیدن ۴ میخ بزرگ، ۳۶ میخ متوسط و ۲۶۰ میخ کوچک بر زمین رعایت می شد. صد نخ پنبه را یک ریسمان می کردند و سه بار آن ریسمان را دور تا دور دخمه به گرد این میخها می پیچانند و اول سروش باج تا ویدوا مروتی می خواندند و هنگام کوبیدن هر میخ یک "یتا اهو" زمزمه می کردند. سپس در میان دخمه می نشستند و ۱۰۰ "اشم و هو" و ۲۰۰ "یتا اهو" می خواندند و ۳۰۰ سنگ کوچک به میان دخمه می انداختند، سپس دخمه را بر روی این مکان بنا می کردند.

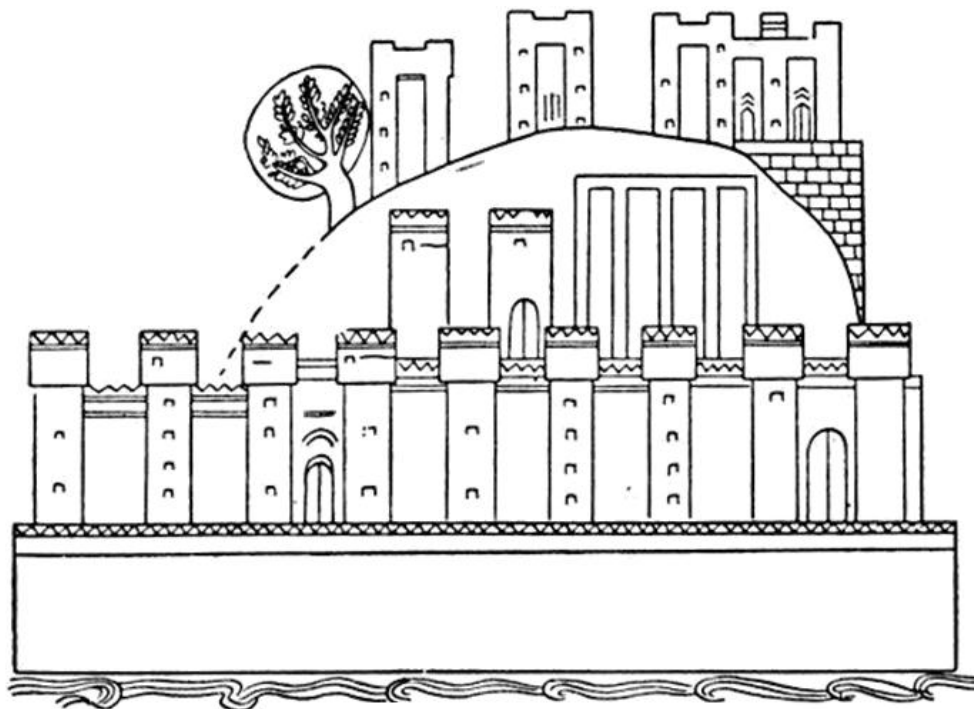
دلیل برگزاری چنین مراسمی قبل از بنای دخمه مشخص نیست.

معماری ماد



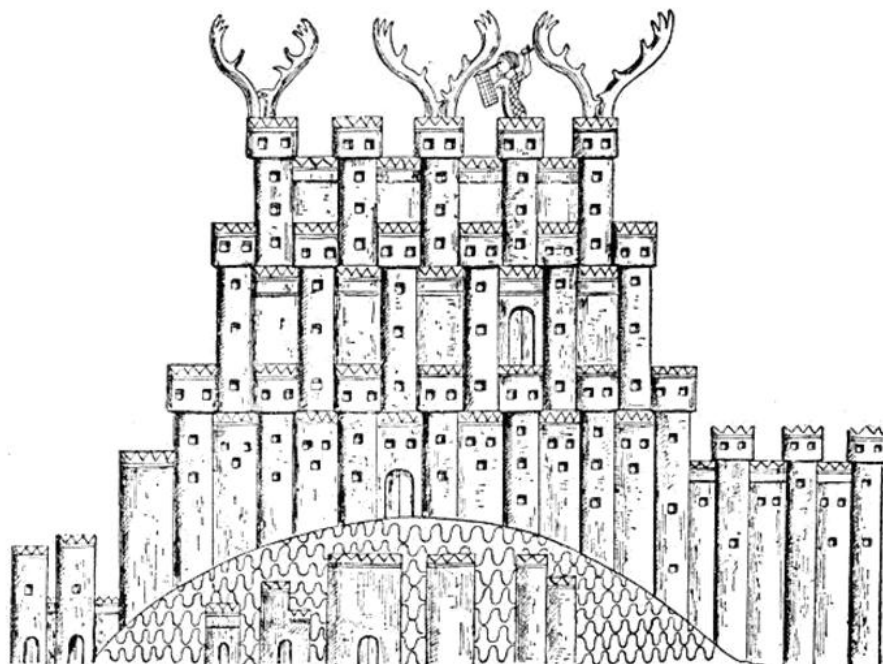
يك دژ مادي پر اساس لوحهاوكتيبه ها

مادها با شیوه معماری شهرسازی عظیم آشنا بودند. در این دوره ستون نقش مهمی در معماری داشت. از آنجا که بنای مادی سالمی شناسایی نشده برای بررسی هنر معماری مادی به بررسی گور دخمه های آنان میپردازیم که بسیار فراوان است. این گور دخمه ها ایوان دار هستند و با ستون تزئین شده اند. تراشهایی که بر روی ستونها و داخل دخمه ها داده شده، روش تزئین بر روی دیوار و ستونهای چوبی را به ما بازگو میکند. هرودوت تاریخ نگار یونانی در مورد معماری شهر مادی هگمتانه نوشته است: در هگمتانه پایتخت ماد اصول شهر سازی رعایت شده است. در این شهر کاخ شاهی به وضعی عجیب و مستحکم به صورت هفت قلعه ساخته شده است که هر قلعه درون قلعه دیگر قرار گرفته است و کنگره های هفت گانه از بیرون به درون به رنگهای سفید، سیاه، ارغوانی، آبی، سرخ، نارنجی، سیمین، زرین و..... میباشد. کاخی بلند و مستحکم برای شاه و خزانه در مرکز قرار دارد.



دژ مادي خاخر بر اساس نقش برجسته دور شاروكنين

گودين تپه كنگاور، - گور دخمه هاي مادي مانند فخرিকা در مهاباد - از جمله آثار معماري مادها مي توان به تپه هگمتانه - تپه ، نوشيجان، ، فرهاد و شيرين در كرمانشاه ، داوود دختر در فهلين فارس و شهر مادي اندركش اشاره كرد .

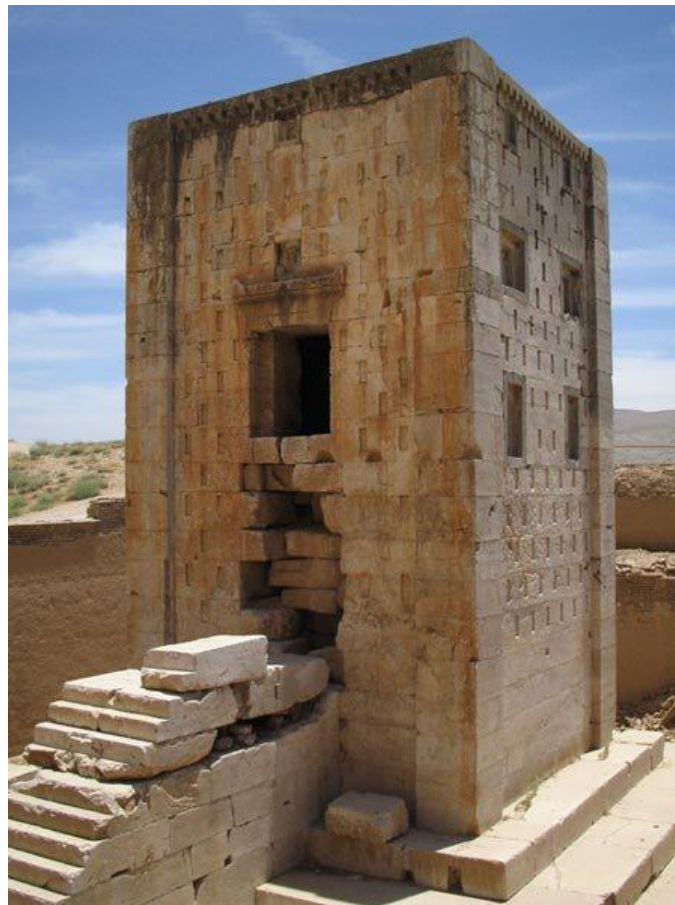


از خانه هاي مردم عادي نمونه اي به دست باستان شناسان نرسيده است. احتمالا مادها بناهايشان را از خشت و چوب ميساختند و آثار آن بر اثر فرسايش از بين رفته است. اطلاعاتي كه داريم بر اين اساس است كه خانه هايشان داراي يك ايوان ورودي با پايه هاي چوبي بود. با يك در كوچك به يك اتاق قايم الزاويه ميرسيدند كه شامل دو بخش در طرفين يكي برار درون خانه ها سكوي گلي ميساختند. نمونه اين خانه ها در منطقه آذربايجان و ساوه ديده . انبار و ديگري براي آشپزي بود ميشود. شهرهاي مادي داراي دو بخش بودند. الاني دننوني نام منطقه مركزي شهر بود كه دژ مستحكي داشت و اطراف آن

دژ مرکزی معمولا دارای چند دیوار بود و در فواصل معین، منطقه مسکونی مردم عادی بود که الانی سهروتی نام داشت برجهای دیده بان با کنگره هایی برای تیر اندازی داشتند. حصار بیرونی از سنگ و حصارهای درونی دایره مانند از خشت ساخته میشدند.

مراسم دینی در گذشتگان :

در نزدیکی دخمه حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر (کمی بیش تر یا کم تر) ساختمان خشت و گلی محقری در دو طبقه و دارای چند اتاق برای انجام مراسم دینی بعد از فوت اشخاص ساخته شده بود. یکی از اتاق های این ساختمان اختصاص به آتش سوزها داشت و مخصوص آتش سوزی بود.



کار آتش سوزها که معمولا دو نفر بودند، عبارت بود از این که از روزی که جسد در گذشته را به داخل دخمه می بردند، مرسوم بود شب ها (تا سه شب) آتش سوزها در آن اتاق که یک پنجره مستقیما رو به دخمه داشت از سر شب تا صبح آتش بسوزانند، نور این آتش می بایست از همان پنجره به تمام دخمه بتابد.

روی دیوار دخمه سوراخ پنجره‌مانند کوچکی وجود داشت که این سوراخ پنجره و پنجره‌ی اتاق آتش‌سوزی و شعله‌های آتش وسط اتاق می‌بایست در یک امتداد باشند که نور شعله‌های آتش از سر شب تا صبح به دخمه و داخل آن بتابد.

قطعا این رسم از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که چون به اعتقاد زرتشتیان روان شخص در گذشته تا سه شبانه‌روز در اطراف و بالای سر جسد مرده در پرواز است، تا پس از شب سوم به آسمان‌ها پرواز کند، این مراسم برگزار می‌شد تا سه شب اول بعد از مرگ از تاریکی و تنهایی نترسد.

یتا اهو که به اوستا "اهون وئیری" خوانده می‌شود، سر آغاز گاتها، بویژه نخستین گات است و برای همین هم آن را "اهون وئیری" به معنی "اهون مند" یا بخشی که دارای یتا اهو است. اهو وئیتی به پارسی اهنود گات شده است.

اشم وهو. [اَشِ وَ] (اوستایی، مرکب) کلمه ُ اوستایی بمعنی یکی از نمازهاست

انواع گورها:

با عنایت به تحقیقات انجام شده گورهای پیدا شده در ایران به انواع ذیل تقسیم می‌شوند:

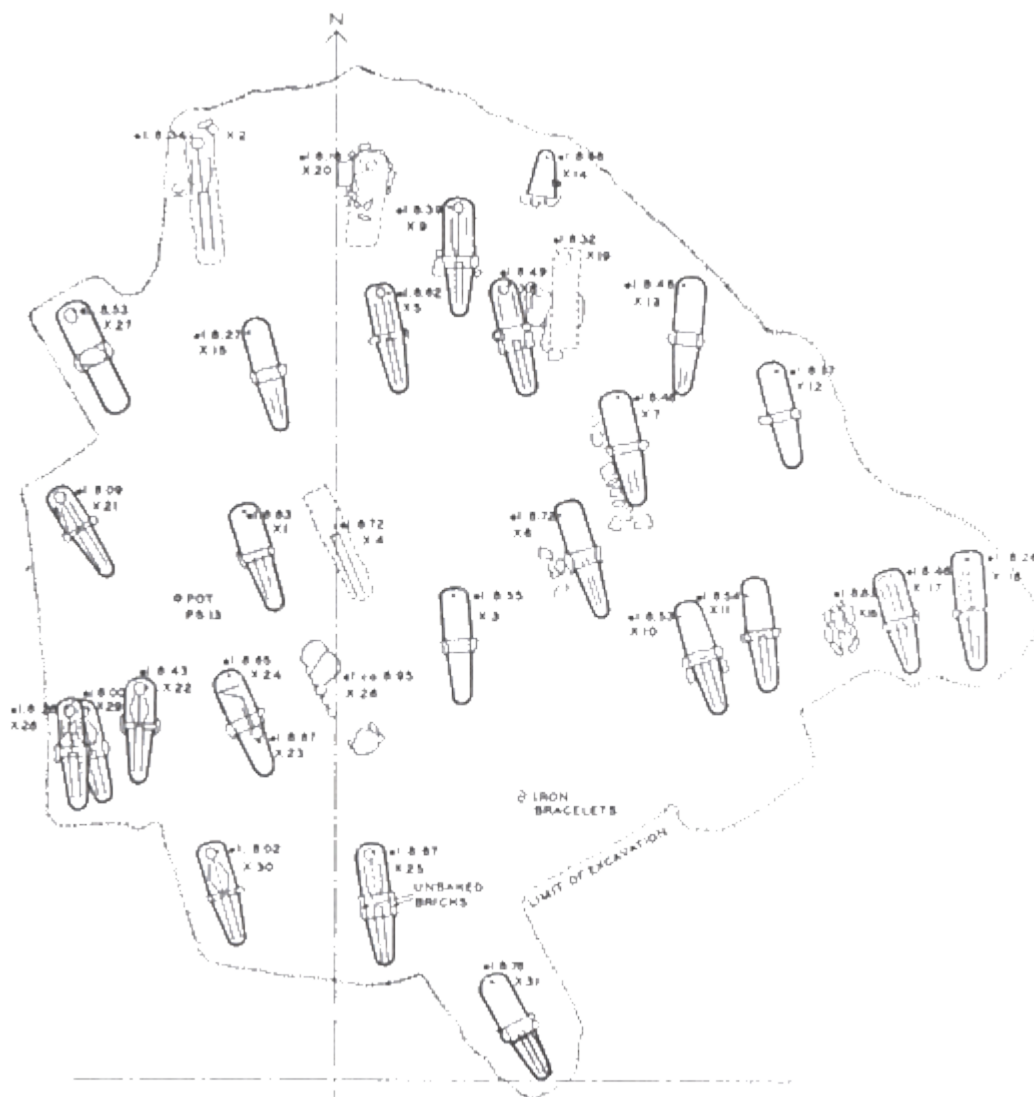
۱- مقبره در سنگ حک شده است:



این نوع گور البته بیشتر از دیگر گورها شیوع دارد و بیشتر مربوط به دوره جنگها می‌باشد.

این قبرها از یک اتاق که در هر دو قسمت آن گورهایی کنده شده و و این گورها چنان کوچک هستند که برای بدن میت تنگ می باشند.

ولی در فرقه اصلی زرتشتی یعنی ایین میتراپی و دفن مرده مرسوم بوده است . به این نما از قبرستان اشکانی بنگرید .
 . نماد چلیپا (صلیب) روی هر تابوت مشاهده می شود



۲- مقبره بنا شده:

تعداد این گورها اندک می باشد و نسبت به قسمت قبلی از قدمت چندای برخوردار نیستند

برجهایی بر سر برخی قبرها می ساختند.



البته در عهد جدید دونوع وصف برای قبرها آمده قبرها مبیضه که همان قبرهایی هستند که بواسطه برخی چربها چربی گشته و از درخشندگی برخوردارند و برخی قبرهای دیگر که به قبرهای مخفی مشهورند این قبرها البته متعلق به فقیران بوده و معلوم نیست که اصلا قبری در آن منطقه وجود دارد یا به علت عدم تمایز مکان قبر با سایر مکانها آثار دفن شده:

اعتقاد به بازگشت روح و زندگی دوباره و انتقال روح از این دنیا به دنیای دیگر باعث گردید که گذشتگان در هنگام دفن کردن مردگان خویش وسایل آن مردگان را نیز دفن کنند باشد که در آن دنیا به کارشان آید این وسایل گاه وسایل شخصی و یا برخی داراییها و در برخ مواقع ابریشم و شمشیر نیز بود . این مقبره ها اگرچه میتواند جای برای

تحقیق توسط باستان شناسان باشد همچنین جایگاهی مناسب برای تحقیق در مورد فرهنگ و تمدنها و سایر علوم نیز هست که به علت ضیق وقت به آن اشاره نمی کنیم و به موضوع خود می پردازیم.

آیین خاکسپاری به دو صورت رایج بوده است آیین خاکسپاری ساده و یا آتش زدن بدن میت که البته این نوع دوم شیوع اندکی داشته است اگر چه در اوایل عصر برنزی و نیز عصر آهن و در هزاره سوم در سرمین آناتول این نوع آیین شیوع داشته است البته در آن سرزمینها بعد نگهداشتن خاکستر میت سوزانده شده نیز شیوع پیدا کرد

اما در خاکسپاری ساده در داخل قبر بر دو طرف آن سنگی قرار میدهند این نوع خاکسپاری در همه انواع قبور چوبی و نواویس و سنگی و معدنی و ... رایج می باشد.

مقبره ها و قبرهای عمیق در داخل زمین (دیامیس):



یک اتاق ساده و یا قبه ای که به آن اتاق می رسد از طریق یک دخمه و یا سرداب که در کل زیر زمین قرار دارد این گونه مقابر در داخل کوه میتوانند بنا شوند ورودهایشان سنگی است و البته از این نوع قبور میتوانید در تمدنهای یونان در عصر آهن و برنز پیدا کنید

اما در مصر نیز از این نوع مقابر وجود دارد ولی نوع شامل آن وجود وجه بارزی از این مقابر و آن وجود هرم در آنهاست

البته در میان یونانیان قبری به شکل دایره مانند که داخل آن یک و یا چند قبر قرار داده شده است که یک سنگ دایره مانند نیز می تواند ما را به آن برساند از این نوع قبور در ایای میانه نیز یافت میشود.

قبرها میتوانند فرد و یا جمعی باشند قبور جمعی در یک منطقه در خارج از دیوارهای شهر به آن اختصاص میدهند
قرار میگیرند

در میان یونانیان دفن کردن در خارج از شهر اگر چه رایج بوده ولی گاهی برخی قبور مشاهده شده که در مناطق مسکونی دفن گردیده اند خصوصاً زمانی که میت متعلق به فرزندان صاحب آن منطقه و مسکن بوده است
بالای قبر یا نوشته و یا تصویری از میت و یا تصویر او با یک حیوان که در فرهنگ یونان سگ بوده نصب میگردد



بر روی دیواره ارامگاهها تصاویری راز آلود کشیده میشود تصاویری از زندگی روز مره انسانی از خوردن و نوشیدن

در هر حال جای توضیح این مسئله در اینجاست با عنایت به اعتقاد همگان در آن زمان به اینکه زندگی پس از مرگ و انتقال روحانی وجود دارد از این رو افرادی که مردگان خود را دفن می کردند به همراه آنان وسایل شخصی و حتی جواهرات و ادوات جنگی را هم دفن می نمودند.

این دفن شده ها همان چیزهایی بودند که بعداً تبدیل به دفینه و فرصتی مناسب برای علاقمندان به این موضوع گردید.

قبرستان استخوانی

این قبرستانها در واقع مقبره هایی برای نگهداری استخوانهای مردگانی است که سوزانده شده باشند و یا خاکستر آنها در این مکان نگهداری می شود.

نواویس:

استفاده از قوطی برای حفاظت از مردگان یک پدیده عمومی در میان مردم باستان نیست

در میان بدویان البته مرده گان را در در سطح زمین و گاهی در پوسته حیوانات قرار میدادند

روش تدفین مردگان در عصر آهن

تقریباً در تمام قبرها پاهای مردگان خم و یکی از دستها به طرف دهان آورده شده، از این رو معلوم می شود عقیده ُ این مردم چنین بوده که انسان پس از مرگ از بین نرفته و همچنین قرار دادن ظروف، اغذیه و جواهرات اشاره ای به در طبقه اول تپه حصار، مردگان را به سمت مشرق، جایی که خورشید طلوع می کند، دفن . زندگی ماوراء زمینی باشد می کردند . این نشانگر این است که خورشید و آفتاب مورد توجه آنان بوده است . اما صورت مردگان به یک طرف نبوده، به نظر می آید که در هر زمانی از روز که می خواستند مرده را دفن کنند، بدنش را به سمت مصرق و صورتش را به سمت جایی که آفتاب در آن لحظه آنجا بوده است، قرار می دادند . به طور کلی مردگان را به سه شکل دفن می کردند

دفن مردگان به پهلوی چپ: این روش تدفین که تقریباً نیمی از تدفین را در فلات مرکزی به خود اختصاص داده چمباتمه است. در حالت «خم شده»، تنها دستان مرده (« است، شامل سه حالت «خم شده»، «جمع شده» و گاهی یک دست) را به طرف دهان و سر او قرار داده و او را دفن می کنند. در نوع دیگر یعنی در حالت «جمع شده اما در حالت «چمباتمه». ، همچنان که دستان به طرف دهان و سر جمع شده اند، زانوهایشان هم کمی خم شده اند» که به «جمع شده کامل» و «تدفین جنینی» هم معروف است، دستها و پاها کاملاً جمع شده اند، درست همانند جنینی در رحم مادر (دربارهٔ علت آن در گذشته بحث شد)، به همین دلیل هم به تدفین جنینی معروف گشته است. باید دقت داشت که این نوع تدفین تنها در قبور خمره‌ای رسم نیست و گاهی در قبور حفره‌ای هم دیده شده است.

دفن مردگان به پهلوی راست: این نوع تدفین که خیلی کم در فلات مرکزی ایران رایج بوده است، بیشتر در تپه مشاهده شده است. در این نوع تدفین حالت دستها معیار خاصی ندارند، گاهی بروی شکم، نزدیک زانوهای III حصار و گاهی به سمت کوزه‌ها و ظرف‌های دفن شده همراه گور دیده شده است. هنوز اطلاعات دقیقی از علت تمایز این دو نوع تدفین که نوع دوم بیشتر در حصار و در جاهای دیگر کمتر دیده شده، منتشر نشده است.

دفن مردگان به حالت طاقباز: در این نوع تدفین که به ندرت و حتی کمتر از نوع دوم در فلات مرکزی مشاهده شده، تقریباً بر سه نوع است: طاقباز با پاهای جمع شده به حالت چمباتمه، طاقباز با پاهای به حالت نشسته و طاقباز با پاهای روی هم انداخته شده، تنها چند نمونهٔ انگشت شمار از این نوع تدفین گزارش شده که آن هم در تپه حصار دامغان می باشد. ما در اینجا به بعضی از خصوصیات اولین قبر اشاره می کنیم. در اولین نمونه مرده به پشت یا طاقباز دفن شده است، دستها روی سینه و پاها روی هم افتاده است که متعلق به یک مرد بالغ است. در بعضی از این موارد یافت شده هم یکی از دستها زیر چانه قرار داشته است.

انواع سنگ های کاسه و کاربردهای آن



سنگ های کاسه (جوغن های) اولیه:

که معمولاً در خانه های قدیمی و عبادتگاهها و محلهای زندگی مانند غار و جاهایی که در آنجا غذا ذخیره می شود.

البته نوع استفاده از این کوزه ها بر اساس تفاوت موجود در فرهنگهای مختلف دارای تمایزاتی بوده است

جوغنهای اولیه که به انسانهای اولیه و ما قبل تاریخ بر میگردند

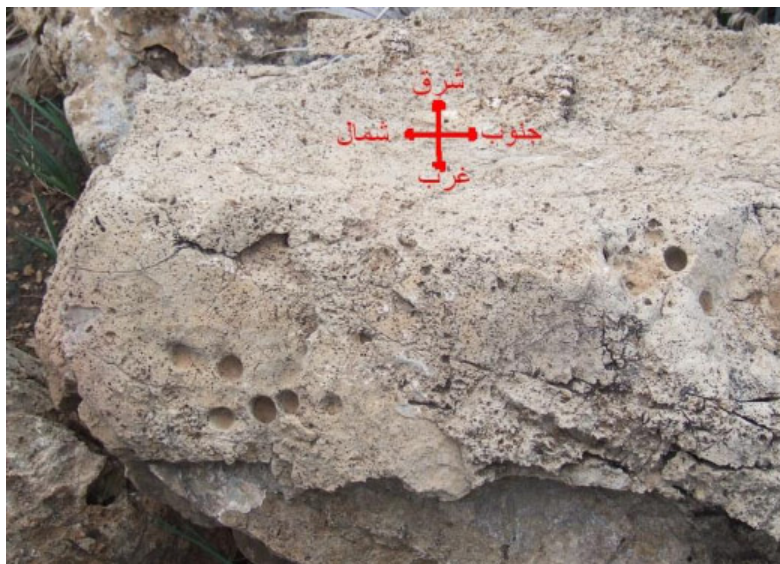


انسان اولیه که بدور از وسایل زندگی بوده و خانه و کاشانه را نمی شناخته است با اندکی پیشرفت پای در وادی زراعت گذاشت شکار و بکار بردن ادوات و اسالیب مختلف برای زندگی را به مرور زمان اموخت ، زندگی خویش را با موجودات زنده و زراعت می گذرانید و این عقل که خداوند به او داده است او را در ادامه راه به برداشتن قدمهای

دیگری در راه پیشرفت رهنمون ساخت ، این انسان بعدا دست به نقاشی و کشیدن آنچه در عقل خویش می گذرد بر روی صخره ها زد و اندکی بعد در فکر آن افتاد که میتواند بواسطه درست کردن و حفر کردن در صخره ها وسایل و لوازم خود را نگه دارد و از آنها محافظت نماید او حتی از صخره ها وسایلی ساخت تا بتواند بواسطه آن حیوانات را شکار کند و نیز وسایل و طعام خود را در آنجا ذخیره نماید از اینجا بود که کاربرد جوغن متعدد شد آنان در کاربرد صخره ها برای زندگی خویش تا آنجا پیش رفتند که حتی بعدها به عبادت صخره ها نیز روی آوردند .

جوغن ها به عنوان علامتی برای مقبره ها و اب راهها و محرابها و معابد شناخته شد هر قومی بواسطه کومه (جوغن) های خود شناخته می شد تا جایی که برخی فرهنگها از فرهنگهای دیگر در این زمینه اقتباساتی کردند از این رو پیدا شدن برخی کومه ها مشابه هم در فرهنگهای یهودی و یونانی و ایرانی و رومی دور از انتظار نیست. خلاصه موضوع:

جوغن های حکیمانه که در برخی بارگاههای یهودیان و یونانیان یافت می شود:



تاریخچه این کومه ها به زمانی برمی گردد که در یونان باستان حکیمان برای مداوای بیماران و یا فعالیتهای تحقیقاتی خویش نیازمند برپا کردن خانه های مخصوصی بودند. این خانه های مخصوص البته برای ساختن دوا از مواد معین بکار برده می شد این حکیمان در خانه ها نیازمند برخی تاقچه هایی مربع شکل بودند که بتوانند دواها و داروها بصورت جدا گانه در آن مکانها قرار دهند . این خانه ها از زیباترین خانه هایی است که من طول

عمرم دیده ام بخاطر مختلف بودن شکل کومه ها و تاقچه های تعبیه شده در آنها در این بارگه ها دفینه هایی پیدا می شوند که قیمت آنها به هزاران میلیون دلار می رسد.

اما کومه های برجسته یا کنده کاری شده:

این کومه ها راهنمای رسیدن به قبر می باشد و فاصله بین هدف و کومه بسیار اندک است.



کومه های برجسته چند نوع هستند:

- دلالت بر ران پلمپ شده و بسته شده دارند.
- نشانه هستند
- شبیه انگشت و اثر انگشت هستند
- نشانه قبر هستند
- گمراه کننده هستند

در نوع دوم کومه ها، دقت در قطر کومه و عمق آن و طریقه قرار گرفتن آن و نشانه های الحاقی آن مهم است

کومه ها انواع مختلفی دارند برخی به آبراه و برخی به قبر و برخی به گنج رهنمون می شوند.

قواعد عمومی:



- همه اشاره هایی که بطرف شمال جنوب و یا شرق غرب هستند دلیل بر وجود تمدن دارند نه دفینه بجز در نشانه های ترکی و برخی استثنائات
- **نشانه های برجسته:** دفینه نوع نشانه ها در صخره هاست
- **نشانه های کنده کاری شده:** که دفینه این نوع نشانه ها در خاک است
- **حرفهای khyt جنائری:** که نشان دهنده جهت دفینه می باشد
- **جوغن کوچک و یا انگشت:** اگر به همراه نشانه دیگری باشند به معنای جهت و اگر به تنهایی باشند به معنای تثبیت دفینه است
- **جوغن مربع:** که دلیل بر بودن اتاق زیر خاک و قبر سنگی است.
- **جوغن مخروطی:** که دلیل بر چاه و یا شبیه آن است.
- **متر رومی:** که حدود ۷۴ سم است
- **متر یهودی:** ۱۳۰ سم است
- **متر قرطاجی:** که ۶۲ سم است
- **متر ایرانی:** آرشین که معادل ۶۸-۷۲ سم است.
- در نشانه های ترکی باید به جهت قبله توجه نمود.
- در نشانه های ایرانی باید به جهت مشرق و مغرب توجه داشته باشید.
- صلیب رومی که دلیل بر وجود مقبره و قبر کشیش و یا کاهن است.
- انگشت کوچک و یا دایره کوچک در جوغن دلیل بر جهت دفینه است.
- تحلیل جوغن دایره ای و بیضوی مشابه است.
- در نشانه های حیوانات و پرنده گان باید به محل نظاره کردن چشم توجه شود.

نحوه کشف سکه های تاریخی تقلبی:



در دنیای سکه ها و مجسمه ها مشکلی جدیدا پیدا شده و آن مشکل تقلبی بودن این آثار است.

توجه:

- ✓ بازار مملو از آثار باستانی تقلبی است شما باید در این بازه خیلی دقت داشته باشید ,ولی شخصی که مبتدی است می بایست برخی از امور را مورد توجه قرار دهد تا گرفتار سکه های و پولهای تقلبی نگردد
- ✓ در سکه های معدنی در زیر ذره بین دقت کنید , ببینید آثار مبرد (سرد کننده) قابل مشاهده است یا نه این علامت تقلبی بودن است.
- ✓ در زیر ذره بین ببین دقت کنید ببینید,آثار خوردگی و تاگل قابل مشاهده است یا نه؟؟ این علامت اصلی بودن است.
- ✓ اگر به شما تعداد زیادی سکه دادند و دیدید که همه شان باهم و یکسان هستند, در این صورت مطمئن باشید که آنها تقلبی هستند, زیرا حتما سکه های قدیمی با هم تفاوت باید داشته باشند.
- ✓ از جهت وزن دقت کنید, خصوصا آنهایی که با نقره است چون در بیشتر سکه های تقلبی نقره بکار نمی برند تا هزینه زیاد نشود یا بکار می برند با اختلاف وزن بسیاری که با سکه ضرب اول خواهد داشت.
- ✓ دایره ای بودن و تناسب دلیل بر تقلبی بودن است.
- ✓ سکه های تقلبی دارای لبه های تیزی هستند و هر از اهی بصورت حفره های ریز ریز دیده میشود.

✓ پاتین یا سیاهی سکه های تقلبی ، با خراشیدگی به راحتی از بین می رود در حالیکه در مورد سکه های اصلی این موضوع صدق نمی کند و بسختی پاک می شود.



این البته در مورد افرادی که مبتدی هستند و می خواهند تشخیص دهند سکه های تقلبی را از سکه های اصلی این یک راه ساده است ، اما برای پژوهشگران و کارشناسان که در برابر تقلبهای ماهرانه ای قرار می گیرند، می بایست مهارت و خبرگی و حس ششم و غیره را در گرفتن نمونه ها و وزن دقیق و مقایسه با نسخه اصلی را در نظر بگیرند تا به تشخیص صحیح برسند.

اضافه بر آنچه که گفته شد در نظر گرفتن این مسائل هم ضروری است:

۱- سعی کنید تعداد زیادی از سکه ها و پولهای تقلبی جمع آوری کنید و نیز نمونه اصلی آن نیز پیش تو باشد و با مقایسه آنها به نوعی خبرگی می رسید.

۲- در مورد سفالها دقت کنید ببین بو می دهند اگر بو دادند مطمئن باشید تقلبی است.



۳- در مورد سفال, آب را بر روی آن بپاشید اگر دیدید زود خشک شد مطمئن باش اصلی است چون سفال قدیمی تشنه آب است

۴- در مورد مجسمه های سنگی , در زیر ذره بین دقت کنید ببینید آثار استفاده از ابزار جدید همچون مکانهای جوش و پرس سنگی و رنگ بکار برده شده قابل مشاهده است یا نه



۵- سعی کنید با یک چیز نیرومندی در آن خدشه وارد کنید اگر دیدی مقاومت می کند و نمی ریزد بدان اصلی است.

۶- در مورد مهر ها , دقت کنید ببینید کنده های آنها از ارتفاع برخوردارند و یا نه , در صورت ارتفاع داشتن اصلی هستند و نیز اگر هماهنگی حفر وجود نداشته باشد هم علامت اصلی است.

البته تقلب اشکال گوناگونی دارد و چه بسیار کارشناسانی که مبتلا به تقلبهایی شده اند.

اما بین تقلب و تقلید تفاوتی وجود دارد

تقلید ساختن پول و یا سکه از روی اصل آن

تقلب شبیه سازی سکه به سکه اصلی است

چگونه تشخیص دهیم که تصریحات و یا نقشه ها و نسخه ها درست و اصل هستند و به کجا اشاره می کنند



در برابر استقبال گسترده ای که در مورد تحلیل نشانه ها و رموز بجای مانده از گذشتگان مشاهده می شود چون این امور تا اندازه ای مرتبط با تاریخ روحانی و مذهبی گذشتگان است از این رو برخی موسسات و شخصیات مذهبی تاریک اندیش هر گونه تفکر و تحلیل در مورد فرهنگ و دین و عادات گذشتگان ممنوع و حرام اعلام می کنند، چیزی که البته به درک نادرستی از گذشتگان و مجهول ماندن بسیاری از مسائل فرهنگهای گذشته می انجامد، آنان مرتکبین این کار را مرتد و مهذور الدم می دانند، ولی ما در اینجا می خواهیم در مورد توصیه ها و نقشه ها و تصریحات بجای مانده از گذشته تحقیق مستقلی انجام دهیم.



در مورد تصریحات بجای مانده از گذشته باید به این مسائل دقت کنیم:

این تصریح چیست؟

چگونه آن را بشناسیم؟؟

به کدام زمان بر میگردد؟

انواع آن چیست؟

چگونه اصل و بدل بودنش را تشخیص دهیم؟

راههای درست استفاده از آن چیست؟

تقیید چیست و چگونه آن را بشناسیم؟

تقیید در واقع از جهت لغوی از کلمه قید و متفاوت از وصیت است که معمولاً شفاهی است، تقیید شامل نقشه و نسخه دفینه و گاها شامل رمزهای حرفی و طبیعی و حجبی می باشد، یک ورقه است که از نسلی به نسلی دیگر توارثی منتقل میگردد، گاهی متن است و گاهی شعر همچون قصیده، صوله و یا ابن حاج و یا حاتمی و یا تصویر

مراحل تقیید

دیباچه:

با بسمله و سلام و صلوات شروع می شود، گاهی از مصدر به مقصد ذکر می شود مثلاً از فلانی به فلانی از مازندران به خوزستان ... از این شیخ به آن شیخ گفته میشود این تقییده یا این وصیت و یا این برکت و یا اینکه مستقیماً وارد موضوع میشود مثلاً میگوید به همدان برو به فلان شهر به کوهی در فلان شهر و در آن کوه سه سنگ می یابی که همچون انسان ایستاده اند

معین کردن مکان:

برخی تقییدات مکان معین می کنند و بدون زحمت می توان به مکان دفینه رفت و آن را برداشته البته بیشتر این دفینه ها برداشت شده اند برخی دیگر اجمالاً به موضوع اشاره میکنند و نام قدیمی محل و یا دو محل را ذکر

میکنند و برخی دیگر از تقييدات , در واقع بصورت رمز حروف ابجد مکان را تعيين می کنند و يا بواسطه حروف طبیعی که انواع مختلفی دارند و ما آنها را ذکر خواهیم کرد

توصيف مکان:

تقييدات توصيفهای مفصلی از مکان دارند و تاکيد ویژه ای بر اين توصيف دارند مثلا درختان و سنگها و خاک و رنگها و بناها , چشمه های قديمی , جهت ها و مانند اين سخن که سنگی زرد که از بقيه سنگها متفاوت است ...

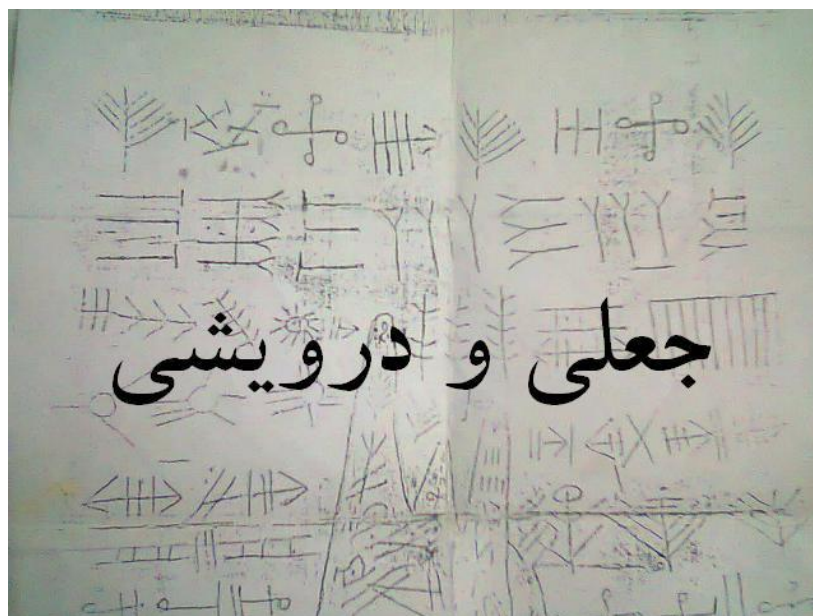
ارائه راهکار:

برخی تقييدات ارائه راهکار میدهند مثلا می گویند که اندازه قامت دو انسان زمین را بکند به جایی میرسد و يا می نویسد اندازه دو قدم زمین را بکن خاک زردی می بینی

شرایط روحی و مذهبی:

برای همه تقييدات البته در آنها برخی شرایط روحانی ذکر شده است که از اين شرایط میتوان به بخور و قربانی اشاره نمود. البته در برخی تقييدات , حتی موضوع قربانی کردن انسان نیز مطرح است و من هیچ تقييده ای ندیدم مگر اینکه شرط قربانی کردن در آن وجود نداشته باشد

زمان وارد عمل شدن:



شنبه آخر ماه عربی و یا شبهای چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم ماه عربی و زمان نورانی بودن ماه در هفته اول و گاهی زمانهای فلکی همچون زمانی که قمر در برج دلو باشد و روزهای که خالی از نحوسست باشد و در برخی مواقع به ایام و روزها کاملاً تصریح شده است مانند شنبه و یا جمعه و یا دوشنبه

درست بودن و بدلی بودن اشارات در تقییدات:

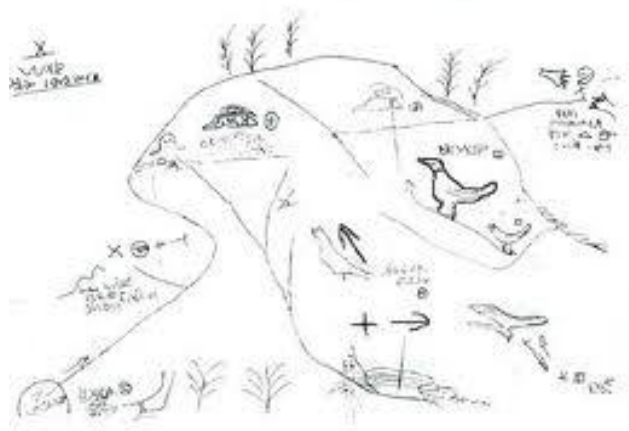
بسیاری معتقدند اگر تقییده دارای مهر باشد معتبر است و برخی دیگر می گویند اگر در تقییده تناسبی بین ازمنه وجود داشته باشد معتبر است: مثلاً ذکر کند که روز عزیمت شنبه است و در ادامه در شرایط روحانی بخور را نیز ذکر نماید باید توجه داشت که آیا بخور متناسب با روز شنبه است و یا نه

برخی شکل مهرها را نیز مورد تاکید قرار می دهند و هر شکلی همچون شمشیر و شمشیر لبه دار و ستاره و ستاره ای که از جهت اضلاع مساوی باشد حتی برخی معتقدند مهر جن، نشان اعتبار هر تقییده است و هر کس آن را داشته باشد حتی میتواند ادعای مالکیت بر دفینه را نیز بکند و در دادگاه قابل ارائه است.

(۱) ب (۲) ج (۳) د (۴) ه (۵) و (۶) ز (۷) ح (۸) ط (۹) ی (۱۰) ک (۲۰) ل (۳۰) م (۴۰) ن (۵۰) س (۶۰) ع (۷۰)
 ف (۸۰) ص (۹۰) ق (۱۰۰) ر (۲۰۰) ش (۳۰۰) ت (۴۰۰) ث (۵۰۰) خ (۶۰۰) ذ (۷۰۰) ض (۸۰۰) ظ (۹۰۰) غ
 (۱۰۰۰)



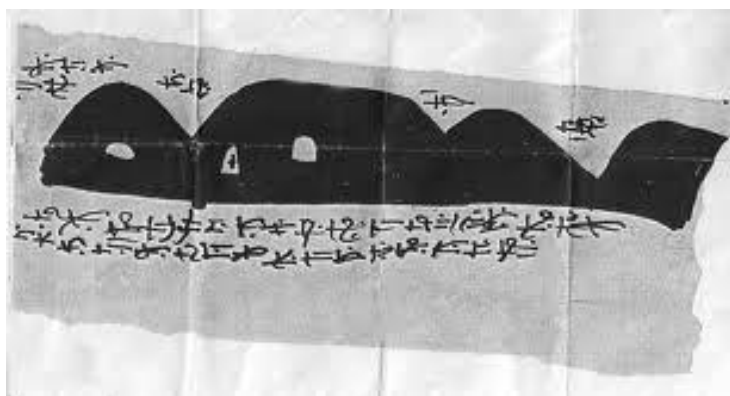
اول ما باید محدوده و منطقه تحت پوشش این نقشه را پیدا کنیم با تحقیق و پیدا کردن که در آن شهرها، کارخانه های تولید " و کلیساها بر روی نقشه نشان داده شده است، بروید و ببیند آیا وجود دارد و چند روز جستجو برای این زمینه در نقشه انجام " بدهید. نکته مهم یافتن این منطقه است. هنگامی که ما منطقه را پیدا کردیم دیگر پیدا کردن گنج آسان خواهد بود.



منطقه نزدیک روستای

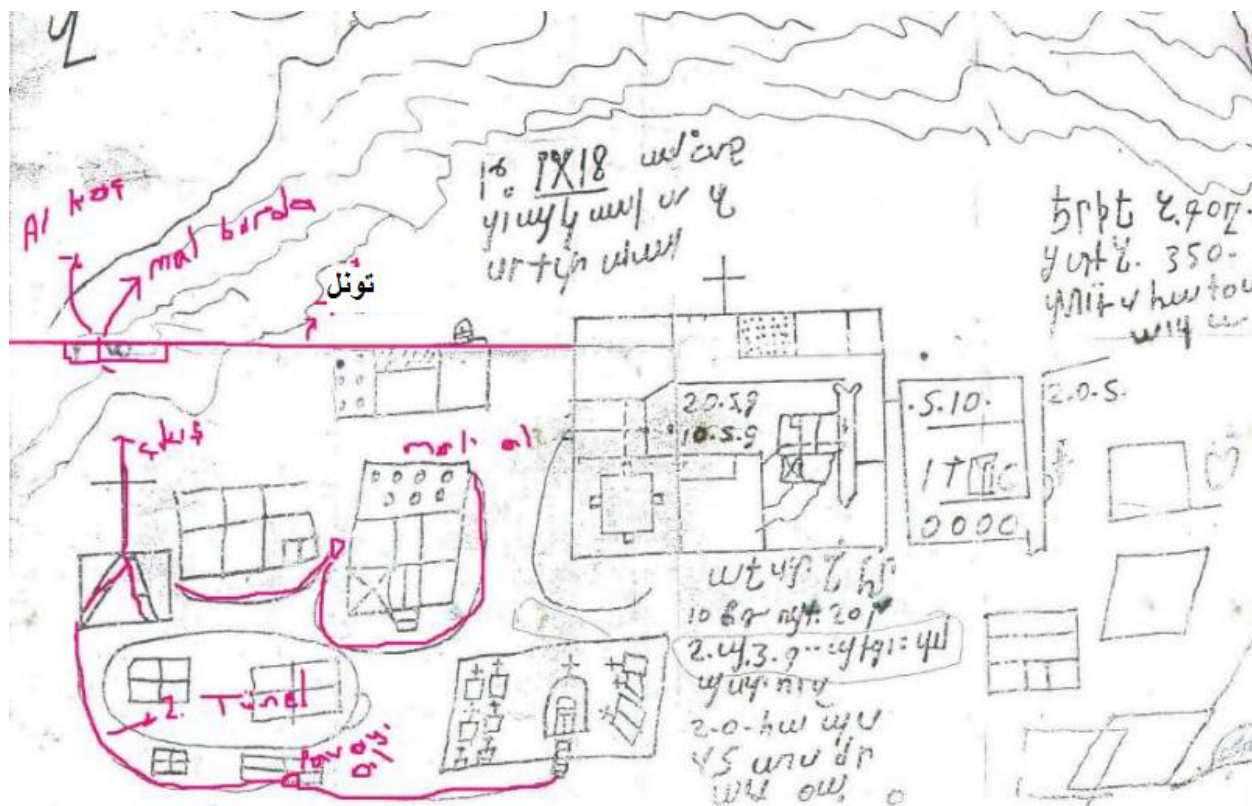


نسخه یا سند ناشناخته



سند مربوط به روستای....

برخی از سندها به زبان های محلی یا مناطق ارامنه نشین با مردم نشین که قدمت بالایی دارد مربوط باشد که مربوط به دوره ای بوده است که زیاد بصورت تاریخی ثبت نشده و زبان و فرهنگ آن ملت یا قوم رواج نبوده و زبانشان رایج نبوده است و این سبب گمنامی و ناشناخته بودن برخی سندها یا نسخه هاست.



اطلاعات مربوط به نقشه های گنج واقعی:

مشکلات در مورد جهل مردم بد گنج است که می خواهند به نفع این گنج یکی از بزرگترین آسیب پذیری های محققین یک مشکل تبدیل شده است. باید با این واقعیت که نقشه های جعلی شکارچیان فروش نقشه های جعلی، در حرفه گنج یابی متمایز می شود. شما نیاز به خرید نقشه های جعلی از این نوع با منشا نامشخص دارید که باید جعلی را از حقیقی تشخیص بدهید، شهرت نباید باشد. فقط باید اطلاعات زیر را قبل از خرید چک کنید

۱- یک نقشه مقیاس خاص در نقشه ها وجود ندارد

۲- کیفیت کاغذ است که این ایام از کاغذهای با کیفیت استفاده می شود

۳- این روزها استفاده از قلم های مختلف و آیتم های ضخیم تر استفاده می شود.

۴- هنگامی که شما در پیدا کردن سازگاری منطقه می رسید.

نقشه یک نقشه واقعی در دست شما است، شما ۱۰۰٪ مطمئن باشید که آن که بیش از حد سخت است نه به حل زبان از نقشه است. نقشه، زبان، دانش تاریخی و کلیه اطلاعات برای حل بسیار مهم است. این نقشه در دست خود را متعلق به نقشه منطقه می تواند ساده تر را حل کند.

حل نقشه مسائل مهم است:

۱- دانش تاریخی بالاتر باید باشد.

۲- نقشه در جهت مناسب به حفظ زمین های دولتی

۳- استفاده از اعداد، متن و زبان های دیگر

۴- آهنگ نشانه ها را از علامت ها دانستن

۵- نقشه برای دوره است که در آن درک است

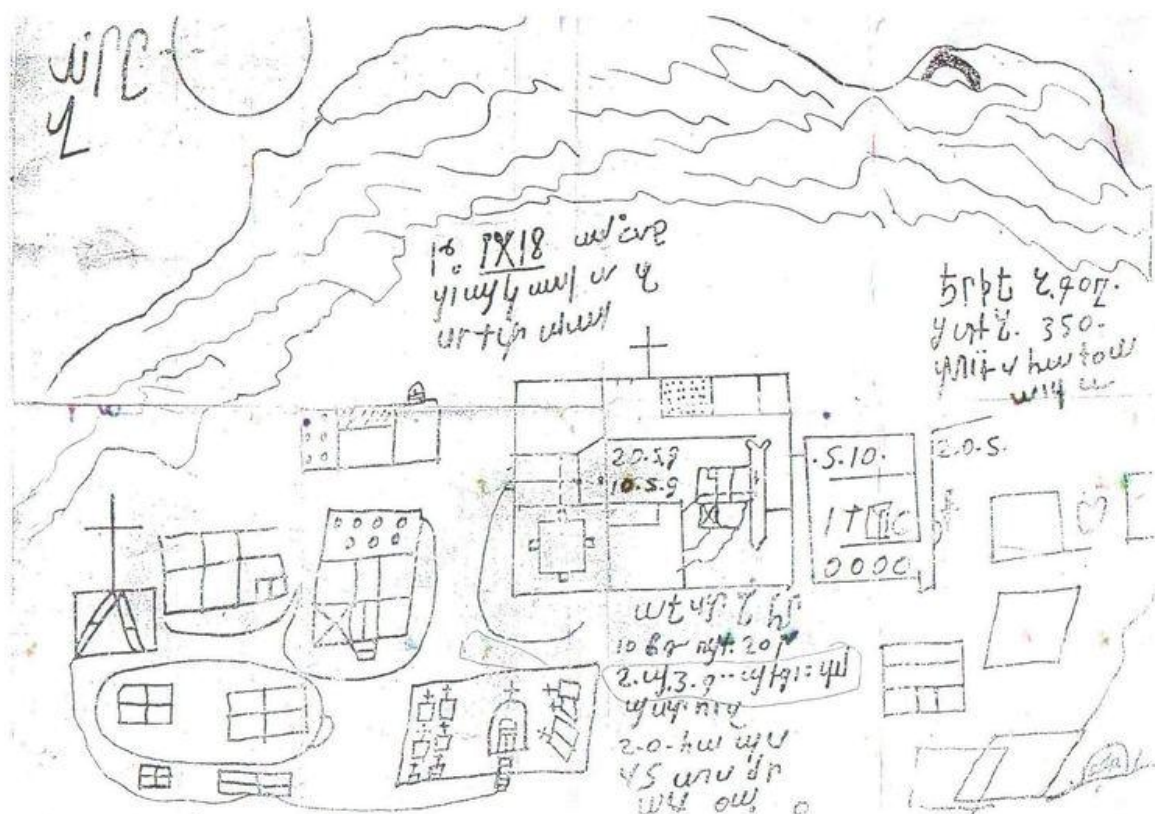
اول، اجازه دهید ما آن را بیان کنیم. هنر نقشه خواندن به خودی خود مهم است. می خواهید به یادگیری برای حل نقشه، نقشه کار می شود بسیار دشوار را حل کند، که درگیر است به اندازه کافی خواهد بود که کمی استعداد و مهارت می خواهد.

نام محل بر روی نقشه ها و منطقه ضروری است. تغییر نام هر ناحیه و منطقه از فرهنگ های متفاوت را بررسی کنید. همانطور که می دانیم، بسیاری از دوره جمهوری خواه، نام روستا را که در آن نام جدید تغییر کرده است بسیاری حتی در نام منطقه شده است. این نوع از وضعیت ملاقات و یا پرونده های اداری افراد مسن منطقه استفاده می شود

دوره جمهوری خواه یا تغییر و تحولات فرهنگی و مذهبی، بسیاری از ساخت جاده، شهرنشینی، ممکن است نشانه ها در اثر نابود شده اند باید سریع بررسی شود. دومین مسئله مهم، تخریب بلایای طبیعی. در این رابطه، جغرافیای منطقه باید به خوبی تحت نظارت باشد.

داده ها را جمع آوری کرده داده ها را گرد هم آورده و دوباره ارزیابی کنید. نقشه باستان، برای خواندن به علت تخریب بسیار دشوار است. صبر، دانش، مهارت ها، و وظیفه است که نیاز به تحقیق است.

گنجینه، علائم گنج و معانی، شکار گنج، محل گنج تپه دفن، سنگ مقبره، تابوت، آشکارساز، گنج، زبان های باستانی، سکه های باستانی، سکه، لاتین، ارمنی، گنجینه های ارمنی، علائم گنج و معانی نشانه ارمنی را باید بخوبی بلد باشد



توجه داشته باشید که معنای نقشه از هزاران نشانه تشکیل شده است. آنچه مهم است در اینجا یکپارچگی و تمامیت مطرح است. آن را بیابید

نشانه بوده است. شما به یک نقطه مشترک توسط سیگنال های دیگر آمده است

در نظر گرفته شود. هر رویداد و علامتی یکپارچگی شما می تواند تمام نشانه را بگوید. باید به عنوان یک کل، که مهم است قادر به درک نیست، از جمله به عنوان یک حق برای رفتن به نقطه هدف خاص را در نظر بگیرید. ۸۰٪ از علائم در علائمه حل و فصل اهمیت پیدا می کند، شما نقاط نشانه ها را پیدا کنید. به خاطر داشته باشید، گاهی اوقات آن را نقشه ممکن است. اشتباه به علائم مورد استفاده شده باشد یا طور کلی صدق نمی کند.

تمام آثار و علائم یک به یک مهم بوده، که به معنی آن است که توضیح و تفسیر آن غیر ممکن است. توضیحات کوتاه، ساده و روشن ساخته خواهد شد.

چیز دیگری که اشتباه کرده است و یا دنباله و نشانه گذاری برای دوره که در آن این است که فرهنگ شناخته شده است. نشانه از نشانه های ارمنی و عرب، ایرانی، عثمانی، یونانی یا قفقازی معانی کاملاً متفاوت هستند.

علائمهای مورد نیاز برای تفسیر و حل:

الف. در ساختار فرهنگی جامعه آشنا باشد

ب. و یا مدت زمان آن را بدانید (دوره)

ج. افراد به خاک سپرده گنج چه کسانی بودند و هدف آنها چه بوده

د. از داده ها لازم است دقیقاً بدانید که در مورد مذهب است

بعد از طی رده چهار نقطه می تواند حل شود و یا معانی نزدیک معانی از نشانه ها ممکن است رخ دهد.

درک و فهم کامل:

به منظور درک جهت یک نقشه کامل و بدون نقشه، بدون درک آنچه که شما به دنبال نشانه های بر روی نقشه به درک جهت حل نقشه کامل قرار داده است درک کامل نسخه کامل، نشانه گروه بندی باید انجام شود به منظور بررسی اینکه آیا نشانه است یا نه؟

برای درک جزئیات نقشه کامل، همه ی جزئیات باید در جزئیات مورد بررسی قرار گیرد.

شاید مهم ترین درک نقشه حکومت است. ضروری است بدانید که آنچه به دنبال است. از این نقطه کار را به شکل نقشه ادامه بدهید.

بدانید که یک نقشه کامل، یک کار آسان نیست. شما در حال حاضر چه کار می کنید آسان نیست!

این چالش ها عبارتند از: کار، پول، زمان، و غیره است. آشنایی با چالش دینه یابی هر کسب و کار دارای برخی از مشکلات های یک گروه و بررسی آن بسیار مهم است. داده های در دسترس را بررسی کنید

شما می توانید با کمک دوستان و کارشناسان مجرب مشکلات نسخه و سندهای خود را حل کنید!

چقدر تجربه لازم است که نقشه شما را حل کند، نقشه ها، آن را مانند یک کتاب باعنوان خوانده شده. لازم به ذکر است که نقشه محل گنج را نشان می دهد، یا اشتباه شده است.

تازه ترین کار غارتگر حفاری. یکی در این تحقیق مشغول اند می گویند گنج خوب است. اگر نقشه نقطه به نقطه انجام شود به یک موضوع خاص از نقطه شروع می رسید و گرنه از نقطه نمی توانید نتیجه بگیرید، آن را دوباره امتحان کنید. آیا بدون یک نقطه دلخواه معین حفر نیست. کار، پول، زمان، و در آرزوی موفقیت بیهوده خطر نیست؟؟

آیا به جعلی بودن یک نقشه مطمئن هستید یا نقشه درست است، اگر شما مطمئن شوید که از ایمنی حل بسیار سریع نیست امتحان کنید. نقشه های ۴-۵، راهنمایی های غلط و گمراه کننده است. در اسرع وقت حل و عنوان محل گنج شناخته شده است.

نقشه ها، به استثنای کارشناسان می تواند فوراً حل شود.

راه حل واقعی مشکل تر است و گنج نقشه محل دقیق آن روشن نیست. بر اساس دنباله و نشانه های موجود هنوز هم پیدا کردن گنج وجود دارد.

نکاتی برای نسخه های گنج:



شکارچیان گنج می دانیم ، مهم ترین چیز این است برای قرار دادن جهت مطالعه جهت طبیعت (محیط زیست) شناخته می شود که منجر به افزایش شناخت می شود.

نشانه های اصلی از نقشه های موجود (کوه، تپه، رودخانه، سنگ ها، غارها، و غیره را در نظر بگیرید، شما را در تعیین جهت از نقشه کمک خواهد کرد. اگر شما به درستی نقشه مسیر مقصد خود را در اشتباه باشد.

یکی از مسائل عمده از تولد خورشید از شرق و غرب، غرب از نقشه ها. این موضوع را می توان در سراسر نقشه ها یافت. علامت گذاری به عنوان یک یا چند آهنگ، و آن را نمی توان درک کرد. رویداد چیزی شبیه به یک نگاه سه بعدی به تصویر است.

نقشه ها، خورشید، باد و جهت جریان آب بسیار مهم است. حذف زاویه به جهت از نقشه باید متذکر شد که همه کار تلف خواهد شد.

پس از قرار دادن جهت از جزئیات نقشه، دقیقا در جهت از دنباله و نشانه گذاری که شده باید مطمئن شوید که آیا آنها باید در نقشه مورد آزمایش قرار گیرد یا نه؟

آن را سعی نکنید قرار داده نمی کردند نقشه جهت تخلیه رفتن به حفاری در محل اشتباه است.

ارزیابی جهت نقشه به عنوان یک عنصر مهم می باشد آن را ارزیابی کنید. رودخانه ها در نقشه. از دنباله کوه و انتهای شرق - جهت غرب و ارزیابی باید با هم پردازش شود.

جریان کار و تپه در منطقه اجازه خواهد داد که شما را به محدود تنگی فضای زمینه است. فضای بیشتر باید توجه داشت که قرارداد با جهت جریان جریان است.

نقشه چشمه نشانه جریان فعلی از اهمیت زیادی است. یکی دیگر از چیزی است که شما باید به یاد داشته باشید که زمانی که شما در رعد و برق حق طرف مقابل به دنبال پایین شیب چشمه. منبع و چشمه (چشمه) با تاکید بر غارتگر مغز فراهم می کند بهار در دوران باستان، یک منبع داده های اساسی، مانند لبه از آب در نظر گرفته می شده است. آیا توجه به مکان هایی مانند این در حفاری شما مفید است.

تامین آب، چشمه، و غیره خشک شده و یا ممکن است جایگزین شود. برای بررسی این موضوع در جزئیات مفید است پایین و پایین تر رودخانه های کوه بر روی نقشه، و یا با درآمد بالا. رسیده است، بسیاری از علائم نشان دهنده منطقه رودخانه وجود دارد. این به ما سرنخ های مهمی می دهد در ایجاد نقشه به جایی از زمین است. دیگر نقطه قابل توجه است با توجه که در آن آب نیاز در هنگام دفن جبران می شود. مطمئنا شما باید یک منبع آب در منطقه فوری داشته باشد.

غار موجود، سنگ، قبر مثل این است که در مکان های خاصی قرار داده شده برای تست جهت نقشه مهم است. گریوز یا گورستان دین پس از یادگیری که تغییرات دیدگاه در جهت است که در آن دین را می توان در طبیعت از نگاه کردن به نقشه جایگزین کرد.

نقشه آبشارها، چشمه ها، رودخانه ها، غارها، مقبره ها می توانند معانی واقعی قرار داده است. ارزیابی یکپارچگی در این موضوع را در اهمیت قرار بدهید.

جریان کار و تپه در منطقه اجازه خواهد داد که شما را به محدود تنگی فضای زمینه است. فضای بیشتر باید توجه داشت که قرارداد با جهت جریان جریان است.

نقشه چشمه نشانه جریان فعلی از اهمیت زیادی است. یکی دیگر از چیزی است که شما باید به یاد داشته باشید که زمانی که شما در رعد و برق حق طرف مقابل به دنبال پایین شیب چشمه. منبع و چشمه (چشمه) با تاکید بر غارتگر مغز فراهم می کند بهار در دوران باستان، یک منبع داده های اساسی، مانند لبه از آب در نظر گرفته می شده است. آیا توجه به مکان هایی مانند این در حفاری شما مفید است.

تامین آب، چشمه، و غیره خشک شده و یا ممکن است جایگزین شود. برای بررسی این موضوع در جزئیات مفید است پایین و پایین تر رودخانه های کوه بر روی نقشه، و یا با درآمد بالا. رسیده است، بسیاری از علائم نشان دهنده منطقه رودخانه وجود دارد. این به ما سرنخ های مهمی می دهد در ایجاد نقشه به جایی از زمین است. دیگر نقطه قابل توجه است با توجه که در آن آب نیاز در هنگام دفن جبران می شود. مطمئنا شما باید یک منبع آب در منطقه فوری داشته باشد.

غار موجود، سنگ، قبر مثل این است که در مکان های خاصی قرار داده شده برای تست جهت نقشه مهم است. گریوز یا گورستان دین پس از یادگیری که تغییرات دیدگاه در جهت است که در آن دین را می توان در طبیعت از نگاه کردن به نقشه جایگزین کرد.

نقشه آبشارها، چشمه ها، رودخانه ها، غارها، مقبره ها می توانند معانی واقعی قرار داده است. ارزیابی یکپارچگی در این موضوع را در اهمیت قرار بدهید.

طلسمات در دفینه و گنج یابی:



آیا درست است که برخی جن را احضار میکنند تا دفینه و یا جواهر برایشان پیدا کند جواهر هایی که از زمان گذشته باقی مانده؟

این سخن درست نیست , دنیای جن و دنیای انسان جداست و تداخل این دو دنیا حتی در حد شرک به خداوند بزرگ است. در ثانی, اگر این درست بود اکثر افرادی که سحر میدانستند و احضار جن بلد بودند زیر خط فقر نبودند حضرت رسول بر دست کار گر بوسه زد و به هیچ وجه صحیح نیست که انسان از غیر مجاری طبیعی اقدام به کسب رزق و روزی نماید.

شیخ محمد بن صالح این طلسم ها و احضارها را در حد شرک به خدا می داند و انرا جایز نمی شمارد.

این افراد معمولا افراد کلاه برداری هستند که نباید به آنان اعتماد کرد اگر به سویشان بروید و تصادفا کاری انجام شود میگویند گفتیم و شد و کردیم ولی اگر کاری انجام نشود ادعا میکنند که فلان موضوع کار ما را ناتمام گذاشت.

توصیه من به این افرادی دوری از شرک و ترس از عذاب خداوند و ایمان به روز جزاست.

توصیه من به این افرادی دوری از شرک و ترس از عذاب خداوند و ایمان به روز جزاست.

همه از این موضوع سخن میگویند

و ما به آن بصورت کامل خواهیم پرداخت

در ابتدا در مورد موضوع رصد که اهمیت ویژه ای دارد سخن میگوییم

رصد را را بسیاری از افراد انکار میکنند و میگویند حقیقت ندارد و امکان ندارد که دفینه ها در معرض رصد باشند ما البته این سخن را قبول نداشته و در این مورد سخن خواهیم گفت ابتدا باید بدانیم رصد یعنی چه

منظور از رصد که به اصطلاحی در بین جوینده گان دفینه ها تبدیل شده است آن است که تمامی دفینه ها و اموال پنهان شده توسط اجنه ای مورد محافظت قرار میگیرند من در اینجا سخن بسیار پر اهمیتی را که از دید بسیاری پنهان مانده عرض میکنم.



هر دفینه ای نمی تواند خارج از این احتمالات باشد!!

علم حروف ، کلمه ، زیبایی و جذابیت دعاها ی مقید ، خبر دادن از غیب و یا اثر بخشی مربوط به قدرت روحی است.

در نسل های ماقبل این علم بعنوان یک علم مابعد الطبیعه شناخته شده بود. علمی که به حس اثربخشی و قدرت بخشی کلمات معروف است.

علمای اسلامی، برای اثبات وجود خدا در اشکال مختلف و در شکلی که به حکمت مخلوقات و اسرار الهی پی ببرند کوشش‌ها و تلاش‌های بسیاری کرده‌اند. برای هر حواسی توصیفات و تفاسیری گفته‌اند، علم خواص و کشف اسرار آن بعنوان یک سیستم در جامعه شناخته شده است.

ابن ندیم علوم مخفی عزائم، سحر، شعبده، کیمیا و طلسم و... را از یکدیگر متمایز کرده است برای این دلیل قسمتی از آنها بشرح ذیل است:

الف) بعنوان عزائم و سحر، یا علم شناخت و درک اجنه‌ها نامید

ب) بعنوان طلسم، شعبده، یا علم شناخت نجوم و کارهای خارق العاده نامید

برای هر شاخه‌ای اقسامی تعریف کرده، یا نحوه اجرا و صورت و تحریر نوشته‌ها را تعریف کرده است.

برای دست یافتن به این علوم، انسانهای دین دار باید خدا را بشناسد، گرویدن به عبادت و ریاضت‌ها برای دست یافتن به این الماس گرانها لازم و ضروری می باشد.

این علم از سوی خدای تعالی به حضرت محمد (ص) اعطا شده بود. یکی از شاخه‌های آن علم خواص علم اسماء الحسنی است که در آن تجلی تمامی اسماء الهی بوده و دارای فواید مادی و معنوی است. برای رسیدن به این امور ریاضت نفس برای دور شدن از ظواهر مادی دنیا نیاز است که از تجلی نفس (سمر) یا علم نجوم (دعوت کواکب) و یا قدرت‌های زمینی (طلسم) استفاده می شود.

این علوم شامل:

۱- علم الخواص (خواندن-به صورت ادای کلمات یا حروفات)

۲- علم کتابت (نوشتن- بصورتی که در روی کاغذ کتابت شود)

۳- رقعہ (بصورت حرز یا نوشته همراه است)

۴- عزائم (علم استفاده از روح‌های بدون کالبد است)

۵- علم استحضر (استفاده از روح‌های بانفوذ و با قدرت کالبد دار است)

یکی از مردان صاحب کلام در این علم ، عالم جلّی است . این عالم بزرگوار برای علم خواص شاخه ها و تقسیم بندی هایی بشرح زیر انجام داده است:

- ۱- علم حروف قواعدی در نظر گرفته که درون آن اسامی وجود دارد و این اسامی دارای حروفاتی است.
- ۲- علم افسون یا آیت های دعایی است
- ۳- علم نجوم یا فلک و ستاره ها می باشد
- ۴- علم شهرت ها و ستاره ها می باشد

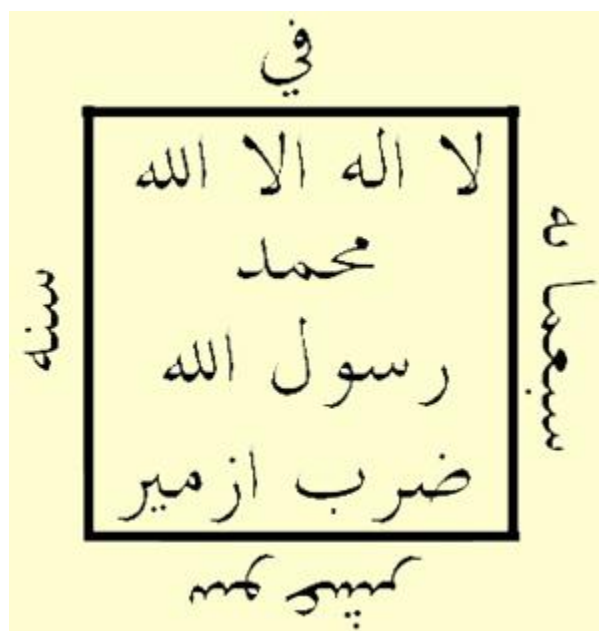
در این اثناء ، علما و فیلسوف های بزرگی درباره حروفات ، کلمات ، اسماء ، دعاها و علم نجوم و شناخت این رشته ها کتابهای کثیری به رشته تحریر در آورده اند و خبرهایی داده اند که برای حکومت هانیز مفید واقع شده است و سبب درازی طول عمر آنها شده است. خبر دار شدن از دفینه و خزانه های طلا ، ایجاد کردن عشق و نفرت مابین انسانها ، شفا و دوا ی بیماران از جمله کاربردهای این علوم بوده است.

در این میان پادشاهان و درباریان از افرادی که از این علوم آگاه بودند استفاده می کردند. طلسم دار کردن دفینه و خزانه ها با استفاده از اوافق (طلسمات) و اشکال های مختلف که با قلم های مختلفی نوشته می شد از نسخه های شاهی استفاده می شد.

[illegible]

افلاطون این حکیم عالم از این علوم استفاده می کرده است و به دو شاخه جدول تقسیم می کرده است. یکی از این گروها را در روی کاغذ (قرطاس) نوشته می شده و بعد آن را در ظرف آبی می گذاشتند و آن آب را به دو فرد خورانده است و مابین آنها عشق ایجاد شده و اگر آن حروفات را به شکل دیگری می نوشت مابین آنها نفرت و دشمنی حاصل می شد این نقلی از داستات افلاطون بود.

در میان این کتب، کتاب احمد بن علی بونی که به (شمس المعارف کبری) معروف است که چکیده اسرار ۴ کتب حروفات است، طالع و منزل ستاره ها و کواکب، بسمله، اسماء الحسنی، اسم اعظم، خواص سوره ها و دعاها، وفق، جفر و طلسم های پر خواص، راه های دور کردن حشرات، نفوذ به دشمن و... است.



خواص القرآن، اسماء الحسنی اسم هایی هستند که دارای سوره ها و خواص آیه ها می باشد که هر کدام تعبیر و تفسیر مختلفی دارد.

خواص قرآن، کلمه های ترکیبی قرآن چیدمان های ترتیبی آیات، کلمه ها و سوره هاست که ان بصورت نوشتار، نیت و مقصدی را در نظر گرفته و برای آن تاثیری بود که نمود پیدا می کند.

مفسران قرآنی از روی ظاهر قرآن (شکل خواندنی و تلفظی قرآن) به خواص و معانی آنها پی می برند، از لحاظ مفهوم ظاهری به باطن پی می برند. حروفات اول سوره ها که به حروف مقطعه مشهورند فقط سمبل صدا نیستند بلکه دارای باطنی هستند. از این رو حروفات و حساب ابجد قرآن کریم دارای خواص و باطنی هستند که دارای تفاسیر احتیاج به آنهاست.

ابن خلدون ، علم حروف را مقدمه مسلمانان دانسته و بیشتری از علماء ، علم تصرف را دارا بودند. آثار شناخته شده مکتوب شده ، این آثار رموزات علم حروف و اسماء الحسنی را که به تصرف در عالم طبیعت قادر بودند مدعا شده بودند گفته شده است. مفسران قرآن کریم با توجه به خواص آیات آن ادعای شفا دار بودن آن را اثبات کرده اند احادیثی که به شفا دار بودن قرآن کریم اشاره و اذعان دارد:

سه آیه اول سوره مومنون و آیت الکرسی برای هر فردی که می خواند یک روز از صبح تا عصر از شر شیطان و آفات در امان می ماند.

پس اولین فنون نظم بسط و تکسیر بوده بطوریکه در آن تمامی اعمال جمع شده است و از آن طلسم (طلسم ها) دائمی است تا روز نشور و برانگیخته شدن و تاثیری است که منکر آن نمیشوم و سری که بی تلاش باقی نمی ماند.



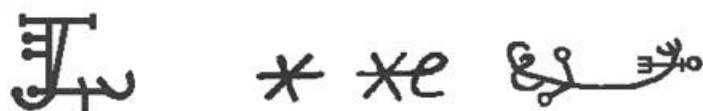
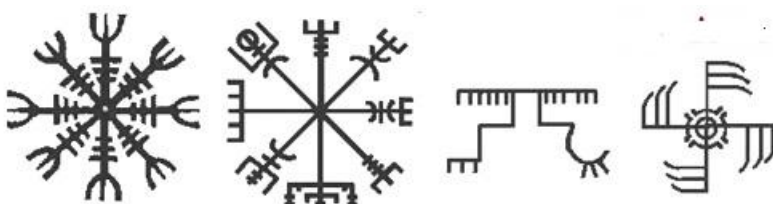
ارسطوطاليس برای اسکندر بود و حکيم فاضل و فيلسوف ماهری بود که طلسم و احکم اشیاء را قرار داد ، و آن به مدد خدای تعالی است با آن دون ملوک زمانش و با آن برای ارسطوطاليس خوانده می باشد

از این رو ، خواص صحت و شفای قرآن که در روایات آمده کثیر بوده ، بسیاری از مولفان نیز برای خواص قرآن طبق خواص فلک نجوم و کواکب تاثیری قائل شده اند ، خواصی که برای پیدا کردن و فهمیدن دفینه جستجو کردند و برای آن موجود می دانند. از این رو آنها برای طلسمات دفینه ها و جنیان ، دعاها و اوافق موثری پیدا کرده و به آنها نسبت داده اند.

در زمینه پیدا کردن گنج در نظر گرفتن ۲ مسئله مهم است .یکی از این ها ابزار آلات مانند پیدا کننده ها و چوب ها می باشد و دیگری در نظر مسائل دینی است .در بعضی از اراضی آنقدر روایت وجود دارد که انسان را دچار سرگردانی می کند.

گنج یابان در مورد مسائل معنوی موجود روی گنج ها خیلی قوی فکر می کنند بطور مثال اگر در پیدا کردن یک گنج با تمام مسائل موفق نشوند در پایان عنوا می کنند که حتما این گنج نگهبان ارد و در اینصورت چه می تواند کرد. مشکلات معنوی که در سر راه گنج یابان قرار می گیرد بیشتر از هر چیزی دهن این افراد را مشغول می کند بطوریکه این افراد باید راه فرار از این مشکلات معنوی را به خوبی یاد بگیرند. بر روی گنجه اسامی مانند "نگهبان" یا "موکل" گذاشته اند که از گنج حافظت می کند و می گویند که برای رهائی از آن باید به سراغ "درویش" رفت

تصاویر زیر برای طلسم توسط کارشناسان ثابت ساخته شده است. اگر علائم مشابه به شکل شما در پیدا کردن و جمع آوری و مربوط به اطلاعات کافی در مورد علائم نشانگر سحر و جادو است که نشان می دهد که شما در هر منطقه کار نمی کند علائم دفینه نیست.





در فصول آتی در مورد تعبیر نگهبان و ارباب و افرادی که توسط قدرت های مافوق تصور درویش نامیهد می شوند و اینکه این افراد چگونه ادم هایی هستند و چه چیزهایی می خواهند بطور کامل بحث خواهیم کرد

نخست اینکه توسط یک جنی محافظت می شود و آن دو حال دارد.

انسانی انجام می گیرد یعنی جن و یا شیطان بدستور یک انسان در حال حفاظت از آن مال است.

در این حال که جن بواسطه دستور و توکیل انسانی در حال حفاظت از مال است بدینصورت می باشد که جن در مواقع لزوم به موکل خویش هشدار میدهد و او را آگاه میسازد در این احوال معمولاً جن نگهبان دفینه و یا حبس شده به همراه دفینه است مانند دفینه های روم و یهودیان و دفینه های تمدن اسکند مقدونی

در حالت دوم این نگهبانی به فعل انسانی نیست بلکه این جن است که بر دفینه تسلط یافته است

در این حالت چون جن می بیند این مال صاحبی ندارد دستش را بر روی آن مال گذاشته و شروع به دفاع کردن از آن می کند.

احتمال دوم آن است که این مال حفاظت نشده باشد مانند دفینه های دوران حکومت عثمانیها

چون افراد حکومت مسلمان بوده اند و به همراه دفینه های خویش نگهبانی یافت نشده است مگر اینکه این دفینه ها به همراه اموال یهودیان و رومیان دفن شده باشند که در این حالت امکان دارد نگهبانانی از اجنه داشته باشند

در احتمال سوم این موضوع مطرح است که دفینه مرصود نباشد ولی طلسم شده باشد و این طلسم یک طلسم معین و مشخص باشد و توسط حارس و نگهبانی از جن انجان نگرفته باشد.

در احتمال چهارم این موضوع مطرح است که دفینه توسط طلسمهای جادویی محافظت شده باشد.

این طلسمها معمولاً وابسته به صورتهای فلکی هستند و باز نمیشوند مگر در برخی ازمنه و باز کردن آنها کار بسیار سختی است تا جایی که حضرت رسول فرمود هر کس علم نجوم را بیاموزد در واقع شعبه از سحر و جادو را یاد گرفته است.

حالت پنج حالتی است که در آن این دفینه به دلایلی غیر از رصد و سحر در حال محافظت شدن می باشند

در این نوع طلسم ها مواعی مانند مواع معادلات ریاضی و فیزیکی بر اشیائی که در موقعیتهای خاص افعال خاصی انجام میدهند

از آنچه که گفته شد نتیجه می گیریم که رصد حقیقت دارد.

آن عبارت است از جنی که بواسطه اهل شرک و کفر به تسخیر در آمده باشد برای این سخن ما دلایل زیادی از احادیث و آیات قرآن موجود است که ابلیس به انسان خدمت نمیکند مگر در برابر عملی که موجبات آتش و دوزخ باشد مانند آنچه که در آیه ۶۴ سوره اسرا آمده است.

این البته تفسیر آینه نیست بلکه نشان دهنده عمق فعالیت شیطان برای وارد کردن انسان به دوزخ است که در این صورت اگر انسان به شرط دخول در آتش امری را به شیطان سپارد او نیز حتما قبول نماید از طرف سربازان فرمان بردار و غیر فرمان بردار خویش از اجنه.

اولین اشخاصی که اقدام به استفاده از اجنه برای مقاصد خویش کردند سامری های زمان فرعون بودند که با قربانی کردن انسان و حیوان در برابر غیر خدا از آنان خواستند که به یاریشان بشتابند

یهودیان برای محافظت از جواهرات خویش اجنه را تسخیر میکنند تا ابن جواهرات را تا روز قیامت حفاظت کنند و از آنجاییکه آنان در کتابهای خویش خوانده اند که قیامت در سرزمین شام خواهد بود از این رو آنها اموال بسیاری را در آن سرزمین دفن کرده اند.

حتی برخی از آنها از غرب به شام آمده اند تا جواهرات خویش را در این سرزمین دفن کنند تا در روز قیامت بتوانند از آن استفاده کنند.

یهودیان برای حفاظت از اموال خویش اقدام به رصد و سحر میکردند و این حفاظت از طرف اجنه بصورت توارثی پدر از جد و ... ادامه می یافت.

حالا ذر ادامه نوشته سعی خواهیم کرد در مورد نحوه باز کرد رصد و آزاد گذاشتن مال صحبت کنیم

آگاه باش که برای از بین بردن رصد سه راه وجود دارد:

اولین راه راه شرعی که مخالف شریعت و احکام الهی نباشد

دومین راه راه غیر شرعی در فک رصدها

در راه نخست که روشهای مختلفی برای رسیدن به آن وجود دارد اصل در آن اعتقاد و ایمان به خداوند بزرگ می باشد و از بهترین و قویترین روشها می باشد:

آماده کردن ظرف آب به گنجایش ۲۰ تا ۴۰ لیتر

یک کاسه آب پر+یک کاسه آب نمکی+یک شیشه آب گل+یک شیشه زعفران قرمز+مخلوط سدر و آب+مخلوط مسک سیاه با اب+شیشه کوچکی از نعنای همراه آب همه اینها را با هم مخلوط کن و و محکم بچرخان و سپس سوره بقره را بصورت کامل قرائت کن و رقیه شرعیه را نیز قرائت کن و سپس بطرف محلی که دفینه در آنجا مدفون است حرکت کن و وقتی به آنجا رسیدی قبل از هر کاری اذانی تلاوت نما

یک مربع مانند در محل دفینه رسم نمایید بدینگونه که اگر نقطه صفر یک متر باشد شما اضلاع مربع را دو متر در دو متر قرار دهید سپس آبی را که در آن سوره های مورد نظر را خوانده اید در آن بریزید

یکی از افراد مسن و د عین حال عالم مجموعه می بایست نسبت به تحصین مجموعه اقدام کند با خواند آیات و دعاهای مخصوص و در ضمن روغنی کردن جسد به روغن زیتون پیشنهاد میگردد

در آغاز کندن مکان یکی از افراد مجموعه سوره بقره را بخواند و شخص دیگر آب را در آن مکان بریزد

به امید خداوند رصد از بین میرود و طلسم باز میگردد سهم ما یادتان نرود

روش دوم:

استفاده از نمک درشت . وریختن آن در مکان دفینه بهتر آن است که هنگام ریختن آن سوره بقره نیز خوانده شود

در خط کشی محل های دفن دفینه فواید زیادی ذکر شده است

اولی آن عدم داخل شدن جن داخل آن خطوط است

دومین سود آن عدم خارج شدن دفینه از انجاست

دلیل این سخن آن است که در ليله الجن حضرت رسول خطی برای ابن مسعود کشید و فرمود این مکان امن گردید و کسی نمی تواند از آنجا خارج و و یا به آن داخل شود

بیهقی در کتاب الدلائل خود این موضوع را شرح داده است:

این خط که در واقع خطی است بر مکان دفینه موجب آن میشود که جن نتواند وارد آن شود و نیز دفینه نمی تواند از آنجا خارج شود مگر در یک حالت و آن این است که جن به اسفل نزول کند که در این صورت نمی توان با او کاری کرد

در اطراف خط چهار سنگ گذاشته میشود و با آب پوشیده میشود و سپس شروع به کنده کاری میگردد

اما در مورد راههای غیر شرعی از بین بردن طلسم و رصد این سخن قابل تذکر است که این طریق بر سحر و جادو است و ار است و نمی توان وسیله ای را که در آن سحر و جادو وارد شده را بکار برد از این راهها عبارتند از استفاده از ساحری که با اجنه سر و کار دارد . معلوم است که ساحر به جن نزدیک میشود تا او را در بیرون آوردن دفینه یاری کند و او اینکار را انجان نمیدهد مگر در حالتی که در مخاطب ایجاد کفر و شرک نماید از اینرو اکیدا توصیه میگردد تا به اینگونه ساحران نزدیک نشوید زیرا اگر آنها راستگو باشند در این صورت تورا فریب داده و دفینه را از تو میگیرند و و نیز امکان دارد موضع دفن دفینه غیر محروسه باشد و او اقدام به رصد آنجا کند که در نهایت به برداشتن دفینه منجر خواهد شد در هر صورت نزدیک نشدن به این جماعت ساحر کافر به صلاح است

دومین راه برای فک رصد از دفینه انجام عمل غیر شرعی همچون زناست مانند همان کاری که قوم لوط انجام دادند برای این سخن البته آیات زیادی دلالت دارد و هر کس این کار را بکند در واقع خود فاعل کار به شمار میرود و گنه کار و معصیت کار است

باید بدانیم که وقتی به سراغ کسی رفتیم و از او خواستیم که فک رصی کند از مال محرومه ای و او از ما خواست که زن و مردی آماده کنیم و از آنان بخواهیم که مانند قوم لوط عمل زنا انجام دهند باید آگاه باشیم که مقصر در این میان ما هستیم و فاعل آن کار ما هستیم و ما باید از شر آنها رهایی یافته و شرشان را بخودشان برگردانیم

از جمله راههای دیک فک رصد خونریزی در محل دفینه است که البته تو به اینکار رضایت نمیدهی که بواسطه آن وارد آتش شوی

از راههای دیگر این کار سربریدن حیوان سیاه رنگ در محل دفینه است تو در برابر اینکار راضی مشو و اینکار در واقع قربانی کردن برای شیطان است

راه دیگر که البته باطل است قرائت آیه الكرسي و ریختن آب در محل دفینه و ظاهرشدن سنگ به صورت طلاست که البته این راه نیز راه درستی نیست و باطل است و اهل آن کافر و زیانکاراند

اگر کسی امد و گفت این کلمات را بخوان تا طلسم باز شود تو آنها را مخوان چون آن کلمات در واقع یاری جستن از شیطان می باشند

آتش زدن کاغذ در محل دفینه به هدف دور کردن جن نیز یکی دیگر از راههاست که تو آن را انجام مده

ایجاد تبخیر در مکان دفینه بواسطه بخور گسترده راه دیگری است که به هدف دور کردن جن از مکان دفینه انجام میگیرد این آتش در واقع آتشی است برای نزدیکی به شیطان و تو آن را انجام مده

این افراد که از راههای غیر شرعی برای دور کردن جن از مکان دفینه استفاده میکنند دارای علامتهایی هستند که ما به بخشی از آنها اشاره میکنیم

نشانه ها عبارتند از:

از تو تقاضای بخور کند

از تو تقاضای مردی را کند که کشف میکند

میگوید من طلا بیرون میاورم

سخنهای نامفهومی بگوید

چیزی را در محل دفینه آتش زند

ابهای غیر مالوفی را ردر محل دفینه بریزد

از شما بخواهد که او را تنها بگذارید

میگویند در این مکان دفینه ای پنهان است

دستش را باز کند و سخن نامفهوم بگوید و زمانی که قران بیاورند نیز اینگونه کند

این نشانه های آنهاست

دفینه ها معمولا سه شق دارند:

دفینه عقایدی که همراه مرده گان برحسب عادات و تمدنها و سنتها دفن شده اند

اینگونه قبور از یک متر تا ۲ متر تجاوز نمیکنند

قبر هایی که بدون در نظر داشتن قانون و قواعد بنا شده اند و تنها انسانی در یک شرایط زمانی مشخص و معین مجبور شده است بصورت عجله ای مال خویش را در سوراخی دفن نماید این شخص این مال را برای خود و به تنهایی دفن کرده است نه زن و نه فرزند در کنار او نبوده اند او برای مدت کوتاهی از چشمها ناپدید و پس از دفن دفینه به خانه برگشته است

برخی دفینه ها بصورت محصون و محکم دفن شده اند در این حالات دفینه در یک بسته های سنگی محکم و خالی از هوا گذاشته میشود مانند کاسه سربسته این گونه کاسه ها با دفین یافت میشوند و چیزهایی مانند استخوان حیوانات نیز که در آنجا یافت میشود برای خالی کردن هوا بکار برده میشوند

برخی شایعات در مورد اینکه دفینه هایی توسط رصد کننده گان زنده ای در حال نگهداری هستند از انسانها همانگونه که گفتیم اینها شایعات هستند و و صحتی ندارند ما به جن اعتقاد داریم حضرت فرمود زمانی که به خانه ای متروک و یا غاری دور افتاده راهنمای افتاد بسم الله بگویید برای سلامت وارد شدن به آنجا و اذن دخول اما آنچه که از موانع برای اموال گذاشته شده و طلسم نامیده میشوند ضرری ندارد و چیزی نمیگیرد (مال سحر شده-----)

رصد بین وهم و حقیقت:

از گنجهای دفن شده به چهار شکل حمایت می شود:

۱- حمایت خداوندی به اراده باری تعالی

۲- حمایت توسط یهود

۳- حمایت توسط جن از دست کفار و اه کتاب

۴- گنجهای بدون حمایت ولی وجودشان در جایی که محل سکونت اجنه است

حمایت ربانی از برخی گنجها:

خداوند متعال فرمود: **وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا**

و اما آن دیوار متعلق به دو نوجوان یتیم در آن شهر بود، و زیر آن گنجی متعلق به آنها وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود، پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند، و گنجشان را استخراج کنند، این رحمتی از پروردگارت بود، من به دستور خود این کار را نکردم ، و این بود سر کارهایی که توانائی شکیبائی در برابر آنها نداشتی !.

امر غیر قابل انکار است بوده اند گنجهایی هیچ کس از محل وجودشان مطلع نبود و توسط خداوند حمایت می شده و این رزق خداوند به بنده گان خاصه خویش است.

اما گنج هایی که توسط یهود محافظت می شوند:

یهود که خداوند لعنتشان کند، سحر را در حفاظت از دفینه های خویش بکار برده اند آنان جن را سحر خویش در آورده اند تا از دفینه های خود در برابر دیگران محافظت نماید . این بدانگونه است که این جن مسحور از مکان دفینه حمایت می کند و حتی اگر ببیند کسی به آن نزدیک می شود جای دفینه را عوض میکند ,نوع دیگر محافظت , محافظت تخیلی است بدانگونه که کسی که به دفینه نزدیک می شود جن با تنویه به او جای دیگری را نشان می دهد و تصور می کند این نه همان جایی است که دنبالش بوده است در جریان موسی و سحر ساحران این موضوع بخوبی قابل رویت است چیزی به غیر از طبیعت آن چیز و بزرگی آن به نظر میرسد ,چاره این نوع سحرها البته کلام الله مجید و قرائت قران همراه با وضو و اخلاص است و البته این یک راه قانونی و شرعی است

گنج رصد شده توسط اجنه اهل کتاب و کفار:

در این نوع رصد اجنه از این گنج محافظت می کنند در برابر ورود و پیدا شدن آن توسط مسلمانان و این اجنه از اهل کفر و یا اهل کتاب و از امت و ملل فاسده هستند . زمانی که به دفینه ای میرسید چندین بار سعی می کنید انرا کنده و بیرون بیاورید مواجه میشوید با برخی کارها از جمله شکستن وسایل و غیره که موجب نا امیدی شما میشود این از همان نوع رصد هاست .البته این نوع رصد فقط برای مسلمانان کاربرد دارد و اگر یهودی جماعت بخواهد آن دفینه را بیرون بیاورد , آن جن به هیچ وجه با اوکاری ندارد زیرا هر دو اهل یک مسلک و مرامند در ضمن حل این رصد نیز با کتاب خدا و اذان گفتن و وضو و اخلاص است باذن الله

گنجهای غیر حفاظت شده ولی در مکانی نزدیک سکونت اجنه قرار دارند:

این از ساده ترین طلسم ها است باذن خداوند

همه ما میدانیم که اجنه محل زندگیشان خرابه ها و مکانهایی که جای زندگی انسان نیست گاهی مواقع دفینه هایی نیز در این مکانها دفن شده اند و تو زمانی که به آنجا میروی برخی صدها همچون صدای بهم خورد سنگ و... میشنوی این به معنای آن است که آنها نمی خواهند تو وارد آنجا شوی و این ربطی به دفینه ندارد راه حل این قضیه تلاوت قران و دعا و اخلاص و وضو و نماز و اذان است

حفاظت (رصد) فلکی:



که سخت ترین حفاظتهاست و انواع مختلف دارد

حفاظت فلکی ساده و کوچک:

دفینه توسط یکی از سیاره های فلکی در حال حفاظت شدن است و در واقع طلسمی وجود دارد در آن معدن که از آن موانعی از جنس آن سیاره ایجاد می شود,ضعف این طلسم با غروب سیاره و شدت آن در طلوع دوباره آن است

رصد فلکی میانه:

این نوع رصد در واقع رصدی است توسط یکی از سیاره های نحس مانند زحل از این سیاره برخی موانع همچون مارهای سرگردان و برده های شمشیر بدست صادر می شود تا از دفینه حفاظت کنند.

رصد و حفاظت بزرگ:

که قویترین رصدهاست و به رصد سلیمانی معروف است این نوع رصد در واقع رصد به انواع فلکها و سیاره ها و.... می باشد و باطل نمی شود و بدست نمی آید مگر در روز ظهور و جنگ بین دجال و مهدی منتظر

بسیاری از رصدهای ساده و کوچک و میانه بواسطه فعالیتهای طبیعی همچون زلزله و سیل و آتش فشان باطل و دفینه ها بیرون آمده اند و گاهی بواسطه انسانهای زاهد این سحرها باطل شده است اما در مورد رصد کبیر باید گفت که که باز کردن آن تقریبا غیر ممکن و سخت است و بسیاری جان خود را در آن راه از دست داده اند

در زیر از یکی از کتب و نسخه های کهن که در تعاریف و شناخت اجنه ها آورده است مطلبی را می آوریم ...امیدوارم که در شناخت نوع طلسم و حل آن مشکل شما را کمک کند.

یا قاتل الله بوالسعدات **عمر** و بن برنوع **شتر** **و من العذار**

و هو نوع اخر من المنتشیط اثر بارض یمن یا بنده و بهتاه و مصر نیز
از مردم با ایشان مجامعت کند و هر که را در یابد او را که سید او منکوح
او مدعور اگر منکوح باشد از نو نمیدشوند زیرا که قضیب او چون قرن ثور است



و چون در سوز هلاک کند

و اگر مدعور بود و سهل باشد

زیرا که ترسند باشد و چون

ترس او ساکن گردد و شجاعت

بر وی غالب آید بغایتی که مردم

از دیدن او بچو و بشوند و اگر مرد و شجاع بود بآن و بوالثقات نمکند

و من العذرات و هو نوع اخر من المنتشیط و رجز ایر کجه بود

و او بر صورت انسانی است بر پشت مرغی نشسته گوشت حیوانات



خورد که غریق شده باشد و هر

ایشان را با کنار اندازد و گویند

که یکبارگی قصد مرگی کرده اصحاب

مکب یا او حرب کردند با یکی

بکرو چنانکه جمله بیفتادند و آن

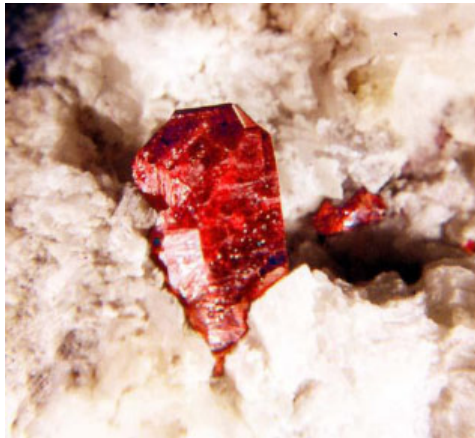
که منی است بر میگرفت

و منها الشبق و هو نوع اخر من المنتشیط صورت انسان بود

این نزد من می آورده تا من بر کرامات خود حمل کنم و از روز اول
 دانستم که این شیطان است چون این سخن گوشت در حال سراج
 منطقی شد و خوان تا بدید گشت **فصل فی تسخیر الجن**
 سلیمان علیه السلام در اجبار آورده اند که در آن زمان
 که باری تعالی جن را مسخر عزم کرد و جبرئیل عزم نداد و ایتها
 الجن و الشیاطین احو باذن الله تعالی لبنیه سلیمان بن
 داود همه از کوهها و عساکرها و وادیها و صحراها و بیشنها بیرون
 آمدند تا آنجا که سلیمان علیه السلام بود بخدمت می استاندند و
 در ایشان نگاه میکرد و از صورت اشکال و عجیب می ماند بعضی را
 سرخ و بعضی را زرد و بعضی را سپید و بعضی را سیاه اللهم البنی



جیوه قرمز (سرخ) انواع و اسرار آن:



بسیاری از افرادی که در وادی کشف گنج و دفينه ها قدم گذاشته اند، معتقدند که کميات زيادی از جواهرات در زیر زمين دفن و توسط اجنه محافظت می شوند و فک و باز کردن اين سحرها ممکن نيست مگر بواسطه برخی افراد جادو گر و دجال . اين عقیده البته به وجود چيری به نام عطارد سرخ(جيوه سرخ) نیز متصل شده است. عده ای قدرت عطارد (جيوه) سرخ را در تسخير اجنه و سرقت اموال از بانکها را نقل می کنند. ما در اینجا در مورد جيوه سرخ و واقعيتهای آن و اسرار ان سخن خواهيم گفت و داستانهايی از کسی که قبل در اين قضيه بوده است را ذکر خواهيم کرد.

حقيقت عطارد سرخ (جيوه قرمز):

گوین روبرتس محقق بریتانیایی معتقد است که عطارد سرخ برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ در مرکز دوبنا که یک مرکز تحقیقاتی اتمی است تولید شده است ،به همپیوستگی این ماده در حدود ۲۳ گرم در هر سانتیمتر مکعب است .از این رو میتوان ادعا کرد که این ماده یک ماده گرانبها و پراهمیت و حیاتی است از این ماده در تولید و ساخت بمبهای اتمی نیز استفاده می شود و گاهی برخی از افراد این ماده را به بیرون مراکز اتمی قاچاق میکنند و می فروشند تا در کارهای دیگر استفاده شود، اسم این ماده البته به برخی اصطلاحات همچون جن و شیاطین و ... نیز وصل شده است ارزش ان به میلیونها دلار می رسد و ماده ای کمیاب است.

در اعازه های دهه چهارم قرن گذشته یک شیشه که متعلق به یکی از فرماندهان ارتش در زمان حکومت خانواده ۲۷ آمون تف نخت که داخل تابوتش به علت برخی شرایط زمان حنوط شده بود یافته شد.

یک باستان شناس مصری زکی سعد در پایین مومیایی یک ماده سیال متمایل به رنگ سرخ که در این شیشه قرار گرفته بود را یافت و همچنان این شیشه به همراه آن ماده سیال بواسطه مهر و شعار حکومت مصر نگه داری می شود. این شیشه همان چیزی است که موجب بروز همه این شایعات شده است، این مقبره از قبل بحالت خود بوده و هرگز باز نشده بود زمانی که تابوت باز شد در کنار این ماده سیال وسایل مربوط به حنوط هم پیدا شد در نتیجه بسته بودن تابوت و همسانی و تخلیط وسایل حنوط و جسد این ماده سیال داخل شیشه ایجاد شده است با تحلیل آن دریافت گردید که آن ماده ۹۰ درصد سلولهای آدمی را داراست و ۷ درصد املاح معدنی و ۱۲ صدم درصد محلول صابونی یک صدم درصد اسید امونیاک و یک و ممیز ۶۵ درصد مواد تحنيط را دارا می باشد



این ماجرا باعث بروز برخی شایعات شد، حتی عده ای معتقد بودند که یکی از مقامهای برجسته مصری این شیشه را به قیمت ۲۷ میلیون دلار فروخته است در تازه ترین رویداد ها در مورد عطارده سرخ دستگیری دونفر جوان در مصر به اتهام دارا بودن عطارده بوده که در اختیار آنها دفينه هایی هم کشف شده بود و اعتقاد براین بود که بواسطه این ماده توانسته اند این دفينه را کشف کنند.

یکی از افرادی که قبلا در کار شعبده و سحر بوده حامد آدم می باشد او می گوید عطارده سرخ حقیقت دارد اجنه این عطارده را از انسان می گیرند و بجای آن مال و منال و پول و ثروت به انسان می دهند او میگوید عطارده برای اجنه این نفع را دارد که عمر آنها را طولانی و آنها را جوان میکند، ولی تاثیر این عطارده برای اجنه در صورتی است که آن از طریق انسان بدست جن برسد. در ازای این خدمتی که انسان به جن انجام میدهد جن میتواند

مالی را به او بدهد. البته این مال همان جایی است که شعبده و سحر در آنجا ورود پیدا میکند و مسئله ای بنام تنزیل بوجود می آید، مثلاً عطار در سرخ به جن داده میشود ولی جن در برابر آن برگها را تبدیل به پول میکند برای مدتی و یا زمانی طولانی و زمانی که جنی می پرسد که این همه مال را از کجا آورده ای میگوید از چاپخانه فلان بانک در کانادا. در حالی این واقعیت ندارد و برگها هستند که به شکل پول در نظر فرد مجسم شده اند.

راه های شناخت تقلبی از اصیل بودن:

البته این موضوع ربطی به دین ندارد و من این موضوع را از یک مهندس در منطقه مرزی چاد و نیجریه اموخته ام.

در مورد عطار (جیوه) برخی معتقد هستند که آن شیر گنجشک است و در حالی که صحیح نیست در مورد عطار چند روش تحقیق وجود دارد:

حرفی از طلا می نویسی و به تازی متصل می کنی دست را بلند میکنی، حرف طلایی را که در هواست به جیوه نزدیک می کنی و و آن به آن جذب می شود.

آن را در چهار ضلع درست میکنید می بینید که جیوه اصلی به شکل مربع نمود پیدا نمی کند.

از طریق لیمو و شیشه سفیدش که البته کاربردی ندارد و غیر فعال است

در ظرفی قرار داده می شود و زیرش آتش روشن می شود در صورت رسیدن درجه حرارت به یک نقطه معین جیوه جهش پیدا می کند.

راه دوم:

ولی نوعی از جیوه ای به رنگ قرمز می باشد که دارای مصارف ویژه ای می باشد. اکثراً در مصارف جنگی یا نظامی و در ساخت بمب ها و موشک ها کاربرد دارد. نوع کشت یافته به مقدار ویژه و مخصوص این ماده کیمیا قادر است سرعت مکانیسم متابولیسم سوخت و ساز سلولهای بدن را کاهش دهد و باعث جوان ماندن و باطراوت ماندن سلول های بدن و در نتیجه باعث پیر شدن خیلی دیر انسان می شود چه بسا که فرد ۸۰ سال سن داشته باشد ولی مثل جوان ۴۰ ساله به نظر می رسد. ۱ گرم این ماده کیمیاگر در حد میلیاردها می باشد.

شیادان و کلاهبرداران بسیاری با پی بردن به خصلت این ماده کیمیا گر؛ شروع به ساخت ماده جعلی و تقلبی شبیه به این ماده شدند.

نوع خصلت این ماده با تجاربی که کسب شده است جیوه قرمز خاصیت الکترومغناطیسی دارد و اگر وسایل الکتریکی مانند موبایل در کنار این ماده کیمیاگر قرار بگیرد دیگر آنتن و خط نمی دهد.

راه تشخیص این ماده پس خاصیت مغناطیسی آن بوده و دومین راه برای تشخیص اصلی بودن آن، قرار دادن یک کاسه شیر در مجاورت این ماده به مدت ۱۰ دقیقه تا یک ساعت می باشد، بطوریکه اگر جیوه قرمز اصل باشد باید در طول این مدت مجاورت شیر دچار هیچ نوع تغییر رنگ و بو نشود و اگر رنگ شیر تغییر کند از این جا پی می بریم که جیوه قرمز ما کاملاً تقلبی است. شاید به فکر شما اصلاً نمی رسید ولی باید باور کنیم که این ماده کوچک خاصیت اعجاب انگیزی دارد. راهی که اکثر افراد مطلع نیستند و ما راز این ماده کیمیاگر را برایتان برملا کردیم باشد که در دام این کلاهبرداران میلیاردی نیفتید.

قیمتهای عطار در وزن گرم (جهت اطلاع):

عطار سرخ ۲ میلیون دلار

سفید ۱ میلیون دلار

سبز یک میلیون دلار

سیاه یک میلیون دلار

عطار کاربردهایی در زمینه دریافت مال از طریق شیوخ و اسلحه و غیره دارد ولی توصیه ما این است که به جد از این ماده پرهیز شود چون از جهت بین المللی ممنوع است و نوعی اسلحه شکافنده است.